

به نام خدا
فصلنامه پژوهش حسابداری
سال هفتم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۶

فصلنامه

پژوهش حسابداری

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: علی رحمانی، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

سردبیر: شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

مدیر داخلی: پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

هیأت تحریریه:

پریسا سادات بهبهانی نیا، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

رضوان حجازی، استاد دانشگاه الزهراء (س)

سید علی حسینی، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

حمید حقیقت، دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

ولی خدادادی، دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

سید احمد خلیفه سلطانی، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

محمد کاشانی پور، دانشیار دانشگاه تهران

غلامرضا کردستانی، دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

شهناز مشایخ، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

بیبا مشایخی، دانشیار دانشگاه تهران

مهناز ملا نظری، دانشیار دانشگاه الزهراء (س)

کاوه مهرانی، دانشیار دانشگاه تهران

اعظم ولی‌زاده لاریجانی، استادیار دانشگاه الزهراء (س)

ویراستار علمی: پریسا سادات بهبهانی نیا

ویراستار ادبی: ماندانا طاهری

ویراستار انگلیسی: پرستو مصطفایی

طراح جلد: مریم صمدیان

صفحه‌آرا: خدیجه اسفندی

امور هماهنگی و اجرا: اعظم پاک خصال و خدیجه اسفندی

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده

علوم اجتماعی و اقتصادی کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن: ۸۵۶۹۲۴۲۱ و ۸۵۶۹۲۷۴۵ نمابر: ۸۸۲۵۲۱۷۸

رایانامه: jar@alzahra.ac.ir

وبگاه: <http://ijar.alzahra.ac.ir>

این فصلنامه طبق مجوز شماره ۸۹/۲۲۵۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۹/۲۸ از وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی به چاپ می‌رسد.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

تحقیق‌های ارسال‌شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیأت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که تحقیق‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم تحقیق به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل تحقیق

تحقیق در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان تحقیق ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی تحقیق ۱۲، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی‌متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی‌متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی‌نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و نمودارها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ نقطه (pt) قبل و بعد از نگاره و نمودار و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی تحقیق و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت تحقیق‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن تحقیق از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار تحقیق

۲-۱. صفحه جلد تحقیق: این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل تحقیق؛
 - نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛
 - رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛
 - در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.
-
-

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

۲-۲. **صفحه اول تحقیق:** عنوان و چکیده تحقیق به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف تحقیق، روش تحقیق، یافته‌های تحقیق، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی: www.aeaweb.org/journal/jel_class_system.html قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحه دوم تا انتهای تحقیق:** این بخش باید دربردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛
- مروری بر پیشینه (صرفاً تحقیق‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای تحقیق را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های تحقیق؛
- روش تحقیق (شامل: روش تحقیق، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛
- یافته‌های تحقیق (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های تحقیق‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با تحقیق‌ها و نظریه‌ها)؛
- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای تحقیق‌های آتی با توجه به محدودیت‌های تحقیق یا چگونگی توسعه تحقیق حاضر)؛
- فهرست منابع.
- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌های فارسی در متن تحقیق از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود. هر منبعی که در متن تحقیق به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود. در صورت نیازه توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **تحقیق:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان تحقیق. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان تحقیق. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان تحقیق. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان تحقیق. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

-فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا تحقیق‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۰/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. نمودارها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان نمودارها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است نمودارها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آن‌ها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره) ۱ () تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌ها ست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و نمودارها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در جدا اما دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

۷. سایر نکات

- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دو نقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و... نیازی به فاصله نیست، اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.

- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید.

- معادل‌های انگلیسی عناوین علمی نویسندگان به شرح نگاره زیر می‌باشد:

معادل انگلیسی

عناوین

BSc.	کارشناس
MSc. Student	دانشجوی کارشناسی ارشد
MSc.	کارشناسی ارشد
Ph. D. Student	دانشجوی دکترا
Ph. D.	دکترا
Assistant Prof.	استادیار
Associate Prof.	دانشیار
Prof.	استاد

* تحقیق‌های فرستاده شده نباید به صورت هم‌زمان به مجله‌های فارسی‌زبان دیگری در داخل و یا خارج از کشور ارسال شده باشد.

* فصلنامه از پذیرش تحقیق‌هایی که موارد شکلی و ساختاری یاد شده در راهنما در آن‌ها رعایت نشده باشد، معذور است.

* فصلنامه در ویرایش تحقیق‌ها و حذف برخی بخش‌ها، بدون تغییر در محتوای آن، آزاد است و تحقیق‌هایی را که دریافت می‌کند، باز نمی‌گرداند.

* مسئولیت صحت و سقم مطالب تحقیق به عهده نویسنده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش تحقیق‌ها

* فایل ورد را به زبان انگلیسی نام‌گذاری کنید. این نام باید شامل: نام خانوادگی نویسنده اول و تاریخ ارسال تحقیق باشد. ۱۳۹۱ تحقیق‌ها صرفاً از طریق وبگاه مجله دریافت می‌شود.

* به منظور تسریع در فرایند داوری و چاپ تحقیق، از استادان و پژوهشگران محترم تقاضا می‌شود قبل از ارسال تحقیق از ویرایش فنی و ادبی تحقیق و رعایت نکته‌هایی که در این راهنما درج شده است، اطمینان حاصل نمایند.

* تحقیق‌های تحقیقی به تحقیق‌هایی گفته می‌شود که از پروژه تحقیقاتی، رساله دکتری یا پایان‌نامه کارشناسی ارشد استخراج شده باشد.

فهرست مطالب

شناخت تأثیر نسبت استقلال هیأت‌مدیره بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس
اوراق بهادار تهران ۱
محسن حسنی

بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری و بر مبنای اقلام
واقعی ۲۱
کاوه قادری، صلاح‌الدین قادری

بررسی نقش پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) بر بهبود کیفیت گزارشگری
مالی، افزایش شفافیت اطلاعات مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ۴۱
جمال محمدی، علی خوزین

مدیریت سود افزایشی، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه ۶۱
رضیه علی‌خانی، مهدی مران‌جوری، سیده فاطمه سیدزاده

اهمیت زمینه صنعت در نوع رویه‌های حسابداری مدیریت ۸۱
هاشم ولی‌پور، هاشم کاویانی فرد

تحقیقات کیفی در مالی ۹۷
محمد آزاد

کیفیت آموزش و اعتباربخشی در دانشکده‌های کسب و کار و رشته‌ی حسابداری ۱۳۱
مهدی رضایی

خبر خوب، خبر بد، تغییرات اعضای هیأت‌مدیره و مدیر عامل ۱۵۱
وحید ملاایمنی، حامد عبدی

شناخت تأثیر نسبت استقلال هیأت‌مدیره بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محسن حسنی^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۱۹

چکیده

طبق نظریه نمایندگی، یکی از سازوکارهای مهم که برای کاهش مسایل نمایندگی موثر می‌باشد، نسبت استقلال هیأت‌مدیره است. در واقع اعضای هیأت‌مدیره مستقل ممکن است نظارت بهتری بر عملکرد فرآیند گزارشگری مالی داشته باشند. در نتیجه، هیأت‌مدیره با اعضای بیشتری که مستقل هستند، تمایل بیشتری برای افزایش نظارت دارند و بنابراین انتظار می‌رود کیفیت سود نیز افزایش یابد. هدف این مطالعه بررسی این مسئله است که آیا استقلال هیأت‌مدیره بر کیفیت سود در میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر دارد یا خیر؟ روش پژوهش مورد استفاده در این مطالعه، روش شبه تجربی با طرح پس رویدادی است. برای این منظور تعداد ۱۸۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ بررسی شده است. جهت آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چند متغیره و داده‌های تابلویی استفاده شده است. یافته‌ها بیانگر این است که نسبت استقلال هیأت‌مدیره بر کیفیت سود تأثیر مثبت دارد. در واقع در شرکتی که شفافیت اطلاعاتی دارند، سازوکار شرکتی از قبیل نسبت استقلال هیأت‌مدیره باعث افزایش کیفیت سود می‌شود.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، نسبت استقلال هیأت‌مدیره، جریان نقدی عملیاتی، مدیران

غیرموظف.

طبقه‌بندی موضوعی: G32, G34

مقدمه

اعضای هیأت‌مدیره عناصر اصلی حاکمیت شرکتی هستند که مسئول نظارت بر کیفیت، یکپارچگی گزارشات مالی و کنترل مدیران ارشد به‌عنوان نماینده سهامداران، هستند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). در این ارتباط نسبت استقلال هیأت‌مدیره به‌عنوان عامل مهمی بر توانایی آنها بر نظارت مدیران شرکتی موثر است (فیلدس و کیدز، ۲۰۰۳). بر طبق نظریه نمایندگی، یکی از سازوکارهای مهم که برای کاهش مسایل نمایندگی موثر می‌باشد، نسبت استقلال هیأت‌مدیره است. نسبت استقلال هیأت‌مدیره با ایجاد انگیزه برای عدم تبانی بین مدیران می‌تواند سود شرکت را افزایش دهد. هیأت‌مدیره به‌عنوان یکی از ارکان حاکمیت شرکتی، مهمترین عامل در کنترل و نظارت بر مدیریت شرکت و محافظت از منافع سهامداران قلمداد می‌شود. هیأت‌مدیره برای نظارت بر مدیران و مشارکت در تصمیم‌گیری، نیازمند مهارت‌های متنوع از قبیل حسابداری، بانکداری، قوانین و مقررات و همچنین ویژگی‌های خاصی از قبیل استقلال، اندازه و غیره می‌باشد (سابلی و نور، ۲۰۱۲). شواهد تجربی نشان می‌دهد که اجماعی در مورد اندازه بهینه هیأت‌مدیره وجود ندارد. گودستین (۱۹۹۴) بیان می‌کند که هیأت‌مدیره‌های کوچکتر بین ۴ الی ۶ عضو می‌توانند موثرتر باشند، زیرا به واسطه کوچک بودن، قادرند تصمیمات راهبردی و به موقع تری اتخاذ نمایند. تعداد اعضای هیأت‌مدیره باید محدود باشد تا امکان بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل و مشکلات شرکت مهیا گردد. هیأت‌مدیره‌های بزرگتر از قدرت کمتری برخوردارند. در این گونه هیأت‌مدیره‌ها، توافق و اجماع در مورد یک موضوع خاص بسیار دشوار است (گرین، ۲۰۰۵). از طرف دیگر عده‌ای بر این عقیده‌اند که اندازه هیأت‌مدیره باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا در بر دارنده طیفی از مهارت‌ها و تجارب افراد گوناگون باشد (گراهام و تورکن، ۲۰۰۶). در واقع اندازه هیأت‌مدیره به‌عنوان عامل با اهمیتی در تبیین ویژگی‌های هیأت‌مدیره مطرح است. تعداد بهینه اعضای هیأت‌مدیره باید به گونه‌های تعیین شود که نسبت به این موضوع که اعضای کافی برای پاسخگویی به وظایف هیأت‌مدیره و انجام وظایف مختلف هیأت‌مدیره وجود دارد، اطمینان خاطر حاصل شود (حساس یگانه، ۱۳۸۷).

شواهد تجربی حاکی از آن است که هیچ گونه اتفاق نظری در خصوص اندازه بهینه هیأت‌مدیره وجود ندارد. پژوهش زهرا و پیرس (۱۹۸۹) نیز حاکی از آن است که هیأت‌مدیره

بزرگ‌تر موجب افزایش قابلیت نظارت بر فعالیت‌های مدیران ارشد می‌شود، اما اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره از طریق نظارت بر مدیران موظف، بر روی تصمیمات آنان نظارت دارند. در نتیجه ترکیب هیأت‌مدیره می‌تواند بر عملکرد مالی شرکت‌ها اثر گذار باشد و در صورتی که اکثریت اعضای هیأت‌مدیره را مدیران مستقل غیرموظف تشکیل دهد، هیأت‌مدیره از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود.

اثر بخشی تفکیک تصمیم‌گیری توسط مدیریت و کنترل توسط هیأت‌مدیره از آنجا نشأت می‌گیرد که مدیران غیرموظف به دلیل منافعشان حاضر به تبانی با مدیران اجرایی نمی‌باشند. از آنجا که مدیران غیرموظف اکثراً در سایر شرکت‌ها دارای سمت‌های اجرایی مدیریت یا تصمیم‌گیری می‌باشند، انگیزه بالایی برای کسب شهرت به عنوان تخصص امر تصمیم‌گیری و برخورداری از فرصت‌های شغلی بهتر در آینده دارند. عدم همسویی انگیزه مدیران برای استفاده از ثروت مالکان برای منافع شخصی خویش با انگیزه مدیران غیرموظف برای کسب شهرت، باعث بهبودی نظارت بر مدیریت شرکت شده و کاهش هزینه‌های نمایندگی را در پی خواهد داشت (فاما، جنسن، ۱۹۸۳). فاما و جنسن (۱۹۸۳) به این نتیجه رسیدند که دانش و تجربه اعضای غیرموظف می‌تواند بر بهبود عملکرد شرکت موثر باشد. براساس پیشنهاد نظریه نمایندگی، حضور اعضای غیرموظف در هیأت‌مدیره باعث اثربخشی نظارت بر مدیریت و افزایش عملکرد شرکت می‌شود (آلوز، ۲۰۱۴).

توجه حرفه حسابداری بر محور این هدف استوار است که سود خالص گزارش شده، عملکرد عملیاتی واحد تجاری را به طور منصفانه منعکس نماید، اما کاربرد سود گزارش شده در علوم دیگر به منظور تحقق اهداف خاص دیگری است. به عنوان مثال، تحلیلگران مالی کیفیت سود را به این منظور ارزیابی می‌کنند که یک سطح مربوط از سود را تعیین نمایند و سود خالص آتی را پیش‌بینی کنند و در نتیجه قیمت سهام یک شرکت را مشخص نمایند (دیچو و دیچو، ۲۰۰۲). در موضوع کیفیت سود، محتوای اطلاعاتی اجزای تشکیل دهنده و سایر عوامل مرتبط با آن مطرح می‌شود، به طوری که پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی و در نتیجه تعیین ارزش سهام تسهیل می‌گردد (ریچاردسون، ۲۰۰۴). بر این اساس سوال مطرح در این مقاله این است که نسبت استقلال هیأت‌مدیره چه تأثیری بر کیفیت سود شرکت‌ها دارد؟ و آیا لزوماً خصوصیات هیأت‌مدیره می‌تواند بر خروجی مالی شرکت تأثیرگذار باشد؟ بر اساس سیستم حاکمیت شرکتی

مناسب، وظیفه و نقش اساسی اعضای هیئت مدیره این است که بر اعمال مدیریت شرکت نظارت داشته و به سهامداران شرکت این تضمین را بدهند که مدیریت در جهت منافع آنها عمل می‌کند (فان و روی، ۲۰۰۲). در صورتی که اعضای هیئت مدیره، مستقل باشند، آنها کمتر به وظیفه و نقش اصلی خود در شرکت به عنوان عضو هیئت مدیره، یعنی نظارت بر مدیران اجرایی و کنترل آن می‌پردازند و این نقش اساسی در شرکت کم رنگ‌تر می‌شود (جوردن، ۲۰۱۰). همین مسئله چالشی است که این پژوهش قصد پاسخ به آن را دارد. بنابراین در این مطالعه، ما قصد داریم شواهدی را در مورد تأثیر نسبت استقلال هیئت مدیره بر کیفیت سود در میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بیابیم.

پیشینه پژوهش

دیسندر (۲۰۱۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «ویژگی‌های هیئت مدیره و کیفیت سود»، نتیجه گرفت که کیفیت سود و نسبت استقلال هیئت مدیره زمانی که مالکیت پراکنده است، مکمل هم هستند. در این مقاله به مالکیت متمرکز و ترکیب هیئت مدیره در نظارت بر مدیریت و جانشین‌های مناسب آن اشاره دارد. تجزیه و تحلیل اضافی نشان داد که بین ترکیب اعضای هیئت مدیره (استقلال و دوگانگی مدیرعامل) و کیفیت سود ارتباط وجود دارد. همچنین، نتایج تأثیر بیشتر ویژگی‌های هیئت مدیره بر کیفیت سود را برای شرکت‌ها که از طریق خانوادگی و شرکت‌های غیرمالی نسبت به شرکت‌هایی که از طریق بانک، کنترل می‌شوند، نشان داد.

سانتانامیترا (۲۰۱۴) در تحقیق خود به بررسی رابطه عملی بین ویژگی‌های مالکیت و کیفیت سود پرداخت. نتایج او نشان داد که بین انتشار سهام مالکیت نهادی (کم‌تر از ۵ درصد) و کیفیت سود رابطه مثبت و معنادار و رابطه منفی معنادار بین مالکیت سهام‌دار نهادی (بیشتر از ۵ درصد) و کیفیت سود وجود دارد. در نهایت او نشان داد که بین سهام مالکیت مدیریتی و کیفیت سود رابطه منفی وجود دارد.

استوارت و کنت (۲۰۱۳) در تحقیق خود رابطه بین کیفیت سود خارجی، و ویژگی‌های سود را بررسی کردند. آنها نتیجه گرفتند رابطه معنادار مثبتی بین میزان کیفیت سود و وجود استقلال در هیئت مدیره، وجود دارد. آنها نتیجه گرفتند که رابطه معناداری بین نسبت استقلال هیئت مدیره، وجود دارد. تجزیه و تحلیل اضافی نشان داد که تخصص با کیفیت سود زمانی که

استقلال و تعداد جلسات کمیته حسابرسی پایین است، رابطه دارد. نتایج تحقیق سابیلی و همکاران (۲۰۱۲) بیان می‌کند در صناعی با رقابت بازار محصول شدید، نقش نظارت هیأت مدیره بسیار کم‌رنگ‌تر از نقش ابتکاری و اجرایی هیأت مدیره است. آنان استدلال می‌کنند در صناعی با بازارهایی که سطح رقابت در آن ضعیف است، اطلاعات محرمانه زیادی وجود دارد، بنابراین نسبت استقلال هیأت مدیره به‌عنوان پیش شرط لازم برای تداوم بلند مدت یک شرکت در بازار رقابت، ضعیف است. کارونا (۲۰۱۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که ارتباط مثبتی میان رقابت بازار و مدیریت سود اندازه گیری شده از طرق ارقام تعهدی و همچنین دستکاری فعالیت‌های واقعی وجود دارد.

فیرث (۲۰۱۰) به بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت سود در بازار نیوزلند برای شرکت‌های تولیدی پرداخت و نشان داد متغیر نسبت استقلال هیأت مدیره برای تفاوت مقطعی در کیفیت سود به شمار می‌روند. توانایی کنترل بها به عنوان معیاری برای سودآوری معنی‌دار نبود. فیرث هیچ شواهدی مبنی بر وجود صرف (مازاد) حق‌الزحمه در شرکت‌های بزرگ حسابرسی پیدا نکرد. رایچاردسون و همکاران (۲۰۰۴) بیان می‌کنند که رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره از جمله اندازه آن با عملکرد شرکت می‌تواند تحت تأثیر رقابت بازار محصول قرار بگیرد. در واقع آنان اعتقاد دارند در صناعی که رقابت بازار محصول بیشتر است، نقش نظارتی و کنترل هیأت مدیره اهمیت کمتری پیدا می‌کند.

قربانی و همکاران (۱۳۹۳) معتقدند که رقابت در بازار محصول دارای اثر راهبردی است و رابطه معنادار U شکلی با کیفیت افشای اطلاعات دارد؛ اما در خصوص اثر حاکمیتی، نتایج بیانگر این است که درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره رابطه معناداری با کیفیت افشا ندارد و رقابت در بازار محصول نیز باعث بهبود و تقویت رابطه بین این دو متغیر نمی‌شود. سیرانی و سیف قلی (۱۳۹۳) تأثیر رقابت بازار محصول و راهبری شرکتی بر سیاست‌های نگهداشت وجه نقد را بررسی کردند. نتایج نشان داد که ادعای مطرح شده تنها در خصوص اندازه هیأت مدیره، عینیت دارد و در خصوص سازوکارهای مالکیت نهادی و نسبت استقلال هیأت مدیره، نتایج مورد انتظار محقق نشد.

محمود آبادی و ابراهیمی (۱۳۹۳) تأثیر رقابت بازار محصول بر پرداخت سود سهام را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنان نشان داد بین شاخص هرفیندال هیرشمن با نسبت سود سهام پرداختی

به دارایی‌ها و نسبت سود پرداختی به فروش رابطه منفی و غیر معنادار و بین شاخص هرfindal هیرشمن با نسبت سود سهام پرداختی به سود خالص و سود نقدی هر سهم رابطه معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، هر چقدر رقابت در طبقه صنعت بیشتر باشد، سود سهام پرداختی بیشتر خواهد بود. نیکبخت و همکاران (۱۳۸۹) رابطه میان ویژگی‌های هیأت‌مدیره و عملکرد شرکت را بررسی نمودند. در این پژوهش، رتبه عملکرد شرکت‌ها براساس ۵ عامل رشد درآمد، رشد سود عملیاتی، رشد سود خالص، بازدهی دارایی‌ها و بازدهی حقوق صاحبان سهام محاسبه شده است. همچنین اندازه شرکت و اهرم مالی نیز به عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد هیأت‌مدیره در بازار سرمایه ایران تأثیر معناداری بر عملکرد شرکت ندارد.

قالیباف و رضایی (۱۳۸۷) تأثیر ترکیب هیأت‌مدیره بر عملکرد شرکت‌های بورسی را بررسی نمودند. در این تحقیق نسبت اعضای غیرموظف در هیأت‌مدیره، به عنوان متغیر مستقل، معیار ترکیب هیأت‌مدیره است و عملکرد شرکت به عنوان متغیر وابسته از طریق معیارهای همچون نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، حاشیه سود خالص، حاشیه سود ناخالص، متوسط رشد فروش و متوسط رشد سود خالص اندازه‌گیری شده است. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد بین نسبت اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره و هیچ یک از معیارهای عملکرد شرکت رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه‌های تحقیق

بر اساس ادبیات تجربی بررسی شده فرضیاتی به شرح زیر ارائه که بر اساس مدل رگرسیونی تخمین و برآورد انجام شده است.

۱. نسبت استقلال هیأت‌مدیره بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

۲. جریان نقدی عملیاتی بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

۳. جریان‌های سرمایه‌گذاری بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل شده و قلمرو زمانی تحقیق به صورت یک دوره ۵ ساله از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ تعریف شده است. همچنین، نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک انتخاب شده است. پس از بررسی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در دوره تحقیق و اعمال شرایط ذیل بر روی آن‌ها در نهایت تعداد ۱۸۵ شرکت به عنوان نمونه تحقیق باقی ماند که به شرح نگاره ۱ می‌باشد.

نگاره (۱): نمونه تحقیق

تعداد	توضیحات
۴۷۳	کلیه شرکت‌های بورسی
-۸۶	شرکت‌های حذف شده از بورس*
-۵۷	شرکت‌های واسطه‌گری و خدماتی
-۶۷	شرکت‌هایی که بعد سال مالی ۱۳۹۱ وارد بورس شده‌اند
-۵۶	شرکت‌هایی که پایان سال مالی غیر از ۲۹ اسفند داشتند
-۲۲	شرکت‌هایی که عدم دسترسی به اطلاعات آنها وجود داشت
۱۸۵	جامعه آماری تحقیق

* شرکت‌هایی که طی یک دوره چند ساله به دلیل فقدان شرایط بورس مانند زیان دهی مداوم، تخطی از قوانین و غیره، از لیست شرکت‌های بورس اوراق بهادار حذف شده‌اند.

مدل تحقیق

در پژوهش حاضر برای آزمون فرضیات تحقیق از رابطه رگرسیونی (۱) استفاده شده است (آلوز، ۲۰۱۴).

$$EQ_{it} = \alpha_0 + \beta_1 (BI_{it}) + \beta_2 (CFO_{it}) + \beta_3 (IO_{it}) + \beta_4 (FL_{it}) + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

متغیر وابسته

کیفیت سود (EQ): در این پژوهش اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخص مهمی از کیفیت سود در نظر گرفته شده است. اقلام تعهدی شاخص مهمی برای تشخیص کیفیت سود است و در ارزشیابی سهام کاربرد دارد. نقش اقلام تعهدی در تغییر یا اصلاح شناسایی جریان‌های نقد است و مبالغ تعدیل شده (سود تعدیلی) طبق بیانیه مفاهیم حسابداری شماره یک معیاری بهتر برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت است. به هر حال، اقلام تعهدی اغلب بر مبنای فرض‌ها و برآوردهایی است که اگر اشتباه باشد باید در اقلام تعهدی و سود آتی اصلاح شود. بنابراین، کیفیت اقلام تعهدی و سود با توجه به اندازه خطاهای برآورد آنها کاهش می‌یابد. برای محاسبه متغیر مذکور از رابطه زیر استفاده خواهد شد (مدل جونز، ۱۹۸۵).

$$\frac{TA_t}{A_{t-1}} = a_1(1/A_{t-1}) + a_2(\Delta REV_t/A_{t-1}) + a_3(PPE_t/A_{t-1})$$

متغیر کنترلی

اهرم مالی (FL): در این مقاله اهرم مالی نماینده ریسک مالی شرکت می‌باشد و برابر است با تقسیم مجموع بدهی‌ها بر مجموع دارایی‌ها. برای اندازه‌گیری متغیر مذکور از رابطه (۲) استفاده می‌شود.

$$FL = \left(\frac{\text{Total dept}}{\text{market value of assets}} \right) \quad (2)$$

که در این رابطه:

FL	اهرم مالی شرکت
Total dept	کل بدهی‌های شرکت
market value of assets	ارزش بازار دارایی‌ها

متغیرهای مستقل

جریان نقدی عملیاتی: جریان نقدی عملیاتی در علم اقتصاد به ورود و خروج نقدینگی در یک تجارت، کسب و کار، پروژه صنعتی و یا اقتصادی گفته می‌شود. جریان نقدی عملیاتی معمولاً در یک دوره زمانی محدود محاسبه می‌شود. با آنکه روش استاندارد محاسبات مربوط

به هزینه و درآمد در یک سامانه حسابداری است، ولی مفاهیم حسابداری، اغلب نشان‌دهنده واقعیت‌های اقتصادی آن سامانه نیستند. بنابراین این متغیر از صورت جریان وجه نقد استخراج و بر اساس میانگین جمع دارایی‌های شرکت، همگن شده است.

جریان‌های سرمایه‌گذاری: مدیرانی که به منافع سهامداران پای بند نیستند، زمانی که رشد شرکت کند یا معکوس می‌شود، صورت‌های مالی را به غلط اظهار می‌کنند تا ظاهر رشد مداوم شرکت را حفظ نمایند. ارقام تعهدی اختیاری برای رسیدن به این هدف، ابزار مناسبی است. در واقع جریان‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند تأثیر منفی بر کیفیت سود بوسیله مدیریت سود داشته باشد. نحوه محاسبه جریان‌های سرمایه‌گذاری عبارت است از نسبت حقوق صاحبان سهام بر بازده حقوق صاحبان سهام (دانشنامه جهانی^۱، ۲۰۱۵). که از رابطه (۳) استفاده می‌شود.

$$IO = \frac{SE}{ROE} \quad (۳)$$

که در این رابطه:

IO	جریان‌های سرمایه‌گذاری
SE	حقوق صاحبان سهام
ROE	بازده حقوق صاحبان سهام

نسبت استقلال هیأت مدیره (BI): عضو غیرموظف (مستقل) حضور فیزیکی در شرکت ندارند و فقط در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کند. اعضای مذکور سهامداران شرکت بوده و بجز رابطه مدیریت، ارتباط کاری دیگری با شرکت ندارند. رابطه اعضای غیرموظف با شرکت به هیچ وجه رابطه استخدامی نیست و چنانچه هر یک از آنها از عضویت هیئت مدیره مستعفی یا معزول یا به هر علت دیگری برکنار گردند، نمی‌توانند بابت عضو مذکور به مراجع مشمول قانون کار رجوع کنند و صرفاً حق حضور می‌گیرند (آلوز، ۲۰۱۴). در این پژوهش نسبت استقلال هیأت مدیره از طریق تقسیم اعضای غیرموظف به کل اعضای هیأت مدیره بدست می‌آید. که از رابطه (۴) استفاده می‌شود.

$$BI = \frac{NED}{TB} \quad (۴)$$

که در این رابطه:

BI	نسبت استقلال هیأت مدیره
----	-------------------------

NED
اعضای غیر موظفTB
کل اعضای هیأت مدیره**آمار توصیفی**

در نگاره (۲) به ازای متغیرهای مدل، شاخص هایی از قبیل حد پایین و بالای دامنه تغییرات، میانگین، انحراف معیار، ضریب کشیدگی، ضریب چولگی، میانه متغیرها نمایش داده شده است. کجی و کشیدگی مقیاس ها مورد بررسی قرار گرفت تا چنانچه مقیاس ها کجی و کشیدگی زیادی داشته باشند، از روش های تبدیل داده ها برای تعدیل آنها استفاده گردد.

نگاره (۲): آمار توصیفی متغیرها

متغیرهای مدل	کیفیت سود	نسبت استقلال هیأت مدیره	جریان نقدی عملیاتی	جریان های سرمایه گذاری	اهرم مالی
تعداد نمونه	۹۲۵	۹۲۵	۹۲۵	۹۲۵	۹۲۵
میانگین	۰/۱۲۶	۰/۰۰۰	-۲/۷۹۶	-۰/۰۴۹	-۰/۱۴۷
میانه	-۰/۰۸۵	۰/۰۳۰	-۲/۸۷۰	۰/۰۳۰	۰/۰۰۰
حداکثر دامنه	۲/۸۸۲	۲/۶۲۰	۲/۸۳۰	۲/۰۴۰	۲/۲۹۰
حداقل دامنه	-۲/۷۸۸	-۲/۸۱۰	-۹/۸۰۰	-۵/۲۶۰	-۵/۵۵۰
انحراف معیار	۱/۰۵۵	۱/۰۰۰	۲/۳۸۰	۱/۰۳۹	۱/۰۴۷
ضریب چولگی	۰/۱۱۷	-۰/۲۳۷	-۰/۰۹۸	-۰/۸۰۹	-۱/۳۹۲
ضریب کشیدگی	۰/۸۴۵	۰/۸۹۲	۰/۹۱۰	۰/۳۸۸	۰/۲۴۷

اگر کجی و کشیدگی مقیاس ها کمتر از ۱۲۱ باشد، نیازی به تبدیل مقیاس ها نیست و ادامه روند تحلیل با این مقیاس ها، خللی در نتایج ایجاد نمی کند (گارسن، ۲۰۰۲). چنانچه در نگاره (۲) دیده می شود، همه مقیاس ها در پژوهش حاضر از کجی و کشیدگی کمتر از ۱۲۱ برخوردار بودند؛ این نشان از آن دارد که مقیاس های به کار رفته به لحاظ کجی و کشیدگی در نمونه مورد مطالعه مشکلی ندارند.

نگاره (۳): ضریب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱	کیفیت سود	۱/۰۰۰				
۲	نسبت استقلال هیات مدیره	**۰/۷۸۷	۱/۰۰۰			
	P-مقدار	۰/۰۰۰				
۳	جریان نقدی عملیاتی	**۰/۵۰۰	**۰/۴۳۶	۱/۰۰۰		
	P-مقدار	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
۴	جریان‌های سرمایه‌گذاری	**۰/۰۹۸	**۰/۰۹۲	*-۰/۱۰۶	۱/۰۰۰	
	P-مقدار	۰/۰۱۳	۰/۰۱۰	۰/۰۰۳		
۵	اهرم مالی	*۰/۰۷۸	*۰/۰۶۵	**۰/۱۱۰	۰/۰۲۴	۱/۰۰۰
	P-مقدار	۰/۰۳۰	۰/۰۷۲	۰/۰۰۲	۰/۴۹۲	
** معنی داری در سطح خطای ۱٪ (سطح اطمینان ۹۹٪).						
* معنی داری در سطح خطای ۵٪ (سطح اطمینان ۹۵٪).						

بررسی روابط چند هم خطی

جهت تشخیص چند هم خطی در تحلیل رگرسیون نیز از آزمون عامل تورم واریانس^۲ استفاده شد. در آزمون عامل تورم واریانس مقدار به دست آمده نباید بالای ۱۰ باشد. همانطور که در نگاره (۴) ملاحظه می‌گردد. نتایج نشان می‌دهد که از مقادیر ملاک تخطی صورت نگرفته و احتمال چند هم خطی بودن رد می‌گردد.

نگاره (۴): بررسی چند هم خطی متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل*	عامل تورم واریانس
نسبت استقلال هیات مدیره	۱/۵۴۶
جریان نقدی عملیاتی	۱/۱۹۳
جریان‌های سرمایه‌گذاری	۱/۱۲۳
اهرم مالی	۱/۰۰۳
* متغیر وابسته: کیفیت سود	

آزمون کولموگروف اسمیرنوف

پس از بررسی عادی یا نرمال بودن کشیدگی و یا چولگی توزیع داده‌ها، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده می‌شود تا از نرمال بودن داده‌ها اطمینان حاصل گردد. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیرهای تحقیق در نگاره (۵) ارائه شده است، و نشان دهنده نرمال بودن داده‌ها می‌باشد.

نگاره (۵): نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف متغیرهای تحقیق

متغیرها	ضریب آزمون	سطح معناداری
کیفیت سود	۳۴/۹۴۵	۱/۳۴
نسبت استقلال هیأت‌مدیره	۲۳/۹۳۴	۱/۰۳
جریان نقدی عملیاتی	۲/۰۶۱	۱/۶۷
جریان‌های سرمایه‌گذاری	۱/۵۶۴	۱/۳۴
اهرم مالی	۰/۳۴۴	۱/۲۹

آزمون چاو

برای تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آن‌ها از آزمون چاو و آماره ی F لیمر استفاده شده است.

نگاره (۶): نتایج آزمون چاو

نوع آزمون	آماره فیشر مقطعی	سطح معناداری	مدل مورد استفاده
چاو ^۲	۲۳/۱۳۶	۰/۰۰۰	پانلی

همان گونه که در نگاره (۶) می‌شود، نتایج آزمون چاو، نشان می‌دهد احتمال به دست آمده برای آماره ی F کم‌تر از ۵ درصد است، پس برای آزمون این فرضیه، داده‌ها به صورت پانلی (تلفیقی) مورد استفاده قرار گرفته است اکنون برای تعیین این که برای تخمین پارامترهای مدل، از مدل اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده شود از آزمون هاسمن استفاده شده که نتایج حاصل از این آزمون در نگاره (۷) ارائه شده است.

آزمون هاسمن

در صورتی که نتایج آزمون هاسمن^۴، مبنی بر به کارگیری داده‌ها به صورت داده‌های پانلی شود می‌بایست برای تخمین مدل پژوهش از یکی از مدل‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده شود. برای انجام این آزمون پس از اجرای تخمین‌های مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی، برای مقایسه‌ی این دو مدل آزمون هاسمن را اجرا می‌کنیم.

نگاره (۷): نتایج آزمون هاسمن

نوع آزمون	آماره هاسمن	سطح معناداری	نتیجه‌گیری
هاسمن	۶۵/۳۲۲	۰/۰۰۰	مدل اثرات ثابت

همانطور که در نگاره (۷) مشاهده می‌شود و از آن جا که معناداری آزمون هاسمن کوچکتر از ۰/۰۵ شد، بنابراین فرض صفر آزمون هاسمن رد می‌شود و باید برای تخمین پارامترهای معادله‌ی رگرسیون چند متغیره‌ی پژوهش، از مدل اثرات ثابت استفاده کرد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتایج آزمون، برای فرضیه‌های پژوهش در نگاره (۸) ارائه شده است.

نگاره (۸): نتایج برآورد مدل تحقیق (رگرسیون چند متغیره)

متغیر وابسته (کیفیت سود)			متغیر مستقل
P-value	آماره t	ضریب (β)	
۰/۰۰۰	**۷/۶۳۴	۰/۱۴۶	عرض از مبدا (C)
۰/۰۰۰	**۴۴/۸۸۰	۰/۹۸۰	نسبت استقلال هیات مدیره
۰/۳۹۲	۰/۸۵۵	۰/۰۰۵	جریان نقدی عملیاتی
۰/۶۷۸	۰/۴۱۴	۰/۰۰۳	جریان‌های سرمایه‌گذاری
۰/۰۱۵	**۲/۴۱۹	۰/۰۲۷	اهرم مالی
	۰/۹۷۳		ضریب تعیین تعدیل شده
	۱/۳۲۹		آماره دوربین واتسون
	**۲۴۵/۰۴۵		آماره F
	۰/۰۰۰		سطح معناداری آماره F

** معنی داری در سطح خطای ۱٪ (سطح اطمینان ۹۹٪).

* معنی داری در سطح خطای ۵٪ (سطح اطمینان ۹۵٪).

همان طور که در نگاره (۸) مشاهده می شود، مقدار آماره F برای مدل برابر با $245/045$ و سطح معناداری کمتر از یک درصد است ($P < 0/01$) که نشان می دهد در سطح اطمینان 99% ، مدل رگرسیون خطی از نظر آماری معنی دار است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده فرضیه اول برابر است با $0/973$. در واقع این بدان معنا است که حدود 98% درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل تعیین می گردد. با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده می توان بیان نمود که مدل رگرسیونی از برازندگی قابل قبولی برخوردار است.

فرضیه اول: نسبت استقلال هیأت مدیره بر کیفیت سود، تأثیر دارد.

همان طور که در نگاره (۸) مشاهده می شود، سطح معناداری برای متغیر نسبت استقلال هیأت مدیره با توجه به مقدار آماره t ($t = 44/880$) و بیشتر بودن قدرمطلق آن از مقدار بحرانی سطح خطای معنی داری $1/1$ ، ($2/581 > |44/880|$)، به این نتیجه می رسیم که متغیر نسبت استقلال هیأت مدیره با متغیر کیفیت سود یک درصد در نظر گرفته شد. در واقع به این نتیجه می رسیم نسبت استقلال هیأت مدیره بر کیفیت سود تأثیر دارد. در این مرحله باید ضریب متغیر وابسته بررسی شود تا جهت تأثیر آن بر متغیر وابسته مشخص گردد. با توجه به نتایج، ضریب متغیر نسبت استقلال هیأت مدیره برابر است با $\beta = 0/146$ که نمایانگر تأثیر مستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. در واقع به این نتیجه می رسیم که با افزایش متغیر نسبت استقلال هیأت مدیره، متغیر کیفیت سود نیز افزایش می یابد. در نهایت فرضیه تأیید شده بصورت زیر نهایی می گردد: «نسبت استقلال هیأت مدیره بر کیفیت سود، تأثیر دارد.»

فرضیه دوم: جریان نقدی عملیاتی بر کیفیت سود، تأثیر دارد.

با توجه به نگاره (۸)، سطح معناداری برای متغیر جریان نقدی عملیاتی با توجه به مقدار آماره t ($t = 0/885$) و کمتر بودن قدرمطلق آن از مقدار بحرانی سطوح معنی داری، به این نتیجه می رسیم که متغیر جریان نقدی عملیاتی بر کیفیت سود تأثیر ندارد، و در نتیجه فرضیه H_0 تأیید می شود و فرض H_1 رد می شود.

فرضیه سوم: جریان های سرمایه گذاری بر کیفیت سود، تأثیر دارد.

همان طور که در نگاره (۸) مشاهده می شود، سطح معناداری برای متغیر جریان های سرمایه گذاری با توجه به مقدار آماره t ($t = 0/414$) و کمتر بودن قدرمطلق آن از مقدار بحرانی

سطوح معنی داری، به این نتیجه می‌رسیم که متغیر جریان‌های سرمایه‌گذاری بر متغیر کیفیت سود تأثیر ندارد، و در نتیجه فرضیه H0 تأیید می‌شود و فرض H1 رد می‌شود.

نتیجه‌گیری

فرضیه اول تحقیق بیان داشت نسبت استقلال هیات‌مدیره بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد نتایج تحقیق به تأیید فرضیه انجامید.

اعضای غیرموظف هیات‌مدیره از طریق نظارت بر مدیران موظف، بر روی تصمیمات آنان نظارت دارند. در نتیجه ترکیب هیات‌مدیره می‌تواند بر عملکرد مالی شرکت‌ها اثرگذار باشد. در صورتی که اکثریت اعضای هیات‌مدیره را مدیران مستقل غیرموظف تشکیل دهد، هیات‌مدیره از کارایی بیش‌تری برخوردار خواهد بود. تئوری نمایندگی برای افزایش استقلال هیات‌مدیره از مدیریت، از این ایده پشتیبانی می‌کند که هیات‌مدیره می‌بایست تحت اختیار مدیران بیرونی (غیر اجرایی) باشد، زیرا رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت باید توسط مدیران غیراجرایی شرکت تحت کنترل و نظارت باشد. وجود چنین مدیرانی می‌تواند کیفیت تصمیمات مدیریت را تحت تأثیر قرار داده و راهکارهای مناسب که باید توسط مدیریت انجام شود تا عملکرد شرکت بهبود یابد را در اختیار وی قرار می‌دهد (بکتاس، کایمک، ۲۰۰۹؛ کلمن، ۲۰۰۷). در واقع شرکت‌های با کیفیت سود بالاتر از دید سرمایه‌گذاران شفاف‌تر بنظر می‌آیند (هاج، ۲۰۰۳) و می‌توان به رابطه بین تأثیر کیفیت سود و سطح نسبت استقلال هیات‌مدیره پی برد (بوشمن و همکاران، ۲۰۰۴). اگر شرکت‌ها شفاف‌تر عمل کنند، نیاز به نظارت کمتر و اعضای غیر مستقل دارند. در هر صورت، در شرکتی که شفافیت اطلاعاتی دارند، سازوکار شرکت از قبیل نسبت استقلال هیات‌مدیره باعث افزایش کیفیت سود می‌شود (دیمیتری پلوس و استریو، ۲۰۱۰). آدام و همکاران (۲۰۱۰) و بوشمن (۲۰۰۹) همچنین در مورد تأثیر نسبت استقلال هیات‌مدیره و نظر مدیریت بر کیفیت سود بحث کرده‌اند. این فرضیه در تحقیقات متعددی از جمله آدام و همکاران (۲۰۱۰) و بوشمن (۲۰۰۹) مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه دوم تحقیق بیان داشت که جریان نقدی عملیاتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد؛ نتایج تحقیق به رد فرضیه انجامید.

مدیرانی که به منافع سهامداران پای بند نیستند، زمانی که رشد شرکت کند یا معکوس می‌شود، صورت‌های مالی را به غلط اظهار می‌کنند تا ظاهر رشد مداوم شرکت را حفظ نمایند (سامر و سویی، ۱۹۹۸). اقلام تعهدی اختیاری برای رسیدن به این هدف، ابزار مناسبی است. در واقع جریان‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند تأثیر منفی بر کیفیت سود بوسیله مدیریت سود داشته باشد. یانگ و همکاران (۲۰۱۰) رابطه منفی بین کیفیت سود و رشد جریان‌های سرمایه‌گذاری شرکت را گزارش کردند. پارک و شین (۲۰۰۴) و چن و همکاران (۲۰۱۱) نیز به همین نتیجه دست یافتند که با نتیجه تحقیق حاضر همسو بود.

فرضیه سوم تحقیق بیان داشت که جریان‌های سرمایه‌گذاری بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد که نتایج تحقیق به رد فرضیه انجامید.

جریان‌های سرمایه‌گذاری نیز از متغیرهای دیگر پژوهش حاضر است. براساس نتایج تحقیق بین جریان‌های سرمایه‌گذاری و کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مستقیم و معنادار وجود ندارد. دچو و همکاران (۱۹۹۵) نشان دادند که جریان نقدی عملیاتی بر اقلام تعهدی اختیاری بر اندازه کیفیت سود موثر است. حقیقت و همان ارتباط بین کیفیت اقلام تعهدی و سود را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان داده است که کیفیت اقلام تعهدی تنها تحت تأثیر متغیرهای اندازه شرکت، سود و فروش قرار دارد و بین کیفیت اقلام تعهدی با فروش، استمرار سود، اندازه شرکت، جریان نقد عملیاتی و سود رابطه معنی دار مثبت وجود دارد. اقلام تعهدی شاخص مهمی برای تشخیص کیفیت سود است و در ارزشیابی سهام کاربرد دارد. نقش اقلام تعهدی در تغییر یا اصلاح شناسایی جریان‌های نقد است و مبالغ تعدیل شده (سود تعدیلی) طبق بیانیه مفاهیم حسابداری شماره یک معیاری بهتر برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت است. به هر حال، اقلام تعهدی اغلب بر مبنای فرض‌ها و برآوردهایی است که اگر اشتباه باشد باید در اقلام تعهدی و سود آتی اصلاح شود. بنابراین، کیفیت اقلام تعهدی و سود با توجه به اندازه خطاهای برآورد آنها کاهش می‌یابد. جیانگ و همکاران (۲۰۰۸)، پنسل و همکاران (۲۰۰۰) و یانگ و همکاران (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با جریان نقدی عملیاتی قوی، از کیفیت سود بالاتری برخوردارند. بر همین اساس نتیجه مذکور با نتایج مطالعات جیانگ و همکاران (۲۰۰۸)، پنسل و همکاران (۲۰۰۰) و یانگ و همکاران (۲۰۰۸) همسو نبود.

پیشنادهای کاربردی

با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهادهای در ادامه عنوان می‌گردد:

- تأکید بر اهمیت برخی از ویژگی‌های هیأت‌مدیره مثل غیرموظف بودن رئیس هیأت‌مدیره و حضور اعضای غیرموظف در هیأت‌مدیره به عنوان عامل اثرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی
- در ترکیب هیأت‌مدیره برخی شرکت‌ها از مدیران مالی ای که مسئولیت اجرایی دارند استفاده می‌شود، این در حالی است که طبق ادبیات آیین نامه حاکمیت شرکتی، حضور حداقل یک عضو مالی غیرموظف در ترکیب هیأت‌مدیره پیشنهاد می‌شود.

محدودیت‌های تحقیق

شرایط سیاسی و اقتصادی کشور و نیز جو روانی حاکم بر بازار بورس اوراق بهادار تهران با تأثیر بر روی عرضه و تقاضا و نیز سطح آگاهی مردم در میزان رونق بازار سرمایه و حجم مبادلات می‌توانند از جمله عواملی باشند که بر روی متغیرهای اصلی مدل این تحقیق تأثیرگذار باشند. بنابراین، شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر بازار سرمایه می‌تواند منجر شود که تغییر کیفیت سود تحت تأثیر عواملی غیر از اخبار خوب و بد سود باشد.

پی‌نوشت

- | | |
|-------------|-----------------------------------|
| ۱ wikipedia | ۲ variance inflation factor (VIF) |
| ۳ chow | ۴ Hausman |

منابع

- Alvesm J. 2014. The impact of institutional stock ownership on a firm's earnings management practice: An empirical investigation. Unpublished Dissertation, Louisiana State University.
- Anderson, A. , 2009. A cross-country comparison of corporate governance and firm performance: Do financial structure and the legal system matter? Journal of Contemporary Accounting & Economics 5.
- Anderson, D. 2009. Corporate governance mechanisms and firm financial performance in Nigeria: African Economic Research Consortium, Research Paper, 149, Kenya regal press.

- Bushman, V. 2009. Agency costs, corporate governance mechanisms and ownership structure in large UK publicly quoted companies: A panel data analysis. *Quarterly Review of Economics & Finance*, 49
- Cadbury, D. 1992. A cross-country study on the effects of national culture on earnings discretion, *Journal of International Business Studies* 41
- Carcello, A. 2012. Convergence of corporate governance: Critical review and future directions, *Corporate Governance: An International Review* 17. 3
- Casey, P. 2005. To steal or not to steal: Firm attributes, legal environment, and valuation, *Journal of Finance* 60
- Coffee Fith, B. 2010. Corporate governance and bank performance. Msc Banking and Finance International Helleric University.
- Decho, J. 1996. Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Cost, and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, pp.
- Dechow, F. 1996. National culture and dividend policy, *Journal of International Business Studies* 41,
- Drakos, D. & Bekiris, A. 2010. Differences in governance practices between UK. and foreign firms: Measurement, causes, and consequences, *Review of Financial Studies* 22
- Drobotz, A. 2013. Top management tenure, corporate ownership structure and the magnitude of golden parachutes, *Strategic Management Journal*, 10. 1
- Duggal, S. & Millar, W. 1999. Egalitarianism and international investment, *Journal of Financial Economics* 102
- Dulewicz, Z. & Herbert, F. 2014. Can corporate governance reforms increase firm's market value: Evidence from India? Available at SSRN.
- Faccio, A. & Lasfer, Z. 2010. Corporate Governance and accounting Scandals. *Law and Economics Journal*, 48
- Fama, J. 1980. An Examination of the Relationship of Governance Mechanisms to Performance. *Journal of Management*, 27.
- Ghalibaf And Rezaei, 2014. Corporate governance and control, *Sciences, Economics and Administrative Sciences*, University of Isfahan, accounting Supplement, 32. (in persian)
- Ghanbari, 2007. Relation of ownership and corporate governance structure, *Journal of Accounting*, Issue 1. (in persian)
- Hassas yegane, 2005. "Relationship between corporate governance mechanisms, debt ratio, size of company earnings management", *experimental studies financial accounting*, 24. (in persian)
- Hassas yegane And MOAYERI, 2008. The relationship between institutional investors and corporate value, *experimental studies, financial accounting*, No. 24,. (in persian)
- Hillman and Dalziel, 2003. Differences in governance practices between U. S. and foreign firms: Measurement, causes, and consequences, *Review of Financial Studies* 22,
- Hodge, D. 2003. Corporate Governance and Firm Profitability and implications of Firm Ownership Identity on Financial Performance: Empirical Evidence from Nairobi Stock Exchange. *Journal of Financial Economics*, 69 (2).

- Jansen, F. & Makling, D. 1976. World Christian Encyclopedia: A Comparative Survey of Churches and Religions—AD 30 to 2200. Oxford: Oxford University Press.
- Khosronejad, 2009. Mechanisms of the relationship between corporate governance and firm performance after the initial release: Evidence from companies listed in the Tehran Stock Exchange, Journal of Monetary Economics, former finance. dansh development. New Era, No. 4. (in persian)
- Nikbakht, 2014. Evaluation of corporate governance mechanisms and agency costs stock companies, securities Tehran, accounting research; 11. (in persian)
- Noravesh. 2014. Shareholders effect on the performance of companies listed in the Tehran Stock Exchange, regulations of corporate governance principles, Volume 16. (in persian)
- Parkinson, E. 1994 Corporate Performance, Managerial Ownership and Endogeneity: A Simultaneous Equations Analysis for the Athens Stock Exchange. Research in International Business and Finance 24
- Rahmani, 2008. Relationship between institutional ownership of shares and the performance of intellectual capital in companies listed on Tehran Stock Exchange, accounting of progress, 61. (in persian)
- Reysi, 2007. Effects of governance mechanisms on the performance of joint stock companies listed on Tehran Stock Exchange. Master's thesis, University of Al-Zahra. (in persian)
- Richardson, H. 2004. Differences in governance practices between U. S. and foreign firms: Measurement, causes, and consequences, Review of Financial Studies 22
- Treeger, S. 1984. Corporate governance: A summary review of different theory approaches, International Research Journal of Finance and Economics, . 68.
- Yatim, F. 2001. An Examination of the Relationship of Governance Mechanisms to Performance. Journal of Management, 27
- Yegane. 2008. "Corporate Governance and the role of institutional investors in the" knowledge and research, accounting, No. 8, pp. 20-25. (in persian)
- Zahra, A. and Pearce, T. 1989. Rating the ratings: How good are commercial governance ratings, Journal of Financial Economics 98

بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر مدیریت سود بر مبنای اقدام تعهدی اختیاری و بر مبنای اقدام واقعی

کاوه قادری^۱، صلاح‌الدین قادری^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۲۲

چکیده

نگرش کوتاه‌مدت مدیران، تمایل مدیران به افزایش ارزش سهام شرکت بدون در نظر گرفتن اهداف بلند مدت از طریق دستکاری در سودهای جاری است. در مطالعه حاضر اثر نقدشوندگی سهام بر مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا، از دو معیار مدیریت سود بر مبنای اقدام تعهدی اختیاری، مدیریت سود بر مبنای اقدام واقعی از طریق کاهش مخارج اختیاری به عنوان شاخص‌های شناسایی مدیریت سود استفاده شده است. نمونه پژوهش حاضر ۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۳ می‌باشد. روش پژوهش جهت آزمون فرضیه اول مبتنی بر روش داده‌های تابلویی است. همچنین آزمون فرضیه دوم با استفاده از مدل اثرات ثابت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق حاضر، نقدشوندگی سهام دارای اثر منفی بر مدیریت سود بر مبنای اقدام تعهدی اختیاری و از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین می‌توان اظهار نمود که در شرکت‌هایی که سهام با نقدشوندگی بالا وجود دارد، مدیریت سود کمتر است. به عبارتی نقدشوندگی سهام سبب تضعیف نگرش فرصت طلبانه مدیران شده و مانع از شکل‌گیری نگرش کوتاه‌مدت در مدیران خواهد شد. همچنین نتایج حاکی از عدم وجود ارتباط معنی‌دار بین نقدشوندگی سهام با مدیریت سود بر مبنای اقدام واقعی است.

واژه‌های کلیدی: اقدام تعهدی اختیاری، نقدشوندگی سهام، مدیریت سود.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

کد DOI: 10.22051/ijar.2017.11488.1190

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور، ایران، نویسنده مسئول، (Tekosh.gh@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری واحد تهران مرکز و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، مرکز بانه، ایران، (ghaderi.s.acc@gmail.com)

مقدمه

نگرش کوتاه‌مدت مدیران، در واقع میل به کسب قیمت بالای سهام از طریق متورم نمودن سودهای جاری، بدون در نظر گرفتن رشد بلندمدت شرکت است (استین، ۱۳۹۹). گراهام و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که ۷۸ درصد از مدیران اجرایی ارزش بلندمدت را قربانی اهداف کوتاه‌مدت می‌نمایند. همچنین دی‌جو و همکاران (۲۰۱۳) گزارش کردند که در هر دوره گزارشگری ۲۰ درصد از شرکت‌ها سودهای خود را مدیریت می‌کنند. این امر به منظور تأثیر بر قیمت سهام، جلوگیری از کاهش پاداش مدیران و همچنین حفظ اعتبار شغلی مدیران صورت می‌گیرد. بررسی تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که مدیران جهت رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت خود اقدام به مدیریت سود در گزارشگری مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری می‌نمایند که این عمل می‌تواند هزینه‌های بلندمدت قابل توجهی بر سهامداران تحمیل نماید (بوش، ۱۹۹۸؛ تتو و وانگ، ۲۰۰۲؛ ابودی و همکاران، ۲۰۰۵؛ بجراج و لیبی، ۲۰۰۵؛ گراهام و همکاران، ۲۰۰۵، روی‌چوداری، ۲۰۰۶؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۸؛ کارپوف و همکاران، ۲۰۰۸؛ کوهن و زاروین، ۲۰۱۰؛ دی‌جانگ و همکاران، ۲۰۱۴). بید (۱۳۹۳)، بروچت و همکاران (۲۰۱۵) و چن و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند که نقدشوندگی سهام، عاملی تأثیرگذار بر نگرش مدیران است. نقدشوندگی سهام یکی از مزیت‌های اصلی بورس اوراق بهادار است و سرمایه‌گذاران همواره خواستار سهامی هستند که بتوانند با کمترین هزینه در سریعترین زمان ممکن آن را معامله کنند (سعیدی و دادار، ۱۳۸۸). سرمایه‌گذاران به دلیل ریسک جدا نشدنی سرمایه‌گذاری، انتظار بازده دارند. بنابراین برای سرمایه‌گذاران، آگاهی از ریسک و بازده سرمایه‌گذاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عدم نقدشوندگی برای آن دارایی به نوعی ریسک آن دارایی محسوب می‌شود که انتظار می‌رود سرمایه‌گذاران به ازای تقبل ریسک، بازده کسب نمایند (قائم‌ی و رحیم‌پور، ۱۳۸۹). بید (۱۹۹۳) عنوان کرد که نقدینگی سهام بالاتر سبب افزایش فشار بازار سرمایه روی مدیران می‌شود تا بر نتایج کوتاه‌مدت تمرکز کنند و نگرش کوتاه‌مدت مدیریتی را در نظر گیرند. از طرف دیگر بعضی از پژوهش‌گران معتقدند که نقدینگی سهام بالاتر سبب تسهیل کنترل سهامداران بر مدیریت شرکت می‌شود. این افزایش کنترل از طریق افزایش انتقاد سهامداران از مدیریت (مانگ، ۱۹۹۸) و یا با استفاده از اعمال تهدید نسبت به فروش سهام و خروج از شرکت میسر خواهد شد (ادمانس و مانسو، ۲۰۱۱). این نظریه اشاره می‌کند که افزایش نقدشوندگی سهام، مدیران را ترغیب می‌کند تا کارهایی را انجام دهند که

ارزش و اعتبار بلندمدت شرکت را تقویت نماید. در نتیجه، مدیریت کوتاه مدت کاهش می‌یابد. با در نظر گرفتن موارد فوق، هدف از مطالعه حاضر بررسی این موضوع است که آیا نقدینگی سهام باعث ترغیب مدیر نسبت به شکل‌گیری نگرش کوتاه مدت در مدیران و اعمال مدیریت سود خواهد شد یا اینکه مانع از بروز این نگرش در مدیران می‌شود؟ با توجه به مطالب مطرح شده مطالعه و بررسی موضوع پژوهش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود، زیرا باعث افزایش آگاهی و دانش در زمینه نحوه تأثیر نقدشوندگی سهام بر تصمیمات مدیر در شرکت‌ها، خواهد شد. در ادامه به بیان مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش، پرداخته شده است. روش‌شناسی پژوهش در بخش بعدی و یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری به ترتیب در ادامه بیان شده است.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

مدیریت سود به هدف و نیت مدیر واحد تجاری، بستگی دارد. چنانچه سود اعلامی دارای محتوای اطلاعاتی باشد و با هدف کارایی مدیریت شود، وضعیت مطلوب شرکت را به تصمیم‌گیرندگان نشان داده و باعث افزایش ارزش سهام شرکت خواهد شد؛ اما اگر سود اعلامی فاقد اطلاعات جدید باشد و صرفاً با هدف فرصت‌طلبانه جهت افزایش پاداش بوده باشد و با انگیزه‌های شخصی مدیر توأم باشد، منجر به ضرر و زیان به ذینفعان خواهد شد (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۳). میزان کلی شواهد تجربی و عملی مطابق با مدیریت سودهایی است که توسط انگیزش‌های فرصت‌طلبانه مدیریتی ایجاد شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ممکن است مدیران، درآمدها را مدیریت می‌نمایند تا از این طریق اطلاعات موثر در پیش‌بینی‌های آتی شرکت را به سرمایه‌گذاران انتقال دهند (گانی، ۲۰۱۰؛ گول و همکاران، ۲۰۰۳). جهت تشخیص انگیزه‌های فرصت‌طلبانه و انگیزه‌های تولید اطلاعات در مدیریت سود، مشاهدات نشان می‌دهد که مدیریت سود با نگرش فرصت‌طلبانه در مقایسه با تولید اطلاعات، سبب ایجاد ابهام در شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها می‌شود و ریسک اطلاعات را افزایش می‌دهد. این ریسک اطلاعاتی منجر به افزایش هزینه سرمایه شرکت‌ها خواهد شد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۸؛ کیم و کی، ۲۰۱۰؛ ان‌جی، ۲۰۱۰؛ کیم و سوهن، ۲۰۱۳). در این میان یکی از عوامل موثر بر اعمال مدیریت سود، نقدشوندگی سهام است. باتاچاریا و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که کیفیت ضعیف درآمدها منجر به کاهش نقدینگی می‌شود. علاوه بر این، چانگ و

همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که در شرکت‌هایی که سهامداران دارای اختیار و نظارت عالی هستند، سهام آن شرکت دارای نقدینگی بالاتری خواهد بود. چن و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند که اثر نقدینگی سهام بر روی مدیریت سود در شرکت‌هایی قوی‌تر است که دارای سطوح بالایی از حساسیت عملکردی-مدیریتی هستند. نتایج تحقیقات نقش نقدینگی سهام را به عنوان یک عامل تعیین کننده مدیریت سود مشخص می‌کنند، اما شواهد کمی در رابطه با چگونگی تغییر محتوای اطلاعاتی مدیریت سود در میان شرکت‌هایی که دارای سطوح بالا و پایین نقدینگی سهام هستند، وجود دارد. بوش (۱۹۹۸) تفکرات سرمایه‌گذاران را در دو دسته شامل سرمایه‌گذاران با نگرش کوتاه‌مدت و سرمایه‌گذاران با نگرش بلندمدت طبقه‌بندی می‌کند. گروه اول بیشتر جنبه معاملاتی به خود می‌گیرند و رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت را ترجیح می‌دهند. بنابراین از طریق بازار سرمایه به مدیران جهت اتخاذ تصمیمات آنی فشار وارد می‌آورند. در حالیکه، گروه دوم، مدیران را ترغیب می‌کنند تا ارزش بلندمدت شرکت را دنبال کنند. نقدشوندگی سهام مانع نظارت داخلی از طریق کاهش در هزینه‌های خروج سهامداران ناراضی می‌شود (بید، ۱۹۹۳) همچنین باعث جذب سرمایه‌گذاران دارای نگرش کوتاه‌مدت خواهد شد (کافی، ۱۹۹۱؛ پورتر، ۱۹۹۲). در واقع سهامداران بیشتر مایل به سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی هستند که سهام آن‌ها از نقدشوندگی بیشتری برخوردار هستند. تمرکز بیش از حد سرمایه‌گذاران بر عملکرد کوتاه‌مدت عاملی جهت تشویق مدیران به مدیریت سودهای شرکت خواهد بود (بوش، ۱۹۹۸؛ ماتسوموتو، ۲۰۰۲؛ لیو و پنگ، ۲۰۰۶؛ بورنس و همکاران، ۲۰۱۰). بورنس و همکاران (۲۰۱۰) عنوان کردند که شرکت‌ها در تلاش برای پوشاندن عملکرد نامطلوب خود هستند، در نتیجه اقدام به مدیریت سودهای شرکت می‌نمایند تا از این طریق مانع از خروج سرمایه‌گذاران از شرکت شوند. در مقابل انتظارات کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاران، دیدگاه دیگری که دستیابی به اهداف بلندمدت را در نظر دارد، مطرح می‌شود. در این دیدگاه، نقدشوندگی سهام عاملی جهت افزایش کنترل سهامداران بر مدیریت خواهد شد. سهامداران از طریق اعتراض (نورلی و همکاران، ۲۰۱۰) و تهدید به خروج از شرکت (بهاراس و همکاران، ۲۰۱۳؛ ادمانس و همکاران، ۲۰۱۳) می‌توانند بر مدیریت شرکت کنترل داشته باشند. افزایش نقدشوندگی سهام شرکت‌ها باعث ترغیب سهامداران به خرید سهام شرکت خواهد شد، در نتیجه شرکت‌ها راحت می‌توانند اقدام به تامین سرمایه نمایند. با افزایش تعداد سهامداران نظارت آن‌ها نیز بر شرکت بیشتر خواهد شد (مایوگ، ۱۹۹۸). این دیدگاه توسط کاهن و ویتون (۱۹۹۸) و فیور گریمود و گرومب

(۲۰۰۴) مورد تأیید قرار گرفته است. آن‌ها معتقدند که نقدشوندگی سهام باعث افزایش مداخله سهامداران می‌شود. ادمانس (۲۰۰۹) و ادمانس و مانسو (۲۰۱۱) بیان کردند که نحوه عمل سهامداران عمده می‌تواند سبب تسهیل نظارت و بهبود حاکمیت شرکتی شود. آن‌ها اظهار کردند که سهامداران عمده آگاهانه از طریق تهدید به خروج از شرکت اقدام به کنترل مدیر می‌نمایند. استدلال آنها این است که سهامداران عمده با استفاده از اطلاعاتی که از شرکت در اختیار دارند اقدام به معامله در حجم‌های زیاد نموده و بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. هنگام فروش سهام توسط سهامداران عمده و خروج این سهامداران از شرکت، قیمت سهام شکل نزولی پیدا خواهد کرد. در نتیجه مدیران تمایل دارند که از انجام کارهایی که منجر به خروج سهامداران عمده از شرکت می‌شود، خودداری نمایند. لازم بذکر است که نظارت در شرکت‌های سهامی توسط سهامداران از دو طریق، نظارت از طریق اعمال فشار به مدیر از طریق مداخله و نظارت از طریق تهدید به خروج از شرکت صورت می‌گیرد (ادمانس، ۲۰۱۴).

پیشینه پژوهش

با دقت در مطالعات انجام شده می‌توان دریافت که پژوهشگران بیشماری به بررسی تأثیر عوامل مختلف بر مدیریت سود پرداخته‌اند (ایزدی‌نیا، منصورفر و رشیدی خزایی، ۱۳۹۴؛ خواجوی و علیزاده، ۱۳۹۴؛ عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۱) اما پژوهش‌های معدودی به بررسی اثر نقدشوندگی سهام بر مدیریت سود پرداخته‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

چن و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه خود به بررسی اثر نقدشوندگی سهام بر نگرش کوتاه مدت مدیریت پرداختند. آن‌ها مدیریت سود را به عنوان عاملی جهت شناسایی نگرش کوتاه مدت مدیران در نظر گرفتند. نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داد که نقدشوندگی سهام باعث کاهش در مدیریت سود خواهد شد.

بهاراس و همکارانش (۲۰۱۳) در پژوهش خود بر روی تهدید به خروج سهامداران در شرکت‌هایی که دارای سطوح بالایی از حساسیت مدیریتی-عملکردی هستند، تمرکز کردند. آن‌ها عنوان کردند که کاهش یا افزایش عملکرد شرکت منجر به شوک‌های منفی یا مثبت در نقدشوندگی بازار می‌شود.

نورلی و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عملکرد ضعیف شرکت‌ها سبب افزایش اظهار نارضایتی سهامداران خواهد شد، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که در هنگام افزایش نقدینگی سهام این نارضایتی‌ها تشدید می‌شود.

نونهال نهر و کاظمی (۱۳۹۴) در مطالعه خود به بررسی تأثیر قدرت سهامداران بر مدیریت سود با تأکید بر نقش کیفیت حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها بیانگر آن است که قدرت سهامداران تأثیر منفی و معنی‌داری بر مدیریت سود دارد. علاوه بر این یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت حسابداری تأثیر منفی و معنی‌داری بر رابطه بین قدرت سهامداران و مدیریت سود دارد.

مهرانی و نوروزی (۱۳۹۴) عنوان کردند که سهامداران مدیریت سود را فرصت طلبانه تلقی کرده و مدیریت سود دارای اثر منفی بر ارزش شرکت می‌باشد، اما در شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی چنین اثری کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و ارزش شرکت تأثیر مثبت دارد و شرکت‌های دارای رتبه حاکمیت شرکتی بالاتر با اثر منفی کم‌تری مواجه هستند.

انصاری، خورشیدی و شیرزاد (۱۳۹۳) در مطالعه خود به بررسی تأثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی سود بر نقدشوندگی سهام و ارزش شرکت پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها دلالت بر ارتباط مثبت و معنی‌دار میان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی با معیار عدم نقدشوندگی آمیهود و ارتباط منفی و معنی‌دار با معیار ارزش شرکت دارد. همچنین نتایج حاکی از عدم ارتباط بین مدیریت سود بر مبنای اقلام واقعی با نقدشوندگی سهام و ارزش شرکت است.

احمدپور و نصیری (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین مدیریت سود با اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و حجم معاملات در شرکت‌های با سطح مالکیت غیر نهادی بالا پرداختند. نتایج حاکی از وجود رابطه معنی‌دار و منفی بین مدیریت سود و نقدشوندگی سهام است. در واقع در شرکت‌هایی که مالکیت غیرنهادی بالایی وجود دارد، مدیریت سود رابطه معکوسی با نقدشوندگی دارد.

یحیی‌زاده‌فر و زارعی (۱۳۹۱) در مطالعه خود به بررسی تأثیر مدیریت سود بر نقدشوندگی سهام پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها مبین وجود رابطه منفی و معنی‌دار مدیریت سود با

نقدشوندگی سهام است. ان‌ها عنوان کردند که این امر ممکن است بدلیل افزایش هزینه‌های اطلاعات نامتقارن و هزینه‌های نمایندگی باشد.

مرادزاده، رضاپور و فرزانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود به بررسی نقش مدیریت ارقام تعهدی بر نقدشوندگی سهام پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر آن است که مدیریت ارقام تعهدی بر نقدشوندگی سهام شرکت‌ها تاثیر منفی و معنادار دارد، به طوری که مدیریت سود بیشتر، موجب بروز عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های معاملاتی بالاتر می‌شود. در این حالت، تمایل معامله‌گران بدون اطلاع، به مبادله سهام شرکت، به شدت کاهش یافته و نقدشوندگی سهام شرکت پایین می‌آید. با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه‌های زیر تدوین شده است.

- بین نقدشوندگی سهام با مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی اختیاری رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین نقدشوندگی سهام با مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی از طریق کاهش مخارج اختیاری رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی صورت گرفته است. فرضیه تحقیق بر اساس داده‌های ترکیبی آزمون شده است و تحلیل‌های آماری به کمک نرم افزار Eviews6 و Stata11 انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد. قلمرو زمانی برای یک دوره ۱۰ ساله از ابتدای سال ۱۳۸۴ لغایت پایان سال ۱۳۹۳ تعیین شده است. نمونه آماری این تحقیق آن دسته از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس است که دارای شرایط زیر باشند:

- تا پایان اسفند ۱۳۸۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- بیش از ۶ ماه توقف معاملاتی نداشته باشد.
- داده‌های مورد نیاز آنها در دسترس باشد.

- به دلیل ماهیت و طبقه‌بندی متفاوت اقلام صوررت‌های مالی شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی در مقایسه با شرکت‌های تولیدی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه، بانک‌ها و موسسات تامین مالی در این پژوهش مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.
 - در طی دوره تحقیق سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 - سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
- با اعمال محدودیت‌های فوق ۹۱ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران باقی ماند که تمام آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب گردید.

تصریح و برآورد مدل

با توجه به اینکه متغیر وابسته در این پژوهش مدیریت سود است، جهت اندازه‌گیری آن از دو متغیر استفاده شده است. بنابراین در این مطالعه دو مدل جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش تدوین شده است.

$$ACCR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 LIQ_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 MB_{i,t} + \beta_5 GROW_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{رابطه ۱})$$

$$ABEXP_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 LIQ_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 MB_{i,t} + \beta_5 GROW_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{رابطه ۲})$$

مدیریت سود بر مبنای اقلام واقعی از طریق کاهش در مخارج اختیاری $ABEXP_{i,t}$

$ACCR_{i,t}$: اقلام تعهدی اختیاری، $LIQ_{i,t}$: نقدشوندگی، $SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت، $LEV_{i,t}$: اهرم، $MB_{i,t}$: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، $GROW_{i,t}$: نرخ رشد درآمد.

متغیرهای پژوهش

نحوه اندازه‌گیری مدیریت سود

نحوه اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری: برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) استفاده می‌شود. برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری ابتدا کل اقلام تعهدی را محاسبه و سپس اقلام تعهدی غیر اختیاری را از آن کسر می‌کنیم.

اقدام تعهدی اختیاری: برابر است با قدرمطلق ارزش اقدام تعهدی اختیاری تخمین زده شده از طریق مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) برای شرکت در دوره t که طبق این مدل:

$$NDA_t = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_t}{A_{i,t-1}} \right) \quad \text{رابطه ۳}$$

که در آن:

NDA_t : اقدام تعهدی غیر اختیاری در سال t

$A_{i,t-1}$: کل دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

ΔREV_t : تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل

ΔREC_t : تفاوت خالص حسابهای دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل

PPE_t : اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص سال t

$\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ پارامترهای خاص شرکت است که از معادله زیر بدست می‌آید.

$$\frac{TA_t}{A_{i,t-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta \Delta RE_t}{A_{i,t-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_t}{A_{i,t-1}} \right) + \varepsilon_t \quad \text{رابطه ۴}$$

TA_t : معرف مجموع اقدام تعهدی در سال t است. کل اقدام تعهدی از رابطه زیر به دست

می‌آید:

$$TA_{i,t} = \Delta CA_{i,t} - \Delta CL_{i,t} + \Delta STD_{i,t} - \Delta CASH_{i,t} - DEP_{i,t}$$

رابطه ۵)

با توجه به رابطه فوق:

$TA_{i,t}$: جمع کل اقدام تعهدی

$\Delta CA_{i,t}$: تغییر در دارایی‌های جاری سال t نسبت به سال $t-1$

$\Delta CL_{i,t}$: تغییر در بدهی‌های جاری سال t نسبت به سال $t-1$

$\Delta CASH_{i,t}$: تغییر در وجه نقد و معادل وجه نقد سال t نسبت به سال $t-1$

$\Delta STD_{i,t}$: تغییر در حصة جاری بدهی‌های بلند مدت سال t نسبت به سال $t-1$

$DEP_{i,t}$: هزینه استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود در سال t

و اقلام تعهدی اختیاری از تفاوت کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی غیر اختیاری بدست می آیند
یعنی:

$$DA_{i,t} = \frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} - NDA_{i,t} \quad (\text{رابطه ۶})$$

مدیریت سود بر مبنای اقلام واقعی از طریق کاهش مخارج اختیاری: نوع دیگر دستکاری فعالیت‌های واقعی، کاهش هزینه‌های اختیاری است. اگر مدیران هزینه‌های اختیاری را کاهش دهند (به عنوان مثال هزینه تحقیق و توسعه، تبلیغات و هزینه فروش، اداری و تشکیلاتی)، برای افزایش سود به اهداف مورد نظر به طور غیر عادی، هزینه‌های اختیاری کم انتظار می‌رود. با پیروی از روی چوداری (۲۰۰۶)، در این تحقیق سطح عادی هزینه‌های اختیاری غیر عادی با بکارگیری معادله زیر برآورد می‌شود:

$$EXP_t / A_{t-1} = \alpha_0 + \alpha_1 (1 / A_{t-1}) + \beta (S_{t-1} / A_{t-1}) + \varepsilon_t \quad (\text{رابطه ۷})$$

EXP_t = هزینه‌های اختیاری = مخارج تحقیق و توسعه + تبلیغات + هزینه‌های فروش، عمومی و اداری تشکیلاتی

S = فروش خالص

$$A_{t-1} = \text{کل دارایی‌های پایان دوره قبل}$$

روی چوداری این الگو را بر اساس فرضیه‌های الگوی دجو و دچیو (۲۰۰۲) تدوین و فرض می‌کند هزینه‌های اختیاری تابعی خطی از فروش است. برای هر سال-شرکت، مخارج غیرعادی اختیاری، تفاوت بین هزینه‌های اختیاری واقعی و هزینه‌های اختیاری مورد انتظار محاسبه شده با به کارگیری الگوی سال - صنعت متناظر است.

الگوهای زانگ (۲۰۰۵)، برای محاسبه هزینه‌های غیر عادی R&D و هزینه‌های غیرعادی تبلیغات، هزینه فروش، عمومی و اداری و تشکیلاتی به کار گرفته می‌شود.

نحوه اندازه گیری نقدشوندگی سهام

در این پژوهش نقدشوندگی سهام به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. شاخص نقدشوندگی سهام از رابطه میانگین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به شرح زیر به دست می آید (چن و زولوتوی، ۲۰۱۴).

$$BA_{i,t} = \frac{AP_{i,t} - BP_{i,t}}{AP_{i,t} + BP_{i,t}} \quad (\text{رابطه ۸})$$

2

که در آن:

$BA_{i,t}$: معرف میانگین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت i در سال t .

$AP_{i,t}$: میانگین بهترین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در سال t .

$BP_{i,t}$: میانگین بهترین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در سال t .

متغیرهای کنترلی

به منظور بررسی اثر نقدشوندگی سهام بر مدیریت سود، متغیرهای زیر کنترل شده‌اند.

اندازه شرکت: گوردن و هنری (۲۰۰۵) پیشنهاد دادند که از اندازه شرکت، به منزله متغیر کنترلی استفاده شود، زیرا هزینه‌های سیاسی با مدیریت سود هم بستگی منفی دارد. جهت اندازه گیری اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی مجموع ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در سال t استفاده شده است.

اهرم: جهت اندازه گیری اهرم شرکت از تقسیم مجموع بدهی‌های شرکت بر مجموع حقوق صاحبان سهام استفاده شده است.

نسبت ارزش دفتری به بازار: که برای شاخص سازی فرصت‌های رشد طراحی شده است. اسکینر و اسلون (۲۰۰۲) پی بردند که بازار به شوک‌های منفی سود، واکنش منفی بیشتری برای سهام رشدی نسبت به سهام ارزشی نشان می‌دهد. متعاقب آن، شرکت‌های رشدی می‌دانند که کاهش سود برای آنها پر هزینه‌تر است و بنابر این به احتمال زیاد از اقلام تعهدی برای متورم کردن سود به قصد جلوگیری از کاهش آن، استفاده می‌کنند.

نرخ رشد درآمد شرکت: نرخ رشد درآمد از رابطه زیر بدست می آید:

درآمد سال قبل / (درآمد سال قبل - درآمد فعلی)

یافته‌های پژوهش

جهت تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، مقادیر میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر تمامی متغیرهای استفاده شده در این پژوهش در نگاره ۱ نشان داده شده است.

نگاره (۱): آمارهای توصیفی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
اقدام تعهدی اختیاری	۱/۰۶۶	۱/۴۰۵	-۱۸/۲۸۳	۱۸/۱۰۳
اقدام واقعی از طریق دستکاری در فروش	۰/۰۰۱	۰/۲۷۴	-۳/۴۳۹	۴/۳۱۲
اقدام واقعی از طریق کاهش مخارج اختیاری	-۰/۰۰۰۳	-۰/۰۱۵	-۰/۱۶۳	۳/۳۰۷
نقدشوندگی سهام	۰/۰۳۱۹	۰/۳۱۱	۰/۰۰۳۲	۰/۳۹۸
اهرم	۰/۶۱۹	۰/۲۳۹	۰/۰۰۶۹	۳/۹۴۷
اندازه شرکت	۱۳/۵۳۸	۱/۴۷۸	۱۰/۶۵۷	۱۸/۷۱۸
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	۰/۶۲۰۹	۰/۵۰۳	-۱/۷۱۷	۳/۳۵۴
نرخ رشد درآمد	۰/۲۳۸	۰/۵۵۳	-۰/۹۲۳	۹/۴۶۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش

الگوی بکار گرفته شده در این پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی برآورد شده است. برای انتخاب میان روش‌های حداقل مربعات تلفیقی، اثر ثابت (FE) و اثر تصادفی (RE) از آزمون‌های چاو، بروش پاگان، ضریب لاگرانژ (LM) و آزمون هاسمن استفاده شده است. جهت تخمین مدل و انجام آزمون‌های مذکور، از نرم افزارهای Stata 11 و Eviews 7 استفاده شده است. در مرحله اول، جهت تشخیص این مطلب که مدل از نوع داده‌های تلفیقی یا مدلی با اثر ثابت و یا مدلی با اثر تصادفی است به بررسی آزمون‌های چاو، آزمون ضریب لاگرانژ و آزمون هاسمن، برای مدل می‌پردازیم.

نگاره (۲): نتایج برآورد مدل جهت آزمون فرضیه اول

نتایج آزمون			متغیر توضیحی
Prob.	T	Coeff	
۰/۰۰۰	-۵/۳۵۱	-۰/۸۵۲	نقدشوندگی
۰/۰۰۰	-۸/۰۸۲	-۰/۴۰۱	اندازه شرکت
/۰۴۹۹	۱/۹۶۳	۰/۰۴۰۶	اهرم
۰/۳۹۷	-۰/۸۴۷	-۰/۰۰۷	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار
۰/۰۱۰۳	-۲/۵۶۹	-۰/۰۲۲	نرخ رشد درآمد
۲۷/۳۹۵ (۰/۰۰۰)			آماره F سطح معنی داری (Prob)
۲/۱۸۰			آماره دوربین واتسون
۰/۷۰۳۰ (۱/۰۰۰)			آزمون F لیمر (چاو) سطح معنی داری (Prob.)
۰/۱۳۱۵ ۰/۱۲۶۷			ضرب تعیین (R^2) ضرب تعیین تعدیل شده ($AdjR^2$)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس آزمون‌های ذکر شده، روش داده‌های تلفیقی در مدل اول انتخاب شده است. مطابق با نتایج ارائه شده در نگاره شماره دو، آزمون F مرسوم نشان‌دهنده معناداری کل رگرسیون است. همچنین R^2 بدست آمده نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی مورد نظر حدود ۱۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. آماره دوربین-واتسون نیز بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد مشکل خود همبستگی بین جملات اختلال مدل برآوردی وجود ندارد. نتایج نشان می‌دهد که متغیر نقدشوندگی سهام دارای اثر منفی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری و از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین می‌توان اظهار نمود که در شرکت‌هایی که سهام با نقدشوندگی بالا وجود دارد، مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری کمتر است. در واقع می‌توان عنوان کرد که نقدشوندگی سهام سبب تضعیف نگرش فرصت طلبانه مدیران شده و مانع از شکل‌گیری نگرش کوتاه‌مدت در مدیران خواهد شد. براساس سایر نتایج متغیر اندازه و نرخ رشد درآمد اثری منفی و معنی‌دار از طریق اقلام تعهدی اختیاری بر مدیریت سود

از طریق اقلام تعهدی اختیاری دارد. همچنین شواهد دال بر عدم ارتباط بین اهرم مالی و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار با مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری دارد.

نگاره (۳): نتایج برآورد مدل جهت آزمون فرضیه دوم

نتایج آزمون			متغیر توضیحی
Prob.	T	Coeff	
۰/۹۲۶	-۰/۰۹۲	-۰/۰۰۲	نقدشوندگی
۰/۰۰۰	۱۰/۳۸۲	۰/۰۰۷۷	اندازه شرکت
۰/۹۰۲	۰/۱۲۲۰	-۰/۰۰۰۳	اهرم
۰/۰۰۹۸	۲/۵۹۱	۰/۰۰۱	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار
۰/۳۴۵	-۰/۹۴۳	-۰/۰۰۰۴	نرخ رشد درآمد
۲۲/۹۸ (۰/۰۰۰)			آماره F سطح معنی داری (Prob)
۱/۵۵۸			آماره دوربین واتسون
۱/۷۰۳ (۰/۰۰۰۱)			آزمون F لیمر (چاو) سطح معنی داری ((Prob.
۶/۴۹۰ (۰/۰۰۱۴)			آزمون هاسمن سطح معنی داری ((Prob.
۰/۷۵۳ ۰/۷۲۰			ضریب تعیین (R^2) ضریب تعیین تعدیل شده ($AdjR^2$)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در رابطه با فرضیه دوم، روش اثرات ثابت برای مدل انتخاب شده است. مطابق با نتایج ارائه شده در نگاره ۳، آزمون F مرسوم نشان‌دهنده معناداری کل رگرسیون است. همچنین R^2 بدست آمده نشان می‌دهد متغیرهای توضیحی مورد نظر حدود ۷۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. آماره دوربین-واتسون نیز بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد که نشان می‌دهد که مشکل خود همبستگی بین جملات اختلال مدل برآوردی وجود ندارد. نتایج حاکی از عدم وجود ارتباط بین نقدشوندگی سهام و مدیریت سود بر مبنای اقلام واقعی از طریق کاهش مخارج اختیاری است. بر اساس سایر نتایج در مدل ۲، اندازه و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار دارای

اثری مثبت و معنی دار با مدیریت بر مبنای ارقام واقعی از طریق کاهش مخارج اختیاری است. در مورد سایر متغیرهای کنترلی ارتباط معنی داری یافت نشده است.

نتیجه گیری

در نگرش کوتاه مدت مدیران، هدف مدیر کسب قیمت بالای سهام از طریق متورم نمودن سودهای جاری، بدون در نظر گرفتن رشد بلندمدت شرکت است، که این عمل می تواند هزینه های بلندمدت قابل توجهی متحمل سهامداران نماید. یکی از عوامل تأثیرگذار بر نگرش مدیران نقدشوندگی سهام است. دسته ای از محققین عنوان می کنند که نقدشوندگی سهام بالاتر، سبب افزایش فشار بازار سرمایه روی مدیران می شود تا بر نتایج کوتاه مدت تمرکز کنند و نگرش کوتاه مدت مدیریتی را در نظر گیرند. در حالیکه دسته ای دیگر از محققین بر این باورند که نقدینگی سهام بالاتر موجب افزایش کنترل سهامداران بر مدیریت شرکت می شود، این افزایش کنترل از طریق افزایش انتقاد سهامداران از مدیریت و یا با استفاده از اعمال تهدید نسبت به فروش سهام و خروج از شرکت میسر خواهد شد. این نظریه اشاره می کند که افزایش نقدشوندگی سهام، مدیران را ترغیب می کند تا کارهایی را انجام دهند که ارزش و اعتبار بلندمدت شرکت را تقویت نماید. در نتیجه، مدیریت سود در کوتاه مدت کاهش می یابد. هدف از مطالعه حاضر بررسی این موضوع است که آیا نقدشوندگی سهام باعث ترویج نگرش کوتاه مدت در شرکت خواهد شد یا خیر؟ بدین منظور جهت پاسخ به پرسش فوق از متغیر مدیریت سود به عنوان عاملی جهت شناسایی نگرش کوتاه مدت مدیریت استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که نقدشوندگی سهام اثری منفی و معنی دار بر مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی اختیاری دارد و می توان نتیجه گرفت که نقدشوندگی سهام باعث کاهش مدیریت سود می شود. نتایج مطالعه حاضر با نتایج حاصل از پژوهش ادمانس و مانسو (۲۰۱۱) موافق ولی مغایر با نتایج پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۵) است. بر اساس نتایج مذکور می توان استدلال کرد که نقدشوندگی سهام عاملی جهت افزایش کنترل سهامداران بر مدیریت خواهد بود. افزایش نقدشوندگی سهام شرکت ها باعث ترغیب سهامداران به خرید سهام شرکت خواهد شد، در نتیجه شرکت ها راحت تر می توانند اقدام به تامین سرمایه نمایند. با افزایش تعداد سهامداران نظارت آن ها نیز بر شرکت بیشتر خواهد شد. سهامداران عمده می توانند از طریق تهدید به خروج از شرکت اقدام به کنترل مدیر نمایند، در نتیجه مدیران تمایل دارند که از انجام کارهایی که

منجر به خروج سهامدارن عمده از شرکت شود، خودداری کنند. در رابطه با فرضیه دوم پژوهش ارتباط معنی داری بین نقدشوندگی سهام و مدیریت سود از طریق کاهش مخارج اختیاری یافت نشد. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می شود که سهامدارن سازوکاری اتخاذ نمایند تا کنترلی موثر بر اعمال فرصت طلبانه مدیران و انجام مدیریت سود داشته باشند. همچنین به سازمان بورس و اوراق بهادار توصیه می شود، نسبت به ارائه اطلاعات مطلوب و شفاف شرکت های بورسی نظارت بیشتری داشته باشند، و عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود را بیشتر مدنظر قرار دهند.

منابع

- Abbaszade, M. , Hesarzade, R. , Jabbari Noghbi, M. , & Arefi Asl, A. (2015). A meta-Analysis of corporate governance and earnings management, *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 22 (1) , 59-84. (in Persian)
- Aboody, D. , Hughes, J. , & Liu, J. (2005). Earnings quality, insider trading, and cost of capital, *Journal of Accounting Research*, 43 (5) , 651-673.
- Ansari, A. , Khorshidi, A. , & Shirzad, A. (2014). The investigation effect of accruals-based earnings management and real earnings management on stock liquidity and firm value, *Journal of Accounting Knowledge and Management Auditing*, 3 (11) , 41-54. (in Persian)
- Bhattacharya, N. , Desai, H. , & Venkataraman, K. (2013). Does earnings quality affect information asymmetry? Evidence from trading costs, *Contemporary Accounting Research*, 30 (2) , 482-516.
- Bhide, A. (1993). The hidden costs of stock market liquidity, *Journal of Financial Economics*, 34 (1) , 31-51.
- Bhojraj, S. , & Libby, R. (2005). Capital market pressure, disclosure frequency-induced earnings/cash flow conflict, and managerial myopia, *The Accounting Review*, 80 (1) , 1-20.
- Brochet, F. , Loumiot, M. , & Serafeim, G. (2015). Speaking of the short-term, disclosure horizon and managerial myopia, *Review of Accounting Studies*, 20 (3) , 1122-1163.
- Burns, N. , Kedia, S. , & Lipson, M. (2010). Institutional ownership and monitoring, evidence from financial misreporting, *Journal of Corporate Finance*, 16 (4) , 443-455.
- Bushee, B. (1998). The influence of institutional investors on myopic R&D investment behavior, *The Accounting Review*, 73 (3) , 305-333.
- Chen, Y. , Ghon Rhee. S. , Veeraraghavan, M. , & Zolotoy, L. (2015). Stock liquidity and managerial short-termism, *Journal of Banking & Finance*, 60, 44-59.
- Chung, K. H. , Elder, J. , Kim, J. -C. (2010). Corporate governance and liquidity, *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 45 (2) , 265-291.

- Coffee Jr. , J. C. (1991). Liquidity versus control, the institutional investor as corporate monitor, *Columbia Law Review*, 91 (6) , 1277–1368.
- Cohen, A. , & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings, *Journal of Accounting and Economics*, 50 (1) , 2–19.
- De Jong, A. , Mertens, G. , Van Der Poel, M. , & Van Dijk, R. (2014). How does earnings management influence investor's perceptions of firm value? Survey evidence from financial analysts, *Review of Accounting Studies*, 1, 606–627.
- Dechow, P. , & Dichev, I. (2002) , The quality of accruals and earnings, The role of accrual estimation errors, *The Accounting Review*, 77, 35-59.
- Dichev, I. D. , Graham, J. R. , Harvey, C. R. , & Rajgopal, S. (2013). Earnings quality, evidence from the field, *Journal of Accounting and Economics*, 56 (1) , 1–33.
- Edmans, A. (2014). Blockholders and corporate governance, *Annual Review of Finance and Economics*, 10. 1146/annurev-financial-110613-034455.
- Edmans, A. , & Manso, G. (2011). Governance through trading and intervention, a theory of multiple blockholders, *Review of Financial Studies*, 24 (7) , 2395–2428.
- Faure-Grimaud, A. , & Gromb, D. (2004). Public trading and private incentives, *Review of Financial Studies*, 17 (4) , 985–1014.
- Francis, J. , Nanda, D. , & Olsson, P. (2008). Voluntary disclosure, earnings quality, and cost of capital, *Journal of Accounting Research*, 46 (1) , 53–99.
- Ghaemi, M. H. , & Rahimpour, M. (2011). Earnings quarterly announcement and stock liquidity, *Financial Accounting Research*, 2 (4) , 145-168. (in Persian)
- Gordon, E. A. and Henry, E. (2005). Related Party Transactions and Earnings Management, Retrieved from http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=612234&rec=1&srcabs=993532&alg=1&pos=1.
- Graham, J. R. , Harvey, C. R. , & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting, *Journal of Accounting and Economics*, 40 (1–3) , 3–73.
- Gul, F. A. , Leung, S. , & Srinidhi, B. (2003). Informative and opportunistic earnings management and the value relevance of earnings, some evidence on the role of IOS, Working Paper, Available at SSRN, <http://ssrn.com/abstract=429800>.
- Gunny, K. A. (2010). The relation between earnings management using real activities manipulations and future performance, Evidence from meeting earnings benchmarks, *Contemporary Accounting Research*, 27 (3) , 855–888.
- Izadinia, N. , masourfar, G. , & rashidi khazaei, M. (2015). Financial distress as a risk factor for the occurrence of earnings management, *Journal of Financial Management Strategy*, 3 (3) , 25-47. (in Persian)
- Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigation, *Journal of Accounting Research*, 29 (2) , 193-228.
- Kahn, C. , & Winton, A. (1998). Ownership structure, speculation, and shareholder intervention. *Journal of Finance*, 53 (1) , 99–129.
- Karpoff, J. M. , Lee, S. , & Martin, G. (2008). The costs to firms of cooking the book, *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 43 (3) , 581–612.

- Khajavi, S. , & Alizadeh Talatapeh, V. (2015). Investigating the impacts of the level of voluntary disclosure on the accrual-based earnings management and real earnings management of the companies listed, *Empirical Research of Financial Accounting*, 2 (3) , 23-46. (in Persian)
- Kim, D. , & Qi, Y. (2010). Accruals quality, stock returns and macroeconomic conditions. *Accounting Review*, 85 (3) , 937-978.
- Kim, J. -B. , & Sohn, B. C. (2013). Real earnings management and cost of capital, *Journal of Accounting and Public Policy*, 32 (6) , 518-543.
- Liu, L. Y. , & Peng, E. Y. (2006). Institutional ownership composition and accruals quality,. Working Paper, Available at SSRN, <<http://ssrn.com/abstract=929582>> or doi,10. 2139/ssrn. 929582.
- Matsumoto, D. (2002). Management's incentives to avoid negative earnings surprises, *The Accounting Review*, 77 (3) , 483-514.
- Maug, E. (1998). Large shareholders as monitors, is there a trade-off between liquidity and control?, *Journal of Finance*, 53 (1) , 65-98.
- Mehrani, S. , & Norouzi, S. (2015). Examining the effect of corporate governance on the relationship between firm value and earnings management, *Empirical Research of Financial Accounting*, 2 (3) , 105-122. (in Persian)
- Moradzadehfard, M. , Rezapour, N. , & Farzani, H. (2010). The role of the accrual management in the stock liquidity: Evidence from IRAN, *Financial Accounting Research*, 2 (3) , 101-116. (in Persian)
- Nasiri, M. , & Ahmadpour, A. (2014). Investigate the relationship between earnings management and bid spreads in stock companies and sales volumes in companies with high levels of ownership, *Journal of Financial Management Strategy*, 2 (3) , 27-48. (in Persian)
- Ng, J. (2011). The effect of information quality on liquidity risk, *Journal of Accounting and Economics*, 52, 126-143.
- Nonahalnahr, A. , & Kazemi Nojeh, M. (2015). The effect of strong shareholders on the income management with an emphasis on the role of audit quality in listed companies of Tehran Stock Exchange, *Accounting Reaserch*, 5 (1) , 129-148. (in Persian)
- Norli, O. , Ostergaard, C. , & Schindele, I. (2010). Liquidity and shareholder activism, EFA 2009 Bergen Meetings Paper, Available at SSRN, <<http://ssrn.com/abstract=1344407>>.
- Porter, M. E. (1992). Capital disadvantage, America's failing capital investment system, *Harvard Business Review*, 70, 65-82.
- Rahnamay Roodposhti, F. , Habati, F. , Talebnia, G. , & Nabavi, A. (2015). The presentation of the impact assessment pattern of Corporate Governance mechanisms on the earnings management in Tehran Stock Exchange, *Management Accounting*, 5 (12) , 79-100. (in Persian)
- Rahnamay Roodposhti, F. , Rezaei, S. , Salehi, A. (2014). Assessment of ability and explanation of optional accruals models and optional earning model for disclosure of earning management, *Financial Accounting and Auditing Research*, 6 (23) , 17-40. (in Persian)
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation, *Journal of Accounting and Economics*, 42 (3) , 335-370.

- Saeedi, A. , & Ommolbanin, D. (2007). Study of the relationship between Stock Liquidity index and Previous Lags in TSE Listed Companies, *Industrial Management Studies*, 6 (16) , 75-97. (in Persian)
- Skinner, D. , & Sloan, R. (2002). Earnings surprises, growth expectations, and stock returns, or, don't let an earnings torpedo sink your portfolio, *Review of Accounting Studies*, 7 (2/3) , 289-312.
- Stein, J. (1989). Efficient capital market, inefficient firms, a model of myopic corporate behavior, *Quarterly Journal of Economics*, 104 (4) , 655-669.
- Teoh, S. , & Wong, T. (2002). Why new issues and high accrual firms underperform, The case of analysts' credulity, *Review of Financial Studies*, 15 (3) , 869-900.
- Yahyazadefar, M. , & Zarei, H. (2012). Investigating the effect of earnings management on stock exchanges in Tehran Stock Exchange, *Financial Accounting*, 4 (15) , 1-16. (in Persian)
- Zang, Y. (2005). Evidence on the tradeoff between real manipulation and accrual manipulation. Working paper, University of Rochester. Available at <http://ssrn.com/abstract=961293>.

بررسی نقش پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی، افزایش شفافیت اطلاعات مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی

جمال محمدی^۱، علی خوزین^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۳

چکیده

زبان نوین گزارشگری مالی در عصر جدید، زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر است. این زبان بعنوان ابزاری قدرتمند، کارایی و اثربخشی فرآیند گزارشگری مالی را تسهیل، و فرآیند تحصیل اطلاعات و شفافیت در افشا را بهبود می‌بخشد. بنابراین پژوهش حاضر به، بررسی نقش پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی، افزایش شفافیت اطلاعات مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، می‌پردازد. تحقیق از نوع کاربردی، روش تحقیق تحلیلی - پیمایشی و جامعه آماری، حساب‌رسان مستقل عضو جامعه حسابداران رسمی ایران هستند که به منظور کسب دیدگاه‌های آنان پرسشنامه‌ای برای سه فرضیه، و ۲۱ سؤال طراحی شد و به صورت تصادفی میان ۱۶۵ نفر از اعضای جامعه، در سال ۱۳۹۵ توزیع گردید و در نهایت ۱۵۰ پرسشنامه توسط اعضای نمونه تکمیل و جمع‌آوری شد و با استفاده از روش‌های آماری (آزمون دو جمله‌ای و آزمون t) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج پژوهش، فرضیه‌های تحقیق را تأیید نمود و نشان داد که پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث بهبود کیفیت گزارشگری مالی، ارتقای شفافیت اطلاعات مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL)، بهبود کیفیت، شفافیت اطلاعات، تقارن

اطلاعاتی، گزارشگری مالی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

کد DOI: 10.22051/ijar.2017.16509.1328

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حسابداری واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد، علی آباد کتول، ایران، نویسنده مسئول، (mohamady_jamal@yahoo.com)

^۲ استادیار گروه حسابداری واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد، علی آباد کتول، ایران، (khozain@yahoo.com)

مقدمه

نوآوری‌های مطرح شده در عرصه فناوری اطلاعات، باعث شده است تا اتکاپذیری و شفاف‌سازی اطلاعات با استفاده از روش‌هایی مانند گزارشگری مالی اینترنتی و گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) افزایش یابد. زبان XBRL زیرمجموعه‌ای از XML^۲ است که برای توصیف اطلاعات گزارشگری مالی ایجاد شده است این زبان برای تهیه، انتشار، تبادل، تحصیل و تحلیل داده‌های حسابداری و تجاری مفید بوده و شیوه‌ای استاندارد شده برای تبادل اطلاعات گزارشگری مالی بین نرم‌افزارهای کاربردی مختلف فراهم می‌نماید. در محیط XBRL به اطلاعات مالی بر چسب‌هایی نصب می‌گردد که به نرم‌افزار اجازه می‌دهد تا داده‌ها را درک کند و بتواند گزارش‌های مد نظر کاربران را تولید کند (فلوردی و همکاران^۳، ۲۰۰۶). هدف از به‌کارگیری زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، در بازار سرمایه، گزارش‌دهی یکسان صورت‌های مالی و کمک بیشتر به استفاده‌کنندگان از اطلاعات و صورت‌های مالی است. استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، با استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر نیازی به تبدیل اطلاعات مالی از شکلی به شکل دیگر ندارند و این امر باعث افزایش سرعت گزارشگری و همچنین، استخراج اطلاعات قابل اتکا، و کارا، خواهد شد (بزرگ اصل و پورکنی، ۱۳۸۵).

کنسرسیوم XBRL، نیز آن را به این گونه معرفی می‌کند: XBRL زبانی برای تبادل الکترونیکی داده‌های مالی و تجاری است که گزارشگری مالی را در سراسر جهان دگرگون کرده و منافع عمده‌ای در تهیه، تجزیه تحلیل و تبادل اطلاعات واحد تجاری فراهم نموده و برای تمام افرادی که با امر تهیه و استفاده از داده‌های مالی سر و کار دارند، موجب صرفه جویی در هزینه‌ها، کارایی بیشتر، بهبود دقت و قابلیت اتکا شده است (آلس و پیچوکی^۴، ۲۰۱۲). از آنجایی که بخش ۴۰۹ قانون ساربنز آکسلی لزوم ارائه خدمات اطمینان‌بخشی نسبت به صحت گزارش‌های آنلاین موجود را مطرح می‌نماید، XBRL، قابلیت فراهم نمودن زمینه گزارشگری مالی مستمر را که می‌تواند باعث افزایش دقت در گزارشگری آنلاین گزارش‌های مالی شود، دارا می‌باشد (افندی و همکاران^۵، ۲۰۱۴). همچنین XBRL، امکان تسریع و تسهیل در تهیه، تحلیل اطلاعات حسابداری از لحاظ بررسی صحت و شفافیت گزارشگری، برای حساب‌برسان فراهم می‌کند (لیو و همکاران^۶، ۲۰۱۴). این زبان گزارشگری، با استانداردسازی بین محتوا و متن یا زمینه هماهنگی ایجاد می‌کند و استفاده از اطلاعات را برای مقاصد مختلف امکان‌پذیر می‌کند.

داده‌هایی که از طریق XBRL برچسب‌گذاری می‌شود، استفاده‌کننده را قادر می‌سازد تا داده‌های مالی را در قالب‌های متفاوت و با به کارگیری مفروضات مختلف مشاهده نمایند. بنابراین استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی دیگر محدود به مشاهده داده‌ها تنها به شکلی که شرکت‌ها ارائه می‌دهند، نخواهند بود. به عبارتی این زبان گزارشگری مالی، پتانسیل تسهیل تبادل، مقایسه و تجزیه و تحلیل اطلاعات را دارد و همچنین عدم تقارن اطلاعاتی را به دلیل بهبود شفاف‌سازی و قابلیت استفاده مجدد اطلاعات گزارشگری کاهش می‌دهد (عرب مازار و سرافراز، ۱۳۹۵).

گگس^۷، رئیس سابق کمیته مبادلات اوراق بهادار آمریکا، بیان می‌دارد که XBRL، تسهیل تبادل اطلاعات را در پی خواهد داشت و قابلیت ریشه‌کشی مدیریت سود را توسط ناظران حاکمیتی در درون شرکت مانند هیأت مدیران و حساب‌برسان داخلی دارد. از مزایای دیگر استفاده از زبان گزارشگری مالی را می‌توان به امکان انتقال اطلاعات به شکل زنده، افزایش قابلیت مقایسه گزارش‌های مالی، دسترسی سریع به انواع اطلاعات موجود در طبقه‌بندی‌های تعریف شده، اشاره نمود. همچنین در زمینه حسابرسی می‌توان به اعتبارسنجی اتوماتیک مبالغ محاسبه شده یا تطبیق آن‌ها با چک لیست‌های افشاء شده و در سایر زمینه‌ها نیز می‌توان به افزایش محافظت از شرکت‌کنندگان در بازار سرمایه، آشکارسازی سوءاستفاده‌ها و اشتباه‌های پرداخت‌کنندگان مالیات، و همچنین ایجاد اطمینان در استقرای دهندگان اشاره نمود (آلیس و پیچوکی، ۲۰۱۲). در سال‌های اخیر، استفاده از این زبان از سوی نهادهای نظارتی در حوزه‌های مختلف بازار سرمایه، بانکداری، سرپرستی مالی، مالیاتی، نهادهای مسئول ثبت شرکت‌ها و غیره الزامی شده و بیشتر کشورهای توسعه یافته اقدام به پیاده‌سازی این زبان نموده‌اند (عزیزخانی و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین XBRL، تحول بزرگ در گزارشگری مالی در سطح جهان است و مزایای زیادی در تهیه، تحلیل و مبادله اطلاعات مالی ایجاد می‌کند که باعث افزایش کارایی اطلاعات مالی، می‌گردد. ایناچی و آون^۸ در سال ۲۰۱۵ بیان نمودند که سیستم گزارشگری XBRL به عنوان یک انقلاب در گزارشگری مالی تلقی شده که باعث کاهش میزان خطا، دسترسی سریع‌تر و ارزان‌تر به اطلاعات، افزایش ویژگی کیفی مربوط بودن اطلاعات، برای تولیدکنندگان و استفاده‌کنندگان از اطلاعات صورت‌های مالی می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری

موسسه CFA^۱ در سال ۲۰۰۷، یک نظرسنجی به منظور سنجش سطح آگاهی در زمینه XBRL و کاربردهای آن برای ارائه گزارشگری مالی و افشاگری برای کاربران نهایی شامل تحلیل‌گران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و مشاوران سرمایه‌گذاری، انجام داد. نتایج این بررسی نشان داد XBRL، قابلیت ارزیابی تطابق اطلاعات با اقلام استخراج شده از گزارش را افزایش می‌دهد و تجزیه و تحلیل داده‌ها را راحت‌تر و قابلیت بروزرسانی به موقع گزارش‌ها افزایش و اشتباهات بالقوه انسانی را در فرایندهای گزارشگری، حذف می‌نماید. همچنین با استفاده از XBRL، قابلیت قیاس اقلام اطلاعاتی گزارشات با شرکت‌های دیگر و همچنین دوره‌های مالی مختلف افزایش می‌یابد. در دسامبر سال ۲۰۰۸، کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا (SEC^{۱۰}) به ضرورت تهیه صورت‌های مالی با استفاده از XBRL رای داد. طبق این ضرورت، از ژوئن ۲۰۰۹ نزدیک به ۵۰۰ شرکت بزرگ (براساس ارزش بازار) ملزم به انجام این الزام جدید شدند و استفاده از این الزام برای دیگر شرکت‌ها در ژوئن ۲۰۱۱ کامل شد. در این راستا تلاش‌هایی در میان مجامع حرفه‌ای و دانشگاهی مبنی بر ضرورت استفاده از این زبان در تهیه صورت‌های مالی شکل گرفت (جیمز^{۱۱}، ۲۰۰۷). روند رو به رشد به‌کارگیری و استفاده از XBRL در دنیا نشانگر اینست که این روش به عنوان روش آتی در گزارشگری مالی محسوب شده و چه بسا موجب کنار گذاشتن روش‌های موجود برای گزارشگری مالی می‌گردد (تقفی و همکاران، ۱۳۸۴). پذیرش XBRL در سطح جهانی به سرعت رو به افزایش است. در سراسر دنیا فعالیت‌ها و دسته‌بندی‌های جدیدی بر اساس این زبان در حال ظهور هستند (آلیس و گری^{۱۲}، ۲۰۱۲). با وجود اینکه شرکت‌هایی از اکثر کشورهای توسعه یافته، قسمت اعظم گزارشگری‌های خود را با استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، انجام داده‌اند، در کشور ما این زبان گزارشگری آن گونه که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته و مدیران اکثر شرکت‌های داخلی، استفاده از زبان گزارشگری سنتی را ترجیح می‌دهند. در این پژوهش هدف، بررسی میزان ارتباط استفاده از زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر، توسط شرکت‌های ایرانی و تأثیر آن بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی، افزایش شفافیت اطلاعات مالی و همچنین کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. بر این اساس، سؤال‌های پژوهش حاضر این است که آیا پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی

توسعه‌پذیر توسط شرکت‌ها، در بهبود کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار است؟ آیا استفاده از این زبان می‌تواند باعث ارتقای شفافیت اطلاعات مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی شود؟ و از طرفی دیگر می‌توان مزایای به کارگیری XBRL، از قبیل افزایش سرعت دسترسی به اطلاعات و قدرت قیاس‌پذیری اطلاعات حسابداری در راستای افزایش شفافیت اطلاعات مالی و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی، برای استفاده‌کنندگان و تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی را تشریح نمود. بنابراین انجام این قبیل پژوهش‌ها در ایران، جهت شناساندن زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر و تشریح نحوه عملکرد آن در تسهیل عملیات گزارشگری مالی، ضروری است و از طرفی چنانچه کشوری خود را با پیشرفت‌های فناوری اطلاعات وفق ندهد و به این موج شتابان و فراگیر نپیوندد، در آینده‌ای نه چندان دور، در رقابت بین‌المللی به حاشیه رانده خواهد شد و بسیاری از فرصت‌های کسب و کار را به سود دیگران از دست خواهد داد.

پیشینه پژوهش

کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا منافع بالقوه پذیرش XBRL را این گونه بیان می‌کنند؛ زبان یاد شده، روش‌های هزینه‌بر جمع‌آوری دستی اطلاعات را حذف می‌کند و پردازش و تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی و مقایسه مالی و عملکرد تجاری بین شرکت‌ها، دوره‌های گزارشگری و صنایع را تسهیل خواهد نمود (جیمز، ۲۰۰۷). چودهاری و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۴) بیان می‌کنند که XBRL، پتانسیل بهبود کارایی اطلاعات و کاهش هزینه‌های آن را دارد. از طرفی دیگر آلس و پیچوکی (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که XBRL امکان گزارشگری بسیار به موقع را فراهم می‌کند و این قابلیت، تاخیر در فرایند پایش را کاهش می‌دهد. بنابراین امکان انجام تجزیه و تحلیل‌های به موقع نیز فراهم می‌شود. لیو و همکاران (۲۰۱۴)، بیان می‌کنند که تحلیلگران مالی مهم‌ترین و تخصصی‌ترین استفاده‌کنندگان گزارشگری مالی هستند. با توجه به نقشی که آنها به عنوان واسطه‌گران مالی در بازار سرمایه بر عهده دارند و همچنین از آنجایی که از توانایی بهتری برای پردازش اطلاعات برخوردار هستند، بنابراین با این پیش‌فرض که اگر به کارگیری XBRL بتواند دقت تحلیلی تحلیل‌گران و تعداد تحلیل‌گرانی که فعالیت‌های شرکت را دنبال می‌کنند افزایش دهند، اغلب مشخصه مناسبی برای سنجش محتوای اطلاعاتی محیط اطلاعاتی خواهند بود. آن‌ها این موضوع را به صورت تجربی در بورس اوراق بهادار آمریکا از طریق انجام یک مطالعه رویدادی بررسی کردند و نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داد که

بین تعداد تحلیلگرانی که اطلاعات شرکت را پیگیری می‌کنند و همچنین افزایش میزان دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران با اجباری شدن استفاده از XBRL توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا رابطه‌ای مثبت وجود دارد. همچنین یافته‌های آن‌ها به خوبی نشان داد که اجباری شدن XBRL توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا باعث غنی‌تر شدن و افزایش کیفیت اطلاعاتی محیط اطلاعاتی شده است. یون و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۱) در پژوهشی تأثیر پذیرش XBRL بر عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار کره را بررسی نمودند. یافته‌های پژوهش بر این موضوع دلالت داشت که پذیرش XBRL باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود و تقاضا جهت به‌کارگیری XBRL زمانی روند رو به رشدی خواهد داشت که دولت پذیرش XBRL را برای گزارشگری مالی ترویج نماید. راسل و هاگ^{۱۵} (۲۰۰۴) در طی پژوهشی بیان کردند که به‌کارگیری از XBRL زمانی اتفاق می‌افتد که سازمان در این زمینه سرمایه‌گذاری کرده و از این فناوری استفاده نماید. این امر در دو مرحله صورت می‌گیرد، مرحله اول شامل تصمیم‌گیری برای به‌کارگیری این فناوری در سطح سازمان است و مرحله دوم به‌کارگیری آن توسط کاربران سازمانی است.

برگ و هانن^{۱۶} (۲۰۰۷) و هوپ و توماس^{۱۷} (۲۰۰۸) در پژوهشی مشابه، به این نتیجه رسیدند که ارائه اطلاعات منظم و مفصل از طریق XBRL سهام‌داران خارج از سازمان را در شناخت هر چه بهتر محیط خویش یاری می‌کند و یک تقارن اطلاعاتی بین سهام‌داران خارج از سازمان و داخل سازمان (هیأت‌مدیره) فراهم می‌آورد. بلنک اسپور و همکاران^{۱۸} در سال ۲۰۱۲ به نقش XBRL در عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران، به پژوهش پرداختند. نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داد در سال‌های اولیه پذیرش این زبان از سوی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار آمریکا (SEC) عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران افزایش یافته و واکنش SEC را به همراه داشته است و کسانی که از گزارش‌های با فرمت XBRL استفاده می‌کنند، اطلاعات بیشتری را در اختیار داشته و توانایی آن‌ها برای پیش‌بینی رویدادهای آتی بیشتر شده است. ایناچی و آون (۲۰۱۵) با استفاده از یک سیستم امتیازدهی، کیفیت داده‌های مالی مبتنی بر XBRL و سایر گزارش‌های مالی که بر مبنای XBRL تهیه نشده بود را مقایسه نمودند و به این نتیجه رسیدند که کیفیت داده‌های مالی مبتنی بر XBRL نسبت به سایر داده‌ها برتری دارد. این برتری شامل دسترسی بیشتر، دقت بیشتر و به موقع بودن می‌شود.

مسیح‌آبادی و برزگرخاندوزی در پژوهشی در سال ۱۳۸۸ تحت عنوان "کاهش عدم تقارن اطلاعاتی با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی و زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر" به چگونگی کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان داخلی صورت‌های مالی با استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی این صورت‌ها، پرداختند و زبان تجاری گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر را ابزار کارآمدی برای ایجاد تقارن اطلاعاتی مطرح کردند. البته آن‌ها پا را فراتر گذاشته و بیان نمودند که اگر این زبان را با استفاده از برنامه‌های هوش مصنوعی، هوشمند ساخت، می‌توان صورت‌های مالی شرکت را به بهترین شکل در اختیار استفاده‌کنندگان قرار داد (مسیح‌آبادی و برزگرخاندوزی، ۱۳۸۸). نیکومرام و شکاری (۱۳۸۹) در پژوهش خود به بررسی ارتباط گزارشگری مالی قابل توسعه (XBRL) با ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری از دیدگاه حسابداران ارشد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار پرداخته‌اند. اهداف این پژوهش شامل بررسی رابطه XBRL و ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری، شناسایی XBRL و کاربرد آن در حسابداری، تشریح و ارائه نحوه عملکرد XBRL و تحلیل معایب و مزایای XBRL با عنوان ارتباط XBRL با ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری از دیدگاه حسابداران ارشد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. نتایج ارتباط XBRL با هر یک از متغیرهای مربوط بودن، قابلیت اعتماد و قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری را تأیید نمود. عزیزخانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تأثیر زبان گزارشگری مالی گسترش‌پذیر بر حسابرسی، فرصت یا چالش‌ها، دریافتند که به کارگیری زبان گزارشگری مالی گسترش‌پذیر، در سه حوزه، قابلیت مقایسه و صحت اطلاعات و شکل ارائه اطلاعات برای حرفه حسابرسی باعث ایجاد فرصت شده و می‌تواند باعث بهبود کیفیت حسابرسی گردد.

عرب مازار و جابری نسب (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "XBRL انقلاب گزارشگری مالی در دهه اخیر"، بیان نمودند که زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر، یک ابزار ضروری گزارشگری عصر جدید بوده و دوره گزارشات سنتی (گزارشات چاپی) رو به اتمام می‌باشد. عرب مازار و سرافراز (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "بهبود راهبری شرکت‌ها به کمک زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر" بیان نمودند که بین بهبود شفافیت و کارایی اطلاعات، با بهبود راهبری شرکت‌ها رابطه مستقیم وجود دارد. از این رو استفاده از تکنولوژی XBRL توانسته است در عرضه بهبود راهبری شرکت‌ها تأثیر بسزایی بگذارد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) در بهبود کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار است.

فرضیه دوم: پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث ارتقای شفافیت اطلاعات مالی می‌شود.

فرضیه سوم: پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر روش پژوهش، تحلیلی پیمایشی است که ارتباط میان متغیرها بر اساس هدف‌های پژوهش تحلیل می‌شوند. از لحاظ مکانی این تحقیق در زمره پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای است. بر اساس هدف پژوهش که بررسی نقش پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی، افزایش شفافیت اطلاعات مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد، حسابداران رسمی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران، در سال ۱۳۹۵ به عنوان جامعه آماری انتخاب گردید، تا با استفاده از دیدگاه‌ها و نظرات این گروه تخصصی (به علت آشنایی کامل با انواع سیستم‌های حسابداری و نحوه کارکرد با آن بخصوص در حوزه گزارشگری مالی) پژوهش انجام شود. بر این اساس با استفاده از روش کوکران حجم نمونه جهت بررسی آماری تعیین گردید. ابزار مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات، در این پژوهش پرسشنامه است.

مدل پژوهش و ساختار پرسشنامه

در این پژوهش برای اعتبار و روایی پرسشنامه، پرسشنامه اولیه‌ای تنظیم و به رویت صاحب‌نظران رسید و نکات مبهم و نارسا برطرف و برخی از گونه‌ها که ارتباطی با فرضیه‌ها و اهداف پژوهش نداشتند، حذف یا اصلاح شدند. پس از اعمال نظرات اصلاحی، پرسشنامه نهایی تنظیم گردید که روایی آن را بیان می‌کند. همچنین برای تعیین پایایی یا قابلیت اعتماد نتایج از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. پس از تایید صاحب‌نظران تعداد ۱۶۵ پرسشنامه (با استفاده از فرمول کوکران) بین اعضای جامعه توزیع گردید که ۱۵۰ پرسشنامه جمع‌آوری گردید. نتایج آزمون آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱ تعیین گردید. یعنی پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار است. برای ارزیابی نتایج از مقیاس لیکرت استفاده شده است که برای آزمون هر فرضیه مجموع امتیاز هر یک از افراد نمونه پس از تقسیم بر تعداد سئوالات لحاظ شده است. میانگین بدست آمده بیشتر از عدد ۳ نشان‌دهنده موافقت با فرضیه می‌باشد.

آمار توصیفی

یافته‌های توصیفی پژوهش به صورت زیر می‌باشد:

۴۸٪ پاسخ‌دهندگان بین ۳۱ تا ۴۰ سال سن دارند و ۵۹٪ پاسخ‌دهندگان دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس یا دکتری می‌باشند که این امر تحقیق را از نظر مبانی تئوریک قوی‌تر می‌سازد. ۴۲٪ پاسخ‌دهندگان دارای سابقه بالای ۱۰ سال در حرفه حسابرسی هستند که درصد قابل توجهی است.

۷۶٪ پاسخ‌دهندگان دارای رده‌های شغلی بالایی در حرفه حسابداری و حسابرسی می‌باشند لذا پاسخ آنان می‌تواند از اطمینان قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد.

آمار تحلیلی

بررسی فرضیه اول:

فرضیه صفر و فرضیه مقابل مربوط به فرضیه اول پژوهش، به صورت زیر تعریف شده‌اند:

H0: پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) در بهبود کیفیت گزارشگری مالی تأثیر گذار نیست.

H1: پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) در بهبود کیفیت گزارشگری مالی تأثیر گذار است.

مقدار احتمال آزمون کولموگروف اسمیرنوف برابر ۰/۰۰۲ است که از ۰/۰۵ کوچک‌تر است بنابراین با اطمینان ۰/۹۵ فرض نرمال بودن رد می‌شود در نتیجه برای بررسی فرضیه شماره اول، از آزمون تی یک نمونه‌ای نمی‌توان استفاده کرد.

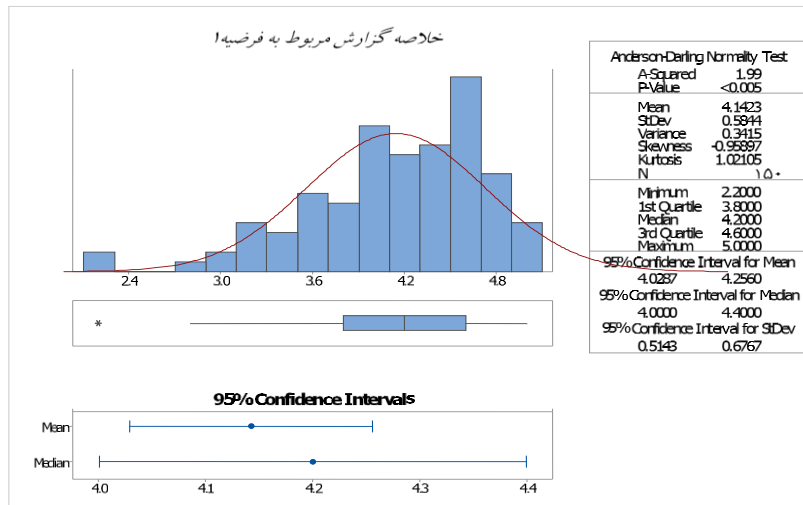
نگاره ذیل نتیجه آزمون کولموگروف- اسمیرنوف یک نمونه‌ای را که جهت بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها که از شروط استفاده از آزمون مقایسه میانگین جامعه با یک عدد ثابت برای فرضیه اول می‌باشد را نشان می‌دهد.

نگاره (۱): نتیجه آزمون نرمالیتی فرضیه

مقدار احتمال (P-Value)	آماره کولموگروف- اسمیرنوف	فرضیه ۱
۰/۰۰۲	۰/۱۰۱	فرضیه نرمال بودن

اگر میانگین امتیازات داده شده به گویه‌های مربوط به این فرضیه که "پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) در بهبود کیفیت گزارشگری مالی تأثیر گذار است." بزرگتر از عدد ۳ باشد فرض H0 رد می‌گردد و در نتیجه ادعای مطرح شده در فرض H1 تأیید می‌گردد.

مقدار احتمال مربوط به آزمون ویلکاکسون یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه آماری $H_0: \mu \leq 3$ در مقابل $H_1: \mu > 3$ برابر ۰/۰۰۲ است که از ۰/۰۵ کوچک‌تر است. بنابراین با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه H_0 رد می‌شود و فرضیه مقابل آن H_1 تأیید می‌شود. ضمناً مقادیر میانگین و میانه گزینه‌های انتخابی به ترتیب برابر ۴/۱۴ و ۴/۲۰ شده که به طور تقریبی آن‌را معادل ۴ می‌توان در نظر گرفت که معادل گزینه زیاد خواهد بود و این مسئله موید نتیجه حاصل از آزمون آماری انجام شده است. نمودار زیر در برگیرنده اطلاعات مربوط به فرضیه یک است.



نمودار (۱): اطلاعات مربوط به فرضیه شماره یک

نتیجه: پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) در بهبود کیفیت گزارشگری مالی تأثیرگذار است.

بررسی فرضیه دوم:

فرضیه صفر و فرضیه مقابل مربوط به فرضیه ۲ پژوهش، به صورت زیر تعریف شده‌اند:

H0: پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث ارتقای شفافیت اطلاعات مالی نمی‌شود.

H1: پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث ارتقای شفافیت اطلاعات مالی می‌شود.

مقدار احتمال آزمون کولموگروف اسمیرنوف برابر $0/000$ است که از $0/05$ کوچک‌تر است که با اطمینان $0/95$ فرض نرمال بودن رد می‌شود. بنابراین برای بررسی فرضیه شماره دو از آزمون تی یک نمونه‌ای نمی‌توان استفاده کرد.

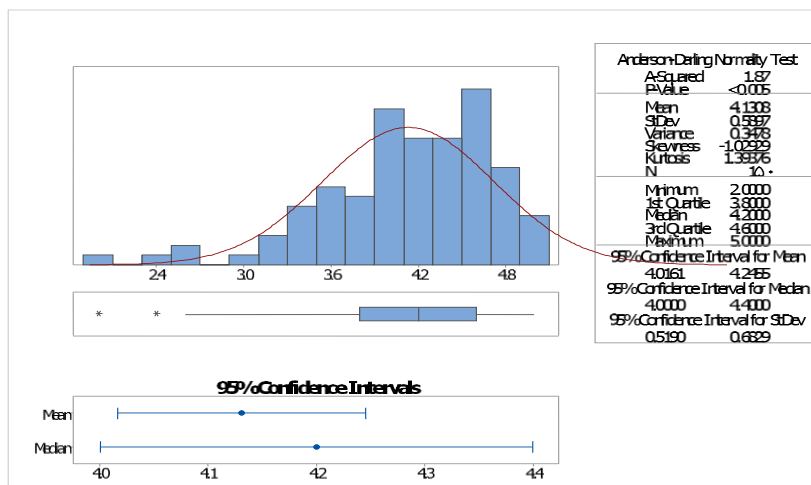
نگاره ذیل نتیجه آزمون کولموگروف - اسمیرنف یک نمونه‌ای را که جهت بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها که از شروط استفاده از آزمون مقایسه میانگین جامعه با یک عدد ثابت برای فرضیه دوم می‌باشد را نشان می‌دهد.

نگاره (۲): نتیجه آزمون نرمالیتی فرضیه دو

مقدار احتمال (P-Value)	آماره کولموگروف-اسمیرنف	فرضیه ۲
۰۰۰.۰	۰/۱۲۶	فرضیه نرمال بودن

اگر میانگین امتیازات داده شده به گویه‌های مربوط به این نظریه که "پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث ارتقای شفافیت اطلاعات مالی می‌شود." بزرگتر از عدد ۳ باشد فرض H_0 رد می‌گردد و در نتیجه ادعای مطرح شده در فرض H_1 تأیید می‌گردد.

مقدار احتمال مربوط به آزمون ویلکاکسون یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه آماری $H_0: \mu \leq 3$ در مقابل $H_1: \mu > 3$ برابر ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کوچک‌تر است. بنابراین با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه H_0 رد می‌شود و فرضیه مقابل آن H_1 تأیید می‌شود. ضمناً مقادیر میانگین و میانه گزینه‌های انتخابی به ترتیب برابر ۴/۱۳ و ۴/۲۰ شده که به طور تقریبی آن را معادل ۴ می‌توان در نظر گرفت که معادل گزینه زیاد خواهد بود و این مسئله موید نتیجه حاصل از آزمون آماری انجام شده است. نمودار زیر در برگیرنده اطلاعات مربوط به فرضیه دو است.



نمودار (۲): اطلاعات مربوط به فرضیه شماره دو

نتیجه: پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث ارتقای شفافیت اطلاعات مالی می‌شود.

بررسی فرضیه سه:

فرضیه صفر و فرضیه مقابل آن به صورت زیر تعریف شده‌اند.

H_0 : پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی نمی‌شود.

H_1 : پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

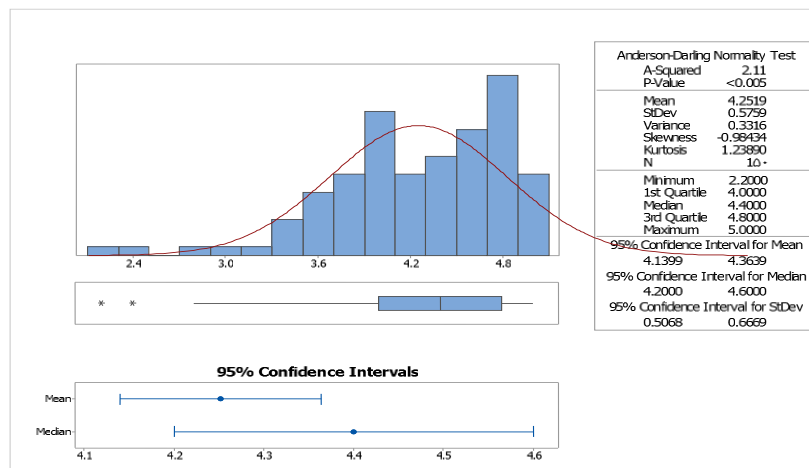
مقدار احتمال آزمون کولموگروف-اسمیرنف برابر $0.03/0.05$ است که از $0.05/0.05$ کوچک‌تر است. بنابراین با اطمینان $0.95/0.95$ فرض نرمال بودن رد می‌شود در نتیجه برای بررسی فرضیه شماره سه، از آزمون تی یک نمونه‌ای نمی‌توان استفاده کرد.

نگاره ذیل نتیجه آزمون کولموگروف-اسمیرنف یک نمونه‌ای را که جهت بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها که از شروط استفاده از آزمون مقایسه میانگین جامعه با یک عدد ثابت برای فرضیه سوم می‌باشد را نشان می‌دهد.

نگاره (۳): نتیجه آزمون نرمالیتی فرضیه ۳

مقدار احتمال (P-Value)	آماره کولموگروف-اسمیرنوف	فرضیه ۳
۰/۰۰۳	۰/۱۲۱	فرضیه نرمال بودن

اگر میانگین امتیازات داده شده به گویه‌های مربوط به این نظریه که "پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود." "بزرگتر از عدد ۳ باشد فرض H_0 می‌گردد و در نتیجه ادعای مطرح شده در فرض H_1 تأیید می‌گردد. مقدار احتمال مربوط به آزمون ویلکاکسون یک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیه آماری $H_0: \mu \leq 3$ در مقابل $H_1: \mu > 3$ برابر ۰/۰۰۳ است که از ۰/۰۵ کوچک‌تر است. بنابراین با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه H_0 رد می‌شود و در نتیجه فرضیه مقابل آن H_1 تأیید می‌شود. ضمناً مقادیر میانگین و میانه گزینه‌های انتخابی به ترتیب برابر ۴/۲۵ و ۴/۴۰ شده که به طور تقریبی آن را معادل ۴ می‌توان در نظر گرفت که معادل گزینه زیاد خواهد بود و این مسئله موید نتیجه حاصل از آزمون آماری انجام شده است. نمودار زیر در برگیرنده اطلاعات مربوط به فرضیه سوم است.



نمودار (۳): اطلاعات مربوط به فرضیه شماره سه

نتیجه: پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

نگاره (۴): خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

ردیف	فرضیه	عنوان فرضیه	نتیجه
۱	فرضیه اول	پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) در بهبود کیفیت گزارشگری مالی تأثیر گذار است.	تأیید
۲	فرضیه دوم	پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث ارتقای شفافیت اطلاعات مالی می‌شود.	تأیید
۳	فرضیه سوم	پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL) باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.	تأیید

نتیجه‌گیری

امروزه سیستم گزارشگری مالی توسعه‌پذیر (XBRL)، به عنوان یک انقلاب در گزارشگری مالی تلقی شده که باعث کاهش میزان خطا، دسترسی سریع‌تر و ارزان‌تر به اطلاعات و افزایش ویژگی کیفی مربوط بودن اطلاعات برای تولیدکنندگان و استفاده‌کنندگان از اطلاعات صورت‌های مالی می‌شود. بنابراین زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر به برجسب‌دار و نشانه‌دار کردن اطلاعات الکترونیکی استوار است و این امکان را برای تهیه و استفاده‌کنندگان از اطلاعات فراهم می‌کند تا گزارش‌های مالی مد نظر خود را بتوانند تهیه نمایند. پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر توسط شرکت‌ها منجر به شفاف‌سازی اطلاعات و باعث کاهش چشم‌گیر عدم تقارن اطلاعاتی موجود در بازار سرمایه خواهد شد و همچنین به کارگیری این زبان گزارشگری مالی منجر به تسریع در قابلیت مقایسه‌پذیری اطلاعات مالی بین شرکت‌های مختلف خواهد شد. در این پژوهش نقش پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش شفافیت اطلاعات مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، بررسی شده است. نتایج حاصل از تجربه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، حاکی از مورد تأیید قرار گرفتن کلیه فرضیه‌ها است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که پیاده‌سازی زبان گزارشگری مالی توسعه‌پذیر توسط شرکت‌ها، باعث بهبود کیفیت گزارشگری مالی، ارتقای شفافیت اطلاعات مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. نتایج آزمون فرضیه اول این پژوهش همسو با پژوهش نیکومرام و شکاری (۱۳۸۹)، ایناچی و آون (۲۰۱۵) و لیو و همکاران (۲۰۱۴) و نتایج آزمون فرضیه دوم این پژوهش همسو با پژوهش عرب مازار و سرافرازان (۱۳۹۵)، آلس پیچوکی (۲۰۱۲) و دلیو و

همکاران (۲۰۱۴) و نتایج آزمون فرضیه سوم این پژوهش همسو با پژوهش مسیح آبادی و برزگر خاندوزی (۱۳۸۸)، برگ و هانن (۲۰۰۷)، هوپ و توماس (۲۰۰۸)، یون و همکاران (۲۰۱۱) و بلنک اسپور و همکاران (۲۰۱۲) می باشد.

پیشنهادات

به مدیران و کمیته حسابرسی شرکت‌ها پیشنهاد می گردد تا با آشنایی بیشتر با زبان گزارشگری مالی توسعه پذیر و مزایای حاصل از به کارگیری آن، همگام با تحولات جهانی در حوزه گزارشگری مالی، استراتژی‌های مناسبی را جهت پیاده سازی این فناوری نوین، اتخاذ نمایند. همچنین پیشنهاد می شود در ادامه این پژوهش موضوعاتی همچون بررسی نقش زبان گزارشگری مالی توسعه پذیر در تسهیل امر پاسخگویی مدیران، در کاهش مدیریت سود و اثر آن بر حاکمیت شرکتی بررسی شود.

محدودیت‌ها

در فرآیند انجام پژوهش علمی مجموعه شرایط و مواردی وجود دارد که خارج از کنترل و اختیار پژوهشگر بوده و به صورت بالقوه می تواند نتایج را تحت تأثیر قرار داده و تعمیم پذیری آن را دچار مشکل سازد. پژوهش حاضر نیز از این موارد مستثنی نبوده است. از محدودیت‌های حاکم بر این پژوهش می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. از آنجایی که جامعه و نمونه آماری پژوهش مربوط به حسابرسان مستقل اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران می باشد، بنابراین یافته‌های پژوهش فقط برگرفته از دیدگاه و نقطه نظرات آنان می باشد که تعمیم نتایج آن از دیدگاه سایر صاحب نظران، باید با احتیاط انجام گیرد.
۲. با توجه به عدم عملیاتی شدن XBRL در ایران در زمان انجام این پژوهش، احتمال تفاوت نظرات پاسخ دهندگان بعد از پیاده سازی و اجرایی شدن XBRL در ایران را باید لحاظ نمود.

پی‌نوشت

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱ Extensible Business Reporting Language (XBRL) | ۱۰ Security & Exchange Commission |
| ۲ Extensible Markup Language | ۱۱ James |
| ۳ Flowerday et al | ۱۲ Alles&Gray |
| ۴ Alles & Piechocki | ۱۳ Chowdhuriet al |
| ۵ Efendiet al | ۱۴ Yoonet al |
| ۶ Liuet al | ۱۵ Russell &Hoag |
| ۷ Cox | ۱۶ Berger& Hann |
| ۸ Enachi& Ioan | ۱۷ Hope& Thomas |
| ۹ Chartered Financial Analyst | ۱۸ Blankespooret al |

منابع

- Alles, M. G. L. Gray. (2012). A Relative cost Frame-work of Demand for External Assurance of XBRL Filings. *Journal of Information Systems*, 26 (1) ,103-126.
- Alles, M. Pichoki, M. (2012). Will XBRL improve corporate governance? *International Journal of Accounting information Systems*, 13, 108-91.
- Arab Mazar Yazdi, M. Jaber Nasab, B. (2009). XBarral, The Financial Reporting Revolution in the Recent Decade. *Accountant Journal*, 203 (23) , 40-48. (In Persian)
- Arab Mazar Yazdi, M. Sarafaraz, M. (2016). Improving Corporate Governance through Extensible Business Reporting Language. *Journal of Accounting*, 290 (32) ,53-60. (In Persian)
- Aziz Khani, M. Imani Barandag, M. Mardiani, H. R. (2015). "The Effect of Extensible Financial Reporting Language (XBRL) on Auditing, Opportunity or Challenge". *Quarterly Journal of Empirical Accounting Research*, 4 (15) ,23-37. (In Persian)
- Berger, P. , and R. Hann. (2007). Segment profitability and the proprietary and agency costs of disclosure. *The Accounting Review*, 82 (4) ,869-906.
- Blankespoor, E. , B. Miller, and H. White. (2012). Initial evidence on the market impact of the XBRLmandate. Working paper.
- Bozorg Asl, M. Poorrkhni. V. (2006). "Introduction to the Concepts and Applications of Extensible Business Reporting Languages". *Official Journal Quarterly*, 8 & 9. (In Persian)
- CFA Institute Member Survey: XBRL. (2009). CFA Institute Market Research.
- Chowdhuri, R, Yoon, V. Y, Redmond, R. T, Etudo, U. O. (2014). Ontology based integration of XBRL filings for financial decision making. *Decision Support Systems* , 68, 76-64.
- Efendi, J, Park, J. D, Smith, M. (2014). Do XBRL filings enhance informationl efficiency. Early evidence from post-earning announcement drift. *journal of Business Research*, 67,110-109.
- Enachi, Mihaelaand Ioan I. (2015). The progress of XBRL in Europe – projects, users and prospects. *Procedia Economics and Finance* , 20,185 – 192.
- Flowerday , S. , A. W. , Blundell, R. Von Solms. (2006). Continuous Auditing Technologi esandmodels: A discussion. *computers& security* , 25, 325-331.
- Hope, O. , and W. Thomas. (2008). Managerial empire building and firm disclosure. *Journal of Accounting Research* , 46 (3) ,591-626.
- James, G. (2007). XBRL: Opportunities and challenges in Enhancing financial reporting and Assurance Processes. *Current Issues in Auditing*.
- Liu et al , C. (2014). XBRL is impact on analyst forecast behavior: An empirical study, *J. Account. Public Policy*, 33,69-82.
- Masih Abadi, A. Barzegar Khandozi, A. (2009). Reducing information asymmetry using the artificial neural network and the language of the commercially-developed commercial financial reporter. *Scientific and Experimental and Analytical. Review of the Auditor*, 47,96-103. (In Persian)
- Nikomram, H. Shekari, N. (2010). The Relationship of Financial Reporting (XBRL) with the qualitative characteristics of accounting information from the

viewpoint of senior accountants of listed companies. *Management Accounting Magazine*, 6, 77-88. (In Persian)

Russell D. M, Hoag, A. M. (2004). People and information technology in the supply chain: Social and organizational influences on adoption. *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management*, 34 (2), 102-122.

Saghafi A. Arab Mazar Yazdi, M. Baghomian, R. (2005). Financial reporting on the Internet and its situation in Iran. *Quarterly Journal of Accounting Studies*, 10 and 11, 127-156. (In Persian)

Yoon Hyungwook. Zo Hangjung, Ciganek Andrew. (2011). Does XBRL adoption reduce information asymmetry? *Journal of Business Research*, 64, 157-163

مدیریت سود افزایشی، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه

رضیه علی خانی^۱، مهدی مران جوری^۲، سیده فاطمه سید زاده^۳

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۳

چسبندگی هزینه در پژوهش‌های حسابداری و اقتصاد از اهمیت فراوانی برخوردار است و متون علمی نشان داده‌اند که چسبندگی هزینه را نمی‌توان از انگیزه‌های مدیریتی مجزا در نظر گرفت. در این تحقیق تأثیر مدیریت سود افزایشی بر چسبندگی هزینه، حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه و همچنین تأثیرات متقابل مدیریت سود و حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمونه آماری پژوهش شامل ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews و از مدل رگرسیون خطی چند متغیره برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که مدیریت سود افزایشی و حاکمیت شرکتی، چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد. همچنین اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به کاهش چسبندگی هزینه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود افزایشی، حاکمیت شرکتی، چسبندگی هزینه.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

کد DOI: 10.22051/ijar.2017.10622.1158

^۱ استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، (نویسنده مسئول)، (Alikhani_r2@yahoo.com)

^۲ استادیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس (Mr.maranjory@gmail.com)

^۳ کارشناس ارشد حسابداری، (F_seiyedzadeh@yahoo.com)

مقدمه

شناخت رفتار هزینه، یکی از مباحث مهم در تصمیم‌گیری مدیران است. زمانی که مدیران با کاهش فروش مواجه می‌شوند، ممکن است این وضعیت را موقتی تصور کرده و انتظار بازگشت فروش به حالت اولیه را داشته باشند. از این رو برخی از مدیران در دوره‌هایی که فروش روند نزولی دارد، منابع لازم برای انجام فعالیت‌های عملیاتی را کاهش نمی‌دهند. به عبارتی مدیران برای کاهش هزینه‌ها و در نتیجه افزایش سود شرکت در بلندمدت اقدام به حفظ منابع می‌کنند (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳). مدیران می‌توانند با توجه به حساسیت تغییرات هزینه به کاهش فروش، سهم هزینه‌های چسبنده از کل هزینه‌ها را ارزیابی کرده و در صورت لزوم با تجدیدنظر در قراردادهای شرکت، حساسیت هزینه‌ها نسبت به حجم فروش را افزایش دهند و از این طریق موجب کاهش هزینه‌های تعدیل منابع شوند (کردستانی و مرتضوی، ۱۳۹۱). برخی از محققین از قبیل اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) و نمازی و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهند که شدت کاهش هزینه‌ها بر اثر کاهش حجم فعالیت، کمتر از شدت افزایش هزینه‌ها بر اثر افزایش حجم فعالیت است. به این نوع رفتار هزینه‌ها، رفتار چسبنده گفته می‌شود.

مطابق استدلال اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) چسبندگی هزینه‌ها به این علت رخ می‌دهد که مدیران، منابع مرتبط با فعالیت‌های عملیاتی را به طور سنجیده تعدیل می‌کنند. زمانیکه مدیران، کاهش فروش را موقتی پیش‌بینی کرده و انتظار بازگشت فروش به سطح قبلی را دارند، حذف منابع متناسب با کاهش فروش و تحصیل مجدد آن در آینده، به افزایش هزینه‌ها و در نتیجه کاهش سود در بلندمدت منجر می‌شود. در مقابل، با وجود آنکه حفظ منابع اضافی در دوره‌های کاهش فروش، به تحمل هزینه‌های بیشتر و در نتیجه، کاهش سود دوره جاری منجر می‌شود، موجب کاهش هزینه‌ها و افزایش سود در بلندمدت می‌شود. علاوه بر این، اگر مدیران منابع مرتبط با فعالیت‌های عملیاتی را متناسب با کاهش فروش، کاهش دهند، تحصیل و آماده‌سازی مجدد منابع در آینده، نیازمند زمان است. بنابراین چنانچه منابع و در نتیجه، هزینه‌ها متناسب با کاهش فروش کاهش یابد، شرکت فرصت‌های توسعه فروش را از دست می‌دهد؛ زیرا نمی‌تواند منابع لازم برای گسترش فروش را با سرعت کافی به منظور استفاده از فرصت‌ها به خدمت بگیرد. به همین علت، مدیران ناگزیرند برای انتخاب یکی از گزینه‌های کاهش هزینه‌ها از طریق حذف منابع یا تحمل هزینه‌های بیشتر برای بهره‌برداری کامل از

افزایش فروش آتی تصمیم‌گیری کنند. یکی از اساسی‌ترین علل چسبندگی هزینه‌ها، تصمیمات سنجیده مدیرانی است که می‌کوشند با توجه به پیش‌بینی فروش آتی، سود را در بلندمدت افزایش دهند (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۳).

طبق بررسی‌های انجام شده توسط کالجا و همکاران (۲۰۰۶)، بنکر و چن (۲۰۰۶) و چن و همکاران (۲۰۰۸)، یکی از دلایل احتمالی چسبندگی هزینه‌ها، انگیزه‌های شخصی مدیران یا مدیریت سود است که از رابطه نمایندگی ناشی می‌شود. طبق رابطه نمایندگی، مالکین مدیران را مأمور اجرای عملیات شرکت کرده و در همین راستا، اختیار اتخاذ برخی تصمیمات را نیز به وی تفویض می‌نمایند. با برقراری رابطه نمایندگی، هر یک از طرفین رابطه به دنبال حداکثر کردن منافع شخصی خویش می‌باشند و از آنجا که تابع مطلوبیت مدیران با مالکان یکسان نیست، بین آنها تضاد منافع به وجود می‌آید. این رفتار فرصت طلبانه مدیران، مشکلات نمایندگی و هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد که استقرار سیستم حاکمیت شرکتی، در راستای کنترل و کاهش این مشکلات و هزینه‌ها صورت می‌گیرد. به عبارتی جهت پیشگیری از مدیریت سود در شرکت که ناشی از دلایل شخصی مدیران بوده، استقرار حاکمیت شرکتی در سیستم شرکت الزامی می‌گردد (صفرزاده، ۱۳۹۳). همچنین از آنجا که هزینه‌های عمومی، اداری و فروش بخش مهمی از هزینه‌های عملیاتی شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد، مدیران در زمان افزایش فروش، علاقه مند به افزایش سریع هزینه‌های عمومی، اداری و فروش و در زمان کاهش فروش، علاقه مند به کاهش بسیار آهسته این هزینه‌ها هستند. لازم به ذکر است تفاوت هزینه بین افزایش و کاهش فروش، نشان دهنده حفظ منابع استفاده نشده توسط مدیریت است. بنابراین هنگامی که سطح فروش تحقق یافته نسبت به دوره قبل کاهش می‌یابد، مدیران برای کاهش هزینه‌های تعدیل شده (تحصیل و آماده سازی دوباره منابع در آینده و از دست دادن فرصت‌های توسعه فروش در آینده)، منابع استفاده نشده را حفظ می‌کنند. نتیجه آن که در زمان کاهش فروش، هزینه‌ها نشان دهنده منابع مورد نیاز نسبت به سطح فروش جاری به اضافه منابع استفاده نشده است. در مقابل زمانی که سطح فروش افزایش می‌یابد، مدیران جهت پاسخگویی به افزایش تقاضا، منابع استفاده شده را افزایش می‌دهند. در نتیجه مدیران به سبب این که هزینه تنها منعکس کننده منابع مورد نیاز است، منابع غیر ضروری به دست نمی‌آورند و سطح هزینه‌ها زمانی که فروش کاهش می‌یابد (نسبت به زمانی که به همان مقدار افزایش می‌یابد)، افزایش

می یابد که سبب کاهش سطح سود می شود (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۴). این رفتار مدیریت به کاهش یا افزایش هزینه، تأثیر شگفت‌انگیزی در سود شرکت دارد، زیرا سرمایه‌گذاران همواره به دنبال کسب حداکثر سود هستند و مدیران از این حربه استفاده و اقدام به حداکثرسازی سود در صورت‌های مالی می‌کنند. بنابراین، آگاهی از چگونگی رفتار هزینه‌ها نسبت به تغییرات سطح فعالیت و یا سطح فروش از اطلاعات مهم برای تصمیم‌گیری مدیران در مدیریت سود است. ولی این رفتار، سبب تغییر چسبندگی هزینه‌ها از سطح مطلوب خواهد شد. این پدیده، احتمالاً به ارتباط مثبت بین مدیریت سود و میزان چسبندگی هزینه‌ها منجر خواهد شد و از آنجا که سیستم‌های حاکمیت شرکتی در راستای کاهش مدیریت سود طراحی و اجرا می‌شوند، انتظار می‌رود هر چه سیستم‌های حاکمیت شرکتی قویتر باشد، ارتباط مثبت بین مدیریت سود و میزان چسبندگی هزینه‌ها کم‌رنگ‌تر شود (کوو و همکاران، ۲۰۱۵).

استنباط مدیریتی از آگاهی رفتار هزینه‌ها این است که چسبندگی هزینه‌ها، قابل تشخیص و کنترل است. مدیران باید از طریق توجه به حساسیت تغییرات هزینه به نسبت تغییرات حجم فعالیت، دلیل خود را برای چسبندگی ارزیابی و ظرفیت واکنش شرکت را در برابر کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات افزایش دهند. این امر به بهبود فرآیند پاسخگویی کمک می‌کند و علاوه بر آن مشخص کردن چسبندگی هزینه‌ها، صاحبان شرکت را قادر می‌سازد تا این مساله که آیا مدیران باعث ایجاد هزینه برای بنگاه می‌شوند یا خیر؟ را تحلیل نمایند (نمازی و همکاران، ۱۳۹۱). به علت حفظ منابع بلااستفاده در دوره‌های کاهش فروش، چسبندگی هزینه‌ها موجب افزایش هزینه‌ها و کاهش بیشتر سود می‌شود و کاهش مضاعف سود، نوسان‌پذیری سود پیش‌بینی شده را افزایش می‌دهد. بنابراین در دوره‌های افزایش سطح فعالیت، تحلیل‌گران، سود شرکتی را که هزینه‌های آن چسبنده است، کمتر پیش‌بینی می‌کنند. به همین علت، خطای پیش‌بینی سود، هنگام کاهش سطح فعالیت، بیشتر خواهد بود (ویس، ۲۰۱۰). زمانی که فروش کاهش می‌یابد، مدیران تحت فشار ناشی از گزارش صحیح اطلاعات مربوط به سود ترجیح می‌دهند هزینه‌ها را کاهش دهند. از آنجایی که مدیریت سود افزایشی (مدیریت سودی که باعث افزایش سود می‌شود) برای مدیران فشار مضاعفی ایجاد می‌کند، بنابراین آنها به منظور توسعه طولانی مدت شرکت خود هزینه‌ها را از طرق مختلفی کاهش می‌دهند (کوو و همکاران، ۲۰۱۵). مشوق‌ها یا انگیزه‌های مدیریت سود در مقایسه با حاکمیت شرکتی اثرات مشخص‌تری بر کاهش

چسبندگی هزینه می‌گذارند. بنابراین این واقعیت تداعی می‌شود که مدیریت سود اتخاذ شده توسط مدیران دارای اثر مستقیمی بر تصمیمات مربوط به هزینه‌های جاری است، و این در حالی است که حاکمیت شرکتی دارای اثر غیر مستقیم می‌باشد (زیو و هانگ، ۲۰۱۵). به عبارتی حاکمیت شرکتی می‌تواند محیط منظم و ساختار منسجمی را برای شرکت‌ها بوجود آورد و فرصت طلبی مدیریتی را محدود سازد. در این تحقیق مساله این است که چه روابطی بین مدیریت سود افزایشی، حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه وجود دارد. همچنین تاثیر متقابل مدیریت سود افزایشی و حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

زیو و هانگ (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی رابطه میان مدیریت سود و حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر چسبندگی هزینه پرداختند. آنها با تقسیم هزینه‌ها به تحقیق و توسعه، تبلیغات و سایر هزینه‌های کلی دریافتند که مدیران، هزینه‌ها را با کاهش هزینه‌های کلی کنترل می‌نمایند. در ضمن تأثیر حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه را نیز مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی مناسب می‌تواند چسبندگی هزینه را کاهش دهد، هر چند تأثیر آن به اندازه مدیریت سود نیست.

کوو و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و چسبندگی هزینه پرداختند. آنها در این پژوهش تأثیرات مشوق‌های مدیریت سود بر چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش را مورد بررسی قرار دادند. در ابتدا نشان دادند که رفتار هزینه برای شرکت‌هایی با مدیریت سود مشکوک و شرکت‌هایی که مدیریت سود غیرمشکوک دارند، متفاوت است. به خصوص اینکه شرکت‌های با مدیریت سود مشکوک زمانی که با افت فروش مواجه می‌شوند، چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهند. این نتایج احتمالاً به این دلیل است که مدیران به طور جسورانه‌ای به منظور مدیریت سود هزینه‌ها را می‌شکنند و یا خود را برای زمان‌های بدی که با افت فروش مواجه می‌شوند، آماده می‌کنند.

ونریس و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط بین سرمایه سازمان و رفتار چسبندگی فروش و هزینه‌های اداری و عمومی پرداختند. آنها در این پژوهش بررسی کردند که چگونه دیدگاه یک شرکت در خصوص از خود گذشتگی‌های مربوط به اقتصاد نامشهود بر چسبندگی فروش

و هزینه‌های اداری و عمومی اثرگذار است. پدیده چسبندگی بهای تمام شده (هزینه) یک الگوی جایگزین رفتار هزینه بوده که نقش آشکاری را در تصمیمات آگاهانه و متعهدانه مدیریتی ایفا می‌کند. آن‌ها گمان می‌کردند که در افت فروش، شرکت‌هایی که دارای دارایی‌های نامشهود زیادی هستند باعث افزایش رکود منابع بلااستفاده می‌شوند که بسیار بیشتر از شرکت‌هایی با سطح کمتر دارایی‌های نامشهود می‌باشد، زیرا سطح بالای سرمایه‌گذاری‌های نامشهود، سطح هزینه‌های تعدیل شده را افزایش داده و مدیران را به ارائه پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه سوق می‌دهد و این مطلب را در نظر می‌گیرد که آیا رشد فروش آینده باعث جذب رکود منابع بلااستفاده خواهد گردید؟ محققین سطح سرمایه‌سازمان را به عنوان متغیر شدت سرمایه‌گذاری نامشهود در نظر گرفتند، تا بدین وسیله ارتباط میان رفتار هزینه (بهای تمام شد) و هزینه‌های اداری و عمومی و سرمایه‌گذاری‌های نامشهود را بررسی نمایند. یافته‌های تجربی نشان داد که چنانچه سرمایه یک سازمان بالا (پایین) باشد، هزینه‌های اداری و هزینه‌های عمومی رفتار چسبنده (ضدچسبندگی) را نشان می‌دهند.

لاتریدیس (۲۰۱۵) در مطالعه نوع دوستی در بازار سهام آمریکا: شواهدی بر حاکمیت شرکتی، رابطه ارزشی و دستکاری سود را مورد بررسی قرار داد. او در این پژوهش شاخص‌های مالی مربوط به نوع دوستی شرکتی را که نشأت گرفته از انگیزه بنگاه‌داری و برای کمک‌های شرکتی می‌باشد، را بررسی نمود. یافته‌ها نشان داد که پذیرش اقدامات نوع دوست‌گرایانه، باعث تشویق کمک‌های شرکتی می‌شود. اعمال نفوذ و نظارت شرکتی می‌تواند تمایل به کمک‌های شرکتی را کاهش دهد. شرکت‌هایی که تغییرات مدیریتی را تجربه می‌کنند به دلیل اینکه زیر ذره‌بین افکار عمومی هستند، بیشتر تمایل به کمک‌های شرکتی دارند.

ینگزو و همکاران (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به بررسی پژوهش‌های تجربی در مورد رفتار چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های سازنده چینی پرداختند. آن‌ها وجود چسبندگی هزینه در بهای تمام شده کل، هزینه‌های اجرایی، هزینه‌های فروش و نظارتی را مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها با تحلیل و بررسی داده‌های حسابداری در خلال سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ و از ۱۱۹۲ شرکت چینی که دارای سهام A هستند، دریافتند که بهای تمام شده کل، هزینه‌های اجرایی، هزینه‌های نظارتی و عمومی همگی دارای چسبندگی هستند؛ هزینه‌های فروش دارای حالت ضدچسبندگی

است و چسبندگی هزینه در دوره بعدی به صورت معکوس خواهد بود، اما اینکه ممکن است در بازه زمانی زیاد و طولانی با نزول مواجه شود، چندان آشکار نیست.

شویی و لی جون (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای نفع شخصی مدیریتی، نظارت هیأت مدیره و چسبندگی هزینه را بررسی کردند. آن‌ها با تحلیل اطلاعات حسابداری از ۷۴۰ شرکت تولیدی در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ پی بردند که هزینه‌های عملیاتی و اداری در پاسخ به تغییرات، درآمد چسبنده را نشان می‌دهند. هزینه‌های عملیاتی و اداری با میانگین تقریبی ۰/۵۸۶٪ در هر ۱٪ درآمد صعودی، افزایش را نشان می‌دهد، در حالی که این میزان تنها ۰/۴۱۱٪ در هر ۱٪ درآمد نزولی، کاهش را نشان می‌دهد. میان رفتار مبتنی بر نفع شخصی مدیریتی و میزان چسبندگی هزینه‌های عملیاتی و اداری یک رابطه مثبت وجود دارد. ضریب همبستگی مدیر عامل و انفصال رئیس بسیار مثبت است و می‌تواند میزان هزینه‌های عملیاتی و اداری را کاهش دهد. همچنین میان مدیران مستقل و میزان هزینه‌های عملیاتی و اداری رابطه منفی و میان اندازه هیأت مدیره و میزان چسبندگی هزینه‌های عملیاتی و اداری یک رابطه مثبت وجود دارد.

چن و همکاران (۲۰۰۸) رابطه انگیزه‌های مدیران و حاکمیت شرکتی را با رفتار نامتقارن هزینه‌های فروش، عمومی و اداری بررسی کردند. نتایج آنها نشان داد که عدم تقارن هزینه با جریان‌های نقدی آزاد، رابطه مثبت و با حاکمیت شرکتی رابطه منفی دارد و این رابطه منفی در صورت وجود انگیزه‌های مدیریتی تشدید می‌شود.

کردستانی و مرتضوی (۱۳۹۱) به بررسی ارتباط بین تأثیرات تصمیمات سنجیده مدیران بر چسبندگی هزینه‌ها پرداختند. مطابق یکی از فرضیه‌های ارائه شده، علت چسبندگی هزینه‌ها تصمیمات سنجیده مدیران است. در این پژوهش از پیش بینی فروش توسط مدیریت به عنوان نشانه انتظارات مدیریت استفاده شده و فرضیه تصمیمات سنجیده در مورد بهای تمام شده فروش و هزینه‌های فروش، عمومی و اداری، ۱۸۶ شرکت در طول سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ به طور تجربی آزمون گردید. نتایج نشان داد، انتظار افزایش فروش آتی توسط مدیریت، موجب کاهش چسبندگی بهای تمام شده فروش می‌شود و هرچه این خوشبینی بیشتر باشد، چسبندگی بهای تمام شده فروش بیشتر کاهش می‌یابد؛ اما خوشبینی مدیریت، چسبندگی هزینه‌های فروش، عمومی و اداری را افزایش می‌دهد و چسبندگی این هزینه‌ها در صورت خوشبینی

زیاد مدیریت، بیشتر از حالت خوشبینی کم است که شواهدی قوی از تأیید فرضیه تصمیمات سنجیده در مورد هزینه‌های فروش، عمومی و اداری محسوب می‌شود.

زنجریدار و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و همچنین بهای تمام شده کالای فروش رفته پرداخته و تأثیر ویژگی‌های مختلف شرکت‌ها مانند تعداد کارکنان، دارایی‌های جاری، دارایی‌های ثابت و بدهی‌های شرکت بر شدت چسبندگی هزینه‌ها را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و همچنین بهای تمام شده کالای فروش رفته چسبنده هستند و شدت چسبندگی در بهای تمام شده کالای فروش رفته بسیار بالا است. همچنین شاخص‌هایی مانند تعداد کارکنان، میزان دارایی جاری شرکت و نسبت بدهی بر شدت چسبندگی هزینه اداری عمومی و فروش و بهای تمام شده کالای فروش رفته، تأثیر می‌گذارد.

جبارزاده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تأثیر مسئله نمایندگی را بر رفتار نامتقارن هزینه‌های اداری، عمومی و فروش (چسبندگی هزینه‌ها) در کنار متغیرهای اقتصادی و طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نشان داد جریان نقد آزاد، دوره تصدی مدیر عامل، افق مدیر عامل و پاداش پرداختی به مدیر عامل، عوامل موثر در چسبندگی هزینه‌های اداری، عمومی و فروش شرکت‌های بورسی نمی‌باشند.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تجربی، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر می‌باشد.

فرضیه ۱: مدیریت سود افزایشی بر چسبندگی هزینه تأثیر منفی دارد.

فرضیه ۲: حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه تأثیر منفی دارد.

فرضیه ۳: اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به تعدیل چسبندگی هزینه می‌شود.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است، زیرا نتایج حاصل از آن می‌تواند مورد استفاده کلیه ذی‌نفعان قرار گیرد و با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته، از نوع پس‌رویدادی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و

قلمرو زمانی تحقیق از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. به منظور نمونه‌گیری از روش هدفمند (حذف سیستماتیک) استفاده شده است. بدین منظور کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شده‌اند.

۱. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی آنها 29 اسفند ماه باشد.

۲. جزء شرکت‌های مالی (مثل بانک‌ها، موسسات بیمه) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند.

۳. در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشد.

۴. اطلاعات مربوط به متغیرهای تحقیق در دسترس باشد.

با توجه به محدودیت‌های اعمال شده از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۹۲ شرکت انتخاب گردید. در این تحقیق داده‌ها با استفاده از نرم افزار Excel آماده و سپس با استفاده از نرم افزار Eviews تجزیه و تحلیل انجام شده است.

مدل و متغیرهای تحقیق

فرضیه اول بیان می‌کند که مدیریت سود افزایشی بر چسبندگی هزینه تاثیر منفی دارد. انتظار می‌رود در مدل زیر در صورت تایید فرضیه β_3 منفی باشد (زیو و هانگ، ۲۰۱۵).

مدل (۱)

$$\log\left(\frac{SGA_t}{SGA_{t-1}}\right) = \beta + \beta_1 \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_2 DUM \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_3 EM \times DUM \\ \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_4 DUM \times CAPR \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_5 DUM \times QTOBIN \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \varepsilon$$

متغیر وابسته:

$$\text{هزینه چسبندگی} = \log\left(\frac{SGA_t}{SGA_{t-1}}\right)$$

$$SGA_t = \text{کل هزینه‌های عملیاتی و اداری}$$

متغیرهای مستقل:

$$REV_t = \text{لگاریتم طبیعی درآمد}$$

DUM = متغیر دومی، اگر REV کاهش یابد یعنی درآمد سال جاری نسبت به درآمد سال گذشته کاهش یابد، به آن عدد ۱ داده می شود و در غیر اینصورت صفر داده می شود (به عبارتی چنانچه درآمد سال جاری نسبت به درآمد سال گذشته افزایش یابد به آن عدد صفر داده می شود و در غیر اینصورت ۱ داده می شود).

EM: شاخص مدیریت سود که از باقیمانده های مدل تعدیل شده جونز به دست می آید.

مدل جونز برای اندازه گیری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی به شرح زیر می باشد:

$$ACC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}) + \beta_2 PPE_{it} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

ACC_i: مجموع ارقام تعهدی،

ΔREV: تغییر در درآمد،

ΔREC: تغییر در خالص حسابهای دریافتی،

PPE: ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات می باشد.

باقیمانده مدل (ε_{i,t})، ارقام تعهدی اختیاری و نشان دهنده تقریبی از مدیریت سود (EM) است.

متغیرهای کنترلی:

CAPR = از تقسیم خالص ارزش دارایی های ثابت بر درآمد عملیاتی شرکت بدست می آید.

QTOBIN = از جمع ارزش بازار حقوق صاحبان و ارزش دفتری بدهی ها بر کل دارایی ها

بدست می آید.

فرضیه دوم بیان می دارد که حاکمیت شرکتی بر چسبندگی هزینه تاثیر منفی دارد. برای آزمون فرضیه دوم از مدل (۲) استفاده می شود. انتظار می رود که حاکمیت شرکتی چسبندگی هزینه را کاهش دهد. بنابراین انتظار می رود برای تأیید فرضیه دوم β₃ تا β₇ منفی باشد (زیو و هانگ، ۲۰۱۵).

مدل (۲)

$$\begin{aligned} \log\left(\frac{SGA_t}{SGA_{t-1}}\right) = & \beta + \beta_1 \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_2 DUM \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_3 EM \times DUM \times FACT1 \\ & \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_4 DUM \times FACT2 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_5 DUM \times FACT3 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) \\ & + \beta_6 DUM \times FACT4 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_7 DUM \times FACT5 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) \\ & + \beta_8 DUM \times CAR \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_9 DUM \times QTOBIN \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \varepsilon \end{aligned}$$

متغیرهایی که حاکمیت شرکتی را اندازه‌گیری می‌نمایند، عبارتند از:

FACT1: تمرکز مالکیت، درصد سهام در دست بزرگترین سهامدار،

FACT2: تعداد اعضای غیر موظف هیأت‌مدیره،

FACT3: درصد سهام در دست سهامداران نهادی،

FACT4: اندازه هیأت‌مدیره، تعداد اعضای هیأت‌مدیره،

FACT5: تفکیک مدیر عامل، اگر رئیس هیأت‌مدیره و مدیر عامل دو فرد متفاوت باشند

عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر داده می‌شود.

فرضیه سوم بیان می‌دارد که اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به تعدیل چسبندگی هزینه می‌شود. برای آزمون این فرضیه، متغیر مدیریت سود به مدل (۲) اضافه شده و تأثیر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود بر چسبندگی هزینه سنجیده می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود در صورت تایید فرضیه سوم β_3 تا β_7 در مدل (۳) منفی باشد (زیو و هانگ، ۲۰۱۵).

مدل (۳)

$$\begin{aligned} \log\left(\frac{SGA_t}{SGA_{t-1}}\right) = & \beta + \beta_1 \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_2 DUM \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_3 EM \times DUM \times EM \times FACT1 \\ & \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_4 DUM \times EM \times FACT2 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_5 DUM \times EM \times FACT3 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) \\ & + \beta_6 DUM \times EM \times FACT4 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_7 DUM \times EM \times FACT5 \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) \\ & + \beta_8 DUM \times CAPR \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \beta_9 DUM \times QTOBIN \times \log\left(\frac{REV_t}{REV_{t-1}}\right) + \varepsilon \end{aligned}$$

آزمون فروض کلاسیک رگرسیون

قبل از برآزش مدل‌های فوق، فروض کلاسیک رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش به منظور برآورد ناهمسانی واریانس از آزمون وایت و برای بررسی نرمال بودن متغیر وابسته و نرمال بودن توزیع خطاها از آماره جارکوبرا استفاده شده است.

نگاره (۱): نتایج فروض کلاسیک

آزمون جارک برا و آزمون وایت			
نتیجه	مقدار احتمال	آزمون	
نرمال	۰/۱۰۲	جارک برا (نرمال بودن توزیع خطاها)	مدل (۱)
عدم وجود ناهمسانی واریانس	۰/۱۵۹	آزمون وایت	
نرمال	۰/۲۰۱۴	جارک برا (نرمال بودن متغیر وابسته)	مدل (۲)
نرمال	۰/۰۹۲	جارک برا (نرمال بودن توزیع خطاها)	
عدم وجود ناهمسانی واریانس	۰/۱۷۴	آزمون وایت	مدل (۳)
نرمال	۰/۱۸۵	جارک برا (نرمال بودن متغیر وابسته)	
نرمال	۰/۰۸۵	جارک برا (نرمال بودن توزیع خطاها)	مدل (۳)
عدم وجود ناهمسانی واریانس	۰/۲۳۴	آزمون وایت	
نرمال	۰/۲۱۴	جارک برا (نرمال بودن متغیر وابسته)	

با توجه به نگراره فوق از آنجایی که سطح معناداری آماره جاک- برا برای هر سه مدل بیشتر از ۰.۰۵ است، فرضیه H_0 تأیید شده و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت توزیع خطاها در مدل رگرسیونی و متغیر وابسته از توزیع نرمال برخوردار است. همچنین نتایج حاصل از آزمون وایت نشان دهنده این است که آماره F مدل رگرسیونی پژوهش در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار نیستند. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس در بین داده های مدل در سطح خطای ۰/۰۵ تأیید می شود و به همین دلیل می توان از مدل رگرسیون OLS استفاده نمود. همچنین در آزمون هم خطی میان متغیرهای مستقل، مشکل همبستگی اساسی میان متغیرهای مستقل مشاهده نشد.

فرآیند انتخاب نوع مدل

آزمون چاو

به منظور گزینش یکی از روش های داده های پانلی یا داده های یکپارچه، از آزمون چاو استفاده شده است. نتایج آزمون چاو به شرح نگراره زیر است.

نگاره (۲): نتایج آزمون چاو (همسانی عرض از مبداءهای شرکت)

آزمون اثرات ثابت مقطعی			
مقدار احتمال	آماره	آزمون اثرات	
۰/۰۰۰	۳/۳۳۴	مقطعی F	مدل (۱)
۰/۰۰۷	۴۵/۵۵۸	چی - اسکوار مقطعی	
۰/۰۰۰	۱/۵۰۶	مقطعی F	مدل (۲)
۰/۰۰۱	۱۳/۷۳	چی - اسکوار مقطعی	
۰/۰۰۰	۴۶/۸۲	مقطعی F	مدل (۳)
۰/۰۰۰	۱۲/۶۸	چی - اسکوار مقطعی	

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون چاو، روش داده های پانلی مناسب تر است. پس از انتخاب روش پانل به وسیله آزمون چاو، از آزمون هاسمن جهت انتخاب بین روش های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده گردید. نتایج آزمون هاسمن به شرح نگراره زیر است.

نگاره (۳): نتایج آزمون هاسمن

آزمون هاسمن - اثرات تصادفی		
مقدار احتمال	آماره چی - اسکوار	خلاصه آزمون
۰/۰۰۰	۳۱/۱۳	مدل (۱)
۰/۰۰۰	۳/۴۳	مدل (۲)
۰/۰۰۰۳	۰/۴۸۳	مدل (۳)

مقدار احتمال آزمون هاسمن برای همه مدل‌ها نشان می‌دهد که مدل با اثرات ثابت مناسب است.

یافته‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در نگاره (۴) ارائه و سپس داده‌های مربوطه برای دوره زمانی (۸۹-۹۳) با استفاده از مدل‌های رگرسیونی مورد آزمون قرار گرفت.

نگاره (۴): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر/آماره	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
Log (SGA/SGA-1)	۰/۰۹۷	۰/۰۸۰	۱/۳۹	-۱/۲۳	۰/۲۰۲
Log (Revt/Revt-1)	۰/۰۸۹	۰/۰۸۰	۰/۶۸	-۰/۴۰۰	۰/۱۳۱
DUM	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۸۸
EM	۰/۰۲۵	۰/۰۱۶	۰/۳۶۵	-۰/۴۶۲	۰/۱۲۸
CAPR	۰/۳۲۳	۰/۲۰۰	۲/۷۰	۰/۰۰۰	۰/۳۸۱
QTOBIN	۱/۸۴	۱/۵۶	۶/۶۴	۰/۳۰۰	۱/۱۰۱
FACT1	۴۳/۰۵	۵۱/۶	۹۷/۰	۰/۰۰۰	۳۲/۱۲
FACT2	۰/۴۶	۰/۵۰	۰/۸۰	۰/۰۰۰	۰/۱۹۲
FACT3	۳۸/۱۳	۲۴/۰۳	۹۹/۹۳	۰/۰۰۰	۳۳/۸۳
FACT4	۶/۰۰۴	۶/۰۰	۷/۰۰	۰/۳۰۰	۰/۵۲
FACT5	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۲۲
تعداد نمونه	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲	۹۲
تعداد مشاهدات	۴۶۰	۴۶۰	۴۶۰	۴۶۰	۴۶۰

نتایج مندرج در نگاره (۵) سطح معنی داری را برابر با ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد، بنابراین این مدل با احتمال ۰/۹۵ معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. همچنین ضریب تعیین این مدل تقریباً ۰/۵۹ است. این عدد نشان می‌دهد که ۵۹ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است و از آنجائی که آماره دورین- واتسون این مدل نزدیک به ۲ است (۱/۹۳)، می‌توان گفت که در این مدل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد. سطح معنی داری محاسبه شده برای متغیر مستقل $DUM * EM * \text{Log} (Rev_t/Rev_{t-1})$ کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده متغیر (۲/۳۶۶-) و منفی می‌باشد. در نتیجه این متغیر با متغیر وابسته ارتباط معکوس و معناداری دارد و حاکی از تأیید فرضیه اول می‌باشد. به عبارت دیگر، مدیریت سود افزایشی به طور بارزی چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد.

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: $\log \left(\frac{SGA}{SGAtt-1} \right)$				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	۰/۰۸۶	۰/۰۰۱	۵۹/۶۲	۰/۰۰۰
$\text{Log} (Rev_t/Rev_{t-1})$	۰/۲۲۵	۰/۰۰۹	۲۴/۴۷	۰/۰۰۰
$D * \text{Log} (Rev_t/Rev_{t-1})$	۰/۰۸۷	۰/۰۴۷	۱/۸۵۷	۰/۰۰۶
$D * EM * \text{Log} (Rev_t/Rev_{t-1})$	-۲/۳۶۶	۰/۱۵۴	-۱۵/۲۷	۰/۰۰۰
$D * CA * \text{Log} (Rev_t/Rev_{t-1})$	۳/۳۹۸	۰/۱۶۳	۲۰/۷۴۹	۰/۰۰۰
$D * Q * \text{Log} (Rev_t/Rev_{t-1})$	-۰/۱۲۲	۰/۰۱۴	-۸/۶۶	۰/۰۰۰
ضریب تعیین ۰/۵۹۵		ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۵۹۴		
آماره دورین واتسون ۱/۹۳		آماره F ۵۴۷/۶۱		احتمال آماره F ۰/۰۰۰

همانگونه که نتایج مندرج در نگاره (۶) نشان می‌دهد، از بین متغیرهای حاکمیت شرکتی، سطح معناداری محاسبه شده متغیرهای تمرکز مالکیت، درصد مدیران غیر موظف، سهامداران نهادی و تعداد اعضای هیات مدیره کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آنها منفی و معنادار می‌باشد، اما بین متغیر تفکیک مدیر عامل و متغیر وابسته رابطه معناداری یافت نشد. همچنین ضریب تعیین این مدل تقریباً ۰/۳۰ است. این عدد نشان می‌دهد که ۳۰ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است و از آنجائیکه آماره

دوربین- واتسون این مدل نزدیک به ۲ است (۱/۹۷)، می توان گفت که مشکل خودهمبستگی بین باقیمانده های مدل وجود ندارد. به علاوه سطح معنی داری آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه، آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می دهد در نتیجه این مدل با احتمال ۹۵٪ معنادار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: $\log\left(\frac{SGA}{SGAtt-1}\right)$				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
عرض از مبدا	۰/۰۸۵	۰/۰۰۱	۶۰/۲۱	۰/۰۰۰
Log (Rev/Rev-1)	۰/۲۲۱	۰/۰۰۹	۲۴/۵۲	۰/۰۰۰
D*Log (Rev/Rev-1)	-۹/۰۷۸	۰/۳۶۹	-۲۴/۵۸	۰/۰۰۰
D* F1*Log (Rev/Rev-1)	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۱	-۱۱/۷۶	۰/۰۰۰
D* F2*Log (Rev/Rev-1)	-۰/۴۱۴	۰/۱۳۶	-۳/۰۲۹	۰/۰۰۲۵
D* F3*Log (Rev/Rev-1)	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	-۲/۹۷۷	۰/۰۰۲۹
D* F4*Log (Rev/Rev-1)	-۱/۴۲۲	۰/۰۵۳	-۲۶/۴۶	۰/۰۰۰
D* F5*Log (Rev/Rev-1)	۰/۰۶۹	۰/۱۲۰	۰/۵۷۳	۰/۵۶۶
D*CA*Log (Rev/Rev-1)	۳/۶۷	۰/۱۶۰	۲۲/۸۴	۰/۰۰۰
D*Q*Log (Rev/Rev-1)	-۰/۴۵	۰/۰۱۶۱	-۲۷/۹۵	۰/۰۰۰
ضریب تعیین ۰/۳۰		ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۹		
آماره دوربین واتسون ۱/۹۷		آماره F ۴۱۶/۰۹		احتمال آماره F ۰/۰۰۰

همانگونه که نتایج مندرج در نگاره (۷) نشان می دهد، مقدار سطح معنی داری برابر با ۰/۰۰۰ است، بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. میزان ضریب تعیین برابر با ۰/۳۱ محاسبه شده است به این معنا که حدود ۳۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود. مقدار آماره دوربین- واتسون برابر با ۲/۰۱ است و نشان می دهد که مشکل خود همبستگی بین جملات باقی مانده وجود ندارد. سطح معناداری برای متغیرهای حاکمیت شرکتی (β_3 تا β_7)، کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آنها منفی می باشد. به عبارت دیگر، اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به کاهش چسبندگی هزینه می شود و فرضیه سوم تأیید می گردد.

نگاره (۷): نتایج آزمون فرضیه سوم

متغیر وابسته: $\log\left(\frac{SGA}{SGAtt-1}\right)$				
متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدا	۰/۰۸۳	۰/۰۰۱	۴۸/۹۵	۰/۰۰۰
Log (Revt/Revt-1)	۰/۲۲۷	۰/۰۱۰	۲۰/۹۳	۰/۰۰۰
D*Log (Revt/Revt-1)	۰/۰۱۲	۰/۰۵۹	۰/۲۰۷	۰/۰۳۵
D*EM* F1*Log (Revt/Revt-1)	-۰/۲۲۰	۰/۰۱۶	-۱۳/۱۲	۰/۰۰۰
D*EM* F2*Log (Revt/Revt-1)	-۲/۱۷	۱/۱۵۹	-۱/۸۷۶	۰/۰۴۰۴
D*EM* F3*Log (Revt/Revt-1)	-۰/۳۴	۰/۰۱۹	-۱۷/۸۸	۰/۰۰۰
D*EM* F4*Log (Revt/Revt-1)	-۳/۴۳	۰/۲۸۴	-۱۲/۰۵۰	۰/۰۰۰
D*EM* F5*Log (Revt/Revt-1)	-۰/۷۰۹	۲/۷۸۹	-۰/۲۵۴	۰/۰۰۰۳
D*CA*Log (Revt/Revt-1)	۴/۶۵۳	۰/۲۰۵	۲۲/۶۳	۰/۰۰۰۰
D*Q*Log (Revt/Revt-1)	-۰/۱۸۴	۰/۰۱۹	-۹/۶۲۸	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین ۰/۳۱۵		ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۱۲		
آماره دورین واتسون ۲/۰۱		آماره F ۲۵۸/۵۸		
		احتمال آماره F ۰/۰۰۰		

نتیجه گیری

در فرضیه اول بیان شد که مدیریت سود افزایشی به طور بارزی چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد. نتایج حاصل از تجزی و تحلیل و برازش مدل نشان داد، سطح معناداری برای مدیریت سود افزایشی کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آن متغیر (۲/۳۶۶) و منفی می‌باشد. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که این متغیر با متغیر وابسته ارتباط معکوس و معناداری دارد و حاکی از تأیید فرضیه اول می‌باشد. به عبارت دیگر، مدیریت سود افزایشی به طور بارزی چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد. نتیجه آزمون این فرضیه مشابه با نتیجه تحقیق کوو و همکاران (۲۰۱۵) و زیو و یانگ (۲۰۱۵) است که دریافتند مدیریت سود افزایشی، چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد.

فرضیه دوم بیان می‌دارد که حاکمیت شرکتی به طور قابل توجهی چسبندگی هزینه را کاهش می‌دهد. نتایج نشان داد، از بین متغیرهای حاکمیت شرکتی، سطح معناداری محاسبه شده

متغیرهای تمرکز مالکیت، درصد مدیران غیر موظف، سهامداران نهادی و تعداد اعضای هیات مدیره کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آنها منفی و معنادار می‌باشد، اما برای متغیر تفکیک مدیر عامل و متغیر وابسته رابطه معناداری یافت نشد. نتایج این فرضیه همسو با تحقیق شویی و لیجون (۲۰۱۱) و چن و همکاران (۲۰۰۸) است که دریافتند حاکمیت شرکتی می‌تواند چسبندگی هزینه را کاهش دهد.

فرضیه سوم بیان می‌دارد که اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به کاهش چسبندگی هزینه می‌شود. برای آزمون فرضیه سوم تحقیق متغیر مدیریت سود به مدل (۲) اضافه شد و تأثیر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود سنجیده شد. سطح معناداری محاسبه شده برای متغیرهای حاکمیت شرکتی، کمتر از سطح خطای ۵ درصد و ضریب برآورد شده آنها منفی می‌باشد. به عبارت دیگر، اثر متقابل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایشی منجر به کاهش چسبندگی هزینه می‌شود. بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌شود. نتایج این فرضیه همسو با تحقیق زیو و یانگ (۲۰۱۵) است که نشان دادند، مدیریت سود افزایشی در مقایسه با حاکمیت شرکتی تأثیر بیشتری در کاهش چسبندگی هزینه می‌گذارد.

بطور کلی نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رفتارهای هزینه، تحت تأثیر سیاست‌های مدیریت در انتخاب رویه‌های حسابداری و همچنین استقرار سیستم حاکمیت شرکتی قرار می‌گیرد. مدیران به طور جسورانه‌ای به منظور مدیریت سود، هزینه‌ها را کاهش می‌دهند و شاید خود را برای زمان‌های بدی که با کاهش فروش مواجه می‌شوند، آماده می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که مدیریت سود در مقایسه با حاکمیت شرکتی تأثیر بیشتری بر کاهش چسبندگی هزینه می‌گذارد. این موضوع تداعی کننده این مطلب است که مدیریت سود صورت گرفته توسط مدیران اثر مستقیمی بر تصمیمات مربوط به هزینه‌های جاری می‌گذارد، و این در حالی است که حاکمیت شرکتی دارای اثر غیر مستقیم می‌باشد، زیرا حاکمیت شرکتی سازوکاری است تا فرصت طلبی مدیریت محدود گردد. به عبارت دیگر با توجه به اینکه مدیریت سود افزایشی برای مدیران فشار مضاعفی ایجاد می‌کند، بنابراین آنها سعی می‌کنند به منظور توسعه طولانی مدت شرکت، هزینه‌ها را از طرق مختلف کاهش دهند.

پیشنهاد کاربردی تحقیق

با توجه به نتایج تحقیق حاضر به نهادهای تدوین کننده مقررات از جمله سازمان بورس پیشنهاد می شود که در تدوین مقررات و آیین نامه های مربوطه، به تقویت سازوکارهای راهبری شرکتی توجه نمایند تا از این طریق اثرات منفی چسبندگی هزینه کاهش یافته و منافع سهامداران تامین شود.

پیشنهاد برای تحقیق های آتی

- ۱- سایر مدل ها جهت عملیاتی کردن متغیر میزان چسبندگی هزینه و بررسی ارتباط آن با حاکمیت شرکتی بررسی شود.
- ۲- تأثیر سایر انگیزه های مدیران در بروز چسبندگی هزینه ها مطالعه شود.
- ۳- سایر عوامل تعیین کننده میزان چسبندگی هزینه از جمله کارایی کارکنان، رشد اقتصادی، خصوصیات صنعت، میزان تغییر در فعالیت، استفاده از ظرفیت موجود، ویژگی های بازار کار، شرایط آب و هوایی، نوسانات بازار و ماهیت منابع بررسی شود.

منابع

- Anderson, M. C. , Banker, R. , & Janakiraman, S. (2003). Are Selling, General and Administrative Costs “Sticky”? *Journal of Accounting Research*, 41 (1): 47- 63.
- Chen C. X, Lu H. , Sougiannis T. (2008). Managerial empire building, corporate governance, and the asymmetrical behavior of selling, general, and administrative costs. Working paper, University of Illinois at Urbana Champaign; 2008.
- Horngren, C. T. , Foster, G. , & Datar, S. M. (2006). *Cost Accounting: A Managerial Emphasis*. Upper saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Jabbarzadeh kangarluei, S. , Motavassel, M. , & Rahimzadeh Khazaei, A. (2014). Agency Problem, Corporate Governance Mechanisms and Cost Stickiness in Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *journal financial management strategy*, 3 (10): 79- 103. (in persian)
- Ji, X. D. , Ahmed, K. , & Lu, W. (2015). The impact of corporate governance and ownership structure reforms on earnings quality in China, *International Journal of Accounting & Information Management*, 23 (2): 169 – 198.
- Koo, J. H. , Song, S. , & Paik, T. Y. (2015). Earning management and cost Stickiness. *Advanced Science and Technology Letters*, 84: 40-44.

- Khodadadi, V. , Nickar, J. , & Hajizadeh, S. (2015). The Effect of sticky cost Behavior and Conditional Conservatism on Analysis of Cost, Volume and Profit. *Journal of Accounting Advances*, 7 (1) 49- 76. (in persian)
- Kordestani, GH. , & Mortazavi, M. (2012). Recognizing Factors of sticky cost. *journal financial Accounting*, 3, 13- 32. (in persian)
- Latridis, G. E. (2015). Corporate philanthropy in the US stock market: Evidence on corporate governance, value relevance and earnings manipulation. *Emerging Markets Review*, 23, 83-105.
- Lin, Z. J. & M. Liu. (2009). The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*. pp. 44-59.
- Shan, Y. G. (2015). Value relevance, earnings management and corporate governance in China. *Emerging Markets Review*, 23: 186-207.
- Shouyi, W. & Lijun, W. (2011). Managerial Self-interest, Board Governance and Cost Stickiness, Accounting School, Dongbei University of Finance and Economics, Dalian, China.
- Safarzadeh, M. H. (2015). role of corporate governance mechanisms on sticky cost behavior. *journal financial Accounting*, 6 (23) 1- 21. (in persian)
- Venieris, G. & Naoum, V. C. (2015). Organisation capital and sticky behaviour of selling, general and administrative expenses, Athens University of Economics and Business, 76 Patission Str. , Athens, Greece.
- Weiss, D. (2010). Cost behavior and analysts earning forecasts. *The Accounting Review*, 85 (4): 1441-1471.
- Xue, S. & Hong, Y.(2015.)Earnings management, corporate governance and expense stickiness. *China Journal of Accounting Research*, 41: 47-63.
- Ying Xu, L. wang, F. J & Hu, Y. (2014). Empirical Research of costs strickiness Behavior in chines Manufacturing listed Firms. *Management school xi an jiaotong university china*, 19 (2): 179 – 211.
- Zanjirdar, M. , Ghaffari, P. , & Maddahi, A. (2013). Review and analyze the factors affecting the behavior of sticky costs. *Journal of Management Accounting*, 20: 13- 31. (in persian)
- Zimmerman, J. L. (2009). Accounting for Decision Making and Control. Mc Graw Hill International Edition.

اهمیت زمینه صنعت در نوع رویه‌های حسابداری مدیریت

هاشم ولی‌پور^۱، هاشم کاویانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۳

چکیده

زمینه صنعت از عوامل مهم در تعیین رویه‌های عمل حسابداری مدیریت محسوب می‌شود. اهمیت و نحوه بکارگیری این موضوع در پژوهش‌های تجربی آینده ایجاب می‌کند در این مقاله به آن پرداخته شود. مطالعه حاضر، ضمن ارائه تعریف مفهومی از زمینه صنعت، به مرور و بررسی تأثیر آن بر رویه‌های عمل حسابداری مدیریت می‌پردازد. در غالب پژوهش‌ها، این مفهوم به معنای رویه‌های عمل اصلی سازمان بکار برده شده است. رویکردهای نظری موجود در این پژوهش‌ها، عمدتاً بر دو نوع ویژگی صنعت یعنی رویه‌های عمل اصلی سازمان و عوامل مختص هر صنعت، تأکید داشته‌اند. در این مطالعه، چگونگی تأثیر این دو ویژگی بر نوع رویه‌های حسابداری مدیریت مورد بررسی قرار گرفته و نوع ویژگی‌های صنعت مورد تأکید در پژوهش‌های مرور شده، اثر زمینه صنعت بر رویه‌های عمل حسابداری مدیریت و رویکردهای تجربی اتخاذ شده در این پژوهش‌ها تبیین شده است. بر این اساس، فرصت‌هایی جهت انجام تحقیقات آتی پیشنهاد گردیده است.

واژه‌های کلیدی: صنعت، رویه‌های عمل حسابداری مدیریت، رویه‌های عمل اصلی سازمان، عوامل

تأثیرگذار متمایز.

طبقه‌بندی موضوعی: F14

کد DOI: 10.22051/ijar.2017.12234.1207

^۱ دانشجویار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد، (h.valipour@gmail.com)

^۲ مربی، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد داریون، نویسنده مسئول، (hkaviani2002@gmail.com)

مقدمه

بررسی دلایلی که حسابداری تحت روش‌های خاصی انجام می‌شود را نمی‌توان فقط با تمرکز بر ویژگی‌های فنی عملیات مشخص نمود. بلکه لازم است حسابداری را به‌عنوان بخشی از یک بافت بزرگ‌تر دانست که به رویه‌ها و مفاهیم خاص حسابداری منجر می‌گردد. توسعه پژوهش‌های حسابداری در چند دهه اخیر نشان داده که رویه‌های مورد عمل حسابداری کاملاً با محیط گسترده سازمانی که در آن واقع شده مرتبط است (چپمن، کوپر و میلر، ۲۰۰۹؛ لاپسلی و رایت، ۲۰۰۴). از دهه ۱۹۷۰ به بعد بسیاری از پژوهش‌گران، حسابداری را با توجه به زمینه فعالیت آن بررسی نموده‌اند (لاپسلی و رایت، ۲۰۰۴). در این مطالعات، بررسی ارتباط زمینه صنعت با رویه‌های عمل حسابداری بر اساس رویکردهای نظری متفاوت دنبال شده است.

مطالعات مبتنی بر نظریه نهادی، زمینه صنعت را شامل مجموعه‌ای از باورها و هنجارهای حاکم بر سازمان تعریف نموده‌اند (میلر و اولری، ۲۰۰۷). بنابراین منطقی است که یک سازمان سیستم‌های حسابداری و کنترل خاصی را اتخاذ نماید. پژوهش‌های انجام شده مبتنی بر تئوری اقتضایی عوامل زمینه‌ای همچون عدم اطمینان محیطی، شدت رقابت، نوع استراتژی دنبال شده توسط سازمان، فرهنگ سازمانی و یا پیچیدگی وظایف آن (چن‌هال، هال و اسمیت، ۲۰۱۳) را مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش‌ها، زمینه صنعت شامل مجموعه عواملی است که سیستم حسابداری یا کنترل خاصی مناسب با یک سازمان را تعیین می‌کند (گردین و گریو، ۲۰۰۸).

نظریه شبکه-کنشگر مفهوم زمینه را به شیوه سطحی‌گرایی بر حسب تمام اشخاص مرتبط با یک سازمان بیان می‌کند (جاستیسن و موریتسن، ۲۰۱۱). به عبارتی زمینه شامل شبکه‌ای از عوامل می‌باشد که به موضوع حسابداری مرتبط می‌باشند (آندون، باکستر و چوآ، ۲۰۰۷؛ جاستیسن و موریتسن، ۲۰۱۱). نظریه‌های عملی زمینه را به مفهوم پیوند عملیات سازمان با سازوکارهای مهمی همچون روش‌های حسابداری و فن‌آوری تلقی می‌کنند (آهرنز و چپمن، ۲۰۰۷).

با بررسی مطالعات انجام شده بر اساس رویکردهای نظری فوق‌الذکر می‌توان پی برد که ویژگی‌های زمینه‌ای متعددی در هر مطالعه قابل شناسایی می‌باشد. این ویژگی‌ها شامل عواملی همچون نوع مالکیت سازمان (خصوصی در مقابل دولتی)، صنعتی که سازمان به آن تعلق دارد، اندازه آن (کوچک در مقابل بزرگ)، هدف آن (انتفاعی در مقابل غیرانتفاعی)، موقعیت

جغرافیایی آن، دوره زمانی مورد مطالعه و عوامل قومی، فرهنگی می‌باشند (افرین و هوپر، ۲۰۰۷).

با وجودی که همه رویکردهای نظری فوق‌الذکر به زمینه صنعت توجه داشته‌اند، اما غالب این پژوهش‌ها از چگونگی شکل‌گیری رویه‌های حسابداری مدیریت تحت تأثیر ویژگی‌های صنعت، تبیین واضحی ارائه نمی‌دهند. در این مقاله سعی شده که نظرات موجود در رابطه با اثرات صنعت بسط داده شود، به طوری که بینش جامعی از نحوه تأثیر عوامل مختلف زمینه صنعت بر شکل‌گیری رویه‌های عمل حسابداری مدیریت فراهم گردد. بنابراین با ذکر مثال‌هایی در ارتباط با موضوع، شیوه‌های مختلف نظریه‌پردازی در آن‌ها مورد بحث قرار گرفته است. بنا بر مباحث گفته شده هدف از این مقاله بررسی اهمیت صنعت برای حرفه حسابداری مدیریت و چگونگی توجه به این زمینه خاص در مطالعات تجربی می‌باشد. در ادامه ابتدا مفهوم زمینه صنعت تبیین شده است و این که چگونه می‌توان رویه‌های عمل سازمانی را به‌عنوان ویژگی‌های صنعت محسوب کرد. سپس، در مورد چگونگی توجه به اثرات صنعت بر ادبیات حسابداری مدیریت بحث شده است. سرانجام با مدنظر قرار دادن جزئیات بیشتر در مطالعات انتخابی نشان داده شد که چگونه آن‌ها ویژگی‌های صنعت را مورد بررسی قرار داده‌اند. با انجام این کار، فرصت‌هایی برای پژوهش‌های آتی نیز شناسایی شده است.

مبانی نظری

تعاریف مفهومی زمینه صنعت

صنعت را می‌توان به روش‌های مختلفی تعریف نمود. صرف‌نظر از اینکه در نهایت صنعت چگونه تعریف شده باشد، وجه مشترک همه این تعاریف همان ایده گروهی از سازمان‌های مشابه و همگن می‌باشد. بنابراین اغلب صنعت را به گروهی از شرکت‌ها مرتبط می‌دانند که محصولات یا خدمات مشابه ارائه می‌دهند (والکر، ۲۰۱۴).

بر اساس بررسی مطالعات انجام شده می‌توان دو روش را جهت تعریف و مفهوم‌سازی ویژگی‌های صنعت مورد ملاحظه قرار داد. اولین روش، تعریف مفهومی ویژگی‌های صنعت است. وابستگی صنعت به رویه‌های عمل سازمانی به قدری بارز است که رویه‌های عمل خاص سازمان نشان می‌دهد که آن سازمان به کدام صنعت خاص تعلق دارد. برای مثال، در صورتی به

یک سازمان عنوان بانک اطلاق می‌دهیم و جزء صنعت بانک‌داری محسوب می‌شود که رویه‌های عمل متناسب با تعریف یک بانک را داشته باشد. به‌عنوان مثال به اعطای وام مبادرت نماید، تسهیل‌کننده معاملات مالی باشد، سپرده‌ها را بپذیرد، و سایر فعالیت‌هایی را در این حوزه انجام دهد. از این مفهوم استنباط می‌شود که زمینه صنعت چیزی به جز مجموعه رویه‌های عمل اصلی سازمانی مرتبط با صنعت خاص نیست.

دومین راه تعریف زمینه صنعت بر این اساس است که تفاوت در رویه‌های عمل سازمان به صنعت وابسته آن مربوط می‌شود. به عبارتی رویه‌های عمل سازمانی معلول صنعت خود هستند (مسنر، ۲۰۱۶) و چنانچه بتوان این رویه‌ها را به شرکت‌های داخل یک صنعت خاص به‌طور تجربی ردیابی کرد، حتی بدون این که جزء تعریف آن صنعت باشند، آن‌گاه این رویه‌ها ویژگی زمینه صنعت محسوب می‌شوند. بنابراین در روش دوم، مفهوم زمینه صنعت بر اساس رویه‌های عملی که در سازمان‌ها به‌وجود می‌آورد تعریف می‌شود. به‌عنوان مثال وضع مقررات جدید معرفی شده در صنعت بانک‌داری را در نظر بگیرید. اعمال این مقررات بدون این که متناسب با تعریف بانک باشد، منجر به شکل‌گیری رویه‌های عمل سازمانی همچون مدیریت ریسک در بانکداری شده و از این رو بخش مهمی از زمینه صنعت محسوب می‌شوند. در همین ارتباط می‌توان گفت که رویه‌های عمل سازمانی به‌واسطه قوانین خاص صنعت، مشاوران و یا شرکت‌های نرم‌افزاری ارائه دهنده امکانات برای یک صنعت خاص، مجامع صنعتی و سازمان‌های مدعی تخصص در بخش‌های خاص اقتصاد، فن‌آوری، و یا دستورالعمل‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد (میلر و اولری، ۲۰۰۷).

مفهوم اول ویژگی‌های صنعت در مقایسه با مفهوم دوم دامنه سوالات تجربی بیشتری پیرامون دلایل تفاوت نقش صنایع خاص نسبت به سایر صنایع را مطرح می‌کند. به‌عنوان مثال، چرا نقش مشاوران در یک صنعت مهم‌تر از دیگری است؟ و یا چرا بخش بانکداری نظام‌مندتر از سایر بخش‌ها است؟ یا چرا مجموعه‌ای از هنجارهای خاص یک صنعت توسعه یافته است. این پرسش‌ها را می‌توان با اشاره به رویه‌های عمل اصلی سازمانی مورد استفاده، برای تعریف صنعت مربوطه پاسخ داد.

رویه‌های متفاوت حسابداری مدیریت ناشی از صنعت

استفاده از ایده‌های فوق برای حسابداری مدیریت منجر به ارائه دو رویکرد می‌شود که بر اساس آن‌ها رویه‌های عمل حسابداری مدیریت را می‌توان با ویژگی صنعت مرتبط دانست. از یک سو مطابق با تعریف اول ارائه شده برای ویژگی‌های صنعت، تفاوت در حسابداری مدیریت میان صنایع از تفاوت در رویه‌های عمل اصلی سازمان‌ها ناشی می‌شود. به‌عنوان مثال، واضح است که روش‌های حسابداری بهای تمام شده بین شرکت‌های تولیدی و شرکت‌های خدماتی متفاوت است. یکی از دلایل این است که شرکت‌های خدماتی موجودی ندارند. به‌طور مشابه، روش‌های تحقیق و توسعه به‌عنوان ویژگی غالب برخی از صنایع (مانند دارویی) در مقابل سایر صنایع (مانند شرکت‌های خرده‌فروشی) می‌باشد. البته حسابداری مدیریت در داخل یک صنعت لزوماً به‌طور یکنواخت و همسان انجام نمی‌شود. با این حال به خاطر تشابه در رویه‌های عمل اصلی سازمانی در یک صنعت خاص، می‌توان تا حدی یکنواختی در حسابداری مدیریت سازمان‌های آن صنعت را انتظار داشت. همچنین ممکن است تفاوت در حسابداری مدیریت سازمان‌ها از نوع دوم ویژگی‌های صنعت ناشی شود. به‌عبارتی قوانین، مقررات، راهکارهای مشاوران یا بهترین رویه‌های عمل اجرا شده در یک صنعت طی زمان به رویه‌های عمل خاص حسابداری مدیریت منجر می‌گردد. به‌عنوان مثال، مقررات بازل^۱ تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رویه‌های عمل حسابداری مدیریت و مدیریت ریسک در بانک‌ها داشت. تأثیر مشابه را می‌توان در بیمارستان‌های بسیاری از کشورها یافت که در آن‌ها سیستم پرداخت بر مبنای بخشی از هزینه‌ها تحت تأثیر پاره‌ای از اصلاحات مقرراتی اجرا شده است.

نگاره ۱ تأثیر این دو نوع ویژگی‌های صنعت بر حسابداری مدیریت را با ذکر مثالی از صنعت بانک‌داری نشان می‌دهد.

نگاره (۱): تصویری از انواع ویژگی‌های صنعت

رویه‌های عمل حسابداری مدیریت	مثالی از یک بانک	منشاء ویژگی‌های صنعت
روش‌های ارزیابی اعتبار	اعطای وام	رویه‌های عمل اصلی سازمان
اندازه‌گیری ریسک خاص	مقررات ریسک اعتباری	عوامل تأثیرگذار متمایز

رویه‌های حسابداری مدیریت به شیوه متفاوتی به وسیله این نوع ویژگی‌های صنعت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در این جا سوال کلی تری را مورد توجه قرار می‌دهیم، مبنی بر این که چگونه ادبیات حسابداری مدیریت به بررسی اثرات صنعت پرداخته است؟

مروری بر پیشینه

در عمل تنها تعداد کمی از مطالعات به بررسی مستقیم اثرات صنعت پرداخته‌اند. در این جا جهت سادگی، از یک طبقه‌بندی دودویی برای مطالعات استفاده شده است. به این ترتیب که یک گروه از مطالعات با وجود شناخت ویژگی‌های صنعت گرایشی به بررسی چنین ویژگی‌هایی نشان نمی‌دهند، و گروه دوم مطالعاتی هستند که تا حدودی اثرات صنعت را بررسی نموده‌اند. همچنین بین دو طرح مطالعاتی از لحاظ مطالعه در یک صنعت (مبتنی بر منطق تک ویژگی) و یا در دو یا چند صنعت (مبتنی بر منطق تطبیقی) تمایز صورت گرفته است. نگاره ۲ ترکیبی از این طبقه‌بندی و تمایز بین چهار نوع مطالعات و نحوه ارتباط آن‌ها با ویژگی‌های صنعت را نشان می‌دهد.

نگاره (۲): رویکردهای مطالعه اثرات صنعت در یک صنعت یا چند صنعت

تعداد صنعت			
چند صنعت	یک صنعت		
مطالعاتی که اثرات صنعت را با معرفی متغیرهای ساختگی صنعت کنترل می‌کنند تا یافته‌های قابل تعمیم ایجاد نمایند. این مطالعات، مقطعی (کمی یا کیفی) با داده‌هایی از صنایع مختلف می‌باشند و علاقه خاصی به بررسی عمیق اثرات صنعت بر پدیده مورد علاقه حسابداری مدیریت نشان نمی‌دهند.	این نوع مطالعات ویژگی‌های صنعت را مورد مطالعه قرار نمی‌دهند و یافته‌های آن‌ها مرتبط با یک صنعت خاص است. به عنوان مثال مطالعات موردی تک مرحله‌ای و مطالعات آرشویی مبتنی بر داده‌های یک صنعت خاص.	ندارند	گرایش مطالعات به زمینه صنعت
این مطالعات گذشته از این که به دنبال مقایسه رویه‌های حسابداری مدیریت بین صنایع مختلف هستند، در مورد تفاوت‌های پدیدار شده بین صنایع نیز اظهار نظر می‌کنند. به طور کلی، چنین مطالعاتی خیلی گسترده نیستند. علت آن به تلاش برای تعمیم مربوط می‌شود.	مطالعاتی که به ویژگی‌های یک صنعت خاص با جزئیات بیشتر می‌پردازند و یافته‌های خود را با توجه به ویژگی‌های آن صنعت تدوین می‌کنند. در این نوع مطالعات اثرات صنعت کنترل نمی‌شود و کاملاً به دنبال کشف روابط نظری هستند.	دارند	

از جمله مطالعات نوع اول می‌توان به مطالعه موردی توسط کاب و همکاران (۱۹۹۵) در مورد تغییر حسابداری مدیریت در بانک اشاره نمود. هدف از مطالعه آن‌ها توضیح چگونگی تغییر در رویه‌های عمل حسابداری مدیریت می‌باشد. این محققان با توجه به عوامل داخل و خارج سازمان یک مدل تغییرات در حسابداری ارائه دادند. بر اساس نتایج استخراج شده از مدل نتیجه‌گیری کردند که عوامل داخلی سازمان مثل افزایش سطح مذاکرات و ارتباطات غیررسمی بین مدیران و حسابداران مدیریت موجب تغییرات زیادی در روش‌های تسهیم بها، محاسبه ارزش پول، فرآیند بودجه بندی و الگویابی شده‌اند.

مثالی برای نوع دوم مطالعات، پژوهش انجام شده توسط الدنبرگ و کالپر (۱۹۹۷) می‌باشد. آن‌ها اثرات تغییر در مقررات بهداشت را بر رویه‌های حسابداری مدیریت بیمارستان‌ها مورد بررسی قرار دادند. نتیجه بررسی آن‌ها نشان داد که بیمارستان‌ها به تغییرات قانونی هم به واسطه‌ی تغییر ترکیب انواع بیماران خود و هم با تغییر روش تسهیم هزینه واکنش نشان می‌دهند. مطالعات کیفی از این نوع بر شرح مفصل روش‌های عمل سازمانی تکیه می‌کنند و در نتیجه ابعاد این روش‌ها را برجسته می‌سازند.

در ادبیات حسابداری مدیریت برخی از نمونه‌های جالب دیگر این نوع پژوهش‌ها را می‌توان یافت. به عنوان مثال، مایکس (۲۰۰۹) مدیریت ریسک و روش‌های مدیریت عملکرد در صنعت بانک‌داری را با استفاده از رویکرد موردی مقایسه‌ای توصیف می‌کند. یافته‌های تحقیق مایکس حاکی از شکل‌گیری روش‌های مدیریت ریسک تحت وضع مقررات جدید بانک‌داری بوده است. مطالعه نما و لاو (۲۰۱۴) در صنعت عرضه خصوصی سهام انجام شده است. هدف آن‌ها شناخت رویه‌های عمل شرکت‌های این صنعت و کشف قابلیت تأثیر بر حسابداری و رویه‌های محاسباتی مرتبط می‌باشد. این نویسندگان به توصیف رویه‌های مختلف این شرکت‌ها مانند جذب سرمایه، یافتن منابع سرمایه‌گذاری، مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها، تحقق سودهای سرمایه، و خدمات مشتری پرداختند و در هر مورد، رویه‌های محاسباتی انجام شده را مشخص نمودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که چگونه رویه‌های اصلی شرکت‌های صنعت عرضه خصوصی سهام انواع خاصی از حسابداری را به وجود می‌آورد که قابلیت کاربرد آن‌ها به شدت مرتبط با رویه‌های عمل سازمانی است که در آن قرار دارند.

مثالی در مورد نوع سوم از مطالعات که در سمت چپ بالای نگاره ۲ بیان شده‌اند، مطالعه انجام شده توسط چن‌ها و همکاران (۲۰۱۳) با رویکرد مطالعه اقتضایی می‌باشد که متناسب بودن سیستم‌های حسابداری مدیریت با متغیرهای مختلف زمینه از قبیل عدم اطمینان محیطی، پیچیدگی کار، و یا شدت رقابت را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها به نتیجه رسیدند که برخی از صنایع سطح بالاتری از شدت رقابت و یا پیچیدگی کار نسبت به سایر صنایع دارند. با این حال، مطالعات اقتضایی معمولاً به بررسی چنین ویژگی‌های صنعت علاقه‌مند نیستند، بلکه به ایجاد نظریه‌ای علاقه‌مندند که قابل تعمیم میان صنایع باشد.

در نهایت، مطالعات نوع چهارم را ذکر می‌کنیم که در گوشه پایین سمت چپ نگاره ۲ واقع شده‌اند. مثالی در این مورد مطالعه لمبرت و اسپونم (۲۰۱۲) درباره نقش حسابداران مدیریت می‌باشد. این پژوهش‌گران با استفاده از اطلاعات دوازده شرکت از صنایع مختلف بر اساس رویکرد مطالعه اقتضایی بین چهار سبک عمل حسابداری مدیریت، یعنی سبک‌های متمایز، حمایتی، مشارکتی و قادر مطلق تمایز قائل شدند. آن‌ها در مطالعه‌شان بررسی کردند که چرا صنایع خاص با سبک عمل خاصی از حسابداری مدیریت ارتباط دارند. نتایج بررسی آن‌ها نشان داد که سبک عمل متمایز حسابداری مدیریت با منطق غالب بازاریابی مرتبط است و ساختارهای انعطاف‌پذیرش، سازمان را قادر می‌سازد به روند بازار دارای رشد زیاد نزدیک شوند. موفقیت این سبک متکی به نوآوری، تمایز، و همچنین ارتقاء می‌باشد.

در ادامه با نگاه دقیق‌تر به مطالعات در زمینه صنعت می‌توان به نتیجه رسید که چگونه ویژگی‌های صنعت را مورد بررسی قرار داده‌اند. در انجام این کار، هم بینش‌های حاکم بر این مطالعات مشخص می‌شود و هم فرصت‌هایی برای تحقیقات آینده شناسایی می‌گردد.

اهمیت صنعت با تأکید بر مثال‌ها و فرصت‌های پژوهشی

مطالعاتی که زمینه صنعت را مورد بررسی قرار داده‌اند، چندین بعد متفاوت دارند. در این جا جهت روشن ساختن ابعاد مربوط، بر روی سه بعد تمرکز شده است به طوری که این ابعاد عبارتند از (۱) انواع ویژگی‌های مورد بررسی صنعت (۲) اثرات ویژگی‌های صنعت بر حسابداری مدیریت و (۳) رویکرد تجربی که آن‌ها به کار گرفته‌اند.

انواع ویژگی‌های صنعت

دو نوع ویژگی صنعت قبلاً متمایز شدند. بدین معنی که، برخی از مطالعات چگونگی شکل‌گیری روش‌های مورد عمل حسابداری در اثر رویه‌های عملیاتی اصلی سازمان‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند. و سایر مطالعات بر تأثیر عوامل اثرگذار متمایز بر نوع روش‌های عمل حسابداری مدیریت تأکید می‌کنند.

اثرات بر حسابداری مدیریت

زمینه برای تحقیق با هر دو رویکرد ویژگی‌های صنعت گفته شده در قسمت پیشین وجود دارد. از یک طرف، فرصت‌هایی برای بررسی بیشتر در مورد نحوه تأثیرپذیری رویه‌های حسابداری مدیریت از روش‌های عمل اصلی سازمان‌های صنعت وجود دارد. مثالی از چنین رویه‌های عملی را می‌توان در شرکت‌های بیمه ذکر کرد. این شرکت‌ها دارای رویه‌های عملی می‌باشند که از لحاظ ماهیت کاملاً محاسباتی و مبتنی بر ملاحظات محاسبات بیمه‌ای هستند (لاپسلی و رایت، ۲۰۰۴). در این خصوص سوالات جالبی راجع به تعامل بین دانش حسابداری مدیریت و دانش محاسبات بیمه‌ای مطرح می‌گردد. به‌عنوان مثال چگونه رویه‌های عمل حسابداری مانند بودجه بندی، حسابداری بهای تمام شده، یا گزارشگری تحت ملاحظات محاسبات بیمه‌ای شکل گرفته‌اند؟ به‌طور مشابه، شرکت‌های فعال در بخش حمل و نقل مانند خطوط هوایی به خاطر نگرانی که نسبت به استفاده از ظرفیت دارند رویکرد بسیار فعالی نسبت به مدیریت درآمد اتخاذ می‌کنند. یکی دیگر از مجموعه‌های جالب شرکت‌های رسانه‌ای می‌باشند و از آن‌جا که در این شرکت‌ها تصمیم‌گیری در مورد برنامه‌ها و ترتیبات حق امتیاز بسیار حائز اهمیت است، لذا رویه‌های عمل حسابداری نقش مهمی در این باره بازی خواهد کرد.

از سوی دیگر، فضا برای بررسی دقیق‌تر عوامل متمایز تأثیرگذار مانند مقررات ویژه صنعت، استانداردهای صنعت، یا امکانات نرم‌افزاری صنایع خاص نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، همان‌طور که توسط دمیرین و رابسون (۲۰۱۱) در صنعت داروسازی بررسی شده، قوانین حمایت از حق امتیازها به شدت اقتصاد شرکت‌های دارویی را تحت تأثیر قرار داده است. در بخش خرده‌فروشی، مقررات مربوط به رفتار ضدرقابتی شرکت‌های خرده‌فروشی را از تبادل انواع خاصی

از اطلاعات (به عنوان مثال، قیمت‌ها) با تولیدکنندگان منع می‌دارد. در مورد تأثیر نرم‌افزارها نیز می‌توان ملاحظه نمود که شرکت‌های نرم‌افزاری بسته‌های خاص صنعت را فقط برای برخی از صنایع ارائه می‌دهند. این امر می‌تواند منجر به پژوهش‌هایی با موضوع بررسی همسانی رویه‌های حسابداری مدیریت میان شرکت‌های این صنایع گردد. مثال‌های فوق نشان دادند که زمینه صنعت می‌تواند اثرات مختلفی بر حسابداری مدیریت داشته باشد. اولین رویکردی که طبق آن می‌توان گفت ویژگی‌های صنعت بر نوع رویه‌های حسابداری مدیریت تأثیر می‌گذارد، برحسب سیستم‌ها و یا ابزارهای خاصی است که در یک صنعت استفاده می‌شود. این می‌تواند از تفاوت‌های ظریف در طراحی سیستم‌های حسابداری گرفته تا خصیصه‌های ذاتی یک صنعت تغییر داشته باشد. برای مثال، کاملاً روشن است که انواع مختلف عملیات بین صنایع دلالت بر تفاوت در معیارهای عملکرد شرکت‌ها دارد. این امر به ویژه برای معیارهای عملیاتی عملکرد مصداق دارد. به عنوان مثال، خطوط هوایی از واحد مسیر-صندلی به عنوان معیاری برای ظرفیت خود استفاده می‌کنند که این واحد در صنایع دیگر معنای چندانی ندارد. چرا که در آن‌ها ظرفیت به طور متفاوت اندازه‌گیری می‌شود. شرکت‌های تولیدی کیفیت محصولات خود را تا حدودی با توسل به استانداردهای کیفیت هدف اندازه‌گیری می‌کنند، در حالی که این استانداردها اغلب در صنایع خدماتی (مانند مشاوره) به دلیل ذهنی بودن ارزیابی کیفیت مناسب نیستند. حتی معیارهای مالی که قابلیت کاربرد در تمام زمینه‌ها را دارند (شارپ و برگ و لی، ۲۰۱۳)، گاهی اوقات ممکن است فقط مناسب یک صنعت خاص باشند. به عنوان مثال، شرکت‌های بیمه از نسبت ترکیبی برای نشان دادن سود یا زیان محاسبات بیمه‌ای استفاده می‌کنند. بانک‌ها گاهی اوقات از معیارهایی مانند بازده تعدیل شده سرمایه در مقابل ریسک استفاده می‌کنند، که در صنایع دیگر وجود ندارد. چنین خصوصیتی به خودی خود جالب توجه نیستند، اما سوالاتی را ایجاد می‌کنند که ممکن است ارزش کاوش داشته باشد. به عنوان مثال، چگونه و چرا معیارهای عملکرد خاص در یک صنعت پدیدار می‌شوند؟ چرا برخی از شرکت‌ها این معیارها را اتخاذ می‌کنند در حالی که دیگر شرکت‌ها معیارهای حسابداری سنتی را به کار می‌برند؟ مثالی برای یک ابزار پیچیده‌تر که در یک صنعت خاص پدید آمده است توسط میلر و اولری (۲۰۰۷) ارائه شده، که در مطالعه خود از نقشه‌های راه تکنولوژی برای هماهنگ کردن تصمیمات سرمایه‌گذاری در صنعت نیمه‌رساناها استفاده کردند. اقتصاد صنعت نیمه‌رساناها در ۵۰ سال اخیر با قانون شناخته شده مور شکل گرفته است. این قانون نخستین بار توسط گوردون مور در سال

۱۹۶۵ فرموله‌بندی شد و سپس در سال ۱۹۷۵ تجدیدنظر شد، قانون مور نشان می‌دهد که تعداد اجزای الکترونیکی روی یک مدار مجتمع هر دو سال دو برابر می‌شوند، در حالی که بهای تولید در همان زمان، بطور قابل توجهی کاهش می‌یابد. بدین ترتیب، این قانون ارتباط روشنی بین فن‌آوری و بعد اقتصادی تولید نیمه‌هادی تصور می‌کند. ارتباطی که تنها در صورتی تحقق می‌یابد که شرکت‌های مختلف در صنعت محصولات خود را با سرعت مشابه‌ای توسعه دهند. این دلیلی است که شرکت‌های تولید کننده نیمه هادی بر تحولات در مواد اولیه، سیستم‌های تولید و تجهیزات تولید تکیه و تأکید می‌کنند و بدون آن‌ها نمی‌توانند در محصول نهایی بهبود ایجاد نمایند. بنابراین برای این که قانون مور به واقعیت تبدیل شود، هماهنگی فعالیت‌های تحقیق و توسعه در صنعت بسیار مهم می‌باشد. میلر و اولری نشان می‌دهند که این امر با استفاده از یک نقشه راه تکنولوژی قابل دستیابی است که برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ منتشر شد و پس از آن به روزرسانی گردید. نقشه راه فناوری در نتیجه اجماع در فرایند ساخت میان شرکت‌های صنعت بود. صنعت بر اساس پیش‌بینی‌های جداگانه هر شرکت برای پیشرفت و کاهش هزینه‌های فن‌آوری، در مورد نرخ‌های پیشرفت گستره صنعت و کاهش هزینه موافقت کرد که یک چشم انداز برای آینده این صنعت ایجاد نماید و به‌عنوان یک ابزار واسطه، برای تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت کنندگان در صنعت عمل نماید. بنابراین مطالعه میلر و اولری مثالی از یک ابزار حسابداری مدیریت فراهم می‌نماید که در سطح صنعت پدیدار می‌گردد و رفتار شرکت کنندگان در صنایع مختلف را هماهنگ می‌سازد. برای مطالعه صنایع دیگر نیز آزادی عمل وجود دارد که از ابزارهای مربوط یا مشابه‌ای به منظور مرتبط ساختن اهداف استراتژیک میان مدت و بلندمدت به تصمیم‌گیری‌های بودجه‌بندی سرمایه‌ای کوتاه‌مدت استفاده می‌کنند. بدین ترتیب سوالات دیگری مطرح می‌گردد. از جمله این که چگونه بنیان‌های علمی و فنی خاص یک صنعت کارکرد چنین ابزارهایی را شکل می‌دهند؟ و چگونه شرکت‌های مختلف به منظور توسعه این ابزارها همکاری می‌کنند؟

ممکن است زمینه صنعت به گونه‌ای رویه‌های حسابداری مدیریت را تحت تأثیر قرار دهد که قابل مشاهده نباشد، به‌عنوان مثال با ایجاد چالش‌های خاصی که پیش‌روی شرکت قرار می‌گیرند. مطالعه دم‌برین و رابسون (۲۰۱۱) در مورد اندازه‌گیری عملکرد فروش در صنعت داروسازی یک مورد در خور توجه است. اما نتیجه‌ای که آن‌ها به‌دست آوردند فقط این نیست که

شرکت‌های دارویی در مقایسه با شرکت‌های دیگر صنایع انواع مختلفی از معیارها را برای ارزیابی عملکرد فروش استفاده می‌کنند، بلکه آن‌ها با چالش مرتبط ساختن درآمدهای ایجاد شده به کارمندان مسئول درآمدها یا به عبارتی نمایندگان فروش دارو مواجه شدند. زمینه‌های مختلف صنایع در مورد رویه‌های عمل حسابداری مدیریت مانند برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی، اندازه‌گیری عملکرد، و یا حسابداری بهای تمام شده چه نوع چالش‌هایی ایجاد می‌کنند؟

آخرین سوال که تاکنون توجه کمی به آن شده این است که چگونه زمینه صنعت برای کارکنان حرفه‌ای ستادی همچون حسابداران مدیریت یا مدیران مالی اهمیت پیدا می‌کند. اغلب حسابداران مدیریت به‌عنوان شرکای کسب و کار برای مدیران عملیاتی کار می‌کنند و این امر آن‌ها را ملزم به درک فرآیندهای کسب و کار زمینه می‌کند (شارپ و برگ و لی، ۲۰۱۳). با این حال، میزان تفاوت دانش تجاری میان صنایع کمتر شناخته شده است. بررسی این موضوع جالب است که بدانیم زمان جابجایی حسابداران مدیریت بین صنایع کاری مختلف چه اتفاقی می‌افتد. از یک طرف، این امر می‌تواند چالش‌های مرتبط کاری را مشخص سازد که حسابداران مدیریت در حین جابجایی بین صنایع با آن مواجه می‌شوند و از سوی دیگر نیز می‌تواند موانع پویایی کار آن‌ها را تبیین نماید. این موانع شامل فرآیندهای مختلف عملیاتی، فرهنگ کسب و کار، مقررات، و یا فن‌آوری است که باعث تفاوت در روش‌های مورد استفاده سیستم‌های حسابداری مدیریت شرکت‌ها می‌گردد. خلاصه اثرات صنعت بر حسابداری مدیریت در نگاره ۳ منعکس شده است.

نگاره (۳): خلاصه اثرات صنعت بر حسابداری مدیریت

تأثیر بر حسابداری مدیریت	ذکر مثال
تأثیر عملیات مختلف صنایع بر طراحی سیستم‌های حسابداری	تفاوت در معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها
مواجه ساختن حسابداری مدیریت با چالش‌های خاص	مشخص ساختن میزان ارتباط درآمد ایجاد شده و نمایندگان فروش در شرکت‌های دارویی جهت ارزیابی عملکرد فروش
تأثیر بر برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی، اندازه‌گیری عملکرد، و یا حسابداری بهای تمام شده	نوع روش بهایابی قابل کاربرد در صنایع مختلف سبک و سنگین، صنایع تولیدات بلندمدت، سفارشی، مستمر، یکنواخت و پیوسته
تأثیر بر کارکنان حرفه‌ای ستادی همچون حسابداران مدیریت یا مدیران مالی	انطباق دانش آن‌ها و الزام به درک زمینه صنعت جدید در مواقع جابجایی حسابداران مدیریت بین صنایع

رویکردهای تجربی

قبلاً بین رویکرد تک‌ویژگی و رویکرد تطبیقی تمایز قائل شدیم تا بتوانیم به مطالعه اثرات زمینه صنعت پردازیم. مطالعاتی که رویکرد تک‌ویژگی دارند بر یک صنعت تمرکز می‌کنند. مطالعات مبتنی بر منطق تطبیقی دو یا چند صنعت را در بر دارند. در بین مطالعاتی که علاقه به بررسی ویژگی‌های صنعت نشان می‌دهند، مسلماً رویکرد تک‌ویژگی غالب‌تر است. مطالعات میلر و اولری (۲۰۰۷)، مایکس (۲۰۰۹)، آهرنز و چپمن (۲۰۰۷)، همه رویکرد تک‌ویژگی را دنبال کرده‌اند. این رویکرد برای مطالعه نوع اول ویژگی‌های صنعت، یعنی رویه‌های عمل اصلی سازمان مفیدتر واقع می‌شود. مسلماً بهترین ویژگی با تمرکز بر فقط یک صنعت به دست می‌آید. منطق تطبیقی در این مورد کمتر فایده بخش است، زیرا این نوع از ویژگی‌های صنعت برای تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مناسب نمی‌باشد. برای مثال، از مقایسه رویه‌های حسابداری مدیریت اتخاذ شده جهت روش‌های اعطای وام یک بانک با نقش حسابداری مدیریت در بخش تحقیقات یک شرکت دارویی، چیز زیادی به دست نمی‌آید. تنها در صورتی که نوع مشابهی از رویه‌های اصلی سازمانی مورد توجه باشد (به‌عنوان مثال، فعالیت‌های تحقیقاتی در صنایع مختلف) رویکرد تطبیقی مؤثر به نظر می‌رسد.

زمانی که به نوع دوم ویژگی‌های صنعت یعنی عوامل متمایز تأثیرگذار مثل مقررات، استانداردها، خدمات مشاوره، یا امکانات نرم‌افزاری توجه گردد، هر دو نوع رویکرد تجربی تحقیق می‌تواند مفید واقع شوند. رویکرد تک‌ویژگی امکان بررسی عمیق عوامل تأثیرگذار بر صنعت خاص مورد نظر را فراهم می‌سازد و همچنین بررسی این که چگونه این عوامل به رویه‌های حسابداری مدیریت خاص منجر می‌شوند (دالا و اولیور، ۲۰۱۳). در مقابل، رویکرد تطبیقی در این مورد مفید واقع می‌شود که چگونه انواع مشابهی از عوامل در صنایع مختلف عمل می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله این سوال مطرح گردید که آیا صنعت در تعیین رویه‌های عمل حسابداری مدیریت اهمیت دارد، و اگر چنین است، چگونه این زمینه خاص را می‌توان در پژوهش‌های تجربی مورد توجه قرار داد. بنابراین مواردی از مطالعات موجود انتخاب گردید که به شیوه‌های

متفاوتی به زمینه صنعت توجه داشته‌اند. همچنین مواردی مشخص گردید که با توجه به نوع ویژگی‌های خاص صنعت، اثرات بر حسابداری مدیریت، و رویکرد تجربی اتخاذ شده زمینه صنعت کاملاً متفاوتی دارند. برای هر یک از این ابعاد، برخی فرصت‌های تحقیقاتی پیش روی مطالعات آینده پیشنهاد گردید.

البته لازم است تأکید گردد که هر مطالعه تجربی نیاز به اظهار نظر در مورد ویژگی‌های صنعت ندارد. با این حال، توجه صریح‌تر به ویژگی‌های صنعت هم از نقطه نظر تجربی و هم از لحاظ نظری ارزشمند است، زیرا به لحاظ تجربی نحوه کار صنایع مختلف را نشان می‌دهد و همچنین به لحاظ نظری توضیحات بهتری در مورد نحوه عمل حسابداری به شیوه فعلی فراهم می‌سازد. ردیابی ابعاد علمی، فنی، مادی و اجتماعی رویه‌های عمل خاص صنعت می‌تواند درک ما از شباهت‌ها و تفاوت‌های رویه‌های حسابداری مدیریت بین سازمان‌ها را بهبود بخشد.

پی نوشت

- ۱ این مقررات یک مجموعه جامع از اقدامات اصلاحی است که توسط کمیته نظارت بانکی بال توسعه یافته است تا با تقویت، تنظیم، نظارت و مدیریت ریسک بخش بانکی به بهبود شفافیت و افشای بانک‌ها کمک کند.

منابع

- Ahrens, T. , Chapman, C. , (2007). "Management accounting as practice". *Account. Organ. Soc.* 32 (1-2) , 1- 27.
- Andon, P. , Baxter, J. , Chua, W. F. , (2007). "Accounting change as relational drifting: a field study of experiments with performance measurement". *Manag. Account. Res.* 18, 273-308.
- Chapman, C. S. , Cooper, D. , Miller, P. , (2009). "Accounting, Organizations and Institutions. *Essays in Honour of Anthony Hopwood*". Oxford University Press, Oxford, pp. 1-29.
- Chenhall, R. H. , Hall, M. , Smith, D. , (2013). "Performance measurement, modes of evaluation and the development of compromising accounts". *Account. Organ. Soc.* 38 (4) , 268-287.
- Cobb, I. , Helliard, C. , Innes, J. , (1995). "Management accounting change in a bank". *Manag. Account. Res.* 6 (2) , 155-175.
- Dambrin, C. , Robson, K. , (2011). "Tracing performance in the pharmaceutical industry". *Account. Organ. Soc.* 36, 428-455.
- Davila, A. , Foster, G. , (2007). "Management control systems in early-stage startup companies". *Account. Rev.* 82 (4) , 907-937.

- Dhalla, R. , Oliver, C. , (2013). "Industry identity in an oligopolistic market and firms' responses to institutional pressures". *Organ. Stud.* 34 (12) , 1803–1834.
- Efferin, S. , Hopper, T. , (2007). "Management control, culture and ethnicity in a Chinese Indonesian company". *Account. Organ. Soc.* 32 (3) , 223–262.
- Eldenburg, L. , Kallapur, S. , (1997). "Changes in hospital service mix and cost allocations in response to changes in Medicare reimbursement schemes". *J. Account. Econ.* 23 (1) , 31–51.
- Gerdin, J. , Greve, J. , (2008). "The appropriateness of statistical methods for testing contingency hypotheses in management accounting research". *Account. Organ. Soc.* 33 (7–8) , 995–1009.
- Justesen, L. , Mouritsen, J. , (2011). "Effects of actor-network theory in accounting research". *Account. Audit. Account. J.* 24 (2) , 161–193.
- Lambert, C. , Sponem, S. , (2012). "Roles, authority and involvement of the management accounting function". *Eur. Account. Rev.* 21 (3) , 565–589.
- Lapsley, I. , Wright, E. , (2004). "The diffusion of management accounting innovations in the public sector: a research agenda". *Manag. Account. Res.* 15 (3) , 355–374.
- Messner, M. , (2016). "Does industry matter? How industry context shapes management accounting practice". *Management Accounting Research* (June): 103-111.
- Mikes, A. , (2009). Risk management and calculative cultures. *Manag. Account. Res.* 20 (1) , 18–40.
- Miller, P. , O'Leary, T. , (2007). "Mediating instruments and making markets: capital budgeting, science and the economy". *Account. Organ. Soc.* 32 (7–8) , 701–734.
- Nama, Y. , Lowe, A. , (2014). "The 'situated functionality' of accounting in private equity practices: a social 'site' analysis". *Manag. Account. Res.* 25 (4) , 284–303.
- Sharp, B. M. , Bergh, D. D. , Li, M. , (2013). "Measuring and testing industry effects in strategic management research: an update, assessment, and demonstration". *Organ. Res. Methods* 16 (1) , 43–66.
- Walker, S. P. , (2014). "Accounting and rural rehabilitation in New Deal America". *Account. Organ. Soc.* 39 (3) , 208–235

تحقیقات کیفی در مالی

محمد آزاد^۱

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۰۶

این مقاله به دنبال ارائه یک دیدگاه کلی نسبت به تحقیقات کیفی در رشته مالی است تا بتواند محققان این رشته را جهت کاربرد یک رویکرد چند وجهی نسبت به مباحث جاری در تحقیقات مالی تشویق نماید. امروزه محققان علوم اجتماعی دریافته‌اند که سوال (های) تحقیق می‌بایست تعیین کنند که بهترین پارادایم برای یک تحقیق کدام است. تصور نمایید اگر منابع داده‌های تجربی شامل اظهارات افراد مصاحبه شونده باشد چه برکاتی برای رشته مالی به ارمغان خواهد آورد. هدف از نگارش این مقاله تأکید بر انجام تحقیقات جاری در زمینه مالی بر مبنای کاربرد روش‌های کیفی و ایجاد نگاهی تازه به این رویکرد بعنوان مکملی ذی قیمت یا پیش درآمدی برای دیگر روش‌های موجود می‌باشد. محققان حوزه علوم اجتماعی همواره باید استفاده از روش‌های برخوردار از بالاترین سطح استاندارد را توسعه داده و یا به آنها متعهد باشند. از انتخاب ساده یک طرح تحقیق شامل تکنیک‌های تحقیقاتی مختلف پرهیز نموده، و ترجیحاً اجازه داده شود سوالات تحقیق در جهتی مطرح شوند که برای تحقیق مورد نظر بهترین باشند.

واژه‌های کلیدی: مالی، تحقیق کیفی، قوم‌نگاری کاربردی، تحلیل محتوایی، ساختارگرایی اجتماعی،

تئوری بنیادی، تئوری سیستم‌ها، تغییر انتقادی.

طبقه‌بندی موضوعی: G40

مقدمه

به اعتقاد موستا کاس (۱۹۹۴)، محقق کیفی به دنبال جمع آوری اطلاعات از افرادی است که یک پدیده را تجربه نموده اند، تا براساس این اطلاعات بتواند به توصیف مرکبی از ماهیت پدیده مورد نظر از دیدگاه آن افراد دست یابد. نکته مهم در نظریه سازی این است که نظریه، از خارج به یک تحقیق تحمیل نمی شود، بلکه مبتنی بر داده های اخذ شده از مشارکت کنندگانی است که فرآیندی را تجربه کرده اند (اشتراس و کوربین، ۱۹۹۸). مصاحبه با بازارسازها، مدیران صندوق های سرمایه گذاری، مدیران مالی و یا سایر بازیگران اصلی بازار سرمایه می تواند به عنوان یک فرصت تحقیقاتی کم نظیر در اختیار محققان مالی در نظر گرفته شود. در عین حال، دانشمندی که در جستجوی تاثیر دارو یا ترکیبات مختلف بر روی گروه دریافت کننده درمان در مقایسه با گروه کنترل، در حال انجام تحقیقات آزمایشگاهی می باشد، تمایل دارد تحقیقات خود را به گونه ای مستقیم تر انجام دهد؛ اما، چه ابزاری می تواند یک فیزیکدان را قادر سازد تا از اتمها، مولکولها، و یا هر ذره ای که در حال انجام بررسی بر روی آنها است، سوال پرسد. محقق رشته مالی می تواند از مدیران مالی، اعضای هیأت مدیره، بازارسازها، مدیران صندوق ها، و سایر فعالان بازار سوال نماید؛ "مشغول انجام چه کاری هستید". گسترش قلمرو داده های تجربی به مجموعه نظرات افراد، علاوه بر سایر مزایا، می تواند منجر به تبیین دلایل پیچیده و پشت پرده مصاحبه با این افراد نیز گردد. تناسب بین نظریه و روش ها، دیدگاه شرکت کنندگان مختلف، تاثیر متقابل پژوهشگر و پژوهش و تنوع رویکردها و روش ها از مهمترین ویژگی های تحقیقات کیفی می باشد (فلیک، ۱۵).

مطالعه لینتتر در سال ۱۹۵۶ درباره سیاست تقسیم سود، آغازی برای تحقیقات کیفی در مالی به شمار می رود. نتایج این تحقیق در رابطه با سیاست تقسیم سود، بعد از گذشت ۶۰ سال از زمان انتشار، همچنان معتبر است. او با اتخاذ رویکرد مبتنی بر استدلال استقرایی، به دنبال یافتن نظرات "مدیران عامل، معاونان مالی، خزانه دارها، کنترل کنندگان و هیأت مدیره" شرکت های صنایع منتخب، درباره سیاست های تقسیم سود بود. لینتتر با استفاده از این مصاحبه ها، مدل نظری رفتار تقسیم سود شرکت ها را در سال ۱۹۵۶ معرفی کرد.

استفاده از یک رویکرد قیاسی از طریق مدلسازی آماری مجموعه داده‌های عددی با دامنه‌ای بزرگ را به عنوان یک فصل مشترک بین تحقیقات اخیر مالی، ایجاد نموده است (گیل، ۲۰۱۳). این رویکرد اغلب بر پایه فرضیه‌ای بنا می‌شود که به منظور ایجاد شرایط اندازه گیری و پیش بینی گسترده توسط محقق، طراحی شده است. تعمیم و باز تولید (دستیابی مجدد به) نتایج مشابه موجب افزایش کیفیت کار می‌شود. تحقیقات کیفی بر پایه ساختار مفهومی بسیار متفاوتی بنا می‌شوند، به طوری که به محقق اجازه می‌دهد مباحث علوم اجتماعی را به مراتب بهتر و عمیق‌تر درک کرده و تشریح نماید. آنچه که افراد می‌گویند، می‌نویسند و آنگونه که رفتار می‌کنند، همگی می‌تواند برای یک محقق بسیار ارزشمند باشد. نکته‌ای که باید در نظر گرفت آن است که احتمال وجود چنین داده‌هایی بیشتر از سایر انواع آن است، اما سوال اینجاست که بهترین رویکرد کدام است؟ در پاسخ باید گفت، هیچ روشی به تنهایی کامل نیست و به عنوان راه حل، بهترین روش باید متناسب با سوالی که در دست محقق است، بکار گرفته شود. در مورد خاص لینتر، رویکرد کیفی بهترین گزینه بود و همین رویکرد نتایجی را به بار آورد که هنوز پس از گذشت بیش از ۶۰ سال معتبر می‌باشند و همچنان مدرن و به روز تلقی می‌گردند.

چیستی علم و نظریه پردازی

بسیاری بر این باورند که تفاوت علم و غیر علم را باید در روش‌های خاصی جستجو کرد که دانشمندان برای تحقیق درباره جهان به کار می‌گیرند، زیرا در بسیاری از علوم برای تحقیق از روش‌های مشخصی استفاده می‌شود که در رشته‌های غیر علمی خبری از آن روش‌ها نیست. نمونه بارز تفاوت در روش، استفاده از آزمایش است. در تاریخ تحول علم جدید استفاده از آزمایش نقطه عطفی به حساب می‌آید. البته هستند علوم که آزمایش در آنها کاربرد ندارد. یکی از سوالاتی که در فلسفه علم باید برای آن جوابی پیدا کرد این است که دانشمندان چگونه توانسته‌اند به کمک روش‌هایی از قبیل آزمایش، مشاهده و طرح نظریه از بسیاری از رازهای طبیعت پرده بردارند.

دکتر محمد تقی ایمان با استناد به نیومن (۱۹۹۷)، علم را یک نهاد اجتماعی معرفی می‌کند که نظام تولید معرفت علمی در درون آن شکل می‌گیرد و این معرفت با اتکا به مبانی فلسفی و پارادایمی در صدد ورود به واقعیت تجربی و شناخت آن است. از طرفی، هر معرفت علمی در

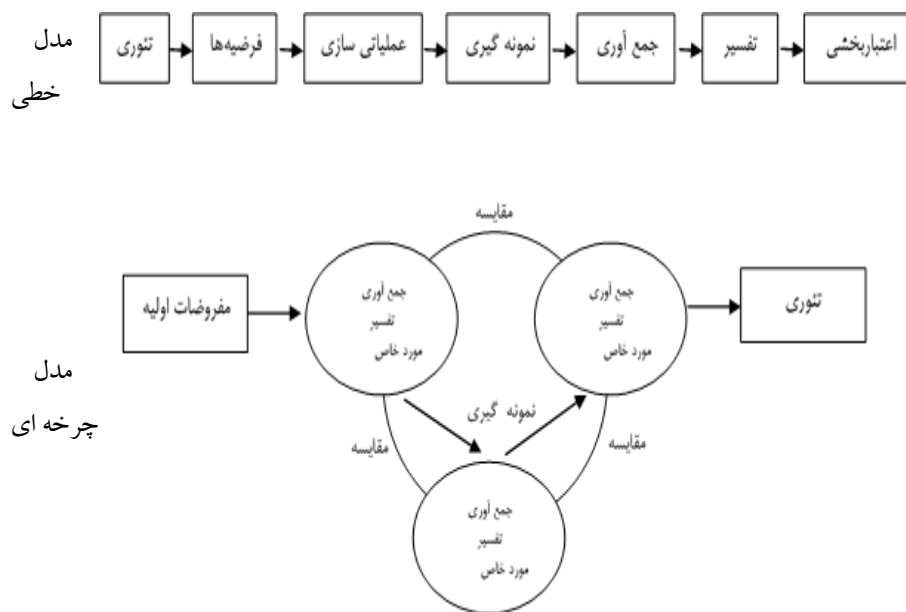
چارچوب هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خاص خود شکل می‌گیرد و محصول روش‌شناسی ویژه‌ای است. این روش‌شناسی مسوولیت‌روایی و پایایی معرفت به دست آمده را بر عهده دارد. به سخنی دیگر، روش‌شناسی مدلی است که در آن اصول نظری و مفهومی تحقیق در یک بستر پارادایمی استوار می‌شود. منظور از پارادایم، مجموعه پیش‌فرض‌های فلسفی در علم است که براساس آنها هویت نظری و عملیاتی علم تعیین می‌شود. پارادایم یک جهت‌گیری و راهبرد پایه و بنیادین نسبت به نظریه و تحقیق است. هر پارادایم یک نظام فکری ویژه ایجاد می‌کند که در آن نظام پیش‌فرض‌های اساسی، پرسش‌های بنیادین که باید به آنها پاسخ داده شود و روش‌هایی که برای این منظور باید به کار گرفته شود، مشخص شده‌اند.

در چند دهه گذشته، نحوه شکل‌گیری نظریه‌های علمی یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث در فلسفه علم بوده است. در این رابطه دو نظریه اصلی و رایج وجود دارد که منتسب به توماس کوهن و کارل پاپر می‌باشند. نظریه اول به نظریه ذهن‌گرایانه (Subjectivist) و نظریه دوم به نظریه عین‌گرایانه (Objectivist) شهرت یافته است. توماس کوهن معتقد است علوم بر اساس پارادایم با سرمشق‌های معین به جلو می‌رود. این سرمشق‌های معین در حالت عادی پیش‌فرض مقبول دانشمندان هستند. در نتیجه آنها برای حل مسائل مورد تحقیق خود هیچگاه به این اصول شک نمی‌کنند. از نظر وی هرگاه تعداد زیادی از مسائل تحقیق، پارادایم موجود را زیر سوال ببرند، در این صورت احتمالاً بحرانی رخ داده و اندک‌اندک پارادایم جدیدی شکل می‌گیرد که از طریق یک انقلاب علمی، جایگزین پارادایم قدیمی خواهد شد. بر طبق این نظریه، ذهن دانشمندان است که انتخاب مسائل و راه‌حل‌های مورد جستجوی آنها را شکل می‌دهد و بجز در زمان‌های بحرانی، واقعیت‌های عینی نتایج نظری فلسفی به بار نمی‌آورند. به همین علت این نظریه را ذهن‌گرایانه می‌دانند، زیرا در بیش از نود درصد اوقات، علم بطور معمول جلو می‌رود، و طبق این نظریه، ذهن بر عین تقدم دارد. لازم به ذکر است که طرح اهمیت تاریخ در این نظریه، آنرا به ویژه برای مورخین علم (از جمله پایه‌گذاران آن) جالب توجه نموده است.

در نظریه دوم، کارل پاپر معتقد است دانشمندان در هر زمانی، در رابطه با موضوعاتی که مورد تبیین علمی قرار می‌دهند، نظریات مختلفی را ارائه می‌کنند. به نظر او، نظریه‌های علمی این خاصیت را دارند که آشکارا معلوم می‌کنند که چگونه قابل نفی هستند. به بیان دیگر، جمله آسمان هم می‌بارد و هم نمی‌بارد، نظریه علمی نیست، زیرا قابل نفی نیست؛ اما جمله خورشید به

دور زمین می‌چرخد نظریه علمی است، زیرا قابل نفی است. همانطور که کوپرنیک با نفی آن مبنای اثبات نظریه خود یعنی گردش زمین به دور خورشید را بنا نهاد. طبق این نظریه، نظریه‌های علمی قابل رد کردن هستند. هر دانشمند با ارائه یک نظریه علمی نشان می‌دهد که نظریه او در صورت اثبات چه چیزی، رد می‌شود؛ همچنین خود او و دیگر دانشمندان سعی در رد کردن آن دارند. به هر مقدار که یک نظریه از کوره این آزمون سخت سرافرازتر بیرون آید، به همان نسبت صحیح‌تر از نظریه رقیب است، بنابراین در امور علمی آن نظریه ترجیح داده خواهد شد، اما فرآیند تدوین، تأیید و رد نظریه‌های علمی هیچگاه پایان نمی‌یابد. نظریه پاپر عین گرایانه خوانده می‌شود، زیرا عینیت موجود در هر زمان، طرح لازم برای مدل‌های نظری مختلف دانشمندان و نه پیش فرض‌های مربوط به پارادایم‌های گذشته را مشخص می‌کند. برخی فلاسفه علم نظیر آیمر لاکاتوس نوعی نظریه میان این دو را پذیرفته‌اند و عده‌ای دیگر نیز نظیر پاول فیرآبند اساساً به وجود هرگونه سناریو در مورد شکل‌گیری نظریه‌های علمی شک دارند.

نگاره (۱): مدل‌های خطی و چرخه‌ای فرآیند نظریه پردازی



نظریه در رشته مالی

در رشته مالی نظریه براساس یک پارادایم اساسی، یعنی پارادایم انتظارات عقلایی و منطقی، همراه با مدل سازی ریاضیاتی پیچیده و تکنیک‌های آماری دشوار تعریف می‌شود. این رویکرد روش‌شناسی، تفکیک بنیادی را ارائه می‌کند که معرف شاخه سنتی مالی می‌باشد. در یک دامنه محدودتر، مالیه رفتاری به عنوان راه حل یا جایگزینی برای کمک به شاخه‌ای از مالی به کار می‌رود که با پارادایم سنتی سازگار نیست. به طور کلی می‌توان گفت پیشرفت نظریه‌های مدیریت مالی، به دو دلیل زیر رخ داده است:

- استفاده از تحلیل‌های جدید رواج یافته در علم اقتصاد برای حل مسائل مالی و ارائه‌ی فرضیه‌های جدید
- ظهور رایانه و در نتیجه آن؛
- امکان جمع‌آوری داده‌ها در پایگاه‌های داده رایانه‌ای بزرگ
- امکان انجام آزمون‌های تجربی گسترده و متعدد بر روی فرضیه‌های جدید

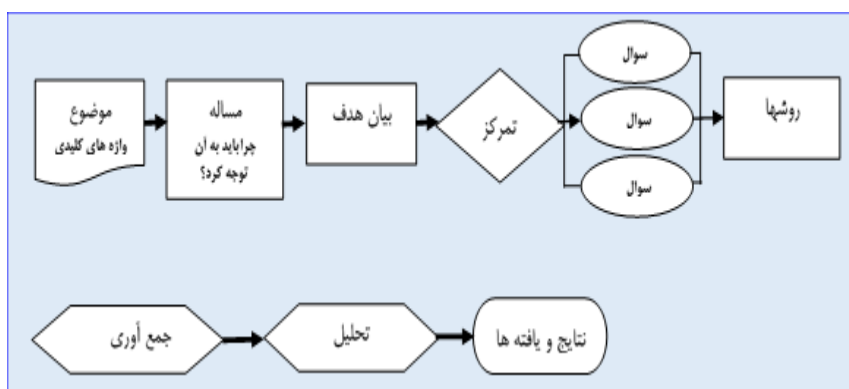
آنچه که تحقیقات کیفی می‌توانند به رشته مالی بیافزایند راه‌های پرسیدن سوالاتی است که هیچ‌گونه بانک اطلاعاتی در رابطه با آنها موجود نیست. چنین تحقیقاتی به توسعه و رواج نظریه ماورای پارادایم انتظارات عقلایی کمک خواهد کرد. در چارچوب منظم کسب و کار، تحقیقات کیفی به عنوان پارادایمی برای کسب شناخت ادامه می‌یابند و به محقق امکان می‌دهد سوالات مختلف را مطرح و انواع گوناگونی از داده‌ها را به روش‌های منحصر به فرد جستجو و بررسی نماید. اگرچه عوامل مقبولیت یک نظریه در نزد نظریه پردازان شامل قدرت اقناع کنندگی، فراگیر بودن و سودمندی آن برای کاربران می‌باشد، اما همچنان پارادایم‌های جایگزین نوظهور، هنوز بطور گسترده پذیرفته نشده یا اشاعه نیافته‌اند (گیپل، ۲۰۱۳).

کاربرد نظریه و روش‌ها

پیش از آنکه یک نظریه را در مورد روش (های) تحقیق بکار گیریم، ضروری است نوع نگرش محقق نسبت به تحقیق را دریابیم. نمونه‌ای از فرآیند اندیشیدن محقق در نگاره زیر نمایش داده می‌شود تا جریان ایده‌آل اندیشه محقق راجع به تحقیق را طی یک فرآیند خطی (که با طرح

موضوع و سپس مساله شروع، و با بیان هدف و تمرکز ادامه می‌یابد (نشان دهد). هر یک از مراحل فرآیند، با نمادی از تصمیم‌گیری مشخص می‌شود. مراحل ردیف بالا لزوماً باید در یک چارچوب منظم سیستماتیک شامل طرح مناسب سوال (های) تحقیق و طراحی روش‌های تحقیق (که قصد استفاده از آنها برای اجرای تحقیق وجود دارد) انجام شود. هنگامیکه مراحل فوق تکمیل شد، محقق می‌تواند مراحل ردیف پایین را ادامه داده و تحقیق واقعی را اجرا نماید.

نگاره (۲): نمونه‌ای از فرآیند اندیشیدن محقق

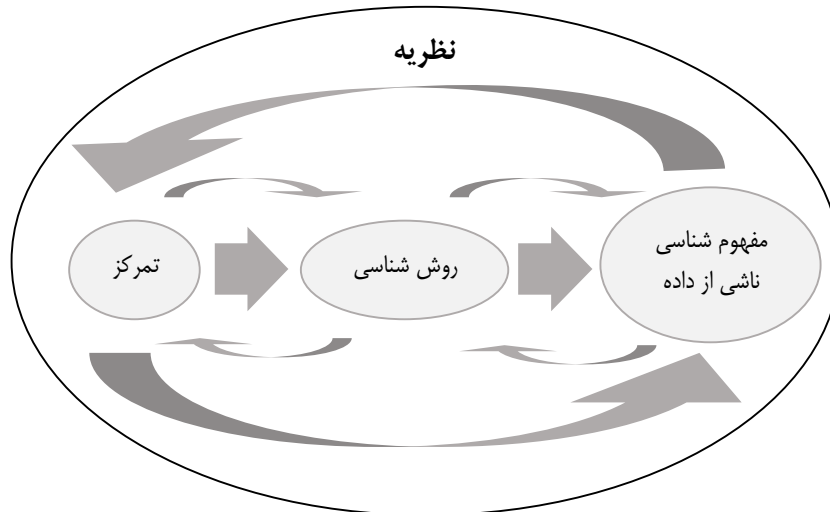


بزرگترین چالش این مدل آن است که عموماً طرح‌های تحقیقاتی فرآیند خطی این جریان را رعایت نمی‌کنند. این مشکل هنگامی رخ می‌دهد که محقق کار را از میانه فرآیند فوق آغاز کرده یا ترتیب اجرای مراحل را جابجا نموده است. به هر حال، اگرچه فرآیند فوق تصویر کاملی از پیچیدگی مراحل اندیشیدن در پس تهیه طرح تحقیق ارائه می‌کند، اما مدل تصمیم‌گیری را نشان نمی‌دهد. با توجه به در هم آمیختگی مباحث در برگیرنده مسائل اجتماعی، تصمیم‌گیری کاملاً واضح توسط محققان علوم اجتماعی به ندرت رخ می‌دهد. به همین دلیل بسط مناسب بیان مساله برای پایه ریزی یک تحقیق بسیار ضروری است. اندیشیدن به طرح تحقیق با پشت سرهم قرار دادن انتخاب مراحل مناسب و روش‌های تحقیق نقش مهمی در حمایت از هدف و تمرکز تحقیق نیز ایفا می‌کند. اگرچه سخت‌ترین بخش اندیشه محقق سیال بودن آن است، اما درگیر شدن در جریان متغیر طرح تحقیق به ظاهر پیچیده است. محقق علوم اجتماعی که به دنبال یک تحقیق با کیفیت بالا است باید نشان دهد طرح تحقیق، از پیش تعیین شده نیست و تنها منتج از حد و مرزهای ثابت روش‌های موجود نمی‌باشد، بلکه مرحله تمرکز تحقیق تعیین‌کننده انتخاب مناسب روش‌ها می‌باشد.

با توجه به نگاره ارائه شده می‌توان گفت اساساً در فرآیند تهیه طرح تحقیق هیچ اشاره‌ای به نظریه نشده است. رایت (۲۰۰۸) نشان می‌دهد "هیچ رابطه مشخصی بین مفهوم این واژه و سطحی از نظریه که به برنامه تحقیقاتی یا پروژه خاص مربوط باشد وجود ندارد" (ص ۲). تحقیق کیفی اهمیت رابطه با نظریه را به منظور حصول اطمینان از کیفیت بالا تحقیق شناسایی می‌کند (برگ، ۲۰۰۴؛ ریت، ۲۰۰۸؛ اسکرم، ۲۰۰۶).

حالتی از کاربرد نظریه در تحقیق، در نگاره زیر ارائه شده است. در اینجا نظریه به عنوان پنجره‌ای دیده می‌شود که محقق در یک فرآیند غیر خطی کمتر ساختار یافته برای کسب بینش بکار می‌برد. بعلاوه این مدل سیال نشان دهنده مداخله مستمر نظریه در جریان اجرای تحقیق است. برای بدست آوردن یک مداخله با معنی محقق باید به نحوی مناسب نظریه را با مرحله تمرکز تحقیق مرتبط سازد و تحقیق را از دریچه این پنجره نظری به پیش برد.

نگاره (۳): بکارگیری نظریه در تحقیق



چه وقت باید نظریه را به یک تحقیق کیفی مرتبط کرد؟ برگ (۲۰۰۴) نشان می‌دهد مداخله نظریه از همان ابتدا و بصورت مستمر می‌باشد؛ یک مداخله سیال به گونه‌ای که محقق را به حرکت دورانی رفت و برگشتی در سراسر طول عمر تحقیق تشویق نماید. این بدان معنی است که تعاملات نظریه و روش‌های تحقیق در هر مرحله از فرآیند، شامل موضوع، مساله، بیان هدف، تمرکز، جمع‌آوری داده، تحلیل و نتیجه‌گیری می‌تواند وجود داشته باشد. جریان تحقیق در

سراسر بررسی‌ها در یک مسیر غیر خطی حرکت می‌کند. به عنوان یک نتیجه، گنجاندن طرح تحقیق در یک مجموعه موافق با اصول طبیعی، وضعیتی برای حمایت از تحقیق کیفی بوجود می‌آورد. در چنین تحقیقی نظریه در درون روش‌شناسی و بخش وسیعی از جریان سیال فوق در هم تنیده می‌شود. این مساله فلسفه این استدلال که در جریان یک تحقیق کیفی هر تصمیمی باید توسط محقق اتخاذ گردد، را بهتر نشان می‌دهد.

گرایش فلسفی غالب در رشته مالی، اثبات‌گرایی است که موجب پدید آمدن چالش جالبی در رابطه با کاربرد اندیشه طرح تحقیق کیفی شده است. رابرت جفارت جی آر استفاده از نظریه در تحقیقات رشته مدیریت را به سه گروه اصلی شامل (۱) اثباتی و اثبات‌گرایی، (۲) تفسیری و (۳) پست مدرنیسم انتقادی طبقه بندی نموده است (رایانز، و جفارت، ۲۰۰۴). وی اعتقاد دارد هنگامی که تحقیق کیفی سعی می‌کند از طریق نظریه اثباتی یا اثبات‌گرایی بازتابی از تکنیک‌های تحقیق کمی را ارائه کند، ناسازگاری بین نظریه و روش‌شناسی امری عادی خواهد بود. عکس این چالش زمانی رخ می‌دهد که یک تحقیق کمی سعی دارد با استفاده از نظریه‌های پست مدرنیسم انتقادی یا تفسیری، تصویری از تکنیک‌های تحقیق کیفی را ارائه نماید. جفارت به این نکته اشاره می‌کند که "روش‌شناسی کیفی باید به شیوه‌ای بکار گرفته شود که هماهنگ با دیدگاه‌های نظری یا عملی پذیرفته شده و متناسب با مساله خاص مورد بررسی (تحقیق مورد نظر) باشد". چنانچه روش تحقیق کیفی است، بنابراین برای حصول اطمینان از کیفیت بالای اعتبار تحقیق باید رویکرد نظری کیفی اتخاذ گردد. برای به دست آوردن این مهم، محققان مالی با کاربرد روش‌های کیفی می‌بایست کاربرد اصطلاح نظریه را به مفهوم ائتلاف اجزای نظریه کیفی بسط دهند.

همزمان با حرکت پیوسته از سوی اثبات‌گرایی به پست مدرنیسم انتقادی با استفاده از تفسیرگرایی، دیدگاه نسبت به جهان هستی نیز در حال تغییر موضع از عین‌گرایانه به سمت مفاهیم چندگانه و شناخت عمیق‌تر می‌باشد. حال پرسش این است که چگونه می‌توان این امر را به دنیای مالی نیز تعمیم داد؟ با به کارگیری نظریه تفسیر کیفی یا پست مدرنیسم انتقادی جابجایی مهمی از گرایش به نظریه‌های اثباتی یا اثبات‌گرایی رخ داد. برای ایجاد این انتقال، محققان مالی ابتدا نیاز خواهند داشت هدف و تمرکز تحقیق را در هنگام تعیین کاربرد مناسب از نظریه مد نظر قرار دهند.

در ادامه برخی از نظریه‌های کیفی همراه با نمونه‌هایی از کاربرد آنها در مالی ارائه شده است. گزینش یک رویکرد نظری چیزی بیشتر از یادداشت برداری یک دیدگاه جالب از متن یک کتاب یا فهرستی از آنها است. هیچ راهکاری ساده‌ای وجود ندارد که نشان دهد کدام رویکرد کیفی بهترین است. نظریه‌های مختلف، ابزارهای متنوعی برای کار با داده‌ها و تحلیل آنها ارائه می‌کند. هر یک از آنها راه مشخصی را برای تفسیر مفاهیم خاص ارائه می‌کند و این محقق است که تشخیص می‌دهد کدامیک منطقی‌تر بوده و بینش بهتری را به دست می‌دهد.

تحقیقات کیفی

بطور کلی در خصوص انجام تحقیقات دو رویکرد یا پارادایم فکری می‌تواند وجود داشته باشد؛ اول، رویکرد خردگرایانه که بر پایه قدرت تفکر استوار بوده و فرض بنیادی این روش آن است که عقل قادر به شناخت همه پدیده‌ها می‌باشد. سه ویژگی این رویکرد تلخیص پذیری، تکرارپذیری، و ابطال پذیری است. استدلال قیاسی یعنی رسیدن از کل به جزء، اساس رویکرد خردگرایانه است که با مطالعات ارسطو آغاز شده است. دوم، رویکرد طبیعت‌گرایانه یا تجربی که مبتنی بر اصول پوزیتیویسم استوار می‌باشد، بدین معنی که فرض می‌شود "واقعیت" چیزی است که فرد می‌تواند به وسیله حواس خود آنرا تجربه کند. بنابراین می‌توان متغیرهای یک پدیده پیچیده را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد. استدلال استقرائی یعنی رسیدن از جزء به کل اساس رویکرد تجربی است. افزون بر این در این رویکرد ممکن است که "مورد مشاهده" و "مشاهده گر" بر یکدیگر اثر بگذارند و ارزش‌های پژوهشگر به نحوی فرآیند پژوهش را تحت تاثیر قرار دهد. به بیانی دیگر، چگونگی عنصر "مورد مشاهده" به تفسیر افراد و ذهنیت آنان بستگی دارد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۹، ۷۸). برای مثال، تحقیقات مردم‌شناسی (قوم‌نگاری) دارای رویکرد طبیعت‌گرایانه هستند.

تعریف - بر اساس مطالعات نلسون و همکاران، پژوهش کیفی خود یک حوزه دانش و پژوهش میان رشته‌ای، فرارشته‌ای و گاه ضد رشته‌ای است که می‌توان آنرا در انواع رشته‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و حتی برخی از علوم طبیعی به کار برد. این فرآیند از ناحیه بسیاری از پارادایم‌ها، دیدگاه‌ها و جریان‌های معرفت‌شناسی تغذیه و تقویت می‌شود، انواع روش‌ها و ابزارهای پژوهش را به کار می‌گیرد و هدف آن بیش از

آنکه پیش بینی وضعیت باشد شناخت و درک پدیده است. در واقع پژوهش کیفی همزمان دو چالش عمده را در خود می‌پروراند و واجد تناقض است؛ از یک سو در تلاش است تا تجارب انسانی را با مفاهیم دقیق انتقادی، پسانتقادی، انسان مدارانه و طبیعت گرایانه تحلیل کند و از سوی دیگر به دلیل تأثیرپذیری از جریان‌های هرمنوتیکی، پساتجربی، پسامدرن و فمینیستی، ناگزیر از نگاه و تحلیل انتقادی به همه چیز از جمله مبانی انسان مدارانه و طبیعت گرایانه است. بنابراین قائل به دیدگاه‌های نه چندان همسو و بلکه غیر هم سوی پسامدرن و طبیعت گرایانه و یا چشم اندازهای انتقادی و انسان مدارانه است.

برخی از مهمترین نکات در تحقیقات کیفی عبارتند از:

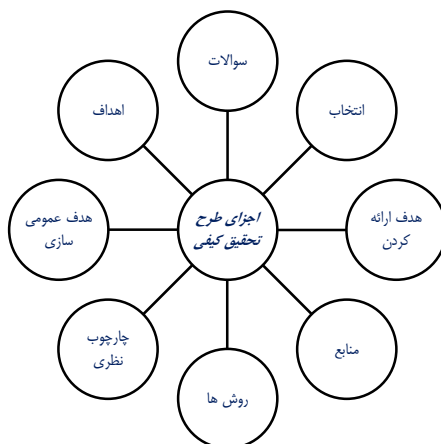
- تقسیم فرآیند تحقیق به مراحل مشخص جداگانه که البته در تحقیقات کیفی اغلب با دشواری همراه است.
- فرآیند تحقیق دارای ارتباطات متقابل است.
- منشاء شناخت بوجود آمده از نظریه بنیادین (زیربنایی) می‌باشد، اما برای سایر رویکردها نیز می‌تواند مناسب و سودمند باشد.
- نظریه‌ها، نسخه‌های مختلف جهان هستی می‌باشند، که از طریق انجام تحقیقات تغییر کرده و توسعه بیشتری پیدا می‌کنند.

ویژگی‌ها و اهداف - به نظر ملثود (۲۰۰۲) ماهیت پژوهش کیفی را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: "هدف اساسی پژوهش کیفی عبارت است از توسعه فهم و درک این مطلب که جهان چگونه ساخته می‌شود". انواع گوناگون تحقیقات کیفی دارای ویژگی‌های مشترک می‌باشند و علیرغم وجود تفاوت‌هایی در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، رویه‌های مشابهی را بکار می‌برند. موارد زیر بخشی از اکثر رویکردهای کیفی می‌باشد.

- اولویت اصلی با داده‌ها است؛ چارچوب نظری از قبل معین نیست، بلکه بطور مستقیم از داده‌ها مشتق می‌شوند. پژوهش کیفی برای گردآوری و تولید داده‌های پژوهشی، از روش‌های انعطاف پذیر و حساس نسبت به بافت اجتماعی که داده‌ها از آن به دست می‌آید، استفاده می‌کند.

- تحقیقات کیفی محدود به متن می‌باشد و محققان می‌بایست نسبت به متن حساسیت داشته باشند.
- محققان باید خود را در مجموعه طبیعی از افرادی قرار دهند که دارای اندیشه‌ها و احساساتی هستند که آنها به دنبال بررسی آن می‌باشند.
- محققان کیفی بر نقطه نظرات مورد تحقیق (آزمون شوندگان) یا دیدگاه افرادی که در تحقیق مشارکت دارند و همچنین ادراکات، مفاهیم و تفاسیر آنها تأکید دارند. این نوع تحقیقات بر یک دیدگاه فلسفی "تفسیر گرایانه" استوار بوده و توجه آن به چگونگی تفسیر، درک، تجربه و به وجود آمدن جهان اجتماعی، معطوف است.
- محققان کیفی توصیف "بسیار ظریفی" را بکار می‌برند؛ آنها توصیف، تحلیل و تفسیر می‌کنند. این پژوهش بر آن گونه از روش‌های تحلیل و تبیین استوار است که در آنها به درک عمیق پیچیدگی، جزئیات و بافت پدیده‌های مورد مطالعه تأکید شود.
- رابطه بین محقق و مورد تحقیق بسیار نزدیک است و بر موقعیت برابر بعنوان افراد نوع بشر استوار است. پژوهش کیفی باید با خود انتقادی پژوهشگر همراه باشد. به بیان دیگر، پژوهشگر باید اقدام‌ها و نقش خود در فرآیند پژوهش را مانند داده‌های پژوهشی اش با موشکافی مورد نقد و بررسی قرار دهد.
- جمع آوری و تحلیل داده‌ها عموماً همزمان با هم انجام می‌شود و در برخی از انواع تحقیقات کیفی، در تعامل با یکدیگر نیز هستند.
- پژوهش کیفی باید به طور نظام‌دار و با دقت و سختگیری اجرا شود. پژوهشگر باید در فرآیند پژوهش به شیوه‌ای دقیق، جدی و نظام‌دار بیان‌دهد، برنامه ریزی کند و آنرا به انجام رساند. پژوهش کیفی باید به شیوه‌ای استراتژیک و در عین حال انعطاف پذیر اجرا شود.
- تحقیقات کیفی باید تبیین‌های اجتماعی برای معماهای عقلی یا ذهنی ارائه دهند. به عبارت دیگر، این نوع تحقیقات باید به تبیین‌های اجتماعی منجر شود، به گونه‌ای که تعمیم پذیر باشند و یا طنین گسترده‌ای داشته باشند. تحقیقات کیفی را نباید بر یک فلسفه و یا روش واحد و یکسان مبتنی دانست و یا آنها را در تضاد با پژوهش کمی تلقی نمود.

نگاره (۴): اجزای طرح تحقیق کیفی



مهم ترین اهداف تحقیقات کیفی به شرح زیر است:

- توصیف: هنگامی که اطلاعات کمی درباره یک گروه انسانی، یک سازمان یا برخی پدیده‌های اجتماعی وجود داشته باشد، مصاحبه‌های عمیق و مشاهدات علمی بهترین راه مطالعه آنها است.
 - تدوین فرضیه: پژوهشگری که معمولاً روش‌های کیفی به کار می‌برد، فرضیات صریح و روشنی ارائه نمی‌دهد. گردآوری اطلاعات دقیق درباره برخی پدیده‌ها باید به تدوین فرضیه‌هایی که از نظر علمی آزمون پذیر باشند، منتهی شود.
 - توسعه نظریه: بسیاری از افراد که پژوهش‌های کیفی انجام می‌دهند، براساس مهمترین هدفشان در صدد کشف یک نظریه یکپارچه درباره پدیده مورد مطالعه خود هستند.
- نظریه‌ها در پژوهش‌های کیفی اغلب به صورت زمینه داده‌های تجربی و نه بر پایه دیدگاه‌های از پیش تعیین شده پژوهشگر درباره موقعیت اجتماعی شکل می‌گیرد (پولیت و هنگلر). در مجموع، پژوهش کیفی اساساً می‌تواند اشکال جدیدی از دانستن را در سه شکل شامل شناخت دیگران، توسعه شناخت پدیده‌ها و تولید شناخت عمیق یا انعکاسی بوجود آورد.
- مقایسه تحقیقات کیفی و کمی** - مقایسه دو رویکرد کمی و کیفی نشان می‌دهد که پژوهش‌های کمی عمدتاً عینی، همراه با آزمون نظریه و مبتنی بر تحلیل‌های آماری هستند. در

مقابل، پژوهش‌های کیفی معمولاً ذهنی، همراه با توسعه نظریه و مبتنی بر گزارش‌های تفسیری هستند. از سویی دیگر، مبانی استدلال در پژوهش‌های کمی منطقی و قیاسی است و با هدف تعمیم نتایج و در راستای تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها انجام می‌شود.

نگاره (۵): مقایسه تحقیقات کیفی و کمی

شرح	کیفی	کمی
هدف	جستجوی تجربیات مشارکت‌کنندگان و دنیای واقعی از طریق درک، خلق نظریه با استفاده از داده‌ها	تحقیق در مورد توضیحات غیر رسمی، از طریق آزمون فرضیات، پیش‌بینی و کنترل
رویکرد	تأکید گسترده تبیین‌کننده فرآیند محدود به متن، اکثراً در مجموعه‌های طبیعی نزدیک شدن به داده‌ها	تأکید محدود تبیین‌کننده نتیجه بدست آمده آزاد از متن، اغلب در مجموعه‌های تصنعی یا آزمایشگاهی
نمونه	مشارکت‌کنندگان، آگاهی‌دهندگان واحدهای نمونه‌گیری از قبیل مکان، زمان و مفاهیم نمونه‌گیری هدفمند و نظری نمونه‌گیری انعطاف‌پذیری و قابل توسعه طی دوره تحقیق	پرسش‌شوندگان، مشارکت‌کنندگان (اصطلاح "مفعول" در حال حاضر در علوم اجتماعی توصیه نمی‌شود) نمونه‌گیری تصادفی چارچوب نمونه قبل از شروع تحقیق مشخص است.
جمع‌آوری داده‌ها	مصاحبه‌های غیر استاندارد عمیق مشاهده یا پیمایش مشارکتی اسناد، عکس‌ها، ویدئوها	پرسشنامه، مصاحبه‌های استاندارد شده مشاهده ساختار یافته محدود اسناد اقدامات کنترلی تصادف
تحلیل	تحلیل ریشه‌ای، مقایسه‌ای ثابت نظریه بنیادی، قوم‌نگاری و غیره	تحلیل آماری
پیامد	یک داستان، شناخت مردم، یک نظریه	نتایج قابل اندازه‌گیری
روابط	مشارکت مستقیم محقق رابطه تحقیقاتی نزدیک	مشارکت محدود محقق رابطه تحقیقاتی دور
سطح دشواری	مورد اطمینان، دارای اصالت شاخص بودن و قابلیت انتقال پذیری	اعتبار درونی یا بیرونی، پایایی قابلیت تعمیم پذیری

در حالی که مبنای استدلال در پژوهش‌های کیفی استقرائی است و یافته‌های آنها معمولاً تعمیم‌پذیر نیست، زیرا ماهیت واقعیت در پژوهش‌های کمی عینی، ساده، یگانه، ملموس و قابل جداسازی تلقی می‌شود. در حالی که این ماهیت در پژوهش‌های کیفی ذهنی، پیچیده، کل‌نگر،

یک سازه اجتماعی و چندگانه است. مقایسه ویژگی‌های اصلی دو نوع تحقیق کیفی و کمی در نگاره ۵ خلاصه شده است.

کاربرد روش‌های کیفی

اغلب تصور می‌شود مالی متکی بر استفاده از روش‌های تحقیقاتی است که بصورت استاندارد شده، پرسشنامه‌ای، و مدل‌های نظری آماری می‌باشد. این روش‌ها ارزش خود را به اثبات رسانده‌اند و نظم خاصی را به مالی ارائه کرده‌اند، اما همچنان مراحل دیگری از تحقیقات باقی مانده است که می‌تواند با تلاش به کشف دانش جدید بیانجامد. حال سوالی که مطرح می‌شود این است که محققان مالی چگونه می‌توانند با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی، رویکرد چندگانه و متنوع تری را در امر جمع‌آوری داده‌های تجربی به کار گیرند؟ از نگاه بیننده غیرمتخصص، ممکن است تحقیقات کیفی به عنوان یک روش مصلحت‌آمیز برای مصاحبه‌های یک به یک، ساده سازی گروه هدف، یا یادداشت مشاهدات یک مورد خاص تلقی شود. چنین دیدگاهی در رابطه با استفاده از دامنه محدودی از منابع داده‌های کیفی نشان دهنده فقدان آگاهی لازم در مورد نحوه بکارگیری صحیح تحقیقات کیفی به عنوان یک فرآیند تجربی می‌باشد. ویژگی‌های (اهداف) پایایی و روایی تنها مختص تحقیقات کمی نیست، بلکه در همه انواع تحقیقات باید تلاش شود بالاترین سطح استانداردهای تخصصی موضوع، رعایت گردد.

برای انجام یک تحقیق کیفی با درجه اعتبار بالا، باید شیوه کاملاً متفاوتی از اندیشیدن را پذیرفت. بدین منظور باید روش‌های تحقیق را به چیزی فراتر از روش‌های جمع‌آوری داده بسط داد تا بر این اساس بتوان مفاهیم را ساخت و چارچوب‌های روش‌شناسی پیچیده را در طرح تحقیق بکار برد. تحقیق کیفی را می‌توان داشتن نگاه باز نسبت به مسائل ناشناخته در سراسر دوره تحقیق با حفظ منطق استقرایی و تلاش برای کشف یا تقویت درک عمیق‌تر روابط اجتماعی بغرنج و پیچیده تعریف کرد. این روش متفاوت از اندیشه شامل پذیرش مفهوم "محقق بعنوان ابزار" نیز می‌شود، استعاره‌ای که گریتز (۱۹۷۵) بکار برد تا تأکید کند که تحقیق و محقق در سطوح مختلف بسیاری در هم می‌آمیزند.

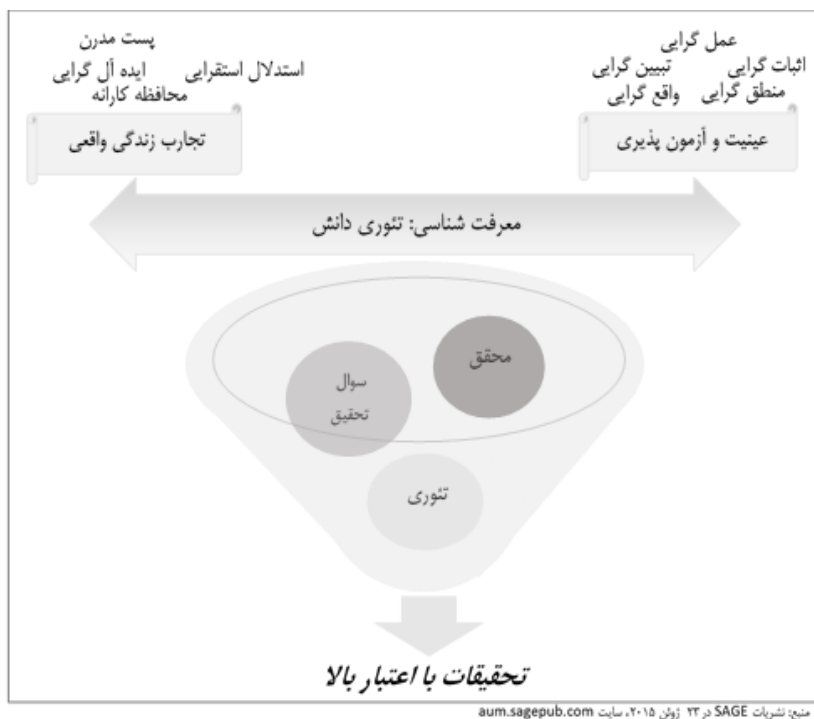
این مفهوم به این نکته اشاره دارد که برای محققان مدتی طول می‌کشد تا بر نقش خود در تحقیق و آنچه که آنها، بعنوان یک فرد، برای تحقیق به ارمغان می‌آورند، تأمل نمایند. این فرآیند

بازتابی، محقق را به بررسی نقش خویش در ساختن مفاهیم متعهد می‌کند. در تحقیقات کیفی، تشکیل دانش و مفاهیم در طول مدت جمع آوری و تحلیل داده‌ها مستقیماً توسط محقق (که بعنوان یک ابزار انسانی برای تحقیق عمل می‌کند) کنترل می‌شود. این نوع مشارکت مستقیم محقق در تحقیق به عنوان یک تفاوت بنیادین با تحقیقات کمی (که محقق همواره تلاش می‌کند به منظور رعایت بی طرفی، فاصله و استقلال خود را حفظ نماید) شناخته می‌شود. ایفای نقش ابزاری توسط محقق، بیانگر انتخاب طرحی است که استفاده از یک ابزار انسانی را به ساخت یک ابزار غیر انسانی ترجیح می‌دهد. محققان معمولاً در می‌یابند بین تحقیقات کمی و کیفی نوعی تقسیم بندی فلسفی وجود دارد (بردو، ۲۰۰۹، اریکان و روس، ۲۰۰۶). مشخص ترین شاهد این تقسیم بندی زمانی است که موقعیت محقق در تحقیق بعنوان یک ابزار نمایان می‌شود. با ایجاد امکان اندیشیدن به شیوه‌ای متفاوت درباره تحقیق، مفهوم "محقق بعنوان ابزار" می‌تواند پیچیدگی‌های درک عمیق تر تعاملات بشری را تبیین کند، امری که از طریق مشارکت مستقیم محقق به دست می‌آید.

لنزی که محقق برای آزمودن موضوع تحقیق بکار می‌برد نشان دهنده گرایشات نظری است که به بهترین شکل محقق را در مسیر تحقیق قرار می‌دهد؛ برای نمونه، مطالعه یک سازمان و تلاش برای یافتن پاسخ سوالات از طریق نگاه به فرهنگ سهامداران، در واقع بکارگیری یک رویکرد قوم نگاری کیفی در تحقیق است. در این شرایط محقق فرصت می‌یابد تا دامنه گسترده‌ای از گرایش‌های نظری که می‌توانند در طراحی و اجرای یک تحقیق بکار روند، را استفاده نماید. نگاره زیر پیوستاری از گرایش‌های تحقیق نظری شامل نظریه اثبات گرایی، عمل گرایی، محافظه گرایی، پست مدرنیسم، و انتقادی دینز و لینکولن، ۲۰۰۵؛ گیسو و براون، ۲۰۰۹) را نشان می‌دهد (برای جزئیات بیشتر در مورد این گرایش‌های نظری، به پیتون (۲۰۰۲) و اسواندت (۲۰۰۷) مراجعه شود).

سمت راست این پیوستار به تحقیقات کمی مربوط می‌شود و بخش تجارب زندگی آن همتراز با تحقیقات کیفی می‌باشد. تحقیقات مبتنی بر روش‌های ترکیبی مشتمل بر هر دو جنبه این پیوستار ولی با درجات مختلف است. این سطح تنوع از چارچوب‌های فلسفی در سرتاسر پیوستار به تصمیم‌گیری محقق در رابطه با طرح تحقیق کمک می‌کند.

نگاره (۶): گستره گرایش‌های نظری



هر یک از این چارچوب‌ها دارای زبان مفهومی مشخص در مورد اصطلاحاتی همچون نظریه، قابلیت تعمیم‌پذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری، ارزشمندی، اعتبار، اتکاء‌پذیری، و نهایتاً نحوه تعیین قابل اعتماد بودن یک تحقیق قوی می‌باشد (کورو ال جانگبرگ و دیگران، ۲۰۰۹). شوربختانه، استفاده از واژه‌های فنی کمی در یک تحقیق کیفی، و یا برعکس، می‌تواند مفاهیم را دچار ابهام نموده یا موجب سردرگمی در تحقیق شود و تفاوت‌های فلسفی را به اشتباه ارائه نماید. برای مثال، قابلیت تعمیم‌پذیری در یک تحقیق کمی یک مساله تأیید شده است، اما در یک تحقیق کیفی، خیر. این قبیل اشتباهات، استفاده از هر دو نوع روش تحقیق (کیفی و کمی) را تضعیف کرده و کیفیت تحقیقات را دچار خدشه می‌کند. همانطور که در نگاره ۶ ارائه می‌شود، قابلیت بکارگیری مناسب مفاهیم زبان تحقیقات مختلف، براساس سطح مهارت محقق در مواجهه با طرح سوالات تحقیق سنجیده می‌شود، که می‌تواند از طریق ترکیب محقق با گرایش‌های نظری مناسب مورد مطالعه قرار گیرد.

در پاسخ به مساله کیفیت و اعتبار، روش‌های تحقیق کیفی ادامه می‌یابد تا از طریق کاربرد در زمینه‌های بین رشته‌ای نمود پیدا کند. پیشنهاد پذیرش استانداردهای روش کیفی همچنان در سطح بالایی دنبال می‌شود (فریمن و دیگران، ۲۰۰۷)، اما موضوع بحث به مسائلی همچون استانداردهای بر خود تحمیل شده در چارچوب مقررات به هم تنیده منعطف شده است. با استفاده از روش‌هایی که یک دانش آموخته رشته مالی در رابطه با یک موضوع علمی مالی با ثبت کلیه متغیرهای بکار رفته و سپس حذف آنها در مطالعه پیش بینی بازده بکار می‌گیرد، تحقیقات کیفی مدرن رسمیت و اعتبار بیشتری می‌یابند.

نیازی نیست که تحقیقات کیفی جایگزین کارهای تجربی سنتی در مالی شوند، بلکه به عنوان مکمل یا مقدمه‌ای ارزشمند برای تکمیل و تقویت روش‌های تحقیق جاری در مالی تلقی می‌شود، مثل کاری که لینتتر در سال ۱۹۵۶ کرد. با اندیشیدن خارج از مرزهای عادت شده، فرد قادر خواهد شد نگاه تحقیقاتی خود را به سمت سطوح دیگری از مساله سوق دهد. محقق مالی، با به کارگیری روش‌های کیفی با مسیر تازه‌ای از تصمیمات راجع به طرح تحقیق روبه رو خواهد شد که کیفیت و اعتبار تحقیق را شکل می‌دهد. رویکرد محقق و قالب هر دو نوع روش تحقیق شامل کیفی و کمی، ایجاب می‌کند که هدف و تمرکز تحقیق به روشنی و از قبل تعیین شده باشد، هر چند در رویکردی که محققان کیفی و کمی در رابطه با هدف و تمرکز یک تحقیق اتخاذ می‌کنند، تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. ضرورتاً، محققان کمی سوالات و فرضیات تحقیق را طرح می‌کنند تا به روش قیاسی روابط عادی موجود را دریابند یا مدل نظری بالا به پایین را تأیید یا اثبات کنند. در سوی دیگر، محققان کیفی سرسختانه به دنبال بررسی، آزمون، یا کشف شناخت جدید براساس روش استقرایی می‌باشند (کرس ول، ۲۰۰۹). این تفکیک دقیق، رهنمودی است برای رفع بسیاری از ابهامات و پیچیدگی‌های موجود در تصمیمات طراحی که به ویژه محققان کیفی در طول دوره تحقیق با آن دست و پنجه نرم خواهند کرد. بنابراین بسیار مهم است که هدف و تمرکز یک تحقیق کیفی به طور دقیق نگارش و در همه مراحل تحقیق مورد کنکاش قرار گیرد.

رویکردهای نظری کیفی در مالی

دامنه گسترده‌ای از نظریه‌های کیفی از منظر محققان وجود دارد. شش مورد ارائه شده در ادامه این مطلب نمونه‌هایی از روش‌های مختلف همراه با نقطه نظرات پست مدرنیسم انتقادی و تفسیری می‌باشد. هر یک از این نظریه‌ها ارائه دهنده یک دیدگاه کیفی منحصر به فرد نسبت به رویکرد فلسفی محقق می‌باشد تا جهان هستی، منطقی‌تر به نظر برسد و شخص محقق نیز با استفاده از داده‌ها به ساخت مفاهیم مرتبط گردد. بسیار مهم است که بدانیم این مجموعه تنها فهرست کسالت آوری از روش‌های کیفی نیست، بلکه معرف تعداد اندکی از محققان رویکردهای کیفی است که از این رویکردها در طرح یک تحقیق بهره برده‌اند.

شش نمونه زیر، انتخاب شده‌اند تا دامنه‌ای از معرفت‌شناسی نهان در تحقیقات کیفی را نشان دهند. به لحاظ فلسفی، عینیت و واقع‌گرایی بسیار متفاوت از عقاید کیفی مبتنی بر تجربه و ایده آل‌گرایی می‌باشد. واقع‌گرایی اغلب به ثبات، اطمینان، ساختاریافتگی و امور عادی مربوط می‌شود، در حالیکه ایدال‌گرایی بیشتر شک و عدم اطمینان (با حفظ رابطه با ابهام) را شامل می‌شود. در ادامه به متونی اشاره شده است که برای علاقه‌مندان به تحقیق بیشتر در رابطه با فلسفه تقسیم‌بندی بین روش‌شناسی کیفی و کمی مفید می‌باشد (لسربای، اسکات، و ویلیامز، ۲۰۱۲؛ هوول، ۲۰۱۳؛ ناکس، ۲۰۰۴).

قوم‌نگاری کاربردی - مردم‌نگاری یا قوم‌نگاری به معنای توصیف "مردمان" یا "فرهنگ‌ها" است. تمرکز این روش بر یک گروه فرهنگی و تعامل افراد در این گروه و در یک دوره زمانی است. محقق مردم‌نگار به توصیف و تفسیر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای افراد یک گروه فرهنگی و تعامل آنان با یکدیگر می‌پردازد. مثلاً باورها و رفتارهای معلمان یک مدرسه یا کارگران یک کارخانه در یک دوره زمانی می‌تواند موضوع تحقیق مردم‌نگاری باشد.

قوم‌نگاری کاربردی در حالی که نوعی تحقیق کاربردی را در جامعه معاصر ترویج می‌کند، قوم‌نگاری سنتی را نیز تکامل می‌بخشد. متغیرهای این رویکرد شامل قوم‌نگاری تمرکز یافته‌ای است که دو ویژگی اصلی آن، ملاقات‌های میدانی کوتاه مدت و استفاده موکد از تکنولوژی‌های صوتی و تصویری می‌باشد (نوبلانچ، ۲۰۰۵). رویکرد قوم‌نگاری کاربردی شامل مطالعه و تفسیر فرهنگ معاصر می‌باشد. محقق با پرورش یک دیدگاه ناشی از کار تخصصی، دقت لازم جهت

رعایت احترام به مجموعه آداب فرهنگی، دیدگاه‌ها و اظهارات حاضران در این مجموعه را به عمل می‌آورد. محقق می‌کوشد تا در حین مطالعه مسائل فرهنگی (معاصر) با موضوعات غریب زندگی روزمره نیز آشنا گردد (اتکینسون و دیگران، ۲۰۰۲؛ اریکسون، ۲۰۱۲؛ پیتون، ۲۰۰۲؛ روهلدر و جوردن، ۱۹۹۷؛ ولکات، ۱۹۹۹).

نک (۲۰۱۴) در بررسی علت ترک خدمت زنان برتر شاغل در صنعت مالی، از رویکرد قوم‌نگاری کاربردی استفاده نمود. او دریافت، زنان شاغل در رده‌های بالا سازمانی، به دلیل ترکیبی از عوامل شامل ناکامی در محل کار، مشغله‌های شخصی مانند داشتن فرزند یا بازگشت از خارج از کشور، و داشتن حق انتخاب برای ترک خدمت، کار خود را ترک می‌کنند. نک نتیجه‌گیری می‌کند که زنان شاغل در پستهای رده بالای مالی به این علت ترک خدمت می‌کنند که عمدتاً این امکان برای آنها فراهم است.

تحلیل محتوایی - این رویکرد نظری به عنوان یکی از روش‌های کمی است که بصورت قراردادی در سنجش داده‌های کیفی بکار می‌رود. با استفاده از کدگذاری، متن به ماتریسی از متغیرها تبدیل می‌شود و سپس از طریق روش‌های آماری مورد سنجش قرار می‌گیرد. اگر تحلیل مورد نظر شامل چندین محقق باشد آنگاه پایایی بین رتبه کدگذاران بصورت عددی استانداردسازی می‌شود. همچنین، انواع معاصر تحلیل محتوایی، در حال پذیرش روش‌های کیفی تحلیل تفسیری می‌باشند (اسواندت، ۲۰۰۷). در اواسط دهه ۱۹۶۰، ساختار مقایسه‌ای پایدار مفاهیم متنی منتج از تحلیل محتوایی سنتی توسط گلاسر و اشتراس (۱۹۶۷) پذیرفته شد و به نظریه بنیادی (زیربنایی) ملحق گردید. تحلیل محتوایی کیفی معاصر، آزمون‌های وابسته به قوانین و طبقه بندی حجم زیادی از داده‌های متنی از طریق فرآیند کدگذاری و شناسایی الگوها و مدل‌ها را پشتیبانی می‌کند (فرکلاف، ۲۰۱۰؛ هسیه و شانون، ۲۰۰۵).

نمونه‌ای از کاربرد تحلیل محتوایی در تحقیقات مالی، می‌توان به بررسی "جهت حرکت بازار طی ۳۰ سال گذشته برای شناخت بهتر نقش خزانه داری استرالیا (RBA) " اشاره کرد. در این مطالعه، باید بیانیه‌های فصلی (هر سه ماه یکبار) خزانه داری استرالیا در رابطه با سیاست‌های پولی، به منظور کدگذاری و تحلیل کیفی جمع آوری گردد. بعلاوه، یک محقق کمی احتمالاً با شناسایی متغیرهایی برای اندازه‌گیری، وارد عرصه تحقیق می‌شود، در حالیکه یک طرح کیفی مستلزم آن است که محقق در حین اجرای آزمون‌های وابسته به قوانین و طبقه بندی مفاهیم،

همواره ذهنی باز و رویکردی استقرایی را حفظ نماید. در این مثال کیفی، محقق باید از بکارگیری کدهای از پیش تعیین شده اجتناب نماید. کدهای از پیش تعیین شده برگرفته از مفروضات و سایر تعصبات (سوء گیری‌های از قبل تعیین شده) محققان قبلی می‌باشد (چارمز، ۲۰۰۶). این نقطه تمایز بسیار مهم به شمار می‌رود، زیرا ساختار کدها و طبقات معرف تشکیل مفاهیمی است که در آن هر کد به مثابه برچسبی از شالوده مفاهیم بزرگتر می‌باشد.

ساختار گرایی اجتماعی - این رویکرد محقق را به سوی ساختن مفاهیم اجتماعی جهان هستی از دیدگاه یک شخص هدایت می‌کند. اسکین (۲۰۱۰) اظهار می‌دارد که فرهنگ بصورت اجتماعی ساخته می‌شود و بر پایه دیدگاه‌های به اشتراک گذاشته شده بازیگران منفرد (هر یک از افراد آن اجتماع) استوار است. فرهنگ نحوه نگرش به جهان هستی (جهان بینی) را شکل می‌دهد؛ ادراکات، احساسات، و استفاده از زبان همگی بر پایه تعاملات اجتماعی افراد تعریف می‌شوند. بنابراین، محقق نیز به دنبال درک و شناخت بهتر دنیایی هست که بصورت اجتماعی ساخته می‌شود و براساس درک بشر از فرهنگ و مفاهیم زبان شناسی شکل می‌گیرد (پیتون، ۲۰۰۲).

تحقیق در مورد سقوط و ورشکستگی شرکت اوراق بهادار مالی استرالیایی با مسوولیت محدود (SFL) در سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که چگونه ساختارگرایی اجتماعی می‌تواند بکار گرفته شود. آرون براهن (۲۰۱۳) سوال "حال چه خواهد شد" را در مورد سرمایه گذارانی که بیشترین خسارت را بر اثر این ورشکستگی متحمل شده بودند، مطرح و بررسی نمود. چنین تحقیقی منجر به شناخت عمیق‌تر اثرات بحران مالی بر روی افراد و فراتر از چارچوبهای مالی می‌شود. او از مصاحبه با سرمایه گذاران دریافت که "احتمالاً بارزترین جنبه این ورشکستگی تنوع، دامنه و عمق اثری است که بر زندگی افراد گذاشته است". آنچه در پس این شناخت عمیق‌تر قرار گرفته شکستی است که در ساختار اطمینان رخ داده و آسیبی که به صنعت مالی وارد گردیده است، می‌باشد.

نظریه بنیادی (زیربنایی) - نظریه بنیادی یکی از روش‌های پژوهش کیفی و با رویکرد اکتشافی است، که طی آن پژوهشگر به جای اتکا به نظریه‌های موجود خود به تدوین نظریه می‌پردازد. نظریه حاصل از این روش از طریق گردآوری و تحلیل سازمان یافته داده‌ها در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی تدوین می‌شود.

در این مدل محقق به طور همزمان به جمع آوری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. این مساله منجر به شکل‌گیری چرخه‌های متعامل مقایسه‌ای می‌شود که تحلیل و تشکیل نظریه را در هم می‌آمیزد. در طول این فرآیند تفسیری، مفاهیم نیز شکل می‌گیرند. یکی از فنون بکار رفته در نظریه‌بنیادی معروف به "عضو حیاتی"، به معنی حفظ مفاهیم با اهمیت در محتوای زبان مشارکت‌کنندگان در این مجموعه است. تکنیک‌های کدگذاری در نظریه‌بنیادی عبارتند از کدگذاری باز، محوری و گزینشی، که اغلب به عنوان یک فرآیند ساختاریافته منتج از شیوه تحقیق استقرایی، مورد پذیرش سایر نظریه‌های کیفی نیز می‌باشد. در اولین مرحله از کدگذاری (کدگذاری باز)، محقق نسبت به ایده‌ها و سطوح اهمیت با ذهنی باز وارد می‌شود. این فرآیند شامل کاوش مستمر هر چه عمیق‌تر در یافتن داده‌ها و حفظ حس کنجکاوی می‌باشد. در مرحله بعد، یعنی کدگذاری محوری، محقق با ایجاد فزاینده کدهای باز در الگوهای تحلیلی معنی‌دار به تولید و باز تولید ارتباطات می‌پردازد. نهایتاً مرحله کدگذاری گزینشی، بیانگر فرآیندی است که طی آن محقق به منظور جستجوی بیشتر، سایر راه‌های باقی مانده را با دقت مورد بررسی قرار می‌دهد. اینجاست که محقق در مرحله ایجاد رهنمودهای انعطاف‌پذیر از مفهوم قرار می‌گیرد (چارمز، ۲۰۰۶). در مرحله سوم، به منظور بررسی‌های بیشتر و تفسیر مصاحبه‌ها، مرور ادبیات موضوع می‌تواند کاربرد داشته باشد (گلاسر و اشتراس، ۱۹۶۷؛ کوربین و اشتراس، ۲۰۰۸).

نمونه‌هایی از کاربرد رویکرد نظریه‌بنیادی توسط هو (۲۰۱۴) و براهن (۲۰۱۴) ارائه می‌شود. هو تصمیم سرمایه‌گذاری جهت خرید یک قایق ماهیگیری را با استفاده از رویکرد نظریه‌بنیادی بررسی نمود، بدین صورت که مفهوم مورد نظر را از دیدگاه اعضای جامعه ماهیگیران مورد کنکاش قرار داد. براهن (۲۰۱۴) اثرات فردی و اجتماعی پدید آمده متعاقب ورشکستگی شرکت مالی (SFL) را بررسی نمود. فرآیند تدوین نظریه‌بنیادی در نه گام شامل مروری بر متون تخصصی، انتخاب موردها، تدوین پروتکل دقیق گردآوری داده‌ها، ورود به میدان تحقیق، تنظیم داده‌ها، تحلیل داده‌ها (کدگذاری باز، محوری و گزینشی)، نمونه‌گیری نظری، پایان فرآیند، و سرانجام مقایسه نظریه در حال ظهور یا شکل‌گیری با متون جدید خلاصه شده است (پندیت، ۱۹۹۶).

نظریه سیستم‌ها - پذیرش نظریه سیستم‌ها در تحقیقات کیفی از شاخه جامعه‌شناسی توسعه پیدا کرد. یک برنامه، سازمان، یا ساختار اجتماعی از اجزای مختلفی تشکیل می‌شود. تعامل بین

این اجزا تعیین می‌کند که کارکردهای یک سیستم اجتماعی به عنوان یک کل چگونه عمل می‌کند. کاربردهای سنتی نظریه سیستم‌ها در خرده نهادهای اجتماعی سنتی همچون شرکت، دولت، دادگاه، خانواده، مذهب، آموزش، تکنولوژی و مطبوعات مشاهده می‌شود. تحلیل کیفی با استفاده از رویکرد نظریه سیستم‌ها، شامل در نظر گرفتن یک سیستم بطور مجزا و استفاده از بررسی روابط گوناگون اجزا می‌باشد. این رویکرد نظام مند آزمون مشخصات متمایز کننده از قبیل نقش‌ها، کارکردها، حد و مرزها، و همپوشانی‌ها را تسهیل می‌کند. تحلیل مذکور می‌تواند سؤالاتی همچون آیا اجزای سیستم وابستگی درونی دارند؟ اگر هر یک از اجزا در بالاترین سطح راندمان خود باشد، آیا کل هم در بالاترین سطح راندمان قرار دارد؟ از مطالعه تعامل بین اجزا چه می‌توان آموخت؟ را برانگیزاند.

گیپل (۲۰۱۴)، نوعی از کاربرد نظریه سیستم‌ها را به منظور بررسی شرایط روش‌های تحقیق میدانی و جاری در مالی ارائه نمود. در این مطالعه سه سوال مطرح می‌شود؛ "۱) تأثیرات سیستم مالی دانشگاهی (آموزشی) بر نحوه بکارگیری آن در اجرا کدامند؟ ۲) آیا می‌تواند به گونه‌ای متفاوت عمل کند؟ ۳) نحوه تعامل و واکنش آن به اجزای محیط گسترده پیرامون خود چگونه است؟". نتایج تحقیق گیپل نشان می‌دهد مرزهای ظریفی بین اجزای تشکیل دهنده رشته مالی وجود دارد که نوآوری و تغییر در روش تحقیق را محدود می‌کند.

نظریه تغییر انتقادی - این رویکرد نظری نیز در رده سایر گرایش‌های پست مدرنی قرار می‌گیرد که براساس آنها محقق به صورت آزادانه اعتقادات ایدئولوژیکی قدرتمندی را افشاء می‌کند. دلیل این امر با استفاده از طبقه بندی جفارت در رابطه با پست مدرنیسم انتقادی ارائه می‌شود. یکی از اهداف این گرایش آگاهی بخشی از مقابله با اعتقادات اجتماعی بوجود آمده است، بدین صورت که از طریق یک روش کاربردی معنی دار درصدد القای تغییر در روش می‌باشد. این مساله شامل بررسی نقادانه رویه‌های تشکیل یافته در اجتماع و روابط موجود با نگاه ویژه به مساله قدرت و کنترل است. مشارکت مستقیم محقق به همان اندازه که می‌تواند نوعی احترام به شمار آید، می‌تواند بیانگر محرومیت از حق رای، به حاشیه رانده شدن، محرومیت از فرصت‌ها، و سایرین خارج از جریان اصلی قدرت و نفوذ جامعه باشد (پیتون، ۲۰۰۲؛ ویس و گرین، ۱۹۹۲).

بطور اساسی، این نظریه در مورد به دست آوردن و از دست دادن قدرت است. جمع آوری داده‌ها از مشارکت کنندگان در گروه‌های تحت نظر می‌تواند نمونه‌ای از آن باشد. در پی بحران مالی بین‌المللی، سرمایه‌گذاران در صندوق‌های بازنشستگی می‌توانستند دیدگاه‌های منحصر بفردی را درباره مدیران صندوق‌های خود ارائه کنند (چیه و دیگران، ۲۰۱۴). نمونه دیگر این نظریه می‌تواند حساب قیمتی و سقوط بخش مسکن در جریان بحران وام‌های رهنی در ایالات متحده باشد. همچنانکه فک رهن وثائق ملکی در حال تبدیل شدن به یک بحران ملی بود، عملکرد وام دهندگان رهنی، با شدت بیشتری تحت نظر جامعه قرار می‌گرفت که در نتیجه آن مداخله دولت از طریق نهادهای قانونگذار هم در سطح ایالتی و هم فدرال به منظور کاهش توانی در بازپرداخت اقساط وامها و کمک به حفظ و ترغیب مالکیت مسکن صورت پذیرفت.

مروری بر تحقیقات داخلی

ثقفی و برزگر (۱۳۹۱) در تحقیق خود به بررسی مباحث روز حسابداری مدیریت و به ویژه فقدان ارتباط و یکپارچگی بین پارادایم‌های تحقیق پرداخته‌اند. آنها با مروری بر تحقیقات کیفی به ماهیت و اهمیت تحقیقات کیفی و نقش آن در توسعه نظریه، نگرش انتقادی نسبت به این نوع تحقیقات در حسابداری مدیریت ارائه نمودند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد نبود امکانات و شرایط لازم و کافی، موانع مختلف از جمله موانع ذهنی، علمی و مالی و عدم تعریف درست از این نوع تحقیقات، باعث گردیده راه برای این قبیل تحقیقات، به صورت دقیق و آشکار هموار نباشد. طرح و اجرای پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری با رویکرد تحقیق کیفی و ترکیبی بسیار معدود است. بنابراین، باید این رویکرد تحقیقی در سطح دانشگاه و حرفه‌ای ترویج داده شود.

در مقاله‌ای دیگر، یغمایی (۱۳۹۰) به بررسی موقعیت تحقیقات کیفی در حوزه حسابداری مدیریت پرداخت و تأمل انتقادی و ارزیابی مشخصات نسبی خود از ادبیات غالب تحقیق کمی حسابداری اثباتی را ارائه نمود. به لحاظ کاربرد روش‌های تحقیق کیفی در حسابداری، تحقیقات حسابداری مدیریت جزو پیشگامان این امر محسوب می‌شوند. مقاله مزبور ضمن بررسی ویژگی‌های کیفی در این حوزه، چشم انداز آتی این نوع تحقیقات را نیز ارزیابی نمود. نتایج این بررسی نشان می‌دهد روش‌های کیفی به درک و نقد فرآیندهای حسابداری مدیریت کمک

می‌کند و امکان رفع نگرانی شاغلین و سیاستگذاران را دارد. تعامل نزدیک محقق در این زمینه، توجه به فرآیند، استقبال از پیچیدگی موقعیتی و مفاهیم انعکاسی و انتقادی از پدیده سازمانی، به عنوان مشخصات این روش می‌باشد.

مشایخی و همکاران (۱۳۹۲) از پیشگامان کاربرد نظریه بنیادی در ایران می‌باشند که با استفاده از روش تحقیق کیفی به جستجوی مدلی برای تعیین کیفیت حسابرسی مبتنی بر فضای فعالیت این حرفه در کشور پرداختند. تحقیق مذکور به لحاظ روش تحقیق در بین تحقیقات حوزه مالی داخل کشور منحصر به فرد و از این لحاظ پیشرو محسوب می‌گردد.

تحلیل داده‌ها از منظر نظریه کیفی

نقش محققان برآمده از نوع جهان بینی آنها است که دربرگیرنده تعامل فلسفه و نظریه‌های تحقیق است. این ارتباط متقابل، دریچه‌ای را بر روی محققان می‌گشاید که از آن برای طراحی و اجرای تحقیقات علوم اجتماعی استفاده می‌کنند. به واسطه تعامل دوسویه، محقق می‌تواند با این دیدگاه هماهنگ شده و بدین ترتیب از بینش درونی خویش در بهبود کیفیت و اعتبار تحقیق بهره مند گردد.

تحقیقات کیفی محققان را بر آن می‌دارد که بطور مستمر بینش درونی خود را از طریق فرآیند تجربی یک تحقیق استقرایی پالایش نمایند. اگرچه محققان معمولاً بطور فزاینده‌ای به دنبال ارائه استدلال‌های قیاسی می‌باشند، اما آنها باید سرسختانه مقاومت کنند. روش استدلال استقرایی یکی از الزامات تحقیقات کیفی است. پایش جابجایی‌های صورت گرفته بین استدلال استقرایی و قیاسی این امکان را برای محققان بوجود می‌آورد که مسائل را شکافته و ساختارهای مفهومی را مستندسازی نمایند. این جابجایی انواع بینش کیفی را توسعه داده و به طور پیوسته تبادل بین بینش‌های استقرایی و ارزشهای قیاسی را ارائه می‌کند.

کارآگاه خیالی، شرلوک هولمز با این جمله مشهور خود شیوه استدلال قیاسی را نشان می‌دهد. وی می‌گوید: "هنگامیکه غیر ممکن‌ها را حذف کردید، آنچه باقی می‌ماند، هر چند غیرمحمتمل، ولی باید حقیقت باشد." داشتن ذهن باز و رویکرد استقرایی چالش بسیار بزرگی برای محققان علوم اجتماعی است، زیرا هنجارهای جامعه عموماً مبتنی بر استدلال قیاسی است. بعنوان یک نتیجه، افراد تنها قادر به دیدن آن چیزی هستند که به خود اجازه می‌دهند. هنگامی که محقق در

تفکر تحقیقاتی خود به یک نقطه مفهوم سازی مبتنی بر قیاس می‌رسد، سایر مفاهیم موجود یا به اشتباه برداشت می‌شوند یا اساساً نادیده گرفته می‌شوند. درست برعکس آنچه که بازرس مورس با یک استدلال استقرایی بیان می‌دارد: "شما کورکورانه در امتداد مسیری تاریک در جستجوی کور سویی از نور برای روشن کردن راه می‌باشید".

ساخت مفهوم با استفاده از داده‌های کیفی این آزادی را به محققان می‌دهد که به روش استقرایی تحقیق کنند، کشف کنند، و به دنبال درک و شناخت عمیق‌تر پیش روند. هر دریچه مشوقی برای کسب بینش عمیق به روشی جدید و متفاوت است. بدین صورت که هر چه محققان توجه عمیق‌تری به پارادیم کیفی داشته باشند به همان نسبت از بینش بدست آمده از دریچه‌های مختلف بهره مند خواهند شد.

استراتژی‌های کاربرد یک رویکرد نظری کیفی

رشته مالی تنها درباره تخصیص دارایی‌ها تحت شرایط عدم اطمینان نیست، بلکه این رشته راجع به تعاملات اجتماعی و فرهنگی افراد در چارچوب مرزهای بازار نیز می‌باشد. مراحل که محققان رشته مالی در فرآیند گرایش به سمت نظریه‌های کیفی باید طی کنند، کدام‌اند؟ چگونه می‌توان نظریه را به طرح تحقیق گره زد؟ از کجا باید شروع کرد؟ افراد عموماً غرق در جهان بینی مورد پسند خود هستند و در شناخت مسائل دیدگاه فلسفی مخصوص به خود را دارند. هر طرح تحقیق کیفی باید طی مراحل نظری مناسب بنا شود. همانطور که پیشتر اشاره شد، اغلب تحقیقات مالی تمایل به گرایش‌های نظری دارند که به لحاظ فلسفی بصورت یک دیدگاه عینی از دنیای واقعی بیان می‌شوند. شش نمونه ارائه شده از کاربرد نظریه‌های کیفی، برای ترغیب محققان به در نظر گرفتن راهبردهای منحصر بفردی است که آنها را قادر می‌سازد تولید دانش کرده و سوالات تحقیق را به روشی جدید طرح نمایند. جهان بینی افراد، همان نحوه درک آنها از دنیا است، که رویکرد آنها نسبت به داده‌ها را شکل می‌دهد. داده‌ها به خودی خود ظاهر نمی‌شوند، بلکه یک فرآیند تجربی برای جمع‌آوری آنها نیاز است. بر اساس روش‌های کیفی، محققان نمی‌توانند گزارش کنند که داده‌ها چه می‌گویند؛ داده‌ها هیچ حرفی نمی‌زنند، بلکه این محققان هستند که با بیرون کشیدن مفاهیم از دل داده‌ها از طریق یک دریچه نظری و تحلیل تجربی، طی تفسیری سیستماتیک صحبت می‌کنند. آنچه محققان از داده‌ها به دست می‌آورند

بخشی از فرآیند روش‌شناسی مشتق شده از این دیدگاه نظری است؛ با انجام هر مرحله از تحقیق، محققان یک رابطه نظری با داده‌ها برقرار می‌کنند.

در ادامه به یک بحث غیر رسمی خواهیم پرداخت که می‌تواند رهنمودهای مناسبی را برای محققان رشته مالی، در درک بهتر دقت لازم در انتخاب نظریه و پیچیدگی کاربرد فرهنگ لغات فنی تحقیق برای نظریه ارائه کند. روش‌های تحقیق علوم اجتماعی، تعریف پایه رابطه علت و معلولی را بدین شرح پذیرفته‌اند؛ "تغییر در متغیر مستقل منجر به تغییر در متغیر وابسته خواهد شد". اگرچه این تعریف، درک خوبی از رابطه علیت را ارائه می‌دهد، اما در فهم پیچیدگی تشکیل مفاهیم کیفی در تحقیقات علوم اجتماعی به کلی ناتوان است. ماکسول (۲۰۱۲، ص ۶۵۶) چنین ادعا می‌کند "شناخت ما درباره دنیا، شامل شناخت روابط اعم از علی و تصادفی، الزاماً ساخته و پرداخته خودمان است، ناقص و خدشه پذیر، تا یک درک عینی از حقیقت موجود". یک چنین درک محدودی از روابط علی، به محققان علوم اجتماعی این امکان را می‌دهد که در جستجوی تنها یک سری توضیحات تصادفی از بین دامنه وسیعی از روش‌های تحقیقات علمی معاصر باشند. اریکسون (۲۰۱۲) شواهد بیشتری از کاربرد علیت با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی را ارائه می‌دهد. یکی از ویژگی‌های اصلی تحقیقات کیفی انعطاف پذیری آنها در بررسی اقدامات اجتماعی خاص است که همین امر باعث می‌شود درک بهتری از شرایط پیچیده ارائه نماید. بنابراین ینش می‌تواند درک عملیات علی را در شرایط خاص تقویت نموده و قابلیت انتقال پذیری و رای شرایط خاص را نیز مشخص نماید.

هیچ پاسخ سیاه و سفیدی در رابطه با نظریه کیفی برای یک طرح تحقیق وجود ندارد. تحقیق کیفی مستلزم پذیرش آستانه‌ای از ابهام برای دامنه گسترده و متغیری است که از بین‌گرایش‌های نظری کیفی مختلف در نظر می‌گیریم (هیل، ۲۰۰۷). هرچند چنین انعطاف پذیری می‌تواند مخرب باشد، اما تنوع بالای مراحل روش‌شناسی در تحقیقات کیفی، این قابلیت را به محقق می‌دهد که در بررسی موضوعات و سوالات به صورت پایدار و از طریق گسترش مجموعه قوانین طبیعی انعطاف پذیری مناسبی داشته باشد.

انعطاف پذیری در کاربرد نظریه کیفی به استفاده بیش از یک رویکرد نظری در تحقیق هم قابل تعمیم است. سه روش مختلف پیشنهادی شامل (۱) استفاده از ارکان بیش از یک رویکرد نظری کیفی در یک تحقیق، که تحت عنوان چند وجهی نظری شناخته می‌شود، (۲) هماهنگی

سازی رویکرد کیفی با یک نظریه بنیادی اصلی که دانش علوم اجتماعی را تعمیم می‌دهد، و (۳) ترکیبی از رویکردهای نظری که ترکیبی از روش‌های ناشی از هر نظریه را شامل می‌شود (گیسون، و براون، ۲۰۰۹) است. برای مثال یک تحقیق سازنده می‌تواند از طریق ترکیب اعضا با تحلیل نظریه بنیادی با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی، ساختار اجتماعی مفاهیم را ارائه دهد. لازم است توجه داشته باشید استفاده مناسب از نظریه‌های مختلف باید توسط طرح کلی تحقیق تأیید شود.

یکی از حوزه‌های نویدبخش برای تحقیقات مالی ترکیب نظریه بنیادی با یک گرایش نظری کیفی مناسب است. این چالش برای محققان رشته مالی به این امر منجر خواهد شد که نظریه کیفی کنترل تحقیق را به دست گیرد. نگاه به هر مرحله از تحقیق از منظر کیفی لازمه حفظ یکپارچگی طرح کیفی است. ارتباط بین اجزا، مستلزم درک و شناخت پارادایم‌های جایگزین از قبیل تحقیقات کیفی است. اعتبار و قابلیت انتقال یافته‌های تحقیقات کیفی تنها می‌تواند برخاسته از ساختمان طرح تحقیقی باشد که به لحاظ روش‌شناسی سالم است. استفاده از نظریه در این فرایند یک ضرورت به شمار می‌رود.

دفاع از تحقیقات کیفی

تحقیقات کیفی کمابیش مورد انتقادهای گسترده قرار گرفته است. میشلر در پاسخ به انتقادهای می‌گوید: "روش‌های دیگری به جز روش‌های استاندارد، مانند مصاحبه بدون ساختار، به عنوان روش‌های خطا دار تلقی می‌شوند. من، در مقابل، بحث می‌کنم که مصاحبه استاندارد، به گونه‌ای اساسی، دارای خطا است و بنابراین نمی‌تواند به عنوان یک الگوی ایده‌آل، که سایر روش‌ها را با آن می‌توان سنجید، به کار برده شود." همچنین، قایوری و دیگران می‌گویند: "در ادبیات روش‌شناسی تحقیق، مباحثی در رابطه با اینکه کدام روش مناسب‌تر یا علمی‌تر است، مطرح است. گاهی نیز گفته می‌شود روش‌های کمی و ساختار یافته علمی‌تر و در نتیجه بهتر هستند، اما به اعتقاد ما، این روش‌ها فقط به خاطر اینکه کمی هستند بهتر یا علمی‌تر نیستند. اینکه کدام روش برای کدام تحقیق مناسب‌تر است، بستگی به موضوع تحقیق و هدف آن دارد.

برمن، لی کامپت و گوتز ادعا می‌کنند که: "انتقادهای وارده به پژوهش‌های کیفی، به این دلیل نیست که نقص واقعی در الگوی کیفی وجود دارد، بلکه به این دلیل است که واژه

تجربی به اشتباه برابر و مترادف با واژه کمی به کار برده می شود". از طرف دیگر بسیاری از روش شناسان پژوهش (به عنوان نمونه گلاسر و اشتراس، ۱۹۶۷ و مانن، ۱۹۸۳) معتقدند که پژوهش‌های کمی به علت استفاده از ابزار و اجزای کمی از قبل تعیین شده، نمی توانند واقعیت دنیای پیچیده متغیرهای مورد مطالعه را به طور کامل منعکس کنند، زیرا آنها، واقعیت را به قسمت‌های کوچک محدودی تقسیم می کنند و سپس به وسیله مدل‌های آماری (که خود محدودیت‌های افزون تری را ایجاد می کنند) آن‌ها را مورد اثبات تجربی قرار می دهند.

مایلز می گوید حقیقت این است که اگرچه روش‌های تحقیق گوناگون تحت عنوان روش‌های کمی و کیفی توسط محققان متعددی بکار برده می شود، اما در واقع همه این مطالعات در مسیر بسط و گسترش علم و کشف حقیقت می‌باشند که هدف نهایی هر تحقیق است، اما این تا زمانی صادق است که علم به عنوان راهی مشخص و نظام مند جهت درک و کشف متغیرهای مورد مطالعه تعریف شود (مایلز، ۱۹۷۹).

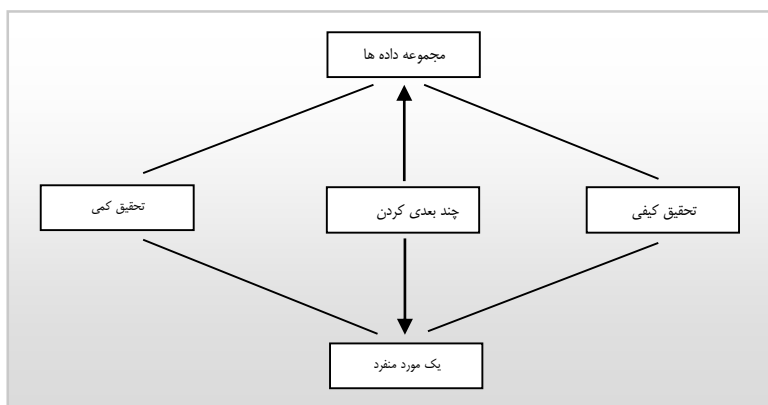
بنابراین، محققان علمی ممکن است یا روش اثبات گرایی را دنبال کنند و یا علاقمند به درک پدیده‌های پیچیده انسانی و به اصطلاح زندگی جهانی باشند. در مورد اول، پژوهشگر روش‌های تجربی را از علوم طبیعی دریافت می کند تا پدیده مورد نظر را مطالعه کند. در این حالت، الگوهای کمی، جمع آوری گسترده داده‌های عددی و استفاده از مدل‌های آماری جهت آزمون فرضیه‌های تجربی از قبل تعیین شده، به کار می رود. در حالت دوم، پژوهشگران روی زبان‌ها و معانی که اشخاص را به آن‌ها منتسب می کنند، تکیه می کنند. در این مورد، زندگی جهانی شامل انگیزه‌ها، علامت‌ها، احساس‌ها و معانی آن‌ها و همچنین سایر برداشت‌های ذهنی مربوط به زندگی اشخاص و گروه‌ها می گردد (برگ، ۱۹۸۹).

تلفیق تحقیقات کیفی و کمی

رویکردهای روش شناختی ترکیبی به تلفیق عملی تحقیقات کیفی و کمی علاقه مند بوده و مدعی است که سومین جنبش روش شناختی را پس از کمی و کیفی به راه انداخته است. بارتون و لازارسفلد پیشنهاد می کنند که از تحقیق کیفی برای فرضیه سازی و از تحقیق کمی برای آزمون فرضیات می توان استفاده نمود.

تلفیق چندین روش کیفی نیز به معنی تلفیق روش‌های کیفی و کمی به شمار می‌رود. در این حالت دیدگاه‌های روش شناختی مختلف یکدیگر را در مطالعه یک موضوع کامل می‌کنند. به این معنا که نقاط کور و ضعف‌های یکدیگر را پوشش می‌دهند.

نگاره (۷): تلفیق تحقیقات کیفی و کمی



مطابق شکل، دو راه برای چند بعدی کردن وجود دارد: الف) تمرکز بر یک مورد منفرد، بدین ترتیب که با افراد واحدی مصاحبه شده و سپس از آنها پرسشنامه تکمیل می‌شود. پاسخ‌های آنان با یکدیگر مقایسه و در کنار یکدیگر قرار داده شده و در تحلیل به همدیگر ارجاع داده می‌شود. در هر دو مقطع درباره نمونه گیری تصمیم گیری می‌شود. در هر دو مرحله با افراد واحدی مصاحبه می‌شود، تنها با این تفاوت که در مرحله دوم باید تصمیم گرفت که کدام یک از شرکت کنندگان در مطالعه پیمایشی برای مصاحبه این مرحله انتخاب شود. ب) تمرکز بر مجموعه داده‌ها، بدین صورت که پاسخ‌های داده شده به پرسشنامه براساس فراوانی و توزیع در سرتاسر نمونه تحلیل می‌شوند. سپس پاسخ‌های به دست آمده در مصاحبه تحلیل و مقایسه می‌شوند؛ برای مثال یک تیپولوژی شکل می‌گیرد. در ادامه توزیع پاسخ به پرسشنامه و تیپولوژی با یکدیگر تلفیق و مقایسه می‌شوند.

ویلسون می‌گوید رویکردهای تحقیق کیفی و کمی بیش از آنکه رقیب یکدیگر باشند مکمل هم هستند و اتخاذ یک روش خاص باید بر پایه مشکلات و مسائل واقعی تحقیق که با آنها روبرو هستیم، صورت پذیرد. مک کینلی و باثوم نیز می‌گویند که موضوع تحقیق و نه بحث روش

شناختی و معرفت شناختی، باید تعیین کننده انتخاب میان کمی و کیفی باشد. تلاش برای پیوند این دو رویکرد غالباً به یکی از سه حالت زیر منجر می شود.

- اجرای یکی پس از دیگری (با ترجیحات مختلف)
- اجرای توأم این دو (با درجات متفاوتی از استقلال این دو استراتژی از یکدیگر)
- غلبه یکی بر دیگری (در عین حال با ترجیحات مختلف هر یک)

لینکلن و گوبا، اعتماد پذیری، باور پذیری، اطمینان پذیری، انتقال پذیری و تصدیق پذیری را معیارهای اصلی تحقیق کیفی معرفی می کنند. بررسی محمد نمازی نشان می دهد که پژوهش های کیفی از نظر اهمیت و ساختار عملی روش تحقیق، اصالتاً در سطح نازل تری از پژوهش های کمی قرار ندارند. انتخاب بین یک روش پژوهش کیفی یا کمی به عوامل متعددی از جمله ماهیت موضوع، مساله مورد مطالعه و تجربه پژوهشگر، بستگی دارد. بعلاوه او تأکید می کند که برخی از روش های پژوهش های کیفی می توانند اطلاعات عمیق و دقیقی را در خصوص پدیده ها، رفتارها و سازمان های پیچیده ارائه کنند که کسب این چنین اطلاعاتی از راه پژوهش های کمی به هیچ عنوان میسر نیست. در اکثر موارد، به منظور افزایش روایی داخلی و خارجی تحقیق، می تواند از هر دو نوع رویکرد کیفی و کمی استفاده نمود. یعنی رویکردهای کیفی و کمی می توانند مکمل یکدیگر باشند.

نتیجه گیری

ایده اصلی مقاله حاضر، بررسی جایگاه تحقیقات کیفی در رشته مالی است. به عنوان یک نتیجه می توان گفت اساساً نباید به دنبال تکمیل روش ها و مفاهیم موجود در این رشته بود. همانگونه که بیان شد کاربرد روش های تحقیق کیفی در رشته مالی پیشینه طولانی دارد و هم اکنون نیز استفاده از این روش ها به طور چشم گیری در حال رشد است. با توجه به عدم استفاده از روش های کیفی در تحقیقات مالی در کشور، استفاده از این رویکرد در یچه ای برای نوآوری و خلق علم محسوب می شود. دنبال نمودن سرمشق های معین هیچگاه منجر به ارائه پارادایم جدید نخواهد شد و محققان این حوزه باید کاربرد روش های دارای بالاترین سطح استاندارد در تحقیقات را اشاعه داده و به آنها متعهد باشند. محقق باید از انتخاب ساده یک طرح تحقیق شامل

روش‌های تحقیقاتی مختلف اجتناب نمود و ترجیحاً اجازه داد سوالات تحقیق در جهتی طرح شوند که برای تحقیق مورد نظر بهترین باشند. این کار شانس پاسخ به آن دسته از سوالاتی را فراهم خواهد آورد که پایگاه داده‌های تاریخی راجع به آنها وجود ندارد.

با توجه به این دیدگاه، یکی از روش‌های کمی، کیفی، یا ترکیبی از آنها بکار گرفته خواهد شد. هر یک از این سه گزینه، طبقه‌ای از بینش تجربی را ارائه می‌کند که خواست محقق برای کشف و تولید دانش جدید را حمایت و تأیید می‌نماید. صرفنظر از نظرات شخصی، هر محقق در چالش فشارهای روزافزون حرفه نسبت به تحقیقات منتشر شده (که به شدت محدود به حمایت‌های سازمانی بوده و دارای تاریخ مصرف کوتاه مدت است) سهم و شریک می‌باشد. این نوع فشارها بصورت بالقوه مانع از دنبال نمودن کیفیت بالا می‌شود. شوربختانه، هیچ راه میانبری برای یک تحقیق جدی وجود ندارد.

منابع

- Allwood, Carl Martin, The distinction between qualitative and quantitative research methods is problematic, *Qual Quant*, 46: 1417–1429, 2012.
- Burton, Bruce, Qualitative research in finance; pedigree and renaissance, *Studies in Economics and Finance*, Vol. 24 Iss: 1, pp. 5 – 12, 2007.
- Dan, Kaczynski, Salmona, Michelle, and Smith, Tom, Qualitative Research in Finance, University of Queensland; Business School, April 2013.
- Dan, Kaczynski, Salmona, Michelle, and Smith, Tom, Qualitative research in finance, *Australian Journal of Management*, Vol. 39 (1) 127–135, 2014.
- Dan, Kaczynski, Salmona, Michelle, and Smith, Tom, Qualitative Theory in Finance: Theory into Practice, *Australian Journal of Management*, 403-413, August 2015.
- Delavar, Ali, *Research Theoretical Foundations in Human and Social Science*, Fifth edition, Roshd, Tehran, 2006, [in Persian].
- Dianati Deilami, Zahra, *Research method in Accounting: an action guide to preparing dissertation and article*, Edalat Novin, Tehran, 2015, [in Persian].
- F. Conrad, Clifton and C. Serlin, Ronald, *The SAGE Handbook for Research in Education: Pursuing Ideas as the Keystone of Exemplary Inquiry*, Chapter 10, Jun 10, 2011.
- Flick, Uwe, *An Introduction to Qualitative Research*, Fourth Edition, SAGE, 2009.
- Ghandchi, Saam, *Philosophy of science in 20th century*, e-Book edition, 2014, [in Persian].
- Henry, Elaine and Andrew, J. Leone, *Measuring Qualitative Information in Capital Markets Research*, University of Miami School of Business, November 2010.

- Holland, John, Qualitative Research in Finance and Accounting: Developing a Grounded Theory of the Market for Information and Governance, Department of Accounting & Finance: University of Glasgow, Working Paper 2001/2.
- Humphrey, Christopher and Lee, Bill, The Real Life Guide to Accounting Research: A Behind-the-Scenes View of Using Qualitative Research Methods, Elsevier, 2004.
- I. Silverman, Henry, Qualitative Analysis in Financial Studies: Employing Ethnographic Content Analysis, Journal of Business & Economics Research, Volume 7, Number 5, May, 2009.
- Khodaverdi, Hasan, Qualitative research methodology, Rah Aavard, pages 41-62, 2008, [in Persian].
- M. Given, Lisa, The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods, VOLS 1 & 2, SAGE, 2008.
- Mansourian, Yazdan, critics on Foundations of quantitative and qualitative methods in Human science, Koliaat journal, 15th year, no. 2, 2011, [in Persian].
- Marshall, Cathrine, Rossman, Gretchen B, designing qualitative researches, translated by Parsayan and A'arabi, first edition, Pajoheshhayeh farhangi, 1998, [In Persian].
- Mashayekhi, Bita and etc. , Preparing auditing quality model, Quarterly Journal of Securities Exchange, no. 23, autumn 2013, [In Persian].
- Mesbah, Ali, Human science Theoretical Foundations, first edition, Imam Khomeini Educational research institute, 2013, [in Persian].
- Namazi, Mohammad, Role of qualitative researches in Human science, Geography and Development, Spring & Summer 2003, [In Persian].
- Okasha, Samir, Philosophy of science, Translated by Hooman Panahandeh, Farhang Moaser, Tehran, 2008, [in Persian].
- Parhizgar, M. Mehdi, Aaghajani afrozi, Aliakbar, Advanced research methodology in management; in practical approach, Payam Noor University, Tehran, 2011, [in Persian].
- Ranjba, Hadi and etc. , Sampling in qualitative researches: a guide for start, Aja University of Medical Sciences, 10th year, no. 3, pages 238-250, Autumn, 2012, [In Persian].
- Ryan, Bob, W. Scapens, Robert and Theobold, Michael, Research Method and Methodology in Finance and Accounting, Second Edition, Academic Press Limited, 2002.
- Saghafi, Ali, Barzegar, ghodratollah, Management accounting researches; Focused on Qualitative research methodology, Accounting & Auditing Researches, Spring ,2012, [in Persian].
- Tabibi, seyed jamal aldin, Maleki, mohammad reza, Delgoshaei, Bahram, Preparing dissertation, thesis, research plan and scientific articles, 6th edition, Ferdos, Tehran, 2014, [In Persian].
- Yaghmaei, Qualitative management accounting research: Assessing deliverables and relevance, 2011, <http://isihome.ir>, [In Persian].

کیفیت آموزش و اعتباربخشی در دانشکده‌های کسب و کار و رشته‌ی حسابداری

مهدی رضایی^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۳

چکیده

کیفیت آموزش و اطمینان از آن همواره یکی از دغدغه‌های اساسی در فرآیند آموزش بوده است. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن تشریح و تعریف کیفیت آموزش یکی از فرآیندهای مهم در اطمینان بخشی کیفیت یعنی اعتباربخشی تبیین شود و در ادامه با تمرکز بر دانشکده‌های مدیریت و حسابداری و مشخصاً رشته‌ی حسابداری فرآیند اعتباربخشی و نهادهای فعال در زمینه اعتباربخشی در سطح بین‌المللی مورد بحث قرار گیرد. در سطح بین‌المللی، انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار در ایالات متحده آمریکا و بنیاد اروپایی برای توسعه مدیریت دو نهادی هستند که اعتباربخشی را برای دانشکده‌های کسب و کار و رشته حسابداری انجام می‌دهند. استانداردها و معیارهای ارزیابی به عنوان عاملی کلیدی در این فرآیند هم برای دانشکده‌های متقاضی گواهی و هم برای نهادهای اعتبارسنج مدنظر قرار می‌گیرند. از این رو در ادامه نکات کلیدی استانداردهای این دو نهاد مورد بحث قرار گرفته است. این بررسی نشان می‌دهد که تمرکز بر راهبرد و تهیه و تدوین آن، توجه به محیط کسب و کار و ارتباطات با شرکت‌ها و آموزش عملی، مدیریت مناسب منابع، تلفیق مناسب تئوری‌ها، پژوهش و رویه‌های مناسب عملی در آموزش و رعایت اخلاق از جمله موارد کلیدی مورد اشاره دو استاندارد بوده است. همچنین بین‌المللی‌سازی دانشکده موضوعی است که در در استانداردهای بنیاد اروپایی برای توسعه مدیریت بیشتر از انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار مورد تأکید و توجه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: کیفیت آموزش، اعتباربخشی، استانداردها اعتباربخشی، رشته حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: M41,P46

مقدمه

کیفیت در آموزش عالی یکی از ارکان مهم و حیاتی محسوب می‌شود که به صورت غیر مستقیم تأثیر بسزایی بر سرنوشت کشور دارد، زیرا کیفیت می‌تواند به عنوان ترکیبی از کارآیی، بهره‌وری، اثربخشی، پاسخگویی، توان نوآوری و وضعیت آموزشی بیان شود (گوهارجاده، ۱۹۹۹). به عقیده‌ی بسیاری از صاحب‌نظران، آموزش عالی وارد دوران جدیدی شده است که «رقابت» و «کیفیت» مشخصه‌های اصلی آن به حساب می‌آید. یکی از چالش‌های فراروی دانشگاه‌های هزاره جدید مفهوم کیفیت و انتظاراتی است که گروه‌های ذی‌نفع از آموزش عالی برای تضمین و اطمینان از این مفهوم دارند (گرتز، ۱۹۹۹). در سال‌های پایانی قرن بیستم «انگاره» جدیدی در مورد کارکردهای آموزش عالی در جامعه جهانی ظاهر شده است؛ مادامی که دانشگاه‌ها بخواهند نقش یک «جامعه‌ی آگاه» را حفظ کنند، باید عملکرد خود را بهبود دهند (نادری و فرخ‌نژاد، ۱۳۸۴).

اعتباربخشی به عنوان نشانه‌ی کیفیت^۱ تعریف شده است و نقش اصلی آن تأیید صلاحیت عمومی یک مؤسسه آموزشی یا یک برنامه‌ی آموزشی است (زین آبادی و همکاران، ۱۳۸۴). در خصوص فواید و مزایای اعتباربخشی عقاید متفاوتی مطرح شده است. برخی‌ها معتقدند که اعتباربخشی به شناسایی رسمی از وضعیت و کیفیت پدیده مورد ارزیابی منتهی می‌شود، که این امر نه تنها منجر به بررسی و شناسایی مدارک و منابع مؤسسه شده، بلکه منجر به کسب مشروعیت در نظام آموزش عالی و در نتیجه توجه کارفرمایان و داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و دیگر افراد ذی‌نفع می‌گردد. همچنین به متقاضیان این اطمینان را می‌دهد که وضعیت و کیفیت یک مؤسسه یا برنامه مورد تایید (انجمن‌های تخصصی و یا دولت‌ها) است و بنابراین، نظر بر این است که آرامش خاطر مصرف‌کنندگان (درونی و بیرونی) یک پیامد مثبت اعتباربخشی است (دام، ۲۰۰۰).

در رشته‌هایی که نیاز به اعتماد عمومی بیشتری دارد، نقش و جایگاه کیفیت آموزش و تضمین آن پررنگ‌تر است. برای ارزیابی و تضمین کیفیت در رشته‌هایی مانند پزشکی، مهندسی، حقوق، مدیریت و حسابداری، سازمان‌هایی مجزا در سطح بین‌المللی نیز شکل گرفته‌اند. این سازمان‌ها وظیفه نظارت بر کیفیت، تضمین کیفیت و تدوین استانداردهای کیفیت در این گونه رشته‌ها را بر عهده دارند. در این میان رشته‌های حسابداری، مدیریت مالی، مدیریت بازرگانی و

صنعتی به دلیل آنکه از نظر محتوایی به یکدیگر نزدیک هستند، در یک دانشکده تحت عنوان دانشکده کسب و کار گرد هم آمده و تحت یک استاندارد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در ایران دانشکده‌ای به نام دانشکده کسب و کار وجود ندارد، اما معمولاً رشته‌های مدیریت، گرایش‌های مربوط به آن، رشته حسابداری در قالب یک دانشکده وجود دارد. در این مقاله سعی شده است در ابتدا کیفیت آموزش، اعتباربخشی و استانداردهای آن در نگاهی عام مورد ملاحظه قرار گیرد. در ادامه با تمرکز بر دانشکده‌های کسب و کار به عبارتی دانشکده مدیریت و حسابداری به معرفی استانداردهای کیفیت و تضمین کیفیت در دو نهاد بین‌المللی شامل انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار و بنیاد اروپایی توسعه مدیریت، پرداخته شده است. به دلیل تفاوت ماهوی رشته‌های مختلف ایجاد استانداردهای خاص برای ارزیابی، لازم است و توسعه ادبیات در این زمینه بر عهده متخصصان آن رشته یا دانشکده خاص است. با این وجود در زمینه اعتباربخشی و تضمین کیفیت در حسابداری مقاله‌ای فارسی منتشر نشده است. بنابراین این مقاله می‌تواند زمینه‌ساز توسعه ادبیات پژوهشی و انجام کارهای تخصصی در این حوزه باشد.

کیفیت آموزش و ارزیابی آن

کیفیت در آموزش عالی یک مفهوم چند بعدی است که می‌بایست تمام کارکردها و فعالیت‌ها از جمله آموزش، پژوهش، کارکنان، دانشجویان، امکانات و تجهیزات، خدمات به اقصای جامعه و دانشگاه را در برگیرد (یونسکو، ۲۰۰۰). به عبارت دیگر، بر اساس الگوی عناصر سازمانی برای بهبود کیفیت نظام آموزش عالی، باید به تمام عناصر اعم از درونداد، فرایند، محصول، برون‌داد و پیامدها توجه داشت (بازرگان، ۱۳۸۰).

تدوین و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های مناسب که آرمان‌ها و هدف‌های نظام آموزش عالی را محقق سازد، مستلزم استفاده از ارزیابی است. به عبارت دیگر، با گردآوری داده‌های مناسب درباره آرمان‌ها و عناصر نظام و تبدیل آنها به اطلاعات، می‌توان درباره کیفیت طرح‌ها و برنامه‌های دانشگاهی قبل از اجرای آنها قضاوت کرد (بازرگان، ۱۳۷۴). ارزیابی کیفیت عبارت است از هر فعالیتی ساختارمندی که منجر به قضاوت درباره‌ی کیفیت نظام آموزشی شود و سازمان آموزشی را بر آن دارد تا به تقویت نقاط مثبت و یا بهبود و اصلاح نقاط ضعف یا منفی بپردازد (ککلیل، ۲۰۰۲).

انجام ارزیابی درونی و ارزیابی بیرونی توسط کارشناسان مستقل و در صورت امکان توسط متخصصان خارجی (بیرون از سازمان) به طور شفاف، از جمله کارکردهای اساسی برای بهبود کیفیت است (یونسکو، ۲۰۰۰). در ارزیابی بیرونی هدف، پاسخگویی به افراد ذی ربط، ذی نفع و ذی علاقه در امور دانشگاهی و تضمین و استمرار کیفیت واحد دانشگاهی است، تا از این طریق ضمن مشخص نمودن کیفیت واحد دانشگاهی مورد ارزیابی، راه‌های اصلاح و بهبود واحد مذکور ارائه گردد. در نتیجه، تضمین کیفیت بیرونی بوسیله «هیئت همگن» تضمین لازم را برای ارتقای فرهنگ کیفیت فراهم می‌آورد (بازرگان، ۲۰۰۱).

ضرورت انجام ارزیابی بیرونی نیز از آن جهت است که جامعه علمی برای اطمینان از کیفیت آموزشی یک نظام، علاوه بر نتایج ارزیابی درونی تأیید هیئت همگن را نیز طلب می‌کند. اگر ارزیابی بیرونی بوسیله مدیران ارشد و مسئولان سطوح بالای وزارتخانه و دانشگاه‌ها مورد حمایت قرار گیرد و نتایج و پیشنهادهای آن به کار گرفته شود، مبنایی را برای تغییر در نظام آموزش عالی در جهت بهبود وضعیت آن نظام فراهم می‌نماید (بازرگان، ۱۳۸۰).

اعتبار بخشی یا تضمین کیفیت

اعتباربخشی فرآیندی است که از طریق آن اهداف، ساختار، دروندادها، فرایندها و بروندادهای عرضه شده نظام‌های آموزش عالی بررسی و طرحی برای حفظ، بهبود و افزایش کیفیت تهیه می‌گردد (بازرگان، ۲۰۰۱). بنابراین، هدف‌های اعتباربخشی یا تضمین کیفیت در آموزش عالی عبارتند از:

۱- کمک به مؤسسات آموزش عالی در دستیابی به دروندادهای لازم،

۲- بهبود فرآیندها،

۳- افزایش سطح استانداردهای مربوط به بروندادها (لمیتر، ۲۰۰۲).

اعتباربخشی فرآیندی است که طی آن اعتبار و منزلت علمی، پژوهشی و آموزشی یک نظام دانشگاهی از طرف یک هیئت ارزیابی کننده (شورای عالی اعتبار سنجی، مؤسسات حرفه‌ای، انجمن‌های علمی، نهادهای رسمی، سازمان‌های غیر دولتی و...) با توجه به استانداردهای تعیین شده، به آن نظام اعطا می‌شود و با استفاده از ابزارهایی چون «سنجش» و «نظارت» و ارزیابی

مستمر شاخص‌های کمی و کیفی ارزیابی و سرانجام مورد قضاوت و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد که آیا دانشگاه‌ها یا مؤسسات آموزشی و پژوهشی از حداقل استانداردها در برهه‌ای از زمان برخوردار هستند یا خیر؟ (دانشگاه واشینگتن، ۲۰۰۲). بنابراین تعریف اعتباربخشی دو کارکرد اصلی دارد. اولین کارکرد حداقل «کنترل کیفیت»^۲ و دومین آن «تضمین کیفیت»^۳ است. در حقیقت اعتباربخشی پاسخگو کردن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و فرآیند کنترل کیفیت مؤسسات و برنامه‌های آنها به منظور کسب اطمینان از احراز استانداردها و شاخص‌های قابل پذیرش و تضمین شده، است.

انواع استانداردها در ارزیابی کیفیت آموزش و اعتباربخشی

به تناسب هدفی که استانداردها دنبال می‌کنند، طبقه‌بندی‌های مختلفی از آنها ارائه می‌شود که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

استانداردهای کمی در مقابل استانداردهای کیفی: استانداردهای کمی دارای عدد مشخص هستند و این رویکرد برخاسته از بخش صنعت است، اما در ارزیابی، کیفیت آموزش نیز مدنظر قرار می‌گیرد. مواردی مانند نسبت تعداد دانشجو به اعضای هیأت علمی، تعداد مقالات معتبر نوشته شده بوسیله اعضای هیأت علمی یا فضای آموزشی به ازای هر دانشجو شاخص‌هایی در این حوزه است.

استانداردهای پایه در مقابل استانداردهای تعالی:^۴ استانداردهای پایه بر وجود حداقل‌های لازم تأکید می‌کند، اما در استانداردهای تعالی به بهبود کیفیت یا ارتقای کیفیت توجه می‌شود. در صورتی یک مؤسسه واجد شرایط علمی شناخته می‌شود که به استانداردهای پایه دست یابد. زمانی که مؤسسه اعتبارنامه علمی دارد و به دنبال ارتقای جایگاه خود در رتبه‌بندی است به دنبال دست‌یابی به استانداردهای تعالی است.

استانداردهای مطلق در مقابل استانداردهای نسبی:^۵ استانداردهای مطلق برای انجام یک داوری دویبخشی قابل قبول- غیرقابل قبول مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً زمانی که می‌خواهیم در مورد موفقیت یا عدم موفقیت یک برنامه قضاوت کنیم، استفاده از استانداردهای مطلق در نهایت به این تصمیم منجر می‌شود. زمانی که هدف مقایسه یک برنامه با برنامه دیگر است نیازی به استاندارد مطلق نیست.

استانداردهای محتوا در مقابل استانداردهای برنامه^۶: استانداردهای محتوا، آنچه که یک دانشجو بعد از گذراندن دوره آموزشی باید بداند یا بتواند انجام دهد، را نشان می‌دهند و بر برنامه درسی تمرکز دارد. استانداردهای برنامه‌ی آموزشی نشان‌دهنده‌ی سطحی از الزامات در خصوص درونداد، فرآیندها و برونداد است. یعنی بر خلاف استاندارد محتوا بر همه اجزا آموزش تأکید می‌کند. استانداردهای اعتباربخشی را با اندکی اغماض می‌توان معادل استانداردهای برنامه تلقی نمود.

استاندارد عمومی در مقابل استاندارد اختصاصی^۷: زمانی که استاندارد برای یک سطح به خصوصی از رشته‌های مختلف آموزشی (مثلا دوره کارشناسی یا کارشناسی ارشد) بیان می‌شود، می‌توان آن‌ها را استانداردهای عمومی دانست. بنابراین می‌توان تعدادی استاندارد عمومی تدوین نمود که بتوان صرف‌نظر از رشته تحصیلی مدنظر قرار گیرد و سپس متخصصان هر رشته تحصیلی استانداردهای مربوط به رشته خودشان را تدوین نمایند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۴).

اعتباربخشی در دانشکده‌های کسب و کار و رشته‌ی حسابداری

نظر به کاربردی بودن و تشابهات رشته‌های مربوط به تجارت و کسب و کار، در اغلب دانشگاه‌ها دنیا و کشور ما معمولاً رشته‌های مختلف مدیریت، حسابداری و اقتصاد در یک دانشکده سامان می‌یابند و از این رو استانداردهای ارزیابی کیفیت و اعتباربخشی مشابه‌ای نیز در مورد آن‌ها تدوین شده است که در ادامه به معرفی نهادهای اعتباربخشی در دانشکده‌های کسب و کار و استانداردهای آن‌ها می‌پردازیم.

انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار

انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار^۸ در سال ۱۹۱۶ به منظور اعتباربخشی دانشکده‌های کسب و کار تاسیس شد. اولین گواهی آن در سال ۱۹۱۹ صادر شد. مأموریت فعلی آن ارتقاء کیفیت آموزش مدیریت در سراسر جهان از طریق ارائه گواهی رسمی، رهبری فکری، و خدمات ارزش افزوده است. آخرین استانداردهای اعتباربخشی این انجمن در سال ۲۰۱۵ مورد تصویب قرار گرفته است. این استانداردها اطمینان می‌دهند که آموزش در این دانشکده‌ها

به نحوی انجام می‌شود که منافع ذی‌نفعان اصلی یعنی دانشجویان و کارفرمایان به نحو درستی تامین می‌شود. این استانداردها سبب می‌شوند تا نوآوری، تعامل دانشجویان، کارمندان و جوامعی را که در آن خدمت می‌کنند، افزایش یابد. کمیته بلو روین^۹ در اعتباربخشی کیفیت، متصدی ارزیابی و بهبود کیفیت استانداردها، فرآیندها و زیرساخت است. این کمیته پس از بیش از دو سال مطالعه و همکاری با جامعه جهانی آموزش مدیریت و سازمان کارفرمایان، مجموعه‌ای جدید از استانداردهای را تدوین نمود.

تا سال ۲۰۱۶، ۷۷۵ دانشکده گواهی اعتباربخشی، انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار را در ۵۲ کشور دریافت کرده‌اند. این تعداد کمتر از ۵٪ کل دانشکده‌های کسب و کار در جهان است. نکته قابل توجه دیگر آن است که عضویت، متفاوت از دریافت گواهی است؛ یک دانشکده ممکن است عضو انجمن باشد، اما هنوز موفق به دریافت گواهی نشده باشد. ۱۳۳۳ دانشکده از ۸۴ کشور و منطقه، عضو این انجمن اعتباربخشی هستند.

استانداردهای انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار

اعتباربخشی انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار برای همه‌ی مقاطع تحصیلی قابل انجام است و این فرآیند به طور داوطلبانه و با تقاضای دانشکده یا دانشگاه انجام می‌شود. فرآیند اعتباربخشی شامل ارزیابی درونی^{۱۰} و بررسی همگن‌ها^{۱۱} است. مراحل اعتباربخشی در این انجمن به این ترتیب است:

۱. ارائه درخواست شایستگی^{۱۲}
۲. تصویب درخواست شایستگی و ورود به مرحله پیش اعتباربخشی^{۱۳}،
۳. برآورده نمودن همه استانداردهای اعتباربخشی و الزامات مرحله پیش اعتباربخشی و دریافت گواهی اولیه اعتباربخشی،
۴. بررسی بهبود مداوم^{۱۴} که برای همه دانشکده‌های که گواهی اولیه را دریافت کرده‌اند، الزامی است و هر ۵ سال یکبار انجام می‌شود.

استاندارد اعتباربخشی انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار

این استانداردها در دو قسمت استانداردهای اعتباربخشی دانشکده‌های کسب و کار و استانداردهای اعتباربخشی حسابداری آمده است. در اعتباربخشی دانشکده‌های کسب و کار، مقوله‌های کلی استاندارد شامل معیارهای شایستگی، استانداردهای اعتباربخشی و ضمیمه است. استانداردهای اعتباربخشی در دانشکده کسب و کار به طور کلی شامل نوآوری و مدیریت راهبردی، مشارکت کنندگان (دانشجویان، اعضای هیأت علمی و کارکنان)، یادگیری و تدریس و تعاملات علمی و حرفه‌ای است. نظر به شباهت بسیار زیاد این استاندارد در ادامه به صورت کلی آخرین استانداردهای اعتباربخشی حسابداری را توضیح می‌دهیم (انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار، ۱۵، ۲۰۱۵).

مقدمه استاندارد: در بخش مقدمه ابتدا به تغییرات محیط کسب و کار، تغییرات نیازها و تقاضاهای اجتماعی از واحدهای کسب و کار پرداخته شده است و بر لزوم پاسخ‌گویی دانشکده‌های کسب و کار و حسابداری تأکید می‌کند. در ادامه بیان می‌کند که این استانداردها و فرآیند اعتباربخشی نه تنها کیفیت آموزش حسابداری و مدیریت و موثر بودن پژوهش‌های آن‌ها را اعتبار می‌بخشد، بلکه رهبری، تعهد و پشتیبانی از تغییرات مناسب در دانشکده یا بخش را نیز به همراه دارد. فرآیند اعتباربخشی نهایتاً از طریق قضاوت حرفه‌ای گروه همگن‌ها که درگیر این فرآیند هستند مدنظر قرار می‌گیرد. این فرآیند سه حوزه اساسی شامل نوآوری، اثر و تعامل^{۱۶} را در بر دارد. دانشکده و بخش باید با نگاه راهبردی به دنبال فعالیتهای نوآورانه بوده و همزمان ریسک این گونه فعالیتهای را نیز در نظر داشته باشند. در بحث «اثر» به پاسخ‌گویی در مورد کیفیت ورودی‌ها (منابع انسانی، مالی فیزیکی و...) و نتایج خروجی‌ها و استفاده کارا و موثر از منابع با توجه به مأموریت و راهبردهای انتخاب شده تأکید شده است و نهایتاً دانشکده و رشته حسابداری باید بتوانند بر تئوری، آموزش و رویه‌های اجرایی در حسابداری اثرات مثبت گذارند. در بحث تعامل، تعاملات بین حرفه و دانشگاه، ارتقاء رویه‌های اجرایی و تئوری حسابداری مدنظر قرار گرفته است. در قسمت آخر مقدمه به اهمیت آموزش حسابداری و نقش و جایگاه و اثرات آن در پشتیبانی از بازار کارای سرمایه، تصمیم‌گیری مدیران و تامین منافع عمومی تأکید شده است.

معیارهای شایستگی: معیارهای شایستگی به دنبال دست‌یابی به سه هدف اساسی هستند. نخست ارزش‌های پایه‌ای و اصول راهنمایی که به اعتقاد انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار، مهم هستند این موارد شامل رعایت اصول اخلاقی، تعاملات مناسب عوامل دانشکده و محیط دانشگاه و تأکید و تمرکز بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است. دوم، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها که زمینه را برای بررسی همگن‌ها و توافقی‌هایی جهت اعتباربخشی به رشته حسابداری را فراهم آورد. مواردی مانند مشخص بودن دامنه بخش حسابداری و عضویت در انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار، سازمان‌دهی مناسب و فراهم بودن امکانات مرتبط با نیروی انسانی، مالی، زیربنایی، فیزیکی و ایجاد فرآیندها جهت بهبود مستمر مد نظر است. سوم، ویژگی‌های اصلی و اساسی ایجاد کیفیت در رشته حسابداری باید توسط موسسه مورد تأکید قرار گیرد و تهیه اطلاعات دقیق جهت بررسی رعایت استانداردها مدنظر است.

استانداردهای انجمن: از آنجا که اعتباربخشی به حسابداری در ادامه فرآیند اعتباربخشی به دانشکده کسب و کار صورت می‌گیرد، بنابراین برخی از استانداردها بین دانشکده‌های کسب و کار و حسابداری مشترک بوده و تعدادی از استانداردها خاص بخش حسابداری است. این بخش از استانداردها عموماً به حرفه حسابداری مربوط می‌شود و مشابه مواردی است که در رشته حقوق یا پزشکی مورد توجه قرار می‌گیرد. در مورد استانداردهای مشترک، رشته یا بخش حسابداری موظف نیست که مستندات مجزا نگه‌داری نماید. در هر کدام از این استانداردها مبانی برای انجام قضاوت و راهنمایی‌هایی جهت مستندسازی ارائه شده است.

- پذیرش دانشجو، پیشرفت و توسعه اشتغال: این استاندارد بر سیاست‌ها و رویه‌هایی جهت پذیرش دانشجو و همچنین اطمینان از پیشرفت تحصیلی جهت تکمیل تحصیلات و توسعه اشتغال که این موارد به صورت روشن و موثر با مأموریت و راهبردهای دانشکده مربوط است، تأکید دارد.
- مدیریت و پشتیبانی دانشکده: این استاندارد بر ایجاد ارتباطات مناسب و مستندسازی فرآیندها در خصوص پشتیبانی از اعضای هیأت علمی و سایر کارکنان با مدیریت تأکید دارد و این موضوع که مدیریت و پشتیبانی دانشکده با مأموریت و راهبرد دانشکده منطبق است، مورد تأکید قرار دارد.

- وجود و کفایت کارکنان حرفه‌ای: این استاندارد بر استخدام و نگه‌داری نیروی کار حرفه‌ای و سایر خدمات مورد نیاز به اندازه کافی جهت اطمینان از کیفیت خروجی‌ها برنامه‌های تحصیلی و همچنین دست‌یابی به دیگر اهداف راهبردی، تأکید دارد.
- محتوای برنامه‌های درسی^{۱۷}: این استاندارد بر مناسب بودن محتوای برنامه درسی جهت برآورده نمودن اهداف کلی و اهداف یادگیری در رشته مورد نظر، تأکید دارد. مثلاً در مورد مقطع کارشناسی بر دو مقوله مهارت‌های عمومی (مهارت‌های گفتاری و نوشتاری، درک و استدلال اخلاقی، تفکر تحلیلی، فن‌آوری اطلاعات، روابط بین فردی و کارگروهی، کار در محیط چند فرهنگی، دانش کاربردی) و مهارت‌های کلی مدیریتی و کسب و کار (اقتصاد، سیاست، تکنولوژی و بستر اجتماعی کسب و کار، مسئولیت اجتماعی و رویکردها و رفتار اخلاقی مدیریت، تئوری‌های مالی و تجزیه و تحلیل گزارشات و بازارهای مالی، سیستم‌ها و فرآیندهای سازمانی، رفتارهای فردی و اجتماعی در سازمان و جامعه، تکنولوژی اطلاعات، آمار و تحلیل داده‌های سازمان و سایر موارد مورد نیاز) تأکید دارد.
- تعاملات دانشجوی با دانشکده: این استاندارد بر تعاملات مناسب دانشجو با اعضای هیأت علمی^{۱۸} و دانشجو با دانشجو^{۱۹} جهت دست‌یابی به اهداف یادگیری، تأکید دارد.
- ساختار و طراحی برنامه مربوط به مدارک تحصیلی: ساختار و طراحی مناسب برنامه مربوط به مدارک تحصیلی شامل مدت زمان برای اخذ مدرک جهت اطمینان از سطح مطلوب دست‌یابی و یادگیری با کیفیت و همچنین ساختار و طراحی مناسب در خصوص مدارک معادل، نیز در این استاندارد مدنظر قرار گرفته است. در تعاریف استاندارد، به زمان آموزش و شیوه‌های آموزش (چهره به چهره یا آنلاین) اشاره شده است.
- اثربخشی آموزش: این استاندارد بر وجود سیاست‌ها و رویه‌هایی در دانشکده جهت ارتقاء اثربخشی تدریس و آموزش اعضای هیأت علمی و حرفه‌ای برای رشته‌های تحصیلی، تأکید می‌کند. این استاندارد بر شیوه‌های تدریس و ارزیابی آن‌ها علاوه بر ارزیابی دانشجویی و حرکت به سمت بهبود مستمر اشاره می‌کند.
- درگیر شدن دانشجویان از لحاظ آموزشی و حرفه‌ای^{۲۰}: این استاندارد بیان می‌کند که برنامه درسی باید درگیر شدن دانشجویان در فعالیتهای آموزشی و حرفه‌ای متناسب با اهداف

یادگیری را فراهم نماید. یعنی هم بر جنبه نظری آموزش و هم بر جنبه عملی و حرفه‌ای آن تاکید شده است.

- آموزش‌های اجرایی (بدون مدرک)^{۲۱}: این استاندارد بر کیفیت آموزش‌هایی تاکید می‌کند که منتهی به ارائه مدرک تحصیلی رسمی نمی‌شود. در صورتی که این نوع آموزش در دانشکده مصداق دسته باشد، دانشکده باید سیاست و رویه‌های مناسب را جهت اطمینان از کیفیت آموزش و جلب رضایت مشتریان و حرکت به سمت بهبود مستمر اتخاذ نماید.

استانداردهای مربوط به نوآوری و مدیریت راهبردی: این بخش از استانداردها بر مدیریت راهبردی^{۲۲} تاکید دارد که بر این اساس کیفیت بخش حسابداری به تعریف روشن مأموریت^{۲۳}، انجام اقدامات عملی روی مأموریت و ترجمه مأموریت به نتایج مورد انتظار و تدوین راهبرد جهت دستیابی به این نتایج، بستگی دارد. در این بخش بر سه عنصر کلیدی شامل مأموریت و راهبرد، پژوهش و مشارکت‌های فکری و راهبردهای مالی تاکید شده است.

- مأموریت، اثر و نوآوری بخش حسابداری: استاندارد تاکید می‌کند که بخش حسابداری باید مأموریت خود را به طور روشن، مشخص و مفصل تدوین نموده و نتایج مورد انتظار از کاربرد مأموریت و راهبردها جهت دستیابی به این نتایج را مدنظر قرار دهد. بخش حسابداری دارای سوابقی است که موفقیت‌ها و بهبود و همچنین اقدامات آتی برای نوآوری و بهبود مستمر در مسیر مأموریت، نتایج مورد انتظار و راهبردها را نشان می‌دهد.

- اثرات مشارکت فکری بخش حسابداری^{۲۴}: در این استاندارد بر مشارکت فکری بخش حسابداری با کیفیت بالا تاکید می‌شود که این مشارکت‌ها با مأموریت، نتایج مورد انتظار و راهبردهای بخش مطابقت داشته و بر نظریه، رویه‌های عملی و آموزش حسابداری، مدیریت و کسب و کار تأثیر می‌گذارد. این بخش از استاندارد بر دو نوع پژوهش بنیادی و کاربردی تاکید دارد و مشارکت بخش حسابداری در توسعه نظریه، رویه‌های عملی و آموزش را مدنظر قرار داده است.

- راهبردهای مالی و تخصیص منابع: این استاندارد بیان می‌کند که بخش حسابداری، راهبردهای مالی جهت تهیه منابع مناسب و کافی برای دستیابی به مأموریت و اقدامات عملی را دارا است. در قسمت مبانی، قضاوت بر وجود منابع مالی جهت تامین و ارتقاء

کیفیت آموزش و منابع مالی جهت ایجاد زیربنایها و فعالیتها (جهت آموزش چهره به چهره، آموزش از راه دور و آموزش اجرایی و پژوهش)، کلاسها، دفاتر، کتابخانه، تجهیزات کامپیوتری و دیگر امکانات اولیه جهت عملیات با کیفیت بالا است. بخش منابع مالی کافی، مشارکت فکری و اثرگذار مطابق با مأموریت تعریف شده را دارد و بخش منابع مالی برای فعالیت‌های جاری و آتی به نحوی واقع بینانه شناسایی شده است.

مشارکت: مشارکت دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی جهت دستیابی به مأموریت بخش بسیار حیاتی است. از این رو این استاندارد بر مشارکت سه عنصر اساسی انسانی یعنی دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی در بخش تأکید می‌کند. این استاندارد بر کفایت جذب و نگه‌داری اعضای هیأت علمی به منظور ایجاد اطمینان نسبت به خروجی‌ها تأکید دارد. همچنین دانشجویان در همه برنامه‌ها و رشته‌ها و مکان‌ها فرصت دریافت تعلیم‌های لازم را از اعضای هیأت علمی واجد شرایط دارند.

استانداردهای تدریس و یادگیری: بخش حسابداری با کیفیت بالا دارای فرآیندهایی برای مشخص کردن میزان تحقق اهداف یادگیری است که این فرآیندها مربوط و مناسب هستند و طراحی برنامه درسی جهت حداکثرسازی اهداف یادگیری دانشجویان و موفقیت در تربیت حسابداران بالقوه مدنظر قرار می‌گیرد. این استاندارد به دنبال عوامل کلیدی تدریس و یادگیری موثر است.

- مدیریت برنامه درسی حسابداری و اطمینان از یادگیری: این استاندارد تأکید می‌کند که بخش حسابداری مستندات و فرآیندهای سیستماتیک برای تعیین و بازنگری اهداف یادگیری رشته شامل طراحی، ارائه و بهبود برنامه‌های درسی و اطمینان از میزان محقق شدن این اهداف را دارد. اهداف یادگیری نشان‌دهنده انتظارات آموزشی برای هر رشته است. برنامه درسی که نشان‌دهنده جزئیات دستیابی به این اهداف است. در برنامه درسی بر محتوای آموزش (تئوری، مفاهیم، مهارت و...)، تکنیک‌های آموزشی (روش تدریس و مدل ارائه) و ساختارها (سازمان‌دهی و ترتیب مناسب ارائه محتوا جهت ایجاد تدریس و یادگیری سیستماتیک و یکپارچه) تأکید شده است. اطمینان از یادگیری به فرآیندها، اطمینان از دستیابی به اهداف و انتظارات حکایت دارد و مدیریت برنامه درسی بر فرآیندها و سازمان‌دهی جهت تدوین، طراحی و اجرای برنامه درسی حکایت دارد.

- محتوای برنامه درسی حسابداری: این استاندارد تأکید می‌کند که محتوای برنامه درسی رشته جهت برآورده نمودن انتظارات و الزامات حرفه‌ای و اهداف یادگیری مربوطه مناسب است. این استاندارد محتوای برنامه درسی حسابداری را برگرفته از نقش حسابداران در جامعه می‌داند. به عبارتی ایجاد، جمع‌آوری، تفسیر، گزارش، ارتباط و اطمینان از صحت اطلاعات مالی، مدیریت و دیگر اطلاعات مربوطه تحت این استاندارد مورد بحث و بررسی است. این استاندارد در مورد برنامه درسی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا حسابداری به کلیات برنامه‌ها اشاره کرده است.
- دانش و مهارت‌های فن‌آوری اطلاعات: در راستای مأموریت، نتایج مورد انتظار و راهبردهای برنامه حسابداری باید شامل تجارب یادگیری جهت توسعه مهارت و دانش فن‌آوری اطلاعات به نحو یکپارچه با حسابداری و کسب و کار باشد. این توانایی‌ها شامل ایجاد، اشتراک‌گذاری، تحلیل، گزارشگری، ذخیره‌سازی داده‌ها و داده‌کاوی برای سازمان و با سازمان‌های دیگر می‌شود. تمرکز مستقل یک استاندارد بر فن‌آوری اطلاعات و نقش آن در حرفه حسابداری نشان از اهمیت بسیار بالای آن دارد؛ موضوعی که در برنامه درسی و آموزش دانشگاهی رشته حسابداری در ایران کمتر به آن توجه شده است.

حسابداری دانشگاهی، اشتغال حرفه‌ای و تعاملات حرفه‌ای: برای بخش حسابداری اخذ گواهی اعتباربخشی از انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار مهم است. باید هم مطالعه علمی و هم رویه‌های عملی حسابداری، کسب و کار و مدیریت مهم تلقی شود و دانشکده و بخش حسابداری توازنی منطقی بین مطالعات دانشگاهی و درگیری‌های حرفه‌ای ایجاد کند. اگر نسبت به یکی از این جنبه‌ها بی‌تفاوت باشد، هم برنامه‌های درسی مربوط به رشته و هم پژوهش‌ها آسیب می‌بینند. بنابراین اعتباربخشی متوازن و یکپارچه دانشگاه و حرفه و تعامل مداوم بین این دو در راستای مأموریت تعریف شده، می‌باشد. بسیار مهم است که مطالعات دانشگاهی، اشتغال حرفه‌ای و تعاملات بین این دو به شکل فعالیت‌های مجزا در بخش حسابداری نباشد. این بخش از استانداردها بر ایجاد و افزایش تعاملات دانشگاه و حرفه متناسب با مأموریت بخش حسابداری تأکید دارد. با تشویق تعاملات مناسب بین اعضای هیأت علمی، دانشجویان و حرفه‌ای‌ها، آموزش و یادگیری مورد حمایت قرار می‌گیرد، یادگیری عملی ارتقاء می‌یابد و منجر به ایجاد نوآوری در آموزش و پژوهش حسابداری خواهد شد.

- گواهی‌های حرفه‌ای دانشکده: این استاندارد تأکید می‌کند که بخش حسابداری باید دارای تعداد کافی افراد با اعتبار حرفه‌ای حسابداری، مدارک تحصیلی، گواهی‌ها و تجارب حرفه‌ای و واحدی برای بکارگیری این افراد در راستای مأموریت، نتایج مورد انتظار و راهبردهای حمایتی باشد. این موضوع در آموزش حسابداری در ایران به‌طور کلی نادیده گرفته شده است و آیین‌نامه‌های استخدام و ارتقاء هیأت علمی و سیاست‌های گزینش بخش یا دانشکده، هیچ توجهی به این موضوع ننموده‌اند. در اختیار نداشتن افراد آشنا به حرفه، دانشگاه و حرفه را از هم بیگانه می‌کند.
- تعاملات با حرفه و اعضای هیأت علمی واجد شرایط: این استاندارد تأکید می‌کند که بخش حسابداری بر استخدام و نگاه‌داشت افراد و اعضای هیأت علمی تمرکز نماید که به صورت جمعی یا انفرادی، به اشتغال حرفه‌ای یا تعاملات حرفه‌ای و دانشگاهی می‌پردازند و در راستای ایجاد سرمایه‌های فکری لازم جهت حمایت از نتایج با کیفیت و در میسر مأموریت و راهبرد دانشکده، تمایل نشان می‌دهند. در بخش ضمیمه‌ی استاندارد به مثال‌هایی در مورد مقیاس‌های اثرگذاری و مستندات پشتیبان آن‌ها پرداخته شده است.

بنیاد اروپایی برای توسعه مدیریت

بنیاد اروپایی برای توسعه مدیریت^{۲۵}، سیستم بهبود کیفیت اروپایی است که در سال ۱۹۹۸ تاسیس و تاکنون تعداد ۱۳۸ نهاد را در ۱۳۸ کشور مختلف اعتباربخشی نموده است. این سیستم اعتباربخشی متخصص دانشکده‌های مدیریت و کسب کار است. اعتباربخشی توسط این سیستم می‌تواند مشروط و برای سه سال و یا غیر مشروط و برای پنج سال صورت گیرد. بین‌المللی کردن^{۲۶} یکی از جنبه‌هایی است که این استانداردها در مقایسه با استانداردهای انجمن پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار، به آن توجه کرده‌اند.

استانداردهای اعتباربخشی سیستم بهبود کیفیت اروپایی^{۲۷}

استانداردهای این نهاد با تأکید بر مأموریت و راهبرد تدوین شده است. در ادامه به‌طور خلاصه محتوای استانداردها بیان می‌شود. در هر کدام از این فصول و استانداردهای مربوطه باید

اطلاعات و مدارک مربوط به ارزیابی درونی و همچنین اطلاعات و مدارک جهت ارزیابی همگن‌ها ارائه شود (سیستم بهبود کیفیت اروپا، ۲۰۱۴).

بافت، نحوی اداره و راهبرد: در این فصل معیارهای ارزیابی به طور کلی بیان می‌شوند. محیط فعالیت، وضعیت دانشکده، نحوی اداره، رسالت، مأموریت و ارزش، استراتژی فعلی، جهت و اهداف استراتژیک در این بخش مدنظر قرار می‌گیرد. همچنین برنامه‌ریزی استراتژیک، تضمین کیفیت، رعایت اخلاق و تلفیق آن با مسئولیت‌پذیری و بقا و نهایتاً ارتباطات مناسب با شرکت‌ها، در این فصل مورد تأکید قرار گرفته است.

برنامه‌ها: در این فصل به برنامه‌ها و دوره‌های درسی و معیارهای ارزیابی آن‌ها پرداخته شده است. پرتفوی برنامه‌ها، طراحی و محتوای برنامه‌ها، تحصیل توانایی‌های لازم جهت ارائه برنامه‌ها، نحوی ارائه برنامه، ارزشیابی دانشجویان، ارزیابی برنامه، بین‌المللی سازی، اخلاق، مسئولیت و بقا و مربوط بودن به شرکت^{۲۸} در این فصل مدنظر قرار گرفته است. جنبه بین‌المللی سازی تأکید می‌کند که دانشکده باید توضیح دهید که کدام برنامه‌ها بر دانشجویان بین‌المللی تأکید دارد. در سه سال گذشته چند دانشجوی بین‌المللی پذیرش نموده است. چه برنامه‌هایی را به طور مشترک با سایر دانشگاه‌های خارجی ارائه نموده است. در استاندارد مربوط بودن به شرکت بیان می‌کند که دانشکده باید نشان دهد که دیدگاه شرکت و نیاز آن‌ها در اهداف یادگیری و محتوای درسی به نحو مناسب گنجانده شده است و همچنین از حرفه به نحو مناسب جهت ارائه دروس استفاده شده است.

دانشجویان: این فصل از استاندارد بر دانشجویان تأکید دارد. ترکیب و معیارهای گزینش دانشجویان، واحدها درسی و پیشرفت آن‌ها، خدمات مشاوره و حمایتی به دانشجویان، حمایت و کارایی، روابط با فارغ‌التحصیلان، بین‌المللی سازی، اخلاق، مسئولیت و بقا و نهایتاً ارتباطات با شرکت مدنظر قرار گرفته است. در رابطه با حمایت شغلی و حرفه‌ای، دانشکده باید آمارهایی را در خصوص استخدام فارغ‌التحصیلان، توزیع جغرافیایی استخدام، حقوق آن‌ها، درصد استخدام فارغ‌التحصیلان ۶ ماه پس از فارغ‌التحصیل شدن، ارائه لیست از کارفرمایان اصلی در ۵ سال گذشته را ارائه نماید. همچنین خدماتی در خصوص ارائه فرصت‌های شغلی و نحو آماده شدن برای آن‌ها را به دانشجویان ارائه نماید.

دانشکده: این فصل از استاندارد به دانشکده و موارد مربوط به آن می‌پردازد. اندازه، ویژگی‌ها و ترکیب دانشکده، مدیریت دانشکده، توسعه و بین‌المللی سازی دانشکده، اخلاق، مسئولیت و بقا و نهایتاً ارتباطات با شرکت در این استاندارد مدنظر قرار گرفته است. در بخش ارتباطات با شرکت، استاندارد بر ماهیت روابط بین دانشکده و شرکت‌ها (از طریق مشاوره، آموزش ضمن خدمت، عضویت در هیأت‌مدیره و...) توجه می‌کند.

تحقیق و توسعه: این فصل از استانداردها بر فعالیت‌های پژوهشی تمرکز دارد. توسعه و نوآوری، جنبه‌های بین‌المللی تحقیق و توسعه، اخلاق، مسئولیت و بقا و نهایتاً ارتباطات بین تحقیق و توسعه با دنیای شرکت‌ها، در این فصل مدنظر قرار گرفته است. در استاندارد سه دسته پژوهش دانشگاهی، حرفه‌ای و آموزشی مدنظر قرار داده شده است که هر کدام از این پژوهش‌ها به دنبال هدف خاصی هستند و ترکیب مناسب این سه دسته پژوهش، می‌تواند منجر به پیشرفت و توسعه دانشکده شود.

آموزش‌های اجرایی (بدون مدرک): آموزش‌های اجرایی ممکن است در فرآیند اعتباربخشی مدنظر قرار نگیرند، اما به هر حال بخشی از فعالیت دانشکده را به خود اختصاص داده و در کل می‌تواند موثر باشد. بنابراین فصل ۶ استاندارد به آموزش‌های اجرایی و موارد مربوط به آن پرداخته است. در مورد آموزش‌های اجرایی که عموماً به ارائه مدرک دانشگاهی رسمی نیز منتهی نمی‌شود مواردی مانند وضعیت دانشکده، پرتفوی آموزش، بازاریابی و فروش، مدیران یا مشارکت‌کنندگان در آموزش، اثرگذاری و کیفیت آموزش، دانشکده، تحقیق و توسعه، جنبه بین‌المللی سازی و اخلاق، مسئولیت و بقا مدنظر قرار گرفته است.

منابع و مدیریت: در این فصل استاندارد بر منابع و مدیریت تأکید دارد. امکانات فیزیکی و محیط یادگیری، عملکرد مالی، مدیریت مالی، مدیریت ریسک، امکانات مربوط به مستندات و اطلاعات، امکانات رایانه‌ای، بازاریابی و روابط عمومی، مدیریت کادگان و خدمات و اخلاق، مسئولیت و بقا از جمله مواردی است که در این فصل مورد تأکید قرار می‌گیرد.

بین‌المللی سازی: اگر چه بین‌المللی سازی جنبه‌ای است که در اغلب فصل‌های استاندارد مورد توجه قرار گرفته است، اما در فصل هشتم نیز مجدداً به صورت مجزا مطرح شده است. در این فصل تأکید شده است که بین‌المللی سازی باید به روشنی در راهبرد و سیاست‌های دانشکده

تعریف شده باشد و باید آماده‌سازی دانشجویان در راستا و انطباق با محیط بین‌المللی باشد. در این فصل همچنین تعامل با سایر دانشکده‌های خارجی، جذب دانشجو از سایر کشورها و انجام پژوهش‌ها با دامنه و نگاه بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

اخلاق، مسئولیت‌پذیری و بقا: علاوه بر فصول قبل استاندارد در این فصل نیز اخلاق، مسئولیت و بقا به صورت مجزا مورد تأکید قرار گرفته است. دانشکده باید از نقش خود به عنوان «شهروند با مسئولیت جهانی»^{۲۹} و ارتباط آن با اخلاق و بقا، درک روشنی داشته باشد. **اخلاق** به آن دسته از رفتارهای دانشکده اطلاق می‌گردد که باید مبتنی بر ارزش‌های درستکاری، عدالت و صداقت باشد. این ارزش‌ها نشان‌دهنده علاقه به مردم، جامعه و محیط بوده و نیز نشانگر تعهد دانشکده برای ترغیب و تشویق رفتارهای اخلاقی در هیأت علمی، کارکنان و دانشجویان خود، از طریق شناسایی، اعلام و اجرای معیارهای اخلاقی در تصمیمات و فعالیت‌های دانشکده می‌باشد. مشخصه اصلی **مسئولیت‌پذیری**، تمایل برای آمیختن تصمیم‌گیری‌های خود با ملاحظات گسترده‌تر اجتماعی و محیطی و جوابگو بودن در مقابل تأثیرات این تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها بر جامعه و محیط می‌باشد. مسئولیت‌پذیری با **بقا** با محیط رابطه‌ای نزدیک دارد. سازگاری با محیط نسبت به چالش‌های اجتماعی، محیطی و اقتصادی، و نیز نسبت به اهداف مشترک در جامعه و کل جهان می‌باشد. سازگاری با محیط به مسائلی از قبیل استفاده از منابع به صورت سازگار، مصرف به صورت سازگار و ایجاد یک جامعه و اقتصاد سازگار با محیط اشاره دارد.

ارتباطات با شرکت‌ها: ارتباط با شرکت‌ها و محیط کسب و کار در فصول قبل نیز مورد تأکید بوده که نظر به اهمیت آن در این فصل به طور مجزا مورد تأکید قرار گرفته است. ارتباطات با شرکت‌ها و دنیای واقعی کسب و کار باید به شکل مدون و روشن در راهبرد و سیاست‌های دانشکده انعکاس یافته و دانشجویان باید درک عملی از محیط واقعی کسب نمایند.

نتیجه‌گیری

اعتباربخشی در آموزش دانشگاهی ابزاری است که جهت ارتقاء و اطمینان از کیفیت آموزش مدنظر قرار می‌گیرد. اعتباربخشی خصوصاً در رشته‌های کاربردی که نیازمند به اعتماد عمومی بیشتری هستند مانند پزشکی و رشته‌های مرتبط، حقوق، مدیریت و حسابداری نمود بیشتری

دارد. از این رو دانشکده‌های کسب و کار که به دنبال جذب اعتماد عمومی بیشتر و ارتقاء کیفیت آموزش‌های خود هستند، متقاضی دریافت گواهی‌های اعتباربخشی می‌شوند. موسسات اعتباربخشی نیز با تدوین استانداردهای مناسب و متناسب با دنیای واقعی ملاک‌ها و معیارهای ارزیابی را ارائه می‌کنند تا ارزیابی‌ها و قضاوت در مورد عملکرد دانشکده‌ها و رشته‌ها بر اساس آن‌ها انجام شود. نظر به تفاوت ماهوی رشته‌ها و دانشکده‌ها تدوین استانداردهای مجزا، لازم به نظر می‌رسد. در سطح بین‌المللی در مورد دانشکده‌های کسب و کار، انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار و بنیاد اروپایی برای توسعه مدیریت، دو نهادی هستند که اعتباربخشی را انجام می‌دهند. بنیاد اروپایی با تمرکز بر دانشکده‌های کسب کار استانداردهای خود را در قالب ۱۰ فصل ارائه نموده و دانشکده‌های متقاضی را بر این اساس ارزیابی می‌کنند و نگاه بین‌المللی دارند. انجمن پیشرفت دانشگاهی مدارس کسب و کار با تمرکز بر دانشکده‌های کسب و کار به عنوان یک دانشکده و توجه به حسابداری به عنوان یک رشته مجزا استانداردهای اعتباربخشی خاصی برای رشته حسابداری ارائه نموده است. در این مقاله تلاش شده است تا با تمرکز بر استانداردهای این دو نهاد، نقاط تمرکز اساسی بر کیفیت آموزش دانشگاهی خصوصاً در رشته حسابداری را برجسته نماییم. ویژگی‌های اساسی این استانداردها تمرکز بر راهبرد و تهیه و تدوین آن، توجه به محیط کسب و کار و ارتباط با شرکت‌ها و آموزش عملی، مدیریت مناسب منابع، تلفیق مناسب جنبه‌های مختلف رشته حسابداری (تئوری، پژوهش و رویه‌های عملی) و رعایت اخلاق بوده است.

پی نوشت

- | | | | |
|----|---|----|--|
| ۱ | Mark of Quality | ۲ | Quality control |
| ۳ | Quality assurance | ۴ | Basic vs. Excellence Standards |
| ۵ | Absolute vs. Relative Standards | ۶ | Content vs. Educational Program Standards |
| ۷ | General vs. Subject p or Specific Standards | ۸ | The Association to Advance Collegiate Schools of Business(AACSB) |
| ۹ | Blue Ribbon Committee (BRC) | ۱۰ | Self-Evaluation |
| ۱۱ | peer-review | ۱۲ | Eligibility Application |
| ۱۳ | PreAccreditation | ۱۴ | Continuous Improvement Review |
| ۱۵ | AACSB | ۱۶ | Engagement |

۱۷	Curricula Content	۱۸	student-faculty interactions
۱۹	student-student interactions	۲۰	Student Academic And Professional Engagement
۲۱	Executive Education	۲۲	Strategic Management
۲۳	Mission	۲۴	Accounting Intellectual Contributions' Impact
۲۵	European Foundation for Management Development(EFMD)	۲۶	Internationalization
۲۷	European Quality Improvement System(EQUIS)	۲۸	Corporate Relevance
۲۹	Globally Responsible Citizen		

منابع

- AACSB International (2015). Eligibility Procedures and Accreditation Standards for Accounting Accreditation. [Online] Available: <http://www.aacsb.edu/accreditation>
- Bazargan, A. (1995). "Approaches to evaluation of higher education institutions' educational Research Council of Iran, Tehran, pp: 16-1 (in Persian).
- Bazargan, A. (2000). "Internal Evaluation as an Approach to revitalize University systems: The case of the Islamic Republic of Iran", Higher Education Policy. Vol. 13, PP. 173-180
- Bazargan, A. (2001). Educational evaluation, samt, Tehran (in Persian).
- Damme, D. V. (2000). "Accreditation in global Higher Education, The need for international information and cooperation", Memo for the Commission on global accreditation of The international association of University President, [online] Available: www.io.org/grp5/dvandamme.
- EQUIS (2016). EFMD Quality Improvement System The EFMD Accreditation For International Business Schools EQUIS Standards And Criteria. Document Version January [online] Available: www.efmd.org/index.php/accreditation
- Girtz, B. (1999). "the Quality concept in Higher Education", [online] Available: www.uou.uadom.uu.se/kvalard/bidrkonf.html.
- Gouhardja, I. E. (1999). "Response on New paradigm in Higher Education", [online] Available: www.L.rad.net.Id/Hi.Ed-seminar/paper/edi-html
- Kekale, J. (2002). Quality Assessment in Diverse Disciplinary setting. Higher Education proceeding of 5th UNESCO-NGO collective consultation on Higher Education. Vol.2. paris.
- Lemaitre, M. J. (2002). "Quality as politics", Quality in Higher Education. Vol. 8, No. 1, pp. 29-37
- Mohammadi R. , Fattabadi J. , Yadegarzadeh Gh. Mirzamohammadi M. H. , Parand K. (2005). Quality Evaluation in Higher Education: Concepts, Principles, Methods, Criteria. Education Measurement Organization Country, Tehran (in Persian).

- Naderi A. and Kh. N Farrokhnejad (2005). "Quality Assessment (accreditation) of top graduate courses in educational administration educational psychology and sociology PhD groups Shiraz University", PhD thesis, University of Shiraz. Shiraz (in Persian).
- UNESCO. (2000). "Higher Education in The twenty first century". Word confrence on Higher Education, UNESCO: Paris.
- University of Washington. (2002). "2003 Decenniel Accreditation": 2003 Accreditation Evaluation Agenda, <http://www.washington.edu>.
- Zainabadi, H. R. , M. Salimi, F. Eshaghi, K. Parand (2005). Accreditation in America, development and future vision. Tehran: National Organization of Educational Testing (in Persian).

خبر خوب، خبر بد، تغییرات اعضای هیأت‌مدیره و مدیر

عامل

وحید ملایمنی^۱، حامد عبدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۱۳

چکیده

از گذشته تا کنون مسئله اخبار صادر شده توسط سیستم حسابداری و تأثیر آن‌ها بر بازار و سرمایه‌گذاران در پژوهش‌های بسیاری مورد مطالعه قرار گرفته است، اما در پژوهش‌های اندکی اثر این اخبار بر ارکان راهبری شرکت بررسی گردیده است. این که اخبار حسابداری بتواند در جابه‌جایی و یا ترکیب اعضای هیأت‌مدیره اثر داشته باشد، می‌تواند به ابزاری جهت ابقای ارکان راهبری شرکت مبدل گردد. در این پژوهش ارتباط میان اخبار خوب و بد با تغییر مدیر عامل و نیز تغییر اعضای هیأت‌مدیره برای نمونه آماری متشکل از ۲۳۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش که با مبنا قرار دادن فزونی بازده دارایی‌ها از نرخ سود سپرده یکساله بانکی به عنوان خبر خوب صورت پذیرفت، نشان می‌دهد که بین خبر خوب و یا بد منتشره توسط مدیریت شرکت و تغییر مدیر عامل و همچنین تغییر اعضای هیأت‌مدیره رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین وجود ارتباط مثبت معنادار بین تغییر مدیر عامل و تغییر اعضای هیأت‌مدیره و وجود ارتباط منفی معنادار بین تغییر مدیر عامل و نوع گزارش حسابرس و در نهایت عدم وجود ارتباط معنادار بین تغییر سهامداران اصلی با تغییر مدیر عامل و همچنین تغییر اعضای هیأت‌مدیره از دیگر نتایج این پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: خبر خوب، خبر بد، تغییرات اعضای هیأت‌مدیره، تغییر مدیر عامل.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/ijar.2017.13027.1229

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول، (vmi1367@gmail.com)

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، (h.abdi1369@gmail.com)

مقدمه

یکی از اهداف حسابداری که در منابع مختلف حسابداری بسیار بیان شده است، ارائه اطلاعات مفید برای ارزیابی وظیفه مباشرت مدیران بویژه مدیر عامل است. این مسئله آن قدر اهمیت یافته که اسکات (۲۰۱۲) آن را در کنار هدف مفید بودن جهت تصمیم‌گیری قرار داده و از موازنه بین اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری و مفید برای ارزیابی وظیفه مباشرت مدیر به عنوان مسئله بنیادین حسابداری یاد می‌کند. همچنین بر اساس نظریه علامت‌دهی این گونه بیان می‌شود که مدیران تمایل به افشای اختیاری اخبار خوب شرکت دارند و در این راستا از ابزار مدیریت سود بهره می‌برند. در پژوهش‌های بسیاری به مسئله پاداش مدیریت به عنوان انگیزه‌ای برای مدیریت سود و تغییر در نوع و اثرگذاری اخبار شرکت پرداخته شده است، اما به وجود رابطه بین اعلام اخبار بد و احتمال برکناری مدیریت کمتر توجه گردیده است. شرایطی وجود دارد که مدیر با وجود انعقاد یک قرارداد کار از ارائه اطلاعات صادقانه سرباز می‌زند. در این شرایط مدیر دچار ضررهای مربوط به کاهش اعتبار و یا حتی بدهی‌های قضایی خواهد گردید (اسکات، ۲۰۱۲). بنابراین، این امکان وجود دارد که مدیر از ارائه اخبار بد سرباز زند و یا حداکثر تلاش خود را بنماید که از شدت اثرگذاری اخبار بد بکاهد. این حقیقت که هرکس در گروهی کاری است که انجام داده است بر کسی پوشیده نیست. گزارش تروبلاد از پاسخگویی به عنوان مسئولیت مدیریت در اقدامات انجام شده و یا نشده و عواقب این اقدامات یاد می‌کند (هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، ۲۰۰۵). بنابراین، این انتظار وجود دارد که مدیران را به خاطر عملکرد ضعیف و ارائه اخبار بد مجازات نمود. این پژوهش در راستای سایر پژوهش‌های اثباتی در حوزه حسابداری بوده و نشان‌دهنده اثر گزارش‌های حسابداری بر عزل و نصب مدیران شرکت‌ها می‌باشد. در این پژوهش سعی شده است که به صورت تجربی شواهدی کسب نمود که نشان دهد اخباری که مدیران ارائه می‌دهند در ادامه و یا عدم ادامه همکاری مدیران با شرکت تأثیرگذار می‌باشد.

پیشینه پژوهش

استخدام و برکناری مدیران ارشد و اعضای هیأت‌مدیره یکی از مهمترین سازوکارهای کنترلی برای شرکت‌ها می‌باشد (بونیر و برونر، ۱۹۸۹)، به طوری که این سازوکار علاوه بر آن که مانع

از کم کاری مدیران می‌شود، محرک آن‌ها جهت عملکرد بهتر و افشای اطلاعات لازم از سوی آن‌ها می‌گردد. در بازارهای رقابتی اگر مدیر نتواند ارزش شرکت را افزایش دهد، ممکن است شرکت توسط سایر شرکت‌های رقیب تحصیل یا تحت کنترل قرار گیرد. در چنین حالتی اولین کاری که مالکان یا کنترل‌کنندگان جدید انجام خواهند داد، عزل مدیر و مدیران شرکت از سمت خود و انتصاب مدیران جدید می‌باشد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین مدیر جهت عملکرد بهتر و افزایش ارزش شرکت دارای انگیزه است. وارنر و همکاران (۱۹۸۸) به رابطه معنادار میان عملکرد ضعیف شرکت و تغییرات مدیریت اذعان نموده‌اند. این رابطه نیز در پژوهش بونیر و برونر (۱۹۸۹) مورد تأیید قرار گرفته است.

بیتی و زاژاک (۱۹۸۷) اثر تغییر مدیر عامل بر عملکرد شرکت‌های بزرگ را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که اعلام خبر تغییر مدیر عامل با کاهش ارزش شرکت در ارتباط می‌باشد. آن‌ها بیان می‌کنند که اگر تغییر مدیر عامل به عنوان نمادی از سودآوری مساعد و افزایش جریان‌های نقدی مورد انتظار شرکت از سوی بازار تلقی شود، بازار در جهت افزایش قیمت سهام شرکت واکنش نشان می‌دهد، اما اگر تغییر مدیر عامل نامساعد باشد و با این تغییر در انتظارات بازار هیچ‌گونه تغییری ایجاد ننماید، بر روی قیمت سهام اثر معکوس می‌گذارد. این نتیجه به همراه گفته مهرانی و همکاران (۱۳۹۲) مبنی بر تغییر مدیریت بدلیل کاهش ارزش شرکت، می‌تواند بیان‌کننده وجود رابطه متقابل بین ارزش شرکت و تغییر مدیران شرکت باشد.

لوباتکین و همکاران (۱۹۸۹) ارتباط بین بازده اضافی با تغییر مدیر عامل را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها مدعی شدند که تنها ۱۱/۳ درصد از شرکت‌های مورد بررسی در نمونه مدیر عامل خود را خارج از شرکت منصوب نموده بودند. همچنین آن‌ها به شواهدی برخورد کردند که بیان‌کننده عملکرد ضعیف شرکت قبل از تغییر مدیر عامل بوده است. این پژوهش نشان داد که سرمایه‌گذاران نسبت به تغییر مدیر عامل بی‌تفاوت نبوده و نسبت به آن واکنش منفی نشان می‌دهند. نکته قابل توجه این است که سرمایه‌گذاران نسبت به استخدام مدیر خارج از شرکت برای شرکت‌های با عملکرد مطلوب واکنش مثبت نشان داده بودند.

عوامل اثرگذار بر ترکیب اعضای هیأت‌مدیره توسط هرمالین و ویزباچ (۱۹۸۸) مورد مطالعه قرار گرفت. آن‌ها دو عامل موفقیت مدیر عامل و عملکرد شرکت را مورد آزمون قرار دادند که

نتایج پژوهش از اثرگذاری هر دو عامل بر روی ترکیب اعضای هیأت مدیره خبر می‌داد. آن‌ها بیان می‌کنند که عملکرد ضعیف شرکت و عدم موفقیت مدیر عامل می‌تواند باعث تغییر در ترکیب اعضای هیأت مدیره گردد.

دی هرمنت فرر و رنوبگ (۲۰۰۰) مسئله واکنش قیمتی به تغییر مدیر عامل برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار فرانسه را مورد توجه قرار دادند. آن‌ها تغییر را از سه بعد استعفای جبری (برکنار کردن مدیر)، استعفای اختیاری و بازنشسته شدن مدیر عامل مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی ۲۳۵ شرکت که در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲ مدیر عامل خود را تغییر داده بودند، نشان داد که اعلام استعفای جبری مدیر عامل سبب کسب بازده غیر عادی ۰/۵ درصد گردیده است و این در حالی است که اعلام استعفای اختیاری هیچ‌گونه بار اطلاعاتی نداشته و هیچ‌گونه واکنش قیمتی به همراه نداشته است. در نهایت تغییر در مدیریت عامل بدلیل بازنشستگی و واکنش کوچک منفی به همراه داشته است. از دیگر نتایج پژوهش آن‌ها عدم وجود رابطه بین میزان درجه اهرم مالی با استعفای اجباری مدیر عامل می‌باشد.

ماتر و رامسی (۲۰۰۷) اثر ویژگی‌های اعضای هیأت مدیره بر روی رفتار مدیر عامل پس از تغییر مدیر عامل را مورد بررسی قرار دادند. فرضیه اصلی پژوهش آن‌ها این‌گونه بیان گردید که هیأت مدیره‌ای که بر اساس ساختار حاکمیت شرکتی قوی تشکیل شده باشد، می‌تواند مانع از شکل‌دهی نامطلوب صورت‌های مالی توسط مدیر عامل در نخستین سال مدیریت وی و شکل‌دهی مطلوب صورت‌های مالی در دومین سال مدیریت او گردد. آن‌ها با بررسی شرکت‌های استرالیایی که در بازه زمانی پژوهش مدیر عامل خود را تغییر داده بودند، به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌هایی که اعضای هیأت مدیره آن‌ها بیشتر از مدیران مستقل است، در جلوگیری از رفتار فرصت طلبانه مدیر عامل جدید در دوره مدیریتش، موفق‌تر عمل نموده‌اند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از صورت‌های مالی و مخابره اخبار توسط مدیر عامل جهت بقای مدیریت بکار گرفته می‌شود.

مدرس (۲۰۱۰) رابطه بین تجدید ساختار سازمان و متغیرهای پیچیدگی سازمان، تغییر مدیر عامل و عوامل محیطی نظیر اندازه سازمان و قدمت سازمان را مورد بررسی قرار داد. بر اساس یافته‌های وی رابطه مثبت معناداری بین تجدید ساختار سازمان با متغیرهای پیچیدگی سازمان، تغییر مدیر عامل و اندازه سازمان وجود دارد.

جلال و پرازاس (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که شرکت‌ها در استخدام مدیر عامل دو گزینه پیش روی دارند، آن‌ها یا می‌توانند مدیری را استخدام کنند که در صنعت مورد فعالیت شرکت تخصص دارد و یا این که مدیری را خارج از صنعت که در علم مدیریت صلاحیت دارد را استخدام کنند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌هایی که در صنایعی که شرکت‌های بسیاری در آن مشغول به فعالیت می‌باشند، قرار دارند بیشتر به استخدام مدیران درون صنعتی تمایل دارند. همچنین شرکت‌هایی که اعضای هیأت‌مدیره آن‌ها کمتر بوده و یا اعضای مستقل بیشتری دارند، به استخدام مدیر خارج از صنعت تمایل دارند. این نتیجه گویای اثرگذاری ترکیب اعضای هیأت‌مدیره بر روی تغییر مدیر عامل می‌باشد. نتیجه جالب دیگر این پژوهش آن است که اگر چه انتخاب مدیر عامل از درون صنعت واکنش قیمتی بیشتری در زمان اعلام تغییر مدیر عامل دارد، اما شواهد گویای پرداخت سود نقدی بیشتر، مخارج سرمایه‌ای بیشتر، سودآوری بیشتر و رشد بیشتر در سال‌های آتی شرکت‌هایی است که مدیر عامل خود را خارج از صنعت انتخاب نموده‌اند.

تو (۲۰۱۲) رابطه بین تغییر مدیر عامل با تغییر حسابرس را بررسی نموده است. بر اساس پژوهش وی تغییر حسابرس تحت تأثیر تغییر سهامداران دارای کنترل، تغییر حوزه تجاری شرکت و تغییر مدیر عامل می‌باشد.

بلدنیوس و همکاران (۲۰۱۴) مسئله ترکیب هیأت‌مدیره و قدرت مدیر عامل را مورد بررسی قرار دادند. هدف از پژوهش آن‌ها بررسی اثری است که مدیر عامل بر روی اعضای هیأت‌مدیره می‌گذارد. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که اگر مدیر عامل بر فرآیند انتخابات اعضای هیأت‌مدیره کنترل داشته باشد، سبب خواهد شد که اعضای انتخاب شوند که بیشترین آزادی عمل را به مدیر عامل بدهند. این نتیجه مطابق با تئوری قدرت بیان شده توسط اسکات (۲۰۱۲) می‌باشد و نشان می‌دهد که همان‌گونه که اعضای هیأت‌مدیره بر انتخاب و یا عزل مدیر عامل توانمند می‌باشند، مدیر عامل نیز بر ترکیب اعضای هیأت‌مدیره و تصمیمات استراتژیک آن‌ها اثرگذار می‌باشد.

علی و ژانگ (۲۰۱۵) رابطه انصاب مدیر عامل و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها بیان کردند که مدیران عامل در اوایل تصدی خود بیشتر از دیگر مواقع اقدام به بیش‌نمایی

سود می‌نمایند. آن‌ها برای حفظ سمت خود انگیزه بالایی برای بهتر گزارش نمودن عملکرد خود دارند.

دیموپولوس و واگنر (۲۰۱۶) با بررسی چرخش مدیران عامل در دو کشور انگلستان و آلمان بیان می‌کنند که مدیران عامل با خطر برکناری به خاطر گزارش عملکرد ضعیف خود روبه‌رو بوده و شرکت‌ها ترجیح می‌دهند که برای بهبود عملکرد خود اقدام به جایگزینی مدیران خود نمایند. بنابراین این انگیزه برای مدیران عامل وجود دارد که از گزارش عملکرد ضعیف خود تا آنجایی که امکان دارد پرهیز نمایند.

زیتون و پامینی (۲۰۱۷) بیان می‌کنند که علاوه بر عملکرد مدیران ساختار مالکیت شرکت نیز در تداوم مدیران عامل اثرگذار می‌باشد. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که مالکیت رابطه‌ای (مالکیتی که در آن سهامداران در سرنوشت شرکت دخالت می‌کنند) بیشتر از مالکیت معاملاتی (مالکیتی که در آن سهامداران به امورات شرکت کاری نداشته و صرفاً به دنبال بازده سهام خود می‌باشند)، در تداوم مدیران عامل مؤثر می‌باشد.

در خصوص اثر اقلام و اخبار حسابداری بر روی تغییر اعضای هیأت‌مدیره و مدیر عامل در ایران مطالعات چندانی صورت پذیرفته است، اما اثر تغییر مدیر عامل بر روی انتخاب رویه‌های حسابداری و مدیریت سود در چندین پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعات بر مبنای تئوری‌های مدیریت سود صورت پذیرفته و انگیزه‌ها و الگوهای مدیریت سود را بیان می‌کنند.

اسدی و منتی منجق تپه (۱۳۹۰) اثر تغییر مدیر عامل بر روی مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها مدیریت مثبت سود در سال قبل از تغییر مدیریت را تأیید کرده، ولی شواهدی از مدیریت منفی سود در سال تغییر و مدیریت مثبت سود در سال بعد از تغییر، به دست نیاوردند. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مدیریت سود به اندازه و نوع صنعتی که شرکت‌ها در آن فعالیت دارند، بستگی ندارد.

حسینی (۱۳۹۱) مدیریت سود را در سال تغییر مدیر عامل، سال قبل و بعد از تغییر برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۸ مورد بررسی قرار داد. فرضیه‌های پژوهش بیان می‌کنند که در سال تغییر مدیر عامل، مدیریت سود

کاهنده وجود دارد، رابطه تغییر مدیر عامل و مدیریت سود منفی است و اگر همراه با تغییر مدیر عامل، رئیس هیأت‌مدیره یا حداقل یکی از اعضای غیر موظف هیأت‌مدیره هم تغییر کند، رابطه مذکور تشدید می‌شود. همچنین در سال قبل و بعد از تغییر مدیر عامل مدیریت سود فزاینده وجود دارد، رابطه تغییر مدیر عامل و مدیریت سود مثبت است و اگر همراه با تغییر مدیر عامل، رئیس هیأت‌مدیره یا حداقل یکی از اعضای غیر موظف هیأت‌مدیره هم تغییر کند، این رابطه تشدید می‌شود. نتایج پژوهش حسینی نشان داد که در سال تغییر مدیر عامل، مدیریت سود کاهنده وجود ندارد. در عین حال در سال تغییر مدیر عامل رابطه منفی معنادار بین تغییر مدیر عامل و مدیریت سود وجود دارد، اما این رابطه با تغییر در اعضای هیأت‌مدیره تشدید نمی‌گردد. همچنین در سال قبل و بعد از تغییر مدیر عامل وجود مدیریت سود فزاینده معناداری بین تغییر مدیر عامل و مدیریت سود توسط وی یافت نگردید.

بنی مهد و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان مدیریت سود و اظهار نظر حسابرس، تغییر مدیریت را به عنوان یک متغیر کنترلی مورد بررسی قرار دادند. بر اساس این پژوهش تغییر مدیریت در نوع اظهار نظر حسابرس بی‌اثر می‌باشد. همچنین بین تغییر مدیریت با متغیرهای مدیریت سود و تغییر حسابرس رابطه همبستگی معناداری وجود ندارد.

فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش دو فرضیه مطرح می‌گردد که طی دو مدل جداگانه با متغیرهای جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین گردیده‌اند:

فرضیه اول: بین خبر خوب و یا بد بیان شده در صورت‌های مالی شرکت با تغییر مدیر عامل رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین خبر خوب و یا بد بیان شده در صورت‌های مالی شرکت با تغییر اعضای هیأت مدیر رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از جهت همبستگی و روش‌شناسی از نوع شبه تجربی و پس‌رویدادی و در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری است که با اطلاعات واقعی صورت می‌گیرد. این پژوهش از

لحاظ ماهیت از نوع پژوهش‌های توصیفی بوده و از لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های بنیادی است. همچنین داده‌های پژوهش از صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه و سایر اطلاعاتی که در پایگاه اطلاع‌رسانی کدال و روزنامه رسمی کشور موجود می‌باشند، استخراج گردیده است. از آنجایی که متغیرهای این پژوهش از نوع متغیرهای اسمی هستند، از روش رگرسیون لجستیک برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. رگرسیون لجستیک یکی از تکنیک‌های کاربردی برای تحلیل داده‌های طبقه‌بندی شده است. برای نمونه اگر نتیجه آزمایشی بصورت برد/ باخت تعریف شود، در این حالت متغیر پاسخ دیگر پیوسته نبوده، بلکه بصورت طبقه‌بندی شده خواهد بود. یکی از اقسام رگرسیون لجستیک، مدل رگرسیون لجستیک باینری بوده که تعداد طبقه‌بندی‌های متغیر پاسخ در این مدل دو تا است. اگر این تعداد طبقه‌بندی‌ها بیش از دو تا باشد، آنگاه با توجه به جنس متغیر پاسخ (یعنی اسمی و ترتیبی) مدل‌های رگرسیون لجستیک اسمی و ترتیبی حاصل می‌شود (بشیری و کامران راد، ۱۳۹۰).

جامعه و نمونه آماری

جامعه مطالعاتی پژوهش در برگیرنده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمروی زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ می‌باشد.

جهت انتخاب نمونه محدودیت‌های زیر بر روی شرکت‌های جامعه آماری اعمال می‌شود:

۱. از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، لیزینگ و بانک‌ها نباشند.
۲. از جمله شرکت‌هایی که طی قلمروی زمانی پژوهش از بورس اوراق بهادار خارج شده و یا در طی این قلمرو در بورس پذیرفته شده‌اند، نباشند.
۳. داده‌های مورد نیاز پژوهش برای آن شرکت در دسترس باشند.

بنابراین با توجه به موارد بند ۱ تا ۳ تعداد ۲۳۶ شرکت به عنوان جامعه باقیمانده پژوهش انتخاب شدند و برای هر متغیر این پژوهش تعداد ۱۴۱۶ مشاهده جهت آزمون فرضیه‌های آماری محاسبه شده است.

مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش

با توجه به فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش برای هر کدام از متغیرهای وابسته تغییر مدیر عامل و تغییر در اعضای هیأت‌مدیره مدل مستقلی با متغیرهای مستقل به شرح ذیل طراحی گردیده است:

$$CEO_{i,t} = \alpha + \beta_1 NEWS_{i,t-1} + \beta_2 STOCK_{i,t} + \beta_3 BOARD_{i,t} + \beta_4 OPINION_{i,t-1} + \varepsilon \quad (1)$$

$$BOARD_{i,t} = \alpha + \beta_1 NEWS_{i,t-1} + \beta_2 STOCK_{i,t} + \varepsilon \quad (2)$$

متغیرهای وابسته

تغییر مدیر عامل (CEO): متغیر مجازی بوده که در صورت تغییر مدیر عامل در طول سال مالی عدد یک و در صورت عدم تغییر عدد صفر را به خود اختصاص می‌دهد (مدل (۱)).

تغییر اعضای هیأت‌مدیره (BOARD): متغیر مجازی بوده که در صورت تغییر حداقل یک نفر از اعضای هیأت‌مدیره در طول سال مالی عدد یک و در صورت عدم تغییر عدد صفر را به خود اختصاص می‌دهد (مدل (۲)).

متغیر مستقل

داشتن خبر خوب در مقابل خبر بد (NEWS): در پژوهش‌های بسیاری نظیر پژوهش بال و براون (۱۹۶۸) کسب بازدهی معادل بازدهی سال گذشته به عنوان خبر خوب تلقی می‌گردد. در بسیاری از پژوهش‌های دیگر نظیر آباریانل و لهاوی (۲۰۰۰)، کنراد و همکاران (۲۰۰۲) و مشکی میاوقی و اشرفی (۱۳۹۳) از تأمین بازده و سود مورد انتظار به عنوان خبر خوب یاد شده است. همچنین صفائی و همکاران (۱۳۹۵) اخبار خوب را در افزایش سود و اخبار بد را در افزایش زیان معرفی می‌نمایند. درست است که خلیلی عراقی و گودرزی فراهانی (۱۳۹۵) میانگین نرخ تورم در ایران را ۳۵ درصد بیان می‌کنند، ولی زمانیان و شیوایی (۱۳۹۵) بیان می‌کنند که یک خانوار ۴ یا ۵ نفره برای داشتن رفاهی در سطح سال گذشته نیاز به افزایش درآمدی به طور متوسط ۱۳ درصد دارد. از طرف دیگر مشایخ و حاجی مرادخانی (۱۳۸۸) با در نظر گرفتن نرخ سود سپرده‌های یک ساله بانکی به عنوان شاخص بازار پولی بیان می‌کنند که بین بازار پولی و

بازار سرمایه رابطه معنادار منفی برقرار می‌باشد. این بدان معناست که با افزایش نرخ سود سپرده بانکی میزان سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه کاهش یافته و همچنین اگر بازار سرمایه نتواند بازدهی معادل سود سپرده بانکی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد سرمایه از بازار سرمایه به بازار پولی سوق پیدا خواهد کرد (صفرزاده و جلالی نژاد، ۱۳۸۹). بنابراین می‌توان انتظار داشت که بیان بازدهی معادل نرخ سود سپرده یکساله به عنوان یک خبر خوب تلقی گردد. داشتن خبر خوب در مقابل خبر بد متغیری مجازی است که در صورتی که بازده دارایی‌ها (نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها) در پایان سال مالی قبل بیشتر از نرخ سود سپرده یکساله اعلام شده توسط بانک مرکزی در همان سال باشد (خبر خوب)، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را به خود اختصاص می‌دهد.

متغیرهای کنترلی

تغییر سهامداران اصلی (STOCK): اولین کاری که مالکان یا کنترل‌کنندگان جدید شرکت انجام خواهند داد، عزل مدیر و مدیران شرکت از سمت خود و انتصاب مدیران جدید می‌باشد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین تغییر سهامداران اصلی می‌تواند نقش بسزایی در تغییرات اعضای هیأت‌مدیره و مدیران عامل داشته باشد. در این پژوهش تغییر سهامداران اصلی متغیری مجازی است که در صورتی که طی سال مالی، سهامدارانی که دارای نفوذ قابل ملاحظه می‌باشند تغییر کرده باشند، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را به خود اختصاص می‌دهد. بر اساس استاندارد شماره ۲۰ حسابداری ایران و همچنین استاندارد شماره ۲۸ حسابداری بین‌الملل سرمایه‌گذاری که حداقل ۲۰ درصد از حق رأی واحد سرمایه‌پذیر را در اختیار داشته باشد، فرض می‌شود که از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. بنابراین در این پژوهش سهامدارانی که حداقل بیش از ۲۰ درصد از سهام شرکت را دارا باشند، به عنوان سهامدار اصلی مدنظر قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که در مدل ۱ این متغیر برای تغییراتی عدد یک را لحاظ می‌نماید که تاریخ آن قبل از تاریخ تغییر مدیر عامل بوده و از مدت یکسال عقب‌تر نرود. همچنین در مدل (۲) این متغیر برای تغییراتی عدد یک را لحاظ می‌نماید که تاریخ آن قبل از تاریخ تغییر اعضای هیأت‌مدیره بوده و از مدت یکسال عقب‌تر نرود.

تغییر اعضای هیأت‌مدیره (BOARD): متغیر مجازی بوده که در صورت تغییر حداقل یک نفر از اعضای هیأت‌مدیره در طول سال مالی عدد یک و در صورت عدم تغییر عدد صفر را به خود اختصاص می‌دهد (مدل (۱)). با توجه به این که قدرت عزل و نصب مدیر عامل در اختیار هیأت‌مدیره می‌باشد، بنابراین تغییر اعضای هیأت‌مدیره می‌تواند در تغییر مدیر عامل اثر داشته باشد. لازم به ذکر است که این متغیر برای تغییراتی عدد یک را لحاظ می‌نماید که تاریخ آن قبل از تاریخ تغییر مدیر عامل بوده و از مدت یکسال عقب‌تر نرود.

نوع اظهارنظر حسابرس (OPINION): متغیری مجازی بوده که در صورتی که نوع اظهارنظر حسابرس در سال مالی قبل مقبول یا مقبول با بند تأکید بر مطلب خاص باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر را به خود اختصاص می‌دهد. وقتی دریافت‌کننده اطلاعات مالی (سهامداران شرکت)، تضاد بین خود و تولیدکننده اطلاعات (مدیران شرکت) را درمی‌یابد، نگران می‌شود که اطلاعات به گونه‌ای ارائه شود که به زیان آن‌ها و مغرضانه باشد. در چنین حالتی از حسابرس خواسته می‌شود که وجود یا عدم وجود اطلاعات مغرضانه را گواهی کند (حساس یگانه، ۱۳۹۱). بنابراین، چنین انتظاری وجود دارد که سهامداران شرکت تحت تأثیر گزارش حسابرسی قرار داشته و با دریافت گزارش غیر مقبول در خصوص ادامه یا عدم ادامه همکاری با مدیر عامل تصمیم‌گیری نمایند.

یافته‌های پژوهش

در نگاره (۱) آمار توصیفی و مقادیر شمارش شده در پژوهش نمایش داده شده است:

نگاره (۱): آمار توصیفی پژوهش

OPINION			BOARD			STOCK			NEWS			
جمع	۱	۰	جمع	۱	۰	جمع	۱	۰	جمع	۱	۰	
۱۰۴۴	۴۷۳	۵۷۱	۱۰۴۴	۶۱۷	۴۲۷	۱۰۴۴	۱۴۲	۹۰۲	۱۰۴۴	۳۳۲	۷۱۲	CEO
۱۰۰٪	۴۵٪/۳	۵۴٪/۷	۱۰۰٪	۵۹٪/۱	۴۰٪/۹	۱۰۰٪	۱۳٪/۶	۸۶٪/۱۴	۱۰۰٪	۳۱٪/۸	۶۸٪/۲	
۳۷۲	۱۴۴	۲۲۸	۳۷۲	۳۰۸	۶۴	۳۷۲	۵۶	۳۱۶	۳۷۲	۱۰۵	۲۶۷	مجموع
۱۰۰٪	۳۸٪/۷	۶۱٪/۳	۱۰۰٪	۸۲٪/۸	۱۷٪/۲	۱۰۰٪	۱۵٪/۱	۸۴٪/۹	۱۰۰٪	۲۸٪/۲	۷۱٪/۸	
۱۴۱۶	۶۱۷	۷۹۹	۱۴۱۶	۹۲۵	۴۹۱	۱۴۱۶	۱۹۸	۱۲۱۸	۱۴۱۶	۴۳۷	۹۷۹	BOARD
۱۰۰٪	۴۳٪/۶	۵۶٪/۴	۱۰۰٪	۶۵٪/۳	۳۴٪/۷	۱۰۰٪	۱۴٪/۱	۸۶٪/۱۰	۱۰۰٪	۳۰٪/۹	۶۹٪/۱	
						۴۹۱	۵۷	۴۳۴	۴۹۱	۱۵۱	۳۴۰	مجموع
						۱۰۰٪	۱۱٪/۶	۸۸٪/۱۴	۱۰۰٪	۳۰٪/۸	۶۹٪/۲	
						۹۲۵	۱۴۱	۷۸۴	۹۲۵	۲۸۶	۶۳۹	مجموع
						۱۰۰٪	۱۵٪/۲	۸۴٪/۸	۱۰۰٪	۳۰٪/۹	۶۹٪/۱	
						۱۴۱۶	۱۹۸	۱۲۱۸	۱۴۱۶	۴۳۷	۹۷۹	مجموع
						۱۰۰٪	۱۴٪/۱	۸۶٪/۱۰	۱۰۰٪	۳۰٪/۹	۶۹٪/۱	

همان طور که در نگاره (۱) مشاهده می شود مطابق با فرضیه های پژوهش، ۷۱/۸ درصد مواقعی که مدیر عامل تغییر نموده است، مصادف با اعلام خبر بد بوده است. این میزان برای تغییرات اعضای هیأت مدیره ۶۹/۱ درصد می باشد.

بر خلاف انتظارات پژوهش، با تغییر سهامداران اصلی، مدیران عامل (۱۵/۱ درصد) و اعضای هیأت مدیره (۱۵/۲ درصد) تغییر چندانی ننموده اند. همچنین با تغییر اعضای هیأت مدیره در ۸۲/۸ درصد مواقع مدیر عامل نیز تغییر نموده است. در نهایت، انتشار گزارش غیر مقبول حسابرسی در ۶۱/۳ درصد مواقع با تغییر مدیر عامل مصادف بوده است.

جهت بررسی وجود رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل پژوهش و متغیر تغییر مدیر عامل در مدل (۱) و متغیر تغییر در اعضای هیأت مدیره در مدل (۲) از آزمون مربع کای-دو در سطح معناداری ۹۵ درصد به شرح نگاره (۲) استفاده گردیده است:

نگاره (۲): مقدار کای-دو برای بررسی معناداری مدل های پژوهش

مقدار احتمال	درجه آزادی	مقدار کای-دو	شماره مدل
۰/۰۰۰	۴	۷۹/۸۸	مدل (۱)
۰/۱۶۴	۲	۳/۶۱	مدل (۲)

میزان کای-دو برای مدل (۱) ۷۹/۸۸ بدست آمده است که این مقدار از مقدار بحرانی یعنی ۱۲/۵۹ بزرگتر است و این بدین معنا است که مدل (۱) در کل معنادار می باشد؛ اما مقدار کای-دو برای مدل (۲) ۳/۶۱ بدست آمده است که این مقدار از مقدار بحرانی یعنی ۵/۹۹ کوچکتر است که نشان دهنده عدم معناداری مدل (۲) می باشد.

جهت بیان ضریب تعیین در هر دو مدل از ضریب تعیین کاکس-اسنل و ضریب تعیین نایجل کرک استفاده گردیده است. نگاره (۳) بیان کننده ضرایب تعیین در مدل های مورد استفاده در این پژوهش می باشد.

نگاره (۳): مقدار ضرایب تعیین برای مدل های پژوهش

شماره مدل	ضریب تعیین کاکس-اسنل	ضریب تعیین نایجل کرک	نسبت درست نمایی
مدل (۱)	۰/۰۵۵	۰/۰۸	۱۵۵۰/۹۹
مدل (۲)	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۱۸۲۴/۱۹

ضرایب تعیین بیان شده نشان دهنده ضعیف بودن رابطه در دو مدل پژوهش می باشد. در نگاره (۴) آزمون نکویی برازش (کفایت نمونه) با استفاده از آزمون هاسمر لم شو انجام شده است.

نگاره (۴): آزمون کفایت داده ها برای برازندگی مدل های پژوهش

شماره مدل	مقدار کای-دو	درجه آزادی	مقدار احتمال هاسمر لم شو
مدل (۱)	۹/۰۱	۷	۰/۲۵۲
مدل (۲)	۰/۰۴۴	۱	۰/۸۳۴

مقادیر احتمال برای آزمون هاسمر لم شو برای دو مدل به گونه‌ای است که فرض وجود تعداد نمونه کافی برای مدل در سطح ۹۵ درصد اطمینان رد نمی‌شود که نشان‌دهنده کفایت داده‌ها یا برازندگی هر دو مدل می‌باشد.

در نگاره (۵) مقادیر برآورد پارامترهای مدل (۱) و در نگاره شماره (۶) مقادیر برآورد پارامترهای مدل (۲) ارائه شده است.

نگاره (۵): مقادیر برآورد پارامترهای مدل (۱)

متغیرها	ضرب	انحراف معیار	آماره والد	درجه آزادی	مقدار احتمال	بخت
NEWS	-۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۹۴	۱	۰/۳۳۲	۰/۸۷
STOCK	۰/۰۶	۰/۱۸	۰/۱۰	۱	۰/۷۵۰	۱/۰۶
BOARD	۱/۲۱	۰/۱۵	۶۳/۳۶	۱	۰/۰۰۰	۳/۳۴
OPINION	-۰/۲۶	۰/۱۳	۴/۲۷	۱	۰/۰۳۹	۰/۷۷
Constant	-۱/۷۶	۰/۱۵	۱۴۲/۲۶	۱	۰/۰۰۰	۰/۱۷

بر اساس اطلاعات ارائه شده در نگاره (۵) مقدار احتمال آماره والد برای متغیر اخبار (NEWS) برابر با ۰/۳۳۲ بوده که این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر یعنی بی‌تأثیر بودن این متغیر رد نمی‌شود و بین داشتن خبر خوب و یا بد و تغییر مدیر عامل رابطه معناداری وجود ندارد.

همچنین آماره والد برای متغیر تغییر سهامداران اصلی (STOCK) برابر ۰/۷۵ می‌باشد و بین این متغیر و متغیر تغییر مدیر عامل هیچ‌گونه رابطه معناداری برقرار نمی‌باشد. این در حالی است که مقدار این آماره برای متغیر تغییر اعضای هیأت‌مدیره (BOARD) ۰/۰۰۰ می‌باشد و بین این متغیر و متغیر تغییر مدیر عامل رابطه معنادار مثبت برقرار است. در نهایت مقدار این آماره برای متغیر نوع اظهارنظر حسابرس (OPINION) برابر ۰/۰۳۹ می‌باشد که بیان‌کننده وجود رابطه معنادار منفی بین این متغیر و متغیر تغییر مدیر عامل می‌باشد.

نگاره (۶): مقادیر برآورد پارامترهای مدل (۳)

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره والد	درجه آزادی	مقدار احتمال	بخت
NEWS	۰/۰۰	۰/۱۲	۰/۰۰	۱	۰/۹۶۸	۱/۰۰
STOCK	۰/۳۱	۰/۱۷	۳/۵۰	۱	۰/۰۶۱	۱/۳۷
Constant	۰/۵۹	۰/۰۷	۷۰/۲۶	۱	۰/۰۰۰	۱/۸۰

بر اساس اطلاعات ارائه شده در نگاره (۶) مقدار احتمال آماره والد برای متغیر NEWS برابر با ۰/۹۶۸ بوده که این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین فرض صفر یعنی بی‌تأثیر بودن این متغیر رد نمی‌شود و بین داشتن خبر خوب و یا بد و تغییر در اعضای هیأت‌مدیره رابطه معناداری وجود ندارد.

همچنین آماره والد برای متغیر تغییر سهامداران اصلی (STOCK) ۰/۰۶۱ می‌باشد و بین تغییر اعضای هیأت‌مدیره و تغییر سهامداران اصلی رابطه معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش به بررسی اثر اخبار خوب و بد صادر شده توسط سیستم حسابداری بر روی تغییر مدیر عامل و اعضای هیأت‌مدیره پرداخته شد. در تئوری‌های حسابداری بارها مسئله بار اطلاعاتی سود حسابداری جهت اثرگذاری بر روی تصمیم‌گیری بازار مورد آزمون قرار گرفته است، اما پژوهش‌های اندکی به بررسی بار اطلاعاتی گزارش‌ها و اخبار صادره از دیدگاه اثرگذاری بر روی تغییر ارکان راهبری شرکت‌ها پرداخته است. در این پژوهش سعی گردید اثرگذاری چندین عامل از جمله اخبار خوب و یا بد بر روی تغییر مدیر عامل و تغییرات اعضای هیأت‌مدیره مورد بررسی قرار گیرد. نتایج پژوهش نشان داد که بین صدور اخبار خوب و یا بد از سوی شرکت هیچ‌گونه رابطه معناداری با تغییر مدیر عامل و تغییر در اعضای هیأت‌مدیره برقرار نمی‌باشد که این مورد می‌تواند یا نشان‌دهنده عدم کاربرد اطلاعات حسابداری در تغییر مدیران شرکت‌های ایرانی باشد و یا عدم وجود معیار و تعریف مشخص از اخبار به منزله خوب و یا بد بودن به عنوان یک محدودیت سبب دستیابی به چنین نتیجه‌ای شده است. همچنین سایر نتایج نشان داد که بین تغییر در اعضای هیأت‌مدیره و تغییر مدیر عامل رابطه مثبت معنادار برقرار می‌باشد و این امر نشان می‌دهد که اعضای جدید هیأت‌مدیره ترجیح می‌دهند که مدیر عامل خود را تغییر دهند. همچنین بین نوع اظهارنظر حسابرس و تغییر مدیر عامل رابطه معنادار منفی

برقرار است و گزارش مشروط، مردود و یا عدم اظهار نظر حسابرسان می تواند در جایگزینی مدیران عامل نقش داشته باشد. این مسئله نشان دهنده بار اطلاعاتی گزارش های حسابرسان برای ادامه همکاری با مدیر عامل و مهم بودن این گزارش ها از دیدگاه مدیران عامل می باشد. در ادامه نیز باید افزود که به شواهدی که نشان دهد بین تغییر سهامداران اصلی با تغییر مدیر عامل و نیز تغییر اعضای هیأت مدیره رابطه معناداری برقرار می باشد برخورد نگردد.

با توجه به عدم وجود معیار و یا تعریف واحد از خوب و یا بد بودن اخبار صادره از سوی سیستم حسابداری شرکت ها (محدودیت پژوهش) به پژوهشگران آتی پیشنهاد می گردد که پژوهش مزبور را با در نظر گرفتن معیارهای متفاوتی از اخبار خوب و یا بد نظیر معیار مورد استفاده در پژوهش بال و براون (۱۹۶۸)، استفاده از بهبود سود عملیاتی و یا سود خالص و دیگر مبنایی به عنوان خبر خوب، تکرار نمایند.

منابع

- Abarbanell, J. , & Lehavy, R. (2000). Biased forecasts or biased earnings? The role of earnings management in explaining apparent optimism and inefficiency in analysts' earnings forecasts. *Journal of Accounting and Economics*, 35, 347-376.
- Ali, A. , & Zhang, W. (2015). CEO tenure and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 59 (1) , 60-79.
- Asadi, Gholamhossien. & Menati-Monjegtapeh, Vahid. (2011). Investigation of Effect of Management Change on Earnings Management. *Journal of Financial Management and Accounting Perspective*, 1 (1) , 97-114. (in Persian)
- Baldenius, Tim. & Melumad, Nahum. & Meng, Xiaojing (2014). Board Composition and CEO Power. *Journal of Financial Economics*, 112 (1) , 53-68.
- Ball, Ray. & Brown, P. (1968). An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers. *Journal of Accounting Research*, 6 (2) , 159-178.
- Banimahd, Bahman. & Hassas-Yeganeh, Yahya. & Yazdani, Narges. (2014). Earnings Management and Audit Opinion: Evidence from Private Audit Sector. *Journal of Management Accounting*, 21 (7) , 17-32. (in Persian)
- Bashiri, Mahdi. & Kamran-Rad, Reza. (2011). Parameter Estimation for Improving Association Indicators in Binary Logistic Regression. *Journal of Production & Operations Management*, 1 (2) , 1-22. (in Persian)
- Beatty, Randolph P. & Zajac Edward J. (1987). CEO Change and Firm Performance in Large Corporations: Succession Effects and Manager Effects. *Strategic Management Journal*, 8 (4) , 305-317.

- Bonnier, Karl-Adam. & Bruner, Robert F. (1989). An Analysis of Stock Price Reaction to Management Changes in Distressed Firms. *Journal of Accounting and Economics*, 11 (1) , 95-106.
- Conrad, J. , Cornell, B. , Landsman, W. R. (2002). When is bad news really bad news? *Journal of Finance*, 57 (6): 2507–2532.
- Dherment-Ferere, Isabelle. & Renneboog, Luc. (2000). Share Price Reactions to CEO Resignations and Large Shareholder Monitoring in Listed French Companies. *Center for Economic Research*. ISSN 0924-7815.
- Dimopoulos, T. , & Wagner, H. F. (2016). Corporate Governance and CEO Turnover Decisions. *Swiss Finance Institute Research Paper No. 12-16*.
- Etemadi, Hossien. & Abdoli, Leila. (2015). Income Smoothing and stock price performance in financial crisis. *Quarterly Financial Accounting Journal*, 25 (7) , 1-28. (in Persian)
- Hassas-Yeganeh, Yahya. (2012). *Philosophy of Auditing*, Tehran, Elmi Va Farhangi Company Publications, Fifth edition. (in Persian)
- Hermalin, Benjamin E. & Weisbach, Michael S. (1988). The Deteminants of Board Composition. *RAND Journal of Economics*, 19 (4) , 589-606.
- Hossieni, Seyed-Ehsan. (2012). Investigation of Relationship between Management Change and Earnings Management. *MSc. Thesis*, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Ferdowsi University of Mashhad. (in Persian)
- International Accounting Standards Board. (2005). *Conceptual Framework, Objectives of Financial Reporting: Stewardship and Accountability*.
- Jalal, Abu M. & Prezas, Alexandros P. (2012). Outsider CEO Succession and Firm Performance. *Journal of Economics and Business*, 64 (6) , 399-426.
- Khademipour, Ahmad. & Bazrayee, Yoones. (2014). Investigation of Effects of Corporate Governance Factors on Disclosure Quality and Effect of Market Competition on This Relationship. *Quarterly Financial Accounting Journal*, 20 (5) , 22-41. (in Persian)
- Khalili Araghi, M. , & gudarzi farahani, y. (2017). Inflation Persistency in Iran with the Heterogeneous Approach of Economic Agents in Dynamic Stochastic General Equilibrium Models. *Economic Modeling*, 10 (36) , 1-23. (in Persian)
- Lubatkin, Michael H. & Chung, Kae H. & Rogers, Ronald C. & Owers, James E. (1989). Stockholder Reactions to CEO Changes in Large Corporations. *Academy of Management Journal*, 32 (1) , 47-68.
- Mashayekh, S. & Haji Morad Khani, H. (2010). The Investigation of Relationship between Inflation Rate, Interest Rate and Gold Return with Iran Stock Market. *Accounting Research*, 1 (4) , 130-147. (in Persian)
- Mather, Pual. & Ramsay, Alan. (2007). Do Board Characteristics Influence Impression Management through Graph Selectivity around CEO Changes? *Australian Accounting Review*, 42 (17) , 84-95.
- Mehrani, Sasan. & Karami, Gholamreza. & Seyed-Hossieni, Seyed-Mostafa. (2013). *Accounting Theory*. *Nagahe Danesh Publications*, Tehran, Vol 1, First edition. (in Persian)
- Meshki, M. , & Ashrafi, H. (2014). The Effect of Uncertainty Level on Stock Prices Reaction to the Good News and Bad News during Business Cycles. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (1) , 89-108. (in Persian)

- Modarres, Mohsen. (2010). Reorganization: Contingent Effects of Changes in the CEO and Structural Complexity. *Academy of Strategic Management Journal*, 9 (1) , 95-109.
- Scott, William R. (2012). *Accounting Theory*. Pearson Canada Inc, Sixth edition.
- Safaei, Seyed Emad, Hemati, Hasan & Daghani, Reza (2016). Investigation about the Effect of Audit Quality on Financial Reporting Delay. *Accounting Research*. 31 (8). 68-85. (in Persian)
- Safarzadeh, H. Jalali Nezaad, M. (2011). Examining the Effect of Interest Rate Fluctuations of Money Market on Investors Decision Making and Capital Market's Operations. *Financial Engineering and Securities Management (Portfolio Management)* , 5 (1) , 107-136. (in Persian)
- Tu, Guoqian. (2012). Controller Changes and Auditor Changes. *China Journal of Accounting Research*, 5 (1) , 45-58.
- Warner, J. B. & Watts, R. L. & Wruck, K. H. (1988). Stock Price and Top Management Changes. *Journal of Financial Economics*. 20 (1) , 431-460.
- Zamanian, Gholamreza, & Shivaee, Elham (2017). Evaluating the Effect of Increasing Price Levels on Urban Welfare Change: A Computational Changes and Preference Function Approach. *Quarterly Journal of Economics and Modelling*. 7 (27). 123-152. (in Persian)
- Zeitoun, H. , & Pamini, P. (2017). Relational ownership and CEO continuity: a property rights perspective. *British Journal of Management*

Good News, Bad News and CEO Changes and Changes in Board of Directors

Vahid Molla Imeny¹, Hamed Abdi²

Received : 2017/04/19

Approved: 2017/09/04

Abstract

Accounting news have been studied from past until now in many articles and this issue has been considered from capital market and investors view in many researches, but effect of this news on top management changes has been studied in a few researches. Since accounting news can impact on board formation and CEO changes, it can be a tool for consistency of managers. In this research, we investigate the relationship between good or bad news and CEO changes and also changes in board of directors for a sample of 236 listed companies from 1387 to 1392. Findings show that when we use excess of ROA from rate of yearly bank deposit as good news, there is no relationship between accounting news and changes in CEO and board of directors. Additionally, we found that there is a significant positive relationship between CEO changes and changes in board of directors. We found a significant negative relationship between CEO changes and type of audit opinion too. Finally, we found that there is no relationship between changes in main stockholders and CEO changes and changes in board of directors.

Keywords: Good news, Bad news, CEO changes, Changes in board of directors.

JEL classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2017.13027.1229

¹PhD Student of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, Corresponding author (vmi1367@gmail.com: Email)

² PhD Student of Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (h.abdi1369@gmail.com)

Education Quality and Accreditation in Business Schools and Accounting Field

Mehdi Rezaei¹

Received : 2017/04/19

Approved: 2017/09/04

Abstract

The quality of education and accreditation always have been one of the major concerns in the educational process. In this article, we describe education quality and accreditation in general view and then in business school and accounting field. At the international level, The Association to Advance Collegiate Schools of Business (AACSB) and European Foundation for Management Development (EFMD) are two institutional accreditations for business schools and accounting field. In the following key points of the standards of these institutions are discussed. The study showed that focusing on strategy and development of its, practical education according to the business environment and relationships with firms, proper management of resources, appropriate integration of theory, research and practice in education and ethics appropriate procedures, are key points of this standards. Internationalization at Faculty is very important in EFMD standard in comparison to AACSB standards.

Keywords: The quality of education, Accreditation, Accreditation Standard of accounting field.

JEL classification: M41, P46

DOI: 10.22051/ijar.2017.13085.1230

¹Assistant Professor of Accounting, Persian Gulf University, Bushehr, Iran (m.rezaei@pgu.ac.ir)

Qualitative Researches in Finance

Mohamad Azad¹

Received : 2017/01/10

Approved: 2017/04/26

Abstract

This paper provides an overview of qualitative research to encourage finance researchers to apply a more diverse approach to current research practices. Social science researchers recognize that research questions should determine what research paradigm is best for each study. Imagine the benefits to finance if the empirical sources of data are expanded to include what people have to say, which then allows to explore the complex reasoning behind these conversations. It is the intent of this paper to enhance current research practices in finance through the use of qualitative methods and to view this approach as an invaluable supplement or prelude to existing practices. For social science researchers, it is their duty to promote and adhere to the highest standards of practice. They must avoid the convenience of cherry picking a design for their study from various research techniques. Rather, they should allow the research questions to determine what path is best for each study.

Keywords: Qualitative research, Applied ethnography, Content Analysis, Social Constructivism, Grounded theory, Critical Change.

JEL classification: G40

DOI: 10.22051/ijar.2017.10918.1168

¹ PhD Student in Financial Management, Islamic Azad University, Center Tehran Branch, Tehran, Iran(azad-muhammad@hotmail.com)

The Importance of Industry Context in Management Accounting Practices

Hashem Valipour¹, Hashem Kavianifard²

Received : 2017/04/03

Approved: 2017/09/04

Abstract

The industry context is considered as an important factor in determining management accounting practices. The importance and use of this topic in future empirical research requires addressed in this paper. The present study, while presenting a conceptual definition of the industry context, reviews and examines its impact on management accounting practices. In most researches, this concept is used to mean the core organizational practices. The theoretical approaches in these studies mainly focused on two types of industry specifics, namely, the core organizational practices and the distinct factor of influence to each industry. In this study, the effect of these two specifics on the type of management accounting practices has been studied and the type of industry characteristics is emphasized in the reviewed researches, the effect of the industry context on the management accounting practices and the empirical approaches adopted in these studies. Based on this, opportunities for future research are suggested.

Keywords: Industry, Management accounting practices, Core organizational practice, Distinct factors of influence.

JEL classification: F14

DOI: 10.22051/ijar.2017.12234.1207

¹ Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, Firozabad Branch, Firozabad, Iran.(h.valipour@gmail.com)

²Instructor of Accounting, Islamic Azad University, Dariun Branch, Dariun, Iran, Corresponding author.(hkaviani2002@gmail.com)

Upward Earnings Management, Corporate Governance and Expense Stickiness

Razieh Alikhani ¹, Mehdi Maranjory ², Seyedeh Fatemeh Seiyedzadeh³

Received : 2017/05/29

Approved: 2017/09/04

Abstract

Expense stickiness is an important issue in accounting and economics research, and the literature has shown that expense stickiness cannot be separated from managers' motivations. In this paper, the effects of upward earning management on expense stickiness, the effect of corporate governance on expense stickiness also interaction effects of earning management and corporate governance on expense stickiness. are investigated. The study statistic sample is including 92 listed firms in Tehran stock exchange between 2010-2014. Eviews econometrics software is used to analyze information and multi variable linear regression model is used for testing of hypotheses. The results show that upward earning management and corporate governance reduce expense stickiness also interaction effects of corporate governance and earning management leads to reduce of expense stickiness.

Keywords: Upward earnings management, Corporate governance, Expense stickiness

JEL classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2017.10622.1158

¹ Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Chalous Branch, Chalous, Iran, Corresponding author,(Alikhani_r2@yahoo.com)

² Assistant Prof.essor of Accounting, Islamic Azad University, Chalous Branch, Chalous, Iran.(Mr.Maranjory@gmail.com)

³ MSc. Accounting, (F_seiyedzadeh@yahoo.com)

Investigating the Role of Implementing the Extensible Business Reporting Language (XBRL) on Improving the Quality of Financial Reporting, Increasing the Transparency of Financial Information and Reducing Information Asymmetry

Jamal Mohammadi¹, Ali Khozain²

Received : 2017/05/29

Approved: 2017/09/04

Abstract

The new financial reporting language in new era is extensible business reporting language (XBRL). This language, as a powerful tool, facilitates the efficiency and effectiveness of the financial reporting process, and improves the process of information providing and transparency in disclosure. Therefore, the present study examines the role of implementing the Extensible Business Reporting Language (XBRL) on improving the quality of financial reporting and increasing the transparency of financial information and reducing information asymmetry. The research is applied, analytical-survey method and statistical society, the independent auditors of Iranian Association of Official Accountants are statistical society. In order to obtain their views, a questionnaire was designed for three hypotheses, and 21 questions were distributed randomly among 165 members of the community, in the year 2016. Finally, 150 questionnaires were completed by sample members. Then analyzed by statistical methods (binomial test and t test). The results of the research confirmed the research hypotheses and showed that the implementation of the Extensible Business Reporting Language (XBRL) improved the quality of financial reporting, improving the transparency of financial information and reducing information asymmetry.

Keywords: Extensible Business Reporting Language (XBRL), Quality improvement, Transparency of information, Information asymmetry, Financial reporting.

JEL classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2017.16509.1328

¹Phd. Student of accounting, azad university of Ali abad katool, corresponding autor,

(mohamady_jamal@yahoo.com)

²Assistat prof. of accounting, azad university of Ali abad katool, (khozain@yahoo.com)

Impact of Stock liquidity on Earnings Management Based on Discretionary Accruals and the Actual Items

Kaveh Ghaderi¹, Salahadin Ghaderi²

Received : 2016/08/23

Approved: 2016/12/12

Abstract

Defined as managers' desire to achieve a high current stock price by inflating current earnings at the expense of long-term earnings. In this study, the relationship between Stock liquidity and earning management is discussed. In this regard, to measure earning management were used two criteria discretionary accruals and the actual items through a reduction in discretionary spending. Sampling population of the present study includes 91 accepted companies at Tehran stock exchange between period of 2005 – 2014. Method of panel-data have been used to analyzing of hypotheses. Based on the results of this study, there is a significantly negative relationship between stock liquidity and earnings management based on discretionary accruals. These results suggest that firms with higher levels of stock liquidity, are less likely to manage their earnings. Actually, these findings provide that stock liquidity discourages opportunistic earnings management, thus mitigating managerial short-termism. Also, findings showed that there is significantly relationship between stock liquidity and earnings management based on actual items.

Keywords: Discretionary accruals, Stock liquidity, Earnings management.

JEL classification: M41

DOI: 10.22051/ijar.2017.11488.1190

¹ MSc of accounting, Payame Noor University, Sanandaj, Iran, Corresponding author (Tekosh.gh@gmail.com)

² PhD Student in Accounting, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran(ghaderi.s.acc@gmail.com)

Identifying Effect of Independence of the Board of Directors on Earnings Quality in the Companies Listed in Tehran Stock Exchange

Mohsen Hassani¹

Received : 2016/12/28

Approved: 2017/05/09

Abstract

Independence of the board of directors is one important mechanism that effectively reduces agency problems according to agency theory. In fact, independent board members may have proper governance on financial reporting process. As a result, the board of directors with more independent members is more willing to increase governance, which contributes to increase quality of earnings. The present study aimed to examine whether independence of board of director affects earnings quality among the companies listed in Tehran Stock Exchange or not? This is a quasi-experimental study with post-test design in which 185 companies listed in Tehran Stock Exchange were investigated from 2008 to 2014. Multivariate regression model and panel data were used to test the proposed hypotheses. The findings indicated that independence of the board of directors has a positive effect on earnings quality. In fact, corporate mechanisms such as board independence enhance the quality of earnings in a company with informational transparency. Moreover, the results showed the direct relationship of cash flow and financial leverage with earnings quality. There was also a significant and inverse relationship between corporate size and earnings quality.

Keywords: Corporate governance, Independence of the board of directors, Corporate size, Cash flow, Non-executive managers

JEL classification: G32, G34

DOI: 10.22051/ijar.2016.10597.1156

¹ Faculty member of accounting, Payame Noor Universtiy, (mhassani2418@gmail.com)

Table of content

Identifying Effect of Independence of the Board of Directors on Earnings Quality in the Companies Listed in Tehran Stock Exchange.....	1
Mohsen Hassani	
Impact of Stock liquidity on Earnings Management Based on Discretionary Accruals and the Actual Items.....	21
Kaveh Ghaderi, Salahadin Ghaderi	
Investigating the Role of Implementing the Extensible Business Reporting Language (XBRL) on Improving the Quality of Financial Reporting, Increasing the Transparency of Financial Information and Reducing Information Asymmetry.....	41
Jamal Mohammadi, Ali Khozain	
Upward Earnings Management, Corporate Governance and Expense Stickiness.....	61
Razieh Alikhani , Mehdi Maranjory , Seyedeh Fatemeh Seiyedzadeh	
The Importance of Industry Context in Management Accounting Practices	81
Hashem Valipour, Hashem Kavianifard	
Qualitative Researches in Finance.....	97
Mohamad Azad	
Education Quality and Accreditation in Business Schools and Accounting Field.....	131
Mehdi Rezaei	
Good News, Bad News and CEO Changes and Changes in Board of Directors.....	151
Vahid Molla Imeny, Hamed Abdi	

IN THE NAME OF GOD
Quarterly Journal of Accounting Research
Autumn 2017, Vol 7, Number 26

<p>Jornal of</p> <p><i>Accounting research</i></p>	<p>Licence Holder: Alzahra University Director: Rahmani. Ali, Associate Prof. Alzahra University Editor in chief: Mashayekh. Shahnaz, Associate Prof. Alzahra University Executive Manager: Behbahaninia. Parisa saadaat, Assistant Prof. Alzahra University Editorial Board: Behbahaninia, Parisa saadaat, Assistant Prof. of Alzahra University Hejazi, Rezvan, Prof. of Alzahra University Hoseini, Seyed Ali, Assistant Prof. of Alzahra University Haghighat, Hamid, Associate Prof. of Imam Khomeini International University Khodadadi, Vali, Associate Prof. of Chamran University Khalifesoltani, seyed Ahmad, Associate Prof. of Alzahra University Kashanipour, Mohamad, Associate Prof. of Tehran University Kordestani, Gholamreza, Associate Prof. of Imam Khomeini International University Mashayekh, Shahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Mashayekhi, Bita, Associate prof. of Tehran university Mollanazari, Mahnaz, Associate Prof. of Alzahra University Mehrani, Kaveh, Associate Prof. of Tehran university Valizadeh Larijani, Azam, Assistant Prof. of Alzahra University Scientific Editor: Behbahaninia, Parisa saadaat Literally editor: Taheri, Mandana English Editor: Mostafaie, Parasto Cover Designer: Samadian, Maryam Lay out editor: Esfandi, Khadijeh Coordinator: Pakkhesal Azam, Esfandi Khadijeh Address: Alzahra University, Vanak ,Tehran - Iran. P. O Box 1993893973 Tel: (+9821) 85692421- 85692745 Fax: 88252178 Website: http://ijar.alzahra.ac.ir/ Email: jar@alzahra.ac.ir</p>